

م بانڈ یانڈ جیل

Duncan Heaster

[www.carelinks.net](http://www.carelinks.net)

Carelinks,

PO Box 152

Menai

NSW 2234

AUSTRALIA

# م باذ يانذ جيل

در نه ف ته آرامش و لذت ب ازي ابي جهت مطالعاتي راهنمايي ك  
واقعي مسيحي بيت

خدا ملكوت مورد در مطال بي : اول ق سمت

خد :1 ف صل

ا

ا فرشتگان | خدا خصوصيات و عناوين | خدا شخصيت | خدا وجود  
هليپ ر سش

خدا روح :2 ف صل

هليپ ر سش | هدايات اس ترداد | القدس روح هداي اي | الاهام | تعريف

خدا هلي وعده :3 ف صل

ب ه خدا هلي وعده | نوح ب ه خدا هلي وعده | ب ه شد تي هلي وعده | مقدمه  
هليپ ر سش | داود ب ه خدا هلي وعده | ابراهيم

مرگ و خدا :4 ف صل

داوري | رس تاخيز | است خ ف تگي مرگ | روح | جان | سانان ف طرت  
| خدا ب ر ابر در اند سان مس ئوليت | زمين؟ يا ب ه شت ب اداش مكان |  
هليپ ر سش | دوزخ

خدا ملكوت :5 ف صل

گ ذ شد ته در خدا ملكوت | نيست ملكوت زمان اي نك | ملكوت تعريف  
هليپ ر سش | هزاره | آي نده در خدا ملكوت |

ب دي و خدا :6 ف صل

هَلپ ر سش | ديو هلا | ابل لیس و شديطان | بدی و خدا

مسیح عیسی مورد در مطال بی: دوم ق سمت

مسیح منشاء: 7 ف صل

| مقدس ب اکره زایش | مسیح در باره ع تبق عهد هلی پ یش گوید ی  
هَلپ ر سش | "ب ود کلام آغاز در" | خدا ب رنامه در مسیح نقش

مسیح ف طرت: 8 ف صل

انسانیت | مسیح ف طر | مسیح و خدا ب ین هلی ت فارت | مقدمه  
هَلپ ر سش | مسیح با خدا رابطه | مسیح

مسیح سوی به ت عمید: 9 ف صل

ت عمید معنای | بشویم؟ ت عمید غسل چگونه | ت عمید حیاتی اهمیت  
هَلپ ر سش | مجدد ت عمید: انحراف | رسد ت گاری و ت عمید |

مسیح آغوش در زندگی: 10 ف صل

Published by:

Carelinks

PO Box 152

Menai Central

NSW 2234

AUSTRALIA

[www.carelinks.net](http://www.carelinks.net)

email: [info@carelinks.net](mailto:info@carelinks.net)

## خدا وجود 1-1

خدا که باشد داشته ایمان بیاید، خدا بسوی می خواهد که هر "میده پدرش هست تندی، او جس تجوی در پاك دلې با كه آنانی و به هست به كه است ی آنهایی به كمك مطالعات این از منظور. (11:6 ع بران یان) بنا بر این، "دارد وجود او كه" دارند به اور اول مرده در و آورده روی خدا نمی خدا وجود به ایمان تا بیید منظور به مدارك ارائه و بحث وارد را خود، (139:14 مزامیر) انسان بدن پیچیده ساختار مورد در تفکر. كنیم فضا عظمت به شدن خیره گل، يك درگرفته صورت آشكار طراحی به شمار ظریف هلیكته و موارد این تمام بر، بی شب يك در می نکرده بی اور را خدا وجود عدم فاسد فزندگی، مورد در دیدگری وجود به اع تقاد از بی شد تر خدا وجود عدم به اع تقاد شك بدون سازند در نهایی معنای یا هدف نظم، هیچ خدا بدون دارد ایمان به نیازی منعکس ملحد رد زندگی در شك بی حاصل خلاء و شد تهدا وجود جهان اند سازها اثر که نیست عجب اصلاً موضوع این به توجه با شود می که جوامعی در حقی - دارند اع تقاد خدا به حدی تا که نند می اع تراف است شده تبدیل مردم زندگی در غالب، خدای به گرای می مادی

پاداشی از اطمینان بیا برت رن بیروی وجود از مبهمت صورتی داشت تن اما زیادتی تفاوت شود، می دریافت او جانب از صادقانه خدمت ازای در که ما است، آمده 11:6 ع بران یان در نکته این آورد می وجود

هست (خدا) که باشد داشته ایمان بیاید "

و

"میده پدرش هست تندی، او جس تجوی در پاك دلې با كه آنانی و به

اسرائیل بی نی قوم خدا، بندگان داس تان مقدس کتاب اعظم قسمت می را خدا وجود اگر چه آنها که شده تکرار نکته این بارها است. بنده شد تندی ایمان او هلی وعده تحقق به اندازه همان به ولی پی نیرف تندی و آری در خاطر امروز پس: "گفت آنها به موسی آنها الا شأن عظیم رهبر هیچ و است زمین خدای هم و آسمانها خدای هم خداوند، که نکندید فراموش شما به امروز که راقواند بی بی شما ندارد وجود او از غیر خدای (4:39.40 تندی) "کند اطاعت میدهم

به نسد بت دروني آگاهي: ميشود اشاره نكته هين به هم ايد نجا پس  
كافي خدا سوي از ما شدن پذيرفته براي پروردگاريك وجود  
خالقي واقعاً كه باشد يم داشته نظر توافقي جدي طور ميباگر بنديست  
آگاهي مجموعه اين هدف: "كنيم اطاعت او قواني از نتيجتاً" بايد داريم،  
جسد تجوي به راس تا اين در آنهاست از پيروني نحوه و قواني اين از  
سبب كار اين كه ميبريم پي و پردازيم مي مقدس هلي كتاب در  
شود مي داو نده وجود به ما ايمان ت قويت:

(10:17 روم يان) آيدمي بوجود اندجيل مژده شدن اين ايمان ايد نحال، با

مورد در خداوند پذيرش گويي چطور كه ميدهند شان نيز 12، 9:43 اشعيا  
(13:43 اشعيا) "هستتم خدا من" كه بداند يم ما كه شود مي سبب آيد نده  
صديح كاملاً "هستتم كه آن هستتم": ميگوييد خدا كه همانگونه يعني  
در اكنون كه آبره نام به شهري به نبي پولس (3:14 خروج) است  
انجيل موعظه به هيشه ماندند او رفت است شده واقع يوزان شمال  
گفته صرفاً اينكه جاي به مردم ولي پرداخت، خداوند (ديكو هلي مژده)  
گوش (پولس نه و خدا) پذيرغام به اشد تياق با " پذيرزند، راپولس  
بديزند تا خوانند مي دقت بار آسماني كتاب روز ره و ميدانند  
از زيادي عده ترتيب اين به نه ياهست خدا كلام مطابق هلي شگفته  
سبب به آنها ايمان (12، 11:17 ر سولان اعمال) "آوردند ايمان آنان  
با انجيل در (روزانه) مرتب و (هگفته آن دنبال به) منظم جسد تجوي  
به خداوند كه ن بود چيزي حقيقي ايماني حصول پس بدد باز ذهني  
آنها به خدا كلام از خارج و قلب معنوي جراحي نوعي بانگهاني طور  
ادياي جلسه يك به ترواندمي چطور جهان مردم پس باشد كرده القا  
خارج آن از "مومن" وگذاشته قدم گراهلم بيلي نهضت ياپ نجاه عيد  
قرار كند كاش مورد مقدس بك تا حد چه تا موارد ي چنين در شوند؟  
شك بدون انجيل برپا به حقيقي ايمان يك فقدان است؟ گرفت  
روي ديگري كيش به كه افرادين از بس ياري كه است خلائي دليل  
روي دليل و يابندمي خود آيد نده مسيحي ت جارب در اند آورده  
باشدمي پروتستان حركتهاي از بس ياري بر گرداندن

جسد تجوي جهت چهارچوبي ساختن فراهم، مطالعاتي دوره اين هدف  
مي شما آوردن ايمان در نتيجه و شما خودت وسط مقدس كتابهاي منظم  
بين ارتباط به انجيل هلي موعظه در اوقات از بس ياري باشد  
است شده اشاره حقيقي ايماني داشته ت و واقعي انجيل شدن اين

بدتعم غسل و آوردند ايمان مسيح به قرن تساهلي از بس ياري  
(8:18 ر سولان اعمال) بگرفتند

ر سولان اعمال) "آوردند ای مان آن به و شدن پند را انجیل پی یغام" مردم  
15:7)

اول). "آوردید ای مان آن به نیز شما و کردیم اعلام شما به را انجیل ما"  
15:11) قرن تیان

منظور در حال یک، (8:11 لوقا) خداست کلام بزگ، تم ثیل در "نریه"  
از مذکور ای مان مشاهده، (17:6 لوقا) می باشد ای مان ل، خرد درخت از  
" صدیح تعلیم و ای مان کلام "، (10:8 روم بیان) " ای مان کلام " پی نیرش  
کلام و خدا به ای مان پی نیرای که دل پی درون از (4:6 تیموتائوس اول)  
می گنیردن شأت (4:2 ع بران بیان - 2:2 غلاط بیان) اوست

ای نچنین مولای مان ندگی زهلی ننگاشد ته مورد در حواری پی ودنای  
پی ودنا) " پی یورید ای مان شاید تاگفت را راستی او" که می گوید  
گفته (17:17 پی ودنا) " راستی " خدا کلام به ترتیب بدین و (19:35)  
پی یوریم ای مان شاید تا شود، می

## خدا شخصیت 1-2

و واقعی شخصیک شکل به خدا وجود بر مبنی انجیل شهادت  
باشد می عظمت با و شکوهند بسیار است، جسم دارای که فیزیکی  
نکه که این بر دال مسیحیت عقیدتی مبنای هچنین موضوع این  
دارای مادی موجودیک خداوند اگر خداست پی سر عیسی که می باشد  
دقیق مظهر " که باشد داشته پی سری که است غیر ممکن نباشد، (جسم  
فقط "خداوند" اگر به علاوه، (1:3 ع بران بیان) باشد " او شخص  
فضا ارتفاعات خلاء در روح جنس از موجودی بوده ما ذهن در مفهومی  
می مشکل " خداوند " با شخصی و زنده رابطه یک برقراری باشد،  
غیر و غیر واقعی ذهن پی تی دارای ادیان اکثر که موضوع این شود  
است انگیز غم بسیار هستند خدا از فیزیکی

که است درک قابل رو این از و است بزگتر ما از اندازه پی خدا  
بر مبنی خدا شفاف و واضح هلی وعده پی نیرفتن از مردم از بسیاری  
اسرائیل بنی قوم و رزندی امتناع دید خواهیم را او نهایتاً این که  
این و (5:37 پی ودنا) ندانت را خداوند " شکل " دیدن جهت کاف پی ای مان  
فیزیکی ل شکل یک خداوند که است این نشانگر و صوح به گفته  
او کلام داشت بر اور و خداوند شناخت از ایمانی چنین دارد واقعی  
می گنیرد منشاء

(5:8 م تي) "ديد خواهند را خداوند زي را پاك دلان، خوشايد حال"

و ديد خواهند را او روي و كرد، خواهند پرسش را او خدا خدمت گزاران  
"ب و د خواهند و شده شان پيشاني روي (3:12 مكا شده - خدا نام) او نام  
(22:3،4 مكا شده).

تاثير باشد يم داشته ايمان حقيقتاً آن به اگر شدگفتي، اين انتظار  
داشت خواهان زندگي در عميق عملي

و پاك دلي و بر يدي سر صفا و صلح در مردم به با تا بگوشيد  
خداوندن باشد يم، مقدس و پاك تا زي را باشد يم، داشته مقدسي زندگي  
(12:14 ع بران يان) "ديدن خواهيد را

در ميخوريد، قسم آسمان به وقتي و "كه چرا بخوريم قسم نبايد  
قسم است نشده ته تخت بر كه خدا خود به و خدا تخت به واقع  
باشد، نداشته جسماني وجودي خداوند اگر (23:22 م تي). ميخوريد  
شود مي معني بي كاملاً آيه اين

دارد ايمان حقيقت اين به كه ره ديد خواهيم هست كه هانگونه را او  
ي و حنا اول) "است پاك نيز مسيح كه زي را بماند، پاك تا ميكوشد  
(3:2،3)

باولي است ناقص بسيدار زندگي اين در آسمان يمان پدراز مادرك  
مي زندگي، اين پيچيده درهم تاريكي آن سوي به داشته تن چشم  
خداوندكي فيبزي مشاهده باشد يم او ديدار انتظار و اميد در توانيم  
كه ب و داي نگونه ب و د خواه هراه او از بالاتري ذهني درك با قطعاً  
ميد برد، سر به انساني رنج و درد اعماق در حال يكه در "اي وب"  
با آخر روز در كه خداوند با شخصي كاملاً ايرابه طه وعده از ت و انست  
آيد و جد به كند، تجربه كامل طور به ب و د

من ايدد خواهم را خدا بسوسد، هم من بدن هاي نك از بعد تي ميدانم  
(19:26،27 اي وب) "ديد خواهم را او چشمانم اين با خود

زندفرياد پريشاني و درد از مملوديدگر زندگي از "نبي پولس" و

را چيزه روزي اما است، مبهم و تارت صوتري ميدينيم، آنچه  
(13:12 قرن تيان اول) "ديد خواهيم روشن و واضح



اساسي فضاھلي كه است كه ليدې خداوند، از صديحي درك شتندا  
 كندمي باز ان سان روي به را انجيل ته عمليات از ديگري به سيار  
 برداشت يك شود، مي ديگر دروغي به منجر دروغي يك كه هانطور ولي  
 ك تابهائي توسط كه را حقيقي تي سديست نيز خداوند از نادرست  
 قانع به خشن اين كه مع تقديد اگر . سازدمي م بهم شودمي ارائه مقدس  
 "آيدمي پيش سوال اين، است كه زنده قانع حدي تا حدي يا ك زنده  
 عمليات در بيش ترا ك نون" شناسيد؟ مي را خداوند واقعا يا  
 كرد خواهيم كاوش او در باره انجيل

### خدا خصوصيات و عناوين 1-3

رتدي وي كه كه نيم فكري است منطقي باشد، داشته وجود خدايي اگر  
 داريم اعتراف ما به گويد سخن ما براي خودش از بتواند تا باشد کرده  
 كه داريم باور و شودمي آشكار ان سان براي انجيل در خداوند كه  
 از كه است دليل اين به اند شده فاش انجيل در خداوند خصوصيات  
 خدا كلام (1:23 پطرس اول) است شده ياد او "ذريه" عنوان به خدا كلام  
 كه كندمي خلق ما درون را جديدي موجود و گذاشته تاثير ما ذهن در  
 (5:17 قرن تيان دوم و 1:18 يعقوب) است خداوند خصوصيات داراي  
 آن عمليات از و كنيم عمل خدا كلام به بيشتر هرچه بناپراين  
 (8:29 روميان) " او پسر تصوير مطابق " بيشتر بريم، بهره  
 خدا عيني تصوير صدييات، خصوصيات از خداوند پسر شد خواهيم  
 مقدس كتاب تاريخي هلي قسنت مطالعه ارزش (1:15 كولس يان) بود  
 مقدس كتاب تاريخي هلي داستان در است نهفته كه اين در  
 خصوصيات و شده داده شرح به ارهامل و افرا در با خداوند بخورد  
 است يكسان هواره بخورده اين اصلي

اطلاعاتي يا او او خصوصيات لامعموم فرديك نام عبري، زبان در  
 واضح مثال چنند. كردمي منعكس راوي درمورد

خواهنگ ناهنگشان از را خود قوم او زي را - "منجي" = "عيسي"  
 (1:21 متي). رهندي

بسيار قومهاي در راتومن - "كثيري جمعيتي پدر" = "ابراهيم"  
 (17:5 پيدايش) "ميسازم"

در زیادی اطلاعات خداوند نامهایی و عناوین که رود می اند تظار رو از این و اهداف که چرا دارد نام یک از بیش خداوند در واقع دهند ارائه او مورد مطالعه حال هر به است بسد یاری هلی جن به دارای وی خصوصیات احساس و درک چرا که می شود، پیش نهادت عمید از پس خداوند نام دقیق که است چیزی شده اب راز وی عنوان در که آنطور خدا خصوصیات جهت این به یابد ادامه مولای مان آغوش در ما زندگی طول تمام در یابد کرد تا لقی مقدمه یک زیادی حد تا با ی در زیر م تون که است.

و بر می بسر خود زندگی از سختی بسد یار دوره در موسی که زمانی ت تقوی منظور به خداوند بسد بت تری عمیق شناخت جس تجوی در خدای من» فرمود و داد نداد را خدا مقدس نام " ای فرشته بود، خود ای مان امین خدای پراحسان، و دیر خشم خدای مهربان، و رحیم خدای توهست تم، راگناه ولی می بخشم، راگناه و خطا و می کنم رحمت ن فرهار به که کرد تا لقی مقدمه یک زیادی حد تا با ی در زیر م تون که است.

خصوصیات خداوند نامهایی که کند می ثابت روشنی به موضوع این که کند می ثابت خصوصیات چنین دانش تن و شود می شامل را او بتواند روح جنس از وجودی که استدلالی چنین است شخص یک خدا یافت قابل نیز از سانهادر که باشد، دانشته را خصوصیات چنین معناست بی است.

شناخته نام آن به را او مردمش که کرده اند تخاب را خاص نام یک خداوند و خلق بر راب در وی هدف از ای خلاصه نام این باشدند دانشته یابد به و از سانهاست پیدایش.

به یابد آنها مورد در خداوند هدف و بدند برده مصر در اسرئیل بی آنها به را خداوند نام که شدگفته موسی به میرسدیدگ و دشان سد فر کرده ترک را مصر که شود ادایج ای انگیزه آنها در تا بگوید نیز ما (10:1) قرن تیان اول) کذند آغاز را موعود سرزمین سوی به اصول خداوند ملکوت سوی به خود سد فر شروع و تعمید از ق بل یابد یک نیم درک را خداوند نام به مربوط اولیه.

که آن هس تم " یعنی یوه، او نام که گفت اسرئیل بی نی به خداوند خواهم که بود خواهم هانی من " ک نیم ترجمه تر صدیح اگریا " هس تم خداوند": شدداده شرح کمی نام این سد پس است (3:13.15 خروج) " بود خدای یعنی (یوه) خداوند یگواسرئیل بی نی به فرمود موسی به و است من جاودانه نام این ... یعقوب و اسحاق اب راهیم، خدای شما، اجداد (3:15 خروج). شناخت خواهند نام این به امر نسلها تمام

است " خداوند " خدا کامل نام به ناب رای ن

ترجمه هنگام به ما و بده ع بری زبان به ع تبق عهد اعظم ق سمت  
از به س یاری ناگ زیر "خدا" به رای شده به رده کار به ع بری کلمات  
به که ع بری معمول کلمات از ی کی. ک نیم می حذف را جزئیات  
"مق تدران" به عنی که است "الوهیم" شود می ترجمه "خدا" از گ ل ی سی  
یاد به ع نوان آن به را او می خواهد که نامی خدا، "یاد ب ود" به ناب رای ن  
است نام این به ا ش می، داش ته

الوهیم به هوه

به عنی

شد خواهد ظاهر مق تدران جمع در آن که

در خود وجودی ذات و خصوصیات نمودن آشکار خدا هدف به ناب رای ن  
از به رخی خدا، کلام از اطاعت به ما است مردم از زرگی بی ب گ روه  
به س یار حد در خدا پس ک نیم می ای جاد خود درون را او خصوصیات  
از به یش گوی ی خدا نام اما. شود می ظاهر دن یا این واق عی مومنان در کمی  
خصوصیات نظر از هم که به ود خواهد مردمی از پر زم بین که به وده زمانی  
به خواهیم اگر. (1:4 پطرس دوم) می با شدند او نمان ط به یعت نظر از هم و  
در اب دت او باشد می، ناپ نیر ف ناخدا مان ندوب پیوندم خدا هدف به  
کار این راه به پیوندم او نام به به ب ای د ک نیم، زندگی اخلاقی کمال  
به دین. (28:19 متی) الوهیم به هوه به عنی است، نام این به به شدن تعمید  
می (27:3-29 غلاط یان) اب راهیم ("ذریه") نوادگان به به هچ نین و س یله  
کردند دریافت را زم بین اب دی وراثت وعده که نوادگان ی پیوندم،  
("الوهیم") "مق تدران" گ روه هان آنها. (4:13 روم یان و 17:8 پیدایش)  
در مس ذله این دهند می تحق خدا نام پی یش گوی ی به که هس تند  
است شده داده شرح به یش تر 3-4 فصل

## ف رشد تگان 1-4

در ایم، داده قرار به ررسی مورد ف صل این در حال به تا که آنچه تمام  
شود می جمع ف رشد تگان به ررسی:

ف یزی کی اشخاصی

خداوند نام حامل

که ند می اجرا را خود اراده آنان طریق از خداوند روح که اب زاری

خداوند خصوصیات و هدف با مطابق

خداوند نمایانگر نتیجتاً و

که ع بری کلمات تری ن معمول از ی که ی که ردیم ک عنوان 1-3 فصل در  
به در واقع که است "الوهیم" شود می ترجمه "خدا" از گلا یسی به  
می حمل را خدا نام که را "مق تدران" این به شد می "مق تدران" معنای  
آنها نامیدن یز "خدا" او با شان نزدیک یی سبب به ت وان می ک نند  
هستند فرشتگان

که است این از حاکمی پیدایش ک تاب اول به اب در جهان خلق ماجرای  
" شد انجام و " کرد، صادر خلق مورد در دستورات ی خداوند  
کردند می اجرا را فرمانها این فرشتگان

تا هست تید خداوند فرمان به گوش که توانا فرشتگان هه ای"  
(103:20 مزامیر) "نمایید اجرا را دستوراتش

"خدا" ت وسط جهان خلق مورد در که هذ گامی که است منطقی به نا پراین  
ت وسط در واقع کار که ک نیم برداشت طور این ک نیم، می مطالعه  
است موضوع این مؤید دن یز 4:38-7 ایوب است شده انجام فرشتگان  
پیدایش ک تاب اول به اب در که را خلق و قایع که است مناسب اکون  
ک نیم به بیان خلاصه طور به است، شده داده شرح

(3 آیه) " شد رو شنای ی و «ب شود رو شنای ی» دف رمو خدا" ی ک روز

در آسمان تا شوند جدا هم از به خار هلیت وده» ف رمود خدا س پس " دور  
(6،7 آیه) " شد چنین و ...» شوند ت شک یل پایین در اقیانوسها و بالا

تا شوند جمع ی کجا آسمان زیر آب های» ف رمود خدا آن از پس " سه روز  
(9 یه) " شد چنین و «آید پدیدد خشکی

و «... باشدند درخشانی اجسام آسمان در» ف رمود خدا س پس " چهار روز  
(14،15 آیه) " شد چنین

و ... شوندد پر رزنده موجودات از آبها: فرمود خدا سد پس پ نج روز  
بدين را موجودات تمام خدا و... درآيد ندب صدا آسمان برف راز پ رندگان  
". شد چنين" يعني (21، 20 آيه). آفريدت رت بيب

و اهلي ديوانات و... جانوران انواع زمين،»: فرمود خدا سد پس " شش روز  
(24 آيه). شد چنين و... «آورد ب وجود را خزندگان و وحشي

را انسان»: فرمود خدا سرانجام". شد خلق دشمن روز هان در انسان  
آيه اين مورد در 1-2 فصل در (1:26 پيدایش) "ب سازيم خود شد بيه  
اي نجادر "خدا" که کزيم اشاره تهنك اين به است لازم اما. داديم نظر  
را انسان " فرمايديم چرا که ندارد، اشاره خداوند شخص خود به فقط  
يك از بيش به "خداوند" که ميدهندشان بپان اين و "کزيم خلق  
"الوهيم" عبري که لمه ترجمه "خداوند" که لمه اي نجادر. دارد اشاره شخص  
که مسئله اين. دارد هاشار فرشته تگان به که است "مقتدران" معني به  
آنها که معناست بدين اند کرده خلق خود تصوير از ما فرشته تگان  
آنها ب ناپراين باشند ما ظاهر هاند جسماني ظاهري داراي بپايدنيز  
خدا ط بيعت هان که هستند حقيقي و ف يزيكي و جسماني موجوداتي  
باشند مي دارا را

ساختار جهت به شخص چگونه "ط بيعت" از منظور اي نجادر  
حکم که لمه معنای دارد، وجود "ط بيعت" دو انجيل در است او ف يزيكي  
ذيست ممکن واحد آن در مذکور ط بيعت دو هاداشتن که کند مي

("الهي ط بيعت") خداوند ط بيعت

90:2 مزامير به رجوع 6:23 و 9:14 روميان (کمال) کنگ ناهت و اندزمي  
1:13 ي عقيب و 5:48 متي

(6:16 تيموتاؤوس اول) جاودانگي يعني ب پذيرد، ف ناهت و اندزمي

(40:28 اشعيا) اندرزي و نپرواز سرشار

ب عدا که است ط بيعتي و است فرشته تگان و خداوند ط بيعت اين  
مکاشفه و 13:34 رسولان اعمال) است شده داده او به مسيح رسد تاخيز  
شده داده وعده ما به که است ط بيعتي هان اين. (1:3 عبرانان و 1:18  
(31 و آيه 40:28 اشعيا و 1:4 پطرس دوم و 20:35، 36 لوقا) است

از سان ط بیعت

گناه به را او (23:7-21 مرقس و 17:9 ارمیا) فاسد ط بیعی ذهنی یک  
(13:1-15 بیع قوب) کند می و سوسه

اول و (5:12، 17 رومیان) ف ناپذیری معنی است، مرگ به محکوم  
(15:22 قرن تیان)

قدرت (10:23 ارمیا) ذهنی نظر از هم و (40:30 اشعیا) انی جسم نظر از هم  
دارد محدودی بسیار

باشد می بدو خوب از اعم از سانها، هه ط بیعت مذکور، ط بیعت  
است ط بیعتی هان این. (6:23 رومیان) است مرگ ط بیعت این پایدان  
و (14:2-18 عبران) بدو دارا خود اند سانی زندگی طول در مسیح که  
(10:18 مرقس و 2:25 یوحنا و 8:3 رومیان)

از تواند می: است م بهم نسبتاً زب ان این در "ط بیعت" لغت متاسد فاده  
بزرگ وار ط بیعتی یوحنا" که نیم است فاده جمله این در که لمه این  
مورد در اوقات بعضی ولی. نیست او ط بیعت در پستی دارد،  
بیعت ط از ناشی موضوع این لاد که ند، می فخر احساس اتوم بدیش  
"ط بیعت" که لمه برای ما که نیست کاربرد این اما. "او است انسانی  
داریم نظر در مقالات مجموعه این در

فرشتگان ظاهر

و گناه از عاری باید بد نابراین و بده خداوند ط بیعت از فرشتگان  
رومیان) دارد دن بال به را مرگ گناه که ایم دیده باشند، ناپذیر فنا  
دل این به باشد جسمانی و فیزیکی نوع از بایدها وجود. (6:23)  
انسانهای شکل به کردند، ظهور زمین در فرشتگان وقت که است  
ببندد معمولی

او به را خداوند کلام تا آمدند اب راهیم نزد فرشتگان -  
آنان با اب تدار اب راهیم و اند شده تو صدیف "مرد سه" آنها برسانند  
ای" بدو گنده بدین آنها ظاهر از بر کرد رف تاران سان سه ماند  
درخت این سایه زیر در کرده، توقف اندکی می کند تمنا سروران  
".آورمی آب شما پاهای شد تن برای و میروم من. که نید است ترحمت  
(18:4 پیدایش)

رف. تندل و طنزد سدوم شهر به سد پس فرشتگان آن از تن دو -  
 عادي مرداني هان که کردند صور سدوم مردم و لوط نيز به بار اين  
 را شب که کرد دعوت آنها از لوط و "آمدند سدوم به فرشته دو". هس تند  
 ل حني به او آمدند او خانه به سدوم مردان اما به گذرانند او منزل در  
 "هس تند؟ کجا آمدند تو و نزد امشب که مرداني" پرسيدند آميز تهديد  
 "مردان" نوانع به آنها از. "نکندت جاوز مردان آن به": کرد خواهش لوط  
 لوط و "آوردند پيش رادس تان شان (فرشته تگان) مردان": است شده ياد  
 به راي را ما پروردگار ... گف تندل و ط به مردان و". دادند نجات را  
 (13،12،10،8،5،1:19 پيدایش) "است فرسد تاده سدوم کردن نابود

کندمي تايدنيز وقايع اين مورد در جديد عهد هلي نوشده  
 غري به با که نکند پراموش": بدودندان سان شکل به ان فرشته تگ که  
 به راي) به عضي زيرا که نيد، پذيرايي اي شان از و باشيد مهربان ها  
 از باشنده، متوجه خودشان که آن بي کار، اين به با (لوط و ابراهيم مثال  
 (2:13 ع برانين) "اندکرده پذيرايي هلفرشته

کشتي به يگانه مردی به ارا شب تمام به عقيب  
 به وده فرشته يک او که شدگفته ما به بعداً و (24:32 پيدایش) ف تگر  
 (4:12 يوشع) است

در که نندهخيره و درخشان ل با سهاي به اوش سدفيد مرد دو  
 اعمال) مسيح معراج محل در آنها (24:4 لوقا) شدند ظاهر اي شان مقابل  
 به و دند فرشته آنها که است واضح باشد تند حضور (10:1 رسولان

مرد، يک اندازه": شودمي به رداشت نيز آيه اين از عمومواين  
 (17:21 مکاشفه) "فرشته يک اندازه به عني

کندندمي گناه فرشته تگان

ديده نيس تندفناي ذير نتيجتاً و به وده خداوند ط بيعت از فرشته تگان  
 آنها که گرفت نتيجه توانمي پس است گناه عاقبت ف ناکه ايم  
 ترجمه "فرشته ته" که ع بري و نبي و نااصلي کلمات کندندمي گناه  
 خدمت به اوران پيام فرشته تگان هس تند "آور پيام" معنای به اند شده  
 اي نکهت صور به نابراين و کندمي اطاعت او از به وده، خداوندگزاران  
 "فرشته ته" که "آجلوس" يوناني که لمه است غيرممکن کندنگناه  
 "آور پيام" رفته کار به ان سانها مورد در که هنگامي شود، مي ترجمه  
 اوران پيام و (10:11 متي) دهنده تعميدي حبي مثل است، شده ترجمه

راحاب مراقب که مردانی و (9:52 لوقا) مسیح آوران پیام، (7:24 لوقا) که زمانی، "فرشته تگان" که است ممکن البته و. (2:25 یعقوب) بودند پیام از سانهایی مورد در "آجلوس" یونانی که لاهان یعنی لفظ این بر اشاراتی چنین هفت واقع در پس بک زندگی ناه رود، می بکار آور باشد می هس تند، ان سان که آوران پیام گناه

فقط نه) فرشته تگان تمامی که ده می نشان و ضوح به زیر متون همین به و آنها ست ط بیعت این هس تند، خداوند مطیع (آنها از بعضی بک زندگی ناه نمی تواند جهت

آنجا از و است داده قرار آسمانها در را خود فرمانروایی تخت خداوند در خداوند بر رابر در طغیان یعنی) می کند حکمرانی موجودات همه بر فرمان به گمش که ت و انا فرشته تگان همه ای. (زیست ممکن آسمان ای بک نید ستایش را او نماید، اجرا را دستوراتش تا هس تید خداوند سد پاس را او خداوند، متگزاران خدای آسمانی، نیروهای همه (19:103-21 مزامیر) بگوید

آسمانی، لشکرهای همه ای ک نید، ستایش را خداوند فرشته تگان، همه ای" (2:148 مزامیر) بک نید ستایش را او

و کمک برای و هس تند، خدمت گزار روحیایی فقط هس فرشته تمامی" مای اندک شوند می فرستاده (آوردنگ ان ای مان) ک سانی از مراقبت (14، 13:1 ع بران یان) "نمایند دریافت را الهی نجات

یک که دست ته دوبه فرشته تگان که ده می نشان "تمامی" که لاه تکرار درک اهیت اندن شده تقسیم باشند گناهکار دیدگری و پاک دست ته بری بهره مؤمنین پاداش که است این در فرشته تگان ط بیعت صحیح است مهمی نکته این. (36، 35:20 لوقا) است ط بیعت هان از قادر فرشته تگان اگر (16:2 ع بران یان) می برد نمی هوگ ز فرشته تگان بازگشت زمان در پاداش لایق که آنانی پس باشند، کردن گناه به از وید خواهند گناه به قادر نیز شوند می داده تشخیص مسیح پناپ راین (23:6 روم یان) دارند بال به را مرگ گناه دانیم می که آنجا باشد، ممکن کسی برای گناه اگر بداشت نخواهند جاودانه زندگی آنها که حرف این گفتن پس است پذیر امکان او برای نیز مردن زندگی بر مبنی خداوند وعده هس تند کردن گناه به قادر فرشته تگان از بری بهره مای پاداش دیدیم که چرا می کند، معنای بی جاودانه (36، 35:20 لوقا) "فرشته تگان" به اشاره است فرشته تگان ط بیعت



تقسیم گناهکار یا پاك گروهي به فرشتگان که میدهد نشان دارد و وجود فرشته گروهي که آنها را اندن شده بديني

در عادلانه اقدام در خداوند باشند گناه به قادر فرشتگان اگر کرده ماعلا او دانيم که چرا مانند مي نانو و ان دنيا امور و مازندگي خداوند. (19:103-21 مزامير) که ندمي عمل فرشتگان و وسط که است روح طريقت از کارها که معنا اين به " کرده روح به تبديل " را آنها مزامير) دهد مي انجام شود، مي اعمال فرشتگان و وسط که خود (قدرت) غير ممکن خداوند از فرشتگان فرمان برداري عدم بنابر اين. (4:104 و زمين در خداوند ملکوت است تقرار براي هر روزه بايد مسيحيان است. نيز زمين در فرمان است حکم آسمان در که هانگونه الهي اراده اين که ناچار خداوند فرشتگان اگر. (10:6 متي) که نند دعا شود، فرمان حکم اراده بگيرند، قرار گناهکار فرشتگان برادر آسمان در بد و نذ در وضعيت هين نتيجتاً و شود اجرا کامل طور به توانست ندمي الهي که دنيايي در اديت گزاندن بدي و صادق نيز خداوند آينده ملکوت جذاب ي نماي دور باشد اطاعت و گناه بين هيشگي جنگ جبهه نديست اين طور که البته صد اما نديست.

## ؟ ... ولي

نيز فرشتگان که دارند عقيدۀ " مسيحيان " الهي فرقه از بسدياري فرشتگان که باورند اين بر آنها هس تند کردن گناه به قادر مي زمين روي مشكلات و گناهن مسئول که دارند وجود گناهکاري بحث مورد بيشتر (6 فصل در راشد تباه برداشت اين ما باشند بک نيمي اک ت فايزر شرح به نکته چند ذکر به فعلاً داد خواهيم

اول باب در که خلقتي يعني ما، خلقت از قبل که است ممکن - ممکن هچنين باشد بده ديگري خلقت شده، ذکر پيدایش کتاب وضعيت مشابه وضعيتي در زماني فعلي فرشتگان که است و نديکي " به نسبت زندگي آن از بده زندگي اين در مافعلي از برخي که امکان اين باشند کرده پيدا آگهي (5:3 پيدایش) " بدي قابل باشند، کرده گناه کردند مي زندگي زمان آن در که وداتي موج برخي که هس تند فرضاياتي فقط تماماً اينها ولي نديست انکار که را آنچه انجيل اما شوندمي بين مبالغه با انسانها و وسط اوقات مي اذعان و گويد مي ما به بداند يم فعلي وضعيت به راجع است لازم کاملاً فرشتگان تمامي ندارد وجود اهکاري گن فرشته هيچ که دارد هس تند خداوند مطيع

مي خداوند که چرا ندارند وجود آسمان در گناهکار موجودات -  
 ح ب قوق) "ب نگرده گناه به که است آن از تر پ لک تو و چشمان" فرماید  
 که نپس تي خدایي تو و "بگ وید مي 5:4،5 مزامیر راستا هین در (1:13)  
 دیدن تحمل تو و ک نی تحمل را شرارت و بداری دوست را گناه  
 توسط شرارت تحمل عدم منظور که (5:4،5 مزامیر)" بداری را متکبران  
 فرشتگان که عقیده این است آسمان در بدی عینی وی منزل در خداوند  
 مخالف کاملاً باشند کرده طغیان خداوند بد را در آسمان در گناهکاری  
 است ه آیه این ذات بد

پایام معنای به شود می ترجمه "فرشته" که یونانی کلمه  
 داشته اشاره نیز از سانهها به تو و اند می دیدیم که هانطور است "آور  
 کند گناه تو و اند می ال به ته "آور پایام" از سانهایی باشد

هلی جنبه تمام مورد در که گناهکاری و شرور موجودات وجود  
 الحاد در ایچر بسیار عقاید از یکی باشند مسئول زندگی منافی  
 که شده مکاتبی وارد کریسمس مورد در ملحدان عقاید که هانطور است  
 وجود پیرامون ملحدان عقاید از دست ته این دانند، می "مسیحی" را خود  
 اند شده وارد مکاتب بدعضی به نیز گناهکار و شرور موجودات

عقیده مؤید نظر به تفاهم سوء اثر در که اندجیل از آیاتی  
 شمار از گشت باشند، حاضر عصر در گناهکار شدت گان فر وجود  
 توسط که "ابلیس جسد تجوی در" کتاب در مذکور موارد است  
 نباید اما اندگرفته قرار بر رسی مورد است تهیه قابل ناشیرین  
 غنی تعلیمات ناقض غلط، تفسیر با آیاتی چندین که داد اجازه  
 بدگیزند قرار اندجیل

## هلی ر سش: 1 فصل

کرد؟ خواهد تو قویت بدیشتر خداوند به را ما یمانا چه یزی چه 1-

کل یسا به رف تن - الف

دعا با هراه اندجیل مطالعه - ب

مسیدیان با کردن صحت - ج

ط بیعت مشاهده - د

2- خداوند از تعریف تریین صدیح زیر تعاریف از کدام یک است؟

دارد وجود ما ذهن در که ای اندی شه صرفاً - الف

ف ضادر وجر جنس از موجودی - ب

ندارد وجود خدای بی - ج

حقیقی و مادی شخص یک - د

3- خدا آیا

است واحد - الف

است ثلاث - ب

است غالب یک در خدا چندین - ج

نیست تعریف قابل وجه هیچ به - د

4- کلمه این معنای است، "الوهیم یوه" خدا اسماء از یکی چیست؟

بود خواهد که او - الف

شد خواهد ظاهر دران مقت جمع در که او - ب

الشان عظیم - ج

قدرت - د

5- معناست؟ چه به "فرشته" کلمه -

انسان هاندند - الف

ب مال داراي - ب

آور پ ڀام - ج

ڀاور - د

ڪ نند؟ گ ناه ت وان ندمي فر شت تگن آيا - 6

ب له - الف

خير - ب

## خدا روح: 2 فصل

### تعریف: خدا روح 1-2

و احساسات داراي پس است حقیقی و فیزیکی شخص یک خدا احساساتش و هواسدته نحوی به که رومی اندتظار و بده عواطفی بیا که طریق قی به و گداشته در میان فرزندانش، یعنی ما، بارای تمامی خداوند که دخالت مازندگی در است سازگار او خصوصیات شناخت خواستار اگر میدهد انجام خود "روح" طریق از کارها این روح" که بداند ایم است لازم باشد ایم، او با پویا ای رابطه داشته تن و خدا که ند می عمل چگونگی و چیست "خداوند

اگر مثال عنوان به نیست آسان "روح" کلمه معنای دقیق تعریف که کنیدنظر اظهار اینطور است ممکن بر روی دعروسی جشن یک به چنین از اشم منظور "بود؟ حکم فرما آنجا در خوبی بسیار رودیه" جشن هلی جنبه تمام و بده برقرار خوبی جو که است این حرفی بده، خوب غذا بدهند، پوشیده لباس خوبی به هده بدم ثبت شده زی با عروس کردند، می صدمت یکدیگر بامدبت با حاضرین غیره و بده.

روح دهندمی تشکیل را جشن "رودیه" مخ تلف جوانب این هه مجموعه عهد در که بری کلمه او است مخ تلف جوانب مجموعه نوعی به نیز خدا "قدرت" یا "انفس" معنای به لغت در است، شده ترجمه "روح" عتیق و بده خداوند ذات دقیقاً یعنی، "انفس" خداوند روح بنابر این است مثال، چند اراده با 3-4 فصل در می باشد او ذهن کننده منعکس بررسی را فریدیک ذهن یا خلق به هه اشار هنگام "روح" کلمه کاربرد روح که دریافت واضح بطور می توان روم بیان 15:19 آیه از که نیم می "خداوند روح قدرت" بنادار اشاره او عریان نیروی به فقط خداوند

اعمالش در انسان ت فکر که است این اندجیل مشهودت عملیات از یک می مؤید خود کردار نپیرامو مانند شیدن، (23:7 متی) یابدمی روز را آن سپس و کنیم می فکری عملی در باره بده خواهد موضوع این است هینطور نیز خداوند روح بزرگتر، مقیاسی در دهیم می انجام و خلق خود، وجود ذات آن طریق از خداوند که است قدرت ی خداوند روح اما نچرا کاری سپس و کرده فکری خداوند می سازد نمایان را خود هدف

"شد خواهد واقع یه قین به امکرده تقدیر و نموده اراده آنچه": بده می  
(14:24 اشعیا).

## خداوند قدرت

می شناخته او قدرت با وضوح به خداوند روح آیات از بسیاری در  
تاریک هلیت وده روی خدا روح "جهان، آفرینش جهت مثال طور به . شود  
روشنایی و «بشود روشنایی»: فرمود خدا بگردمی حرکت آب بخار  
(1:2.3 پیدایش) ". شد

آورد وجود به رانور، منجمله چیز، هه که به و قدرت ی خداوند روح  
هلاک را تیزرو مار او دست و ده می زیانت را آسمانها او روح"  
دستور او آمد به وجود آسمانها خداوند فرمان به ". (26:13 ایوب) "میکنند  
بنا بر این (33:6 مزامیر) "آمدند جود و ستارگان و ماه و خورشید و داد  
است آمده زیرت عاریف خداوند روح تو و صیف در

## او نفس

## او کلام

## او دست

پس یابدمی دست چیز هه به خود قدرت طریق از خداوند بنا بر این  
اینکار و (1:13 یوحنا) شوند می متولد دوباره خداوند اراده به مؤمنین  
طریق از خداوند اراده (3:3.5 یوحنا) و دش می انجام خداوند روح طریق از  
اما "که خوانیم می طبعیت کامل خلق با رابطه در می گردد اجرا او روح  
طراوت زمین به و می شوند زنده به خشی، می جان مخلوقات به که زمانه ی  
تنها نه قدرت، عبارتی به یا و روح این (104:30 مزامیر) "بخشند می  
به اسناد با باشد می نیز آنها هه به قاء عامل به لکه چیز هه خالق  
کنیم فکر اگر ایم شده است تباها این دچار سادگی به تعریف این  
یابدمی ادامه خداوند روح فعال دخالت بدون اندک یزغم زندگی این  
این از که مردی هان ایوب، به دیدگری پیام براموضوع همین  
نفس و روح که ندک اراده خدا اگر": شدی بادآور به و، شده به یزار زندگی  
به او و ماند می باقی او در زندگی از اثری به گیرد، اندسان از خود  
(14:15 ایوب) "بگردمی به از خاک

جهان تمام و ما به خداوند جاذب از که روحی که دید خواهیم 3-4 فصل در  
"زندگی روح نفس" ما باست زندگی به قای مایه است، شده داده خلقت

خداوند سوي از تولد هذگام که (7:22 پيدایش) داریم خود درون در را تعریف این پس (2:7 پيدایش و 104:30 مزامیر) است شده هیده ما به و (27:16 اعداد) میده او به را "بشراف رادت مامي روحهاي خدای" لقب بوده خلقت جهان بقاء سدب و حیات نیروی خداوند (12:9) عبران بیان دست حقیقت این به داود دارد حضور جا هه در او روح جهت همین به و هراهش رفت، می او که هجا به دائماً خود روح طریق از خداوند که یافت داود ذهنی و تفکر زوایای هه از خود قدرت یا و روح طریق از و بود از ولی دارد، حضور آسمان در شخصاً چه اگر خداوند پس بود مطلع است حاضر جا هه در خود روح طریق

پوشیده و از من فکری آگاهی من برخاستن و نشدتن از تو و "بالهای بر اگر بگریزم؟ می توانم کجا به تو و حضور از... نیست حضور نیز آن جادوگر، پرواز دریاهای سویی به و شوم سوار سحر مزامیر) "کرد خواهی هدایت مرا خود دست نیروی با و داری (139:2.7.9.10) .

## لقدس روح

دارد و سیدعی مفهوم خداوند روح که است داده نشان ما به بر رسی این به خداوند که است قدرتی همچون و بوده او ذهنی و خلق خداوند روح خود دل در اندسان هچه" کند می مبدل عمل به را خود افکار آن واسطه خداوند ترتیب همین به و (23:7 امثال) "است همان نیز خود کند، فخر خویش روح همان خداوند که معنی این به است خداوند افکار همان نیز یک عنوان به خداوند که نیست معنای دان این اما (4:24 یوحنا) است خداوند روح و سیدعی مفهوم بر رسی در ال به ته ندارد وجود شخص بدرم بخوریم "القدس روح" اصطلاح به اوقات بعضی

در شود می یافت جدید عهد در فقط تقریباً "القدس روح" اصطلاح است، گرتفته قرار اسد فاده مورد باره "مقدس روح" اصطلاح انجیل نشان و وضوح به جدید هلی نسخه که هانطور صدیح ترجمه ولی روح" اصطلاحات معادل اصطلاح این است "القدس روح" هان میدهند، ابب از موضوع این است عتیق عهد در "پروردگار روح" یا "خداوند بر القدس روح شدن جاری که رسولان اعمال 2 باب ماند هلی بدگردد می اسد تن باط کاملاً میده، شرح را پنج روز در حواریون نبی، یوئل پیشگویی در واقع این که است داده تو صدیح پطرس اعمال) بود شده و صف داده، شرح را "خداوند روح" شدن جاری که روح از سرشار که در حالی مسیح نیز و قال 4:1 آیه در (2:17 رسولان مسیح آیات همان ادامه در میگردد باز اردن از است، بوده "القدس

به ود آمده اشعيا 61 آيه پيشه گويي در واقع اين كه شود مي يادآور  
به سيار موارد در و) مورد دو هو در. "است من هراه به خداوندگار روح"  
ع تيق عهد در " خداوند روح" لاح صط همان معادل ال قدس روح (دي گري  
است.

خداوند قدرت معادل زير آيات در ال قدس روح كه ك نيد ت وجه ال به ته  
است شده داده قرار

سايه ت و ب ر خدا قدرت و شد خواهد نازل (مريم) ت و ب ر ال قدس روح"  
1:35 لوقا) اف كند خواهد

"خدا روح قدرت و هلد شانه... ال قدس روح قدرت به ا"  
15:13.19 روم يان)

"ال قدس روح در و قدرت، در... فر رس تاديم را (انجيل) به شارته هاي مان"  
1:5 ت سالوند يك يان اول)

است فاده آيه اين از مي توان حواريه ون به ال قدس روح وعده به يان در  
24:49 لوقا) ك ند مجهز به الا از الهي قدرت به ا را شما": كرد

"م يداد ش فا و قدرت و ال قدس روح به ا" ن يز مسيح خود  
10:38 ر سولان).

خود هلي موعظه ت آي يد جهت خداوند قدرت ناپذير اند كار ظواهر از پ و لاس  
خدا قدرت و روح از اين شانه ... سخنانم و پ يام": است کرده است فاده  
2:4) قرن ت يان اول). به ود

## 2-2 الهمام

شده انجام اعمال با كه او خلق و ت فكر قدرت، به ا را خداوند روح ما  
در هچن بين. ايم کرده ت تعريف گ رنده، مي نمايان ن دخداو روح ت و سط  
او روح": كرديم ا اشاره خ لقت هذ گام خداوند روح عمل كرد به ق بل به خش  
ت اريك هلي ت وده روي خداوند روح. (26:13 اي وب) "م يده زير نت را آسمانها  
1:2) پ يدايش) آيد ب وجود حاضر موجودات ت ام يكرد حركت آب به خار  
خلق "خداوند گ فته به" دن يا كه خواند يم مي ن يز دي گري جاي در ولي



که است آغازین هلی آیه موضوع این از دید گری مثال و (33:6 مزامیر) شد  
 به نابراین. شدای نظور و شود خلق آن که "گفت خدا" شود می گفته  
 هانطور - است منعکس او کلام و گفته در زیادی حد تا خداوند روح  
 ما درونی افکار و هواسه ته زیادی دقت با ما هلی گفته که  
 این به خرمدندی با مسیح بکندمی بیان را (ما واقعی شخصیت)  
 متی) "اوست باطن دهنده شان انسان سخنان" بکندمی اشاره موضوع  
 اول بیاید با شمیم مسلط خود هلی برگفته به خواهیم اگر پس (12:34)  
 بازتاب خداوند کلام به نابراین بکنیم تلاش خود افکار تغیر در  
 مکتوب شکل به اندجیل در خداوند کلام داشتند و اوست، روح یاراف کا  
 معجزه در خداوند است بزگی به رکت خداوند، روح یا ذهن درک جهت  
 واژه بگرداست فاده الهام از کتب کلام شکل به خود روح بیان  
 می ریشه (spirit) روح کلمه از (inspiration) الهام انگلیسی  
 گبرد.

می فروددمیدن معنی به "الهام" دمیدن، یا "فسن" یعنی روح  
 "الهام" تحت که کلماتی که است معنی بدین موضوع این باشد  
 است به وده خداوند روح کلام است، شده نشود ته انسانها و وسط خداوند  
 با اش آشنائی ندهد اجازه که کندمی یا ادوری تیموتائوس به پلاس  
 که کند فراموش ارانگ بزشگفت نکته این شود سبب اندجیل  
 صحیح شناخت جهت که راه آنچه نتیجتاً و به وده خداوند روح کلام اندجیل  
 بگنارد می ما اختیاری در باشدیم، داشت ته نیاز خداوند

به که تاب این ایگرفته فرارامقدس کتابت کودکی از نیز خودت"  
 ایمان راه از نجات به یافتن دست که بدانی تباخشد یده حکمت و  
 خدارا مقدس کتابلهی قسمت تمام واقع در است پذیران امک مسیح به  
 زیرا می باشد، مفید به بسیار ما برای جهت این از است فرموده الهام  
 می قرار سرزنش مورد را نادرست اعمال آموزده می ما به را راست کار هلی  
 می هدایت خدا پندانه زندگی به سوی را ما و کنده می اصلاح و ده  
 هه به تا سازدمی مجهز و آماده جهت هر از را ما کلامش به وسیله خدا نماید  
 (3:15,17 تیموتائوس دوم) "نماییم نیکي"

در الهام تحت نگار شهای که جامع شناخت سطح این به ته وجه با  
 دادن نشان جهت "درونی نور" نوعی به نیازی گنارد، می ما اختیاری  
 و تجارب از مردم که ایم شدند به بسیار چه اما بداریم خداوند حقیقت  
 می یاد خداوند شناخت جهت مذبعی عنوان به خود شخصی احساسات  
 خداوند الهام تحت نگارش به داشتند تن ایمان و پذیرفته تن اگر کند؟  
 به نیازی ده، ارائه افرا به مسیحی زندگی بیک جهت کافی شناخت  
 باشد، نیازی چنین اگر بداریم زندگی ایمان در دیگر صلاحیت هیچ

اما است پس ولس وعده خلاف این که است نه بوده کاف بی او نذخدا کلام پس که باشدیم داشت ته باور و بگ ییریم خود دستان در را انجیل که این قوم بر خورد دارد والا ایمانی به نیاز است خداوند روح کلام واقعاً کنجکاو و علاقه نوعی با هراه خداوند کلام با اسرئیل بی نی نیز امروزه "مسیدیان" از س یاری بی بر خورد و است بده عقلا نی ع بران یان 2:4 آیه مورد در دقت به بایده ماهه پس است چنی نینگ ویدمی که بی یندی شیم

سرزمین وعده اسرئیل قوم به موسی، زمان در خدا که هانگونه زیر را" می که است داده را خوش خبر این ما به نی نیز حاضر زمان در داد، را موعود به نی فعی اسرئیل، قوم به خدا وعده اما بخشدب نجات را ما خواهد "ن یاور دند ایمان آن به و ن کردند باور آدان زیر را نرساند، ای شان

او به که خداوند روح یا کلام قدرت به کامل ایمان حصول جای به ان سان معنوی میان بریک که گ یرد می پیش را تری جذاب راه شود، می اراده ناشی رنج و درد ت جربه جای به که دکن می اسد تدلال ای نگونه با است شکل به خداوند کلام از اطاعت جهت در ان سان زندگی ت غیری از دلها یمان بر خداوند روح راستین گ ذاری تا آن تیجه که آگاهانه خداوند مقبول را ما و شد خواهد نازل بر ما صلاح نیرویی روزی است، ساخت خواهد

خداوند کلام در که عظیمی نی معنوی نیرویی پذیرش به میلی بی این که را امر این "مسیدیان" از بس یاری که است شده سبب است نهفته پرسش مورد باشد، شده نگارش خداوند الهام تحت واقعاً کتاب تمام انجیل در که مطالبی از بس یاری که است این بر نظر آنها دهند قرار اما است نه فرزا و عاقل پیر مردانی شخصی نظریات کنیمی مطالعه کند می رد را ناقص و مبهم اسد تدلال این خوبی به پطرس

و دیده چشم به اند، گفته اند بیاء که را آنچه ما که کنید ملاحظه پس" نوشد ته به اگر نیز شما دارد حقیقت آنان گفته تار که ایم کرده ثابت می خوبی بس یار کار نمایید، توجه بی شد تری دقت با ای شان هلی از آسمانی، کتاب هلی پیشگوی از هیچ یک که بداند ایدار این... کنید مردان این وجود در القدس روح بلکه نکرده، تراوش ان بیاء خود فر کر بازگ و تا کرد می عطا ای شان به را حقیقت و گرفت می قرار خدا (19:1-21 پطرس دوم) "نمایند

الهام تحت انجیل که باشدیم داشت ته باور که است این تر مهم هه از است شده نوشد ته

## انجيل كاتا بان

خداوند الهام تحت كاملاً انجيل كاتا بهاي كه اين به قاطع اعتراف كاملاً اندنوشده را انجيل كه مرداني است ضروري اند شده نگارش شد مك توب كه آنچه نتيجه در بده خداوند روح الهام و تاثير تحت شامل و (17:17 وحنايي) بده حقيقيت خداوند كلام بن بود آنان خود كلام هين به و (3:16.17) تيموتاوس دوم) باشدمي نيز ملامت و تادي ب نداشتن آن شدن بدن به اي علاقه مردم از بسدياري كه است طبعي علت دل بده پيام برارميا باشد دردناك مي تواند حقيقيت كه چرا باشد به و شد روبرو بسدياري مخالفت با خداوند الهام تحت گفتن سخن جايي شود، مي الهام او به كه را كلامي گرفت تصميم دل بيل هين خداوند كلام نوشدن كه آنجا از اما بكنندت بلايغ و نكرده ثبت القدس روح تاثير تحت" او بده، انساني ميل نه و الهي اراده نتيجه صبح و ام شده مردم مسخره من". نداشت مورد اين در اي چاره و "كرد عمل رات و كلام نخواهم اگر رديگر طرف از... بنندمي من به هه شب تا مثل من دل درت و كلام آنگاه بگويم، سخن توجانب از و كنم اعلام نمي و سوزاندمي را اس تخوانهايم مغز تا كه ميشود و شعله آتش، (20:7.9) ارميا) "بگيرم آرام تو و انم

گرفتند، مي قرار الهام مورد كامل نه و نسي طور به افرادين اگر آنها آنچه اگر نداشتن تيم دس ترسي خداوند روح حقيقيت كلام به ما بايد كه شود مي گرفت نتيجه باشد، خداوند كلام واقعاً اندنوشده باشند، گرفت ته قرار كامل الهام مورد و خداوند روح كنترل تحت كاملاً باشدمي خداوند كلام خلاص طور به كار حاصل صورت اين غير در مابه اوست، به متعلق كامل طور به خداوند كلام كه امر اين نيز رشپ آزموده توكلام" بده مي آن از اطاعت و مطالعه جهت بيشد تري انگيزه (119:140 مزامير) "دارم دوست را آنچه قدر است، پاك و شده

الهام خداوند روح توسط بده خداوند اثر انجيل كاتا بهاي بنابر اين صحت نپسندند انساني ادبيات حاصل انجيل يك تابه اند، شده عتيق عهد هلي نوشده به جديد عهد كه موارد ب رسي در موضوع است نمايان كند، مي اشاره

است شده نوشده پيام بران طريق از " چگونه اين كه از متي 2:5 آيه است نوشده را خود كلام آنان طريق از خداوند بگويد مي سخن "

رسولان اعمال) "...کرد پدیشد گوی الی قدس روح طریق زان بی داود"  
(3:7) عبران یان و مزامیر آیات از پطرس قول و نقل ای نجا در 1:16  
شود می داده شرح .

اهیت قدیم مسیحیان بر رای انجیل انسانی کات بان جهت بدین  
خداوند روح الهام تحت آنان کلام آنکه نمود می مهم آنچه. نداشتند زیادی  
شدمی نوشتند .

خداوند کلام قدرت

قدرت به به لکه داشتند، اشاره او ذهن پیاو خلق به به نهانه خداوند روح  
روح کلام که رومی اند نظار نتیجتاً دارد اشاره نیز او افکار بیان  
باشند و بیای قدرت دارایی و نبوده او ذهن اظهارت فقط خداوند

بیسازد آن اجرائی به مشد تاق را ما بای قدرت این عظمت صدیح درک  
در احکام این اجرائی بار ابطه در شرمندگی یا خجالت احساس هوگ و نه  
لازم قدرت ما به خداوند کلام از اطاعت که مطلب این از ما آگاهی برار  
رستگاری سویی به پدیشروی و زندگی کوچک مسائل از گریز جهت  
مورد این در بسدیاری تجربه با پدولس . شومی بر طرف میدهند،  
است نوشتند :

خداست قدرت چون ک نم، می اف تخار مسیح عیسی انجیل به من زیر را "  
(1:16 رومیان) "بیاورند ایمان که کسانیتام نجات بر رای

خدا بر رای زیر را" : کندی اشاره موضوع همین به نیز لوقا 1:37 آیه  
" این دست محال کاری هیچ

پویاست فرایندی زندگی ایمان در آن گپری کار به و انجیل مطالعه  
هچنین و خدا شناسان علمی و خشک بر خورد به فرایندی نای  
طور به را آیه چند که کلساها از بسدیاری "گنران خوش" مسیحیت  
بر کارگپری یا آیات این درک جهت تلاشی ولی کرده، نقل مختصر  
زنده و بدانند خدا کلام " ندارد شد باهتی کنند، نمی زندگی در آنان  
به وقت پیغام، این " (3:1، 12:4 عبران یان) " او نبرومند کلام " . است  
تسالونیکیان اول " . کندی دگرگون را شما زندگی آوردید، ایمان آن  
بر روز ساعات تمام در فعال طور به خود کلام طریق از خداوند . (2:13)  
گذارد می تأثیر واقع مؤمنان ذهن

قدرت آموزید، می‌اندازد اصل‌ی پر نام عنوان به آنچه بناید رایان  
تأثیر زندگی پتان در دهید، اجازه آن به اگر است، خداوند واقعی  
خداوند ذهن یا و روح بکنند تبدیل خداوند فرزند به را شما و گذاشته  
جهت در تغیر بر رای را شما و کرده نمایان شما زندگی در حدی تا را  
شود، می‌نمایان مسیح بزنگشت هنگام که خداوند معنوی طبعیت  
و روح نمایان جهت در" پو لاس هلی موعظه (1:4 پطرس دوم) سازد می‌آماده  
(2:4 قرن تیان اول) بود "قدرت

هستند، مسیح به تعهد مدعی این که با ما اطراف بیان از بسازی  
طور به آنها دارند خداوند کلام عنوان به اندازیل به ناقص این مانی  
عنوان به را اولی دارند، اع تقد خداوند به که کند می‌ادعا مشابهی  
زمان کامل الهام وجود اندکار با پذیرند می‌حقیقی شخص یک  
ما، شخصی احساسات و عقاید بر آن مطلق تسلط و اندازیل نگارش  
هلیگفته رابطه این در کند می‌انکار را خداوند قدرت واقع در آنها  
افراد ظاهر به" بگوید می‌که آید می‌ذهن به تیموتائوس دوم 3:5 آیه  
خواهند این مانی الهی قدرت هب نسبت باطن در ولی مؤمن،  
است اندازیل کلام قدرت همان الهی قدرت از منظور" بود

خواهید نمی" گپرد می‌قرار جهان تمسخر مورد ما بنیادگی رای  
در موضوع همین ولی، ("بکنید؟ می‌فکر اینطور واقعاً که بگویند  
که دانمی‌ب خوبی من" بود صادق نیز او که شدیشان و پو لاس مورد  
رسد می‌ب نظر احمقانه چقدر روند، می‌هلاکت بسوی که انی آن بر رای  
فد را خود جان صلیب روی بر مسیح عیسی که شنود می‌وقتی  
می‌پیش نجات راه در که ما بر رای اما بخشد نجات را انسان تا کرد  
"خداست قدرت نشانه پریغام این روی،"

(1:18 قرن تیان اول).

نمی‌آید مطالب این تمام داشت تن دیاب به با که است مطرح سوال این حال  
با و بگپریم دست در بید شد تراحت ترا می‌با را اندازیل توانیم  
دهیم؟ قرار مطالعه مورد آن، از اطاعت و درک جهت بید شد تراش تیاقی

خداوند کلام با خدا خلق بر خورد طرز

تنها نه اندازیل کات بان که دهد می‌نشان اندازیل کتابهای دقیق مطالعه  
کات بان سایر مورد در بکه هستند، الهام تحت که بودند پذیرفته  
این بر رجسته مثال مسیح مولایمان باشد تندرنا نظر همین نیز اندازیل  
این کرد، قول نقل را داود مزامیر آیات مسیح که هنگامی است موضوع

م تي) " ... داود در روح " : کرد اضافه مذکور آیات آغاز به را که لمات الهام تحت داود هلي گفته که داشت ان اذع تر تيب بدين او . (22:43) است گفته سخن نيز موسي " مک توبات " از مسيح است شده بپان که تب شخصاً موسي او اع تقاد به که داده نشان و (5:45.47 يودنا) رده " اصطلاح به مسيد بيان . است نوشد ته را ع تيق عهد پ نجگانه به مسيح نظر ولي اذد ، ب رده سؤال زير را موسي نوشد تن سواد " ب الا فرمان " را موسي مک توبات او . است ب وده اين از غير واضح طور از عاري شدکاکان از دسه نه هان . (7:8.9 مرقس) است ناميده " خداوند است ، ب وده اف سانه ع تيق عهد از بسدياري که ک نذمي ادعا صداقت هذگام مسيح . ندا شد نذ نظري چنين پ ولس و مسيح در حال يکه پذيرف ته تاريخي واقعه يك عنوان به انرا سباء ملکه از صحت قصه ، مطابق " : است نگفته او . (12:42 م تي) است کرده ياد شده ، " ... سباء ملکه

آنها ببارز مثال ي ودمسح نظر بامشابه نيز حواريون ب ر خورد مسيح کلام شنيدن از اش شخصي تجربه گويدمي که است پ طرس گرفت ته قرار " تر عقاط هلي پذير شد گويي " الا شعاعت تحت خودگوش با ساير ر هان نذ نيز پ ولس هلي نامه که ب وده عقیده اين بر پ طرس است در معمولاً اصطلاح اين و است ب وده مقدس ک تابی " مقدس ک تابهائي هلي نامه پ طرس ب ناب راين ... رودمي ب کار ع تيق عهد هلي نوشد ته مورد ميدانست معتبر و موثق ع تيق عهد اندازه به را پ ولس

ب ارها مکاشفه و جديد عهد هلي نامه ر سولان ، اعمال آیات از ري بسيدار م تي و 13:51 ر سولان اعمال مثلاً) است شده اشاره ع تيق عهد ک تب به يك الهام تحت آنان هگي نهانه که ده مي نشان موضوع اين و (10:14) از نيز ع تيق عهد هلي نوشد ته حتي ب لکه اذد ، شده نوشد ته واحد روح اول در پ ولس . اذد شده مک توب الهام تحت جديد دهع کات بان ديد لوقا و (ع تيق عهد در) 25:4 ت نذ به آيه هودواز 5:18 تيموتاوس ت کيه نکه ته اين بر پ ولس ب نذمي ياد " مقدس ک تاب " عنوان به 10:7 غلاطيان) خودش سوي از نه و است مسيح سوي از پ يامش که ک نذمي اين به نيز ديد گر حواريون . (3:15 11:23 2:13 قرن تيان اول و 1:11.12 آيه در پ ولس هلي گفته از 4:5 ي ع قوب آيه و اذد داشت اذعان موضوع ب نذمي ياد " مقدس ک تاب " عنوان به 5:17 غلاطيان

ن يازي ب ناب راين ، " است کرده صحت " ما بامسح طري ق از خداوند شودمي ديده . (1:2 ع بران بيان) ن يست ديد گري (آشکار سازي) هيچ به موجود اکون که ديد گري الهام از ناشي هلي نوشد ته به اندجیل که

ناتان، هلي نو شد ته يا شر، ک تاب مثلاً) .ک ندمي اشاره نيز نيسد تند اين از حاكي يودنا، سوم رساله و کريدنث، به خطاب پ ولس الينجان، از دي وترفيس که نو شد ته ک لپسا به نامد فوظ اي نامه يودنا که است نمانده مد فوظ ما ب راي هلنو شد ته اين چرا .(است دهکر خودداري آن اطاعت مي ب ناب راين .ن بودند مان ياز مورد هلنو شد ته اين که است واضح اند؟ مد فوظ است، لازم ما ب راي که را آنچه خداوند که باشد يم مطمئن ت و ان يم است داشت ته ن گه .

به تدریج به نيز جديد عهد ک تابهاي که شود مي ادعا اوقات ب رخي حقيقت اين ولي اند شده پ ذيرف ته الهام از ناشي هليو شد تهن عنوان ادعا اين دانستند مي الهام از ناشي را ي کدي گمر مک توبات حواريون که آميز معجزه اي هديه ب صورت خداوند روح اي نبار .ک ندمي رد را هليو نو شد ته و هلنامه سدقم و صحت ب ررسي امکان که ک ندمي خود نمايي اول) آورد فرامهر را اند شده مک توب الهام تحت شد مي ادعا که ب ود بدين که ته اين .(2:2 مکاشفه و 4:1 يودنا اول و 14:37 قرن تيان . شدند مي داده ت شخيص ب لاف اصله الهام از ناشي هلي نامه که معناست ان سازي ان تخاب نوعي است، شده انجیل وارد که مطالبي ان تخاب اگر نداشت اع تباري هيچ مقدس ک تاب ب ود، مي هدايت ب دون و

## ال قدس روح هداي اي 2-3

خود قدرت از است فاده جهت ان سازها به مخ تل في زمانهاي در خداوند هوگ زاخ تيارات ت حويل اين ولا يکن .است داده وکالت ("ال قدس روح") کرده قادر را آنها که نيست اي نظرون بوده "سفيد چک" يك شکل به هواره ال قدس روح از است فاده دهند ان جام دارند ميل که هوکاري که باشد هدف به دست يابي از پس که است گ رفته صورت خاصي منظور جهت داشت ته ياد به باي د شدمي گ رفته تپس ب از ال قدس روح هديه نظر مورد مي عمل خداوند ذهي اهداف پيش برد جهت در خداوند روح که باشد يم براي را مدت امکوت رنج و درد موارد از بس پاري در خداوند اهداف .نمايد فصل به) داندمي مجاز مدت ب لند اهداف به يابي دست جهت ان سازها، ال قدس روح که است ب يني پيش قابل ب ناب راين ،(ک نيد مراجعه 6-1 .ک ندمي عمل زندگي اين در ان سازي رنج و درد کاهش جهت در الزاماً منظور به خداوند روح سوي از ادتمالي ت سکين و کمک هوگ ونه پس ب باشد مي ما به خداوند خاص ب يان عالي تر، في ه

مسجد بیت رایج هلی فرقه فعلی عقیده مخالف و ضوح به دیدگاه این به اعتراف که کندی القا یطور آنها باشد میال قدس روح مورد در که بیماریها درمان مثل دنیا، این در آن فواید سبب به مسجد به است ارزشمندگ برده، می صورت ال قدس روح تو وسط شود میگفته اوگاندامانندستیز و جنگ محل ک شور هلی در که است دل هیلین روح از بیماریها درمان تو ان که کندی ادعا مردم از بس یاری تعداد معمولاً ادعاهلی چنن که ده می نشان تاریخ و شده هدیه آنها به ال قدس این است بدو بس یارب شری نیاز مندیهای و مشکلات با هزمان تسخیر از حاکمی ادعاهلی صحت در کردن شك جهت نهایی به موضوع ای تجربه دنیا به کسی اگر است کافی الهی روح تو وسط شدن چنن به یارب دست ادعای باشد، بشری فعلی وضعیت از فراتر است ساده شرایطی.

خداوند روح سویی از که کندی ادعا امروزه "مسجد بیان" از بس یاری است تعداد دقیق هدف که هنگامی ولی اند، کرده دریافت معجزه ان تو همراه ای ملاحظه تردید قابل با آنان پاسخ شود، می پرسیده آنها الهی و خاص اهداف به دست یابی جهت وی جانب از هواره خداوند روح است واقعاً که اف رادی که است دل هیلین به است شده فرستاده معین این کاربرد بدو ذده، کرده دریافت خداوند روح از یی است تعداد چنن در آنان موفقیت هوگ زنتیجه درودانستعمی دقیقاً را است تعداد تجربه اما است نبوده ناقص یا نسی است تعداد این از است فاده مدعی امروزه که اف رادی تو وسط ناقص درمانهای و بس یارب هلی شکست کندی ثابت را این خلاف هستند درمان الهی است تعداد از برخوردار

اعطای برای معینی دلایل و اهداف وجود از حاکمی هگی زیرمناهایی صاحبان موارد این از یک هیچ در باشند می الهی است تعداد هلی از است فاده به قادر هوگ زون بوده هدف بی الهی است تعداد هلی روح به راجع که آنجا از اندن بوده خود دل خواه شکل به خود است تعداد هلی این از انسان مسد تقیم است فاده امکان کنیم، می صحت خداوند اف راد بعضی به قدرت این که است واضح نیست درک قابل قدرت این که نه و کند عمل خداوند معین هلی خواسته بر خیی به تا شده اعطای بگردد بهره آن از خود امیال جهت در است تعداد این موقت صاحبان (40:13 ارمیا).

داده فرمان آنها به اسراندیل، بنی تاریخ آغازین هلی دوره در -  
 اشدید بگر و عهد صدنوق نگهداری جهت ("مرقد") مجهز چادری که شد  
 تمام ساخت نحوه و شد داده مفصلی دستورات بسازند مقدس  
 شد داده شرح کاملاً بدو، نیاز مورد خداوند پرسش برای که اشدیادی



چند بدن به را خود روح هف این به دس تیابی ورم نظ به خداوند  
امداده زندگی در مهارت و اسد تعداد که "کسانی به فرستادان سان  
(28:3 خروج) "کند تهمیه را هرون لباسهای به دس تور

ساخته پر خود روح از را" نیل بصل نام به مردان آن از یکی -  
(خروج) "است سد تادا صنع تی هو و جواهر سازی خراطی کار در او ام.  
31:3).

فرستاده قدرت و روح از بخشی که دارد می اظهار اعداد 17-11:14 آیه  
اسرائیل بنی قوم بزگان به و شدگرفته او از موسی براری شده  
کند قضاوت عادلانه و بررسی را مردم شکایات بتوانند تا شد داده  
الهی هدیه این نماید. حمل را کمتری کاری فرشار موسی نتیجه در و  
نیز او تا شد منقل و شع به او از موسی مرگ از قبل ای لحظه  
(34:9 تذیه) کند هایت بایدمی که آنطور را خدا بندگان بتواند

زمان تا خود سرزمین به ورود زمان از اسرائیل بنی قوم -  
دور که مردانی حاکمیت تحت، (شاول) پادشاهشان اول بین حکومت  
مورد بارها آنها زمانی، دوره این در کردند می زندگی شدند، می نامیده  
میدهند نشان داوران کتاب اما ند، گرفته قرار دشمنان شان ستم و ظلم  
طور به تا شد فرستاده داورها از بعضی بدن به خداوند روح که  
عتن - دهد نجات دشمنان تجاوز از اسرائیل بنی قوم آمیزی معجزه  
نمونه (11:29 داوران) یفتاح و (6:34 داوران) نجدعو، (3:10 داوران) نیل  
هستند مورد این از هلی

کشد تن جهت نیز سامسون نام به دیگری داور به الهی روح -  
کردن پاره و (14:19 داوران) مرد 30 کشد تن، (14:5.6 داوران) شیریک  
روح". شدا عطا نیز (15:14 داوران) بود شده بسدته آن با که طنابهای  
به دس تیابی منظور به بلکه نماذ باقی سامسون جسم در "القدس  
شد بازگرفته سپس و شده فرستاده او بدن به معین اهدافی

بکار بردن توانایی و اسد تعداد که دهد می نشان و ضوح به فوق موارد  
نزیست زیر معانی از یک هیچ به معین هدفی جهت خداوند روح

- رسد تگاری تضمین

- بماند باقی خصش عمر پاییان تا که چیزی

- آنهاست درون که آمیز اسرار نیرویی

ب. بیاید دست " شخصی تجر به " یک راه از که چ بزی -

هدایای و الهی است تعداد هلی مورد در زیادی هلی ابهام که است ذکر به لازم  
"ال قدس روح دریافت" مدعی مردم از بسد یاری دارد وجود ال قدس روح  
ف کرد که آنانی نزد شیشک ک لیساه از بسد یاری در و اندب وده  
می سر را " الهی هدایای دریافت" وعده آواز هس تند، " مسیح پذیرش"  
کدام که است این گ برد قرار تا ک یدمورد بسد یاری که پرسشی اما بده  
است تعداد هلی چه دارای که داند نمی دقیقاً آنسان که نیست شکی هدایا؟  
شددها شیری یک ک شد تن ت و انبایی و است تعداد سامسون به است  
می دقیقاً شد رو ب رو ک نان غرش شیری یک با که زمانی او، (14:5.6 داوران)  
قطعاً بگ رفت قرار اخ ت یارش در منظور چه به الهی روح که دانست  
امروزه که اف راد از بسد یاری مورد در اما نداشت وجود او ذهن در شکی  
لعم هیچ انجام به قادر اما هس تند، ال قدس روح هدایای دریافت مدعی  
شده داده آنها به است تعدادی و هیله چه که دانند نمی و باشند، نمی خاصی  
است متفاوت کاملاً وضع است.

اول قرن اعطای الهی هدایای دلایل

به جهان سراسر به آنان عزیز مت حواریون به مسیح فرمان آخرین  
این به نیز آنها. (16:15.16 مرقس) ب و دمقدس ک تاب موعظه منظور  
خود پیام اصلی محور را مسیح رسد تاخیز و مرگ و رندک عمل فرمان  
آنچنان جدید عهد زمان، آن در که باشد یاد شده به ولی بداند قرار  
بازارها در آنها که دانست. نداشت وجود میشناسیم، را آن امروزه که  
می تعریف ب و د وزارت الهی که مسیح نام به مردی از هاک نپسه و  
ب نی قوم از جاری دانست. رسید می نظر به بعج احتمالاً کردند،  
پیشگوی دقیق تحقق را ستای در ب وده، کمال دارای که اسرائیل  
اکنون و گرفتار رسد تاخیز مورد سپس و سپرده جان عتیق عهد  
کندند بال را او راه و شده تعمیر که خواهد می آنان از

هلی آیین و ب امکات نهادن ب نادر سعی بسد یاری اف راد روزها آن در  
میشد ثابت دنیا به شکلی به بسد یاری دن تیجه در نمودن می مخ تلف  
گروه یک فلسفه و ب وده خداوند شخص جاذب از مسیحیان پیام که  
نست اسرائیل شمال از ماهیگیر

نوشته از خداست، پیامهان پیامان که امر این اثبات جهت امروزه ما  
آن در اما بگ بیری می کمک مسیح آیین و اعمال مورد در جدید عهد هلی  
داد اجازه واعظین به خداوند بود، موجود و مک توب جدید عهد که روزها  
کمک ال قدس روح از هلی شانگفته ته صحت و حقیقت بر تا ک بد جهت

چشم مقابل در الهی هدایای از است فاده معین دل بیل و هدف بیگ برزد  
 ت قویت جدید عهدک ت بی ن سخ ف قدان بی و دم س نله همین جهاندیان  
 راه کرد می روبرو مشکل بانیز را مؤمنین از جدیدی هلی دس ته ایمان  
 وجود آمدی پیش آن جمع در که متعددی عملی مشکلات بر رای حلی  
 ایمان شان ت قویت جهت آن ار شاد بر رای کمی بیس یار مراجع و نداشت  
 در اله قدس روح هدایای الذکر ف وق دلایل به به بی و دس ترس در مسیح به  
 پیامهای الهام باو گرفت ته قرار مؤمنین از دس ته اول بین اخ ت یار  
 در مسیح تعلیمات و پیامها این ای نکه تا شد فرس تاده آن بر رای  
 شد مذ تشر و مک توب جدید عهد

: شدند بیان فراوان وضوح با اله قدس روح اعطا دلایل ال سابع ق ف ی کما

یاهدا مردم به به ازگشت، آسمان به ظ فرمانده (مسیح) او وق تی" -  
 ایمانداران که به خشدید ما به هدف این بار ا هدایا این مسیح... به خشدید  
 بی شرفت باعث و ک نند خدمت را او به تر بی توان نند تا شوند مجهز  
 "بیرسد لازم کمال و رشد به ک لیس او گ ردد او بدن یعنی ک لیس  
 (4:8.12 اف سد سیان)

بسیار زی را" بنوشت رم مؤمنین به ای نامه نیز بی ولس  
 بر خوردار خدا بر کات از را شما بی توانم تا هس تم دارت ان دی مش تاق  
 (1:11 رومیان). شوم ایمان تان ت قویت باعث و سازم

مقدس ک تاب ن صایح ت ای بد جهت الهی اس تعداد هلی از است فاده مورد در  
 که است آمده:

وکلمات را آن نمودیم، اعلام شما به را انجیل پیغام که زمانی"  
 گوش آن به به بسیار علاقه با اب لکه شد تید، ن پندا معنی بی سخنانی  
 (1:5.6 قرن تیان اول 1:5 ت سالوند یک یان اول) "دادید فر را

قرار ای و سدیله مرا مسیح" که گ فتم می سخن این از بی ولس  
 رفتاری انجیل، پیام با من خدا بی سویی یهودیان غیبر هدایت بر رای داده  
 را شان ای هس تند، خدا جاذب از هلی ن شان که معجزاتی و شاید س ته  
 (15:18.19 رومیان) "نمودم هدایت خدا بی سویی

علامت، بانیز خدا" که است آمده مقدس ک تاب ن صایح مورد در  
 اله قدس روح که عطایای بی و گ و ناگون معجزات انجیل، شد گ فت کار هلی بی  
 "کردن تابت را ای شان کلام صحت به خشدید، می خود اراده مطابق  
 (2:4 ع بران یان)

ق برسر در مقدس ک تاب واعظین از یی شد ت ی بان به معجزاتی -  
قدرت از دید، را این فرماندار وقت ی "نتیجه در که گرفت صورت  
(13:12 ر سولان اعمال)". آورد ایمان و شد متدیر خدا پ یام

مورد آیین به او که شد سبب گرفت ته صورت معجزات ب نابراین  
ایشان به خداوند "نیز قویه در ب گذارد زیدادی اح ترام ت علم  
ر سولان اعمال)". دهند انجام آورد یرت و بزگ معجزاتی تا داد قدرت  
(14:3)

طور به دین، ت بل یغ و موعظه فرمان از حواری ون اطاعت به اشاره در  
به را انجیل پیغام رفت، ته، جاهه به شاگردان "که است آمده خلاصه  
عطا که معجزاتی با و کردمی کار ایشان با نیز خداوند ر ساندند همه  
(16:20 مرقس). کردمی ثابت را ایشان پیغام نمود، می

معین زمانهای در معین کارهای

هدایای که گرفت نتیجه ت وان می فوق شد تهدات مجموعه از حال هو به  
اند شده اعطا معین زمانهای در معین کارهای انجام جهت الهی  
تا که به وده دائمی ای تجربه معجزه الهی هدیه که ادعای این ب نابراین  
پطرس، منجم له حواری ون، . شومدی رد یابد، می دوام شخص عمر پ ایان  
روح از سرشار "مسیح معراج از پس کوتاهی مدت و پ نگاه جشن در  
جهت آنها که ب ودا این الهی هدیه (2:4 ر سولان اعمال) ب وندد "ال قدس  
به ت کلم به قادر شکوهند ای گ و نه به مسیحیت مقدس ک تاب موعظه  
در سعی حکومتی مأمورین که هذنگامی. وندب خارجی زیدانهای  
"ب ودا قدس روح از سرشار که پطرس" داشتند، آنان دستگ پری  
اعمال) کند قانع را آنان خود پسخ با شد موق الهی هدیه ب و س پله  
به که ساخت قادر را آنان الهی هدیه زندان از آزادی از پس (4:8 ر سولان  
جرات با را خدا پیغام و شدند پرسال قدروح از آنان". دهند ادامه موعظه  
(4:31 ر سولان اعمال) "ر ساندند مردم به

گفته که شومدی متوجه ک نید مطالعه را مقدس ک تاب دقت با اگر  
را کارهان "ب وندد ال قدس روح از سرشار ق بل از که آنها" که شومدی  
ان آن اخ تیار در کارها پرخي انجام منظور به ال قدس روح. دادند انجام  
ب عدی هدف به دست یابی منظور به ب ای دولی ب و د گرفت ته قرار  
خود ت عمید هذنگام نیز پ ولس. شد می اعطا آنها به مجدداً خداوند  
کور ب با ب توادت تا ک شید طول سالها ولی ب ودا "ال قدس روح از سرشار"  
"ال قدس روح از سرشار" مجدداً وی ت ن بیه منظور به شوری مرد کردن  
(13:9 و 9:17 ر سولان اعمال) باشد

مؤمنان که است نوشده ای نگونه معجزه ف یوضات باراب طه در پ ولس  
 یونانی کلمه ب و دزد دارا "مسیح میزان و دید صلاح ط بق" را آن اول یه  
 که ب و د مسیح ف قضا است "محدود مقدار یا درجه" معنای به "میزان"  
 یا راخت دارای ای نکه ی عنی ب و د، دارا محدودی تی هیچ ب دون راهیه این  
 ی و دنا) نمای داس ت فاده دی دمی صلاح که آن گونه آنها از تاب و د کامل  
 3:34).

به قادر میلادی اول قرن در اف راد از ب عضی که را معجزاتی ما ای نک  
 نک نیمی ت و صیف ب و دزد، انجام

اول قرن هلی معجزه

گ و ی ی پیش

کلمات ت و اندمی که است ف ردی معنای به "پ یام بر" یونانی کلمه  
 الهم وی به که ف ردی ی عنی - نمای د ب ازگ و وقوع از قب ل ار خداوند  
 پیش شامل اوقات گاهی که ب یورد، زبان به را خداوند کلمات تا شده  
 (شود رجوع 19:1-21 پطرس دوم به ه). شدمی هم آید نده و قایع ب ی نی  
 از ب و دزد، نبوت هیه دارای آنان که ی عنی پ یام بران،" ب ناب رای ن  
 ب و د، اغاب و س نامش که آنان از ی کی "بذآمدان تاک یه به المقدس ب یت  
 کرد پ یشگویی خدا روح الهم با و ب رخاست عبادتی مجلس ی ک در  
 این شد خواه سخ تی قحطی دچار اسرائیل سرزمین ب زودی که  
 پس شد عارض ق یصر «ک لودی و س» ف رماذ روای ی زمان در قحطی  
 ای هیه خود ت و انای ی حد در هر کس گ رف تندت صمیم آنجا مسیح یان  
 (29 ر سولان اعمال) "ب فرستند یهودیه مسیح یان ب رای ت ا هب د  
 در کرد، پ یدات حقق سال چند ظرف که خاص پ یشگویی ای ن (11:27)  
 باشند می پ یشگویی ت و ان دارای می کنند ادعا ای نک که آنان ب ین  
 اف رادی که داشت تند اطمینان ت احدی اول یه ک ل ی سا هلی . شود نمی دیده  
 که سخ ت یهای ی ب ردن از ب ین ی ب را که باشند نمی هیه این دارای  
 چنین ت و ان می کم تر م ی داند در ا پ و ل شان و زمان شد، می پ یشگویی  
 یافت امروزی "روح از سرشار" اصطلاح به ک ل ی سا هلی در هلی ی نمونه  
 کرد.

ب خشد ین شد فا

روی خداوند کامل ملکوت ظهور ب شارتهای مورد در ر سولان در حال ی که  
 نیز ای معجزه پ یامشان اثبات ب رای ب ای د نمودند، می صحت ب ت زمین  
 ب و د خواه چ گونه خداوند، ملکوت ی عنی زمان، آن ده ن شان که کردند می

شدنوارا کران گ و شهاي و ب ينارا کوران ب ياي ده، چشهاي او وقتي" (35:5.6 اشعيا) "کرد خواه خيز و جست آهومانند لنگ. ساخت خواه 5 فصل ب خداوند ملکوت شرايط مورد در بيشتر اطلاعات ب راي تحقق شود، ب رپ از مین روي خدا ملکوت هنگام يکه بک نيز رجوع ملکوت وجود ب ارا ب طه در ابهامي هيچ و ماندنمي ناقص هلي يوعده چنين ملکوت پيام آساي معجزه تاييد ب ناب راي نماندند خواه باقي زمين در قابل وجه هيچ به که ب و د نهائي و قطعي نحوي به خداوند جاذب از شد فائها در که معجزاتي از بسدياري روهين از باشد، مین انکار عموم که ب و د نحوي به گرفت، مي انجام اوليه مؤمنان ت و سطر ب خشدین نمودنمي مشاهده را آن مردم

صبح روز هو که چلاق، گدای ب خشدین شد فاهان کلاس يك مثال يك اعمال آيه ب و د پطرس ت و سطر ک شد، مي دراز مع بد در جلوي در ب راي تا گدا شد تنمي آنجا روز هو را وي که دارمي ب بيان 3:2 لانرسو با و پطرس ت و سطر حال يکه او بگردد آشنائي منظره به تبدال هه از" يافت شد فاب و د کرده اعطاء پطرس به خدا که اي هيه از اس ت فاده با س پس افا تاد ب راه و ايس تاد خود پ اهلي روي ايل حظه پريد، جا او وقتي ب و دند، آنجا که اشخاصي. شد خدا خانه داخل ي و دنا و پطرس گدای هان که ب رندد پي و ک ندمي شکر را خدا و رومي راه که دي دند را ببي نشدست، مي خدا خانه «زي بای» دروازه ک نار روز هو که است لنگي او و ب رندد هجوم «سلیمان ايوان» ب طرف هه پس بگردند ت عجب اندازه احد ترم ب اآنگاه! است چس بیده محکم ي و دنا و طرس پ به که دي دند را اعمال". شدند خيره عجب واقع اين به حيرت با و ايس تادند مورد در صحت به ب لاف اصله س پس پطرس (3:7-11 رسلان و قطعي سندي که مردمی ب پرداخت عمومي انظار در مسيح رس تاخيز ت نده، داش رويد شان پيش در راي اف ته شد فاگ داي يك شکل به حتمي مع بدروازه بگردنمي قبول خدا کلام ب عنوان را پطرس کلمات مطمئناً مائل در ست ميشد، مردم از ل بریز (3:1 رسلان اعمال) "دعا ساعت" در رامکانی چنين خداوند. شد به روز يك صبح در خريد مرکز يك واضح معجزه يك طريق از شدمي موعظه که را سخنانش که کرد ان تخاب که خواند يممي 5:12 رسلان اعمال آيه در شکل هين به يذمات ايد ادهلي". بگردنمي آوري حيرت و زياد معجزات مردم، ميان در حواريدون" ب ارا ب طه در اغلب اف رادي چنين و پ نجاه هلي شد فادهنده معمول مؤمنانی چشمان جلوي در و اف تاده دور ک ل ي سا هلي در که ب و ده معجزاتي و اف تاده، اتفاق ب و دند مع تاد معجزه يك اف تادن فاقات ان تظار به که انداي س تاده خيابان در که ب اور سخت عادي اف راد مقابل در نه

مطرح در توجیهی قابل تجزیه دارای نویسنده این که به گوید یم به این د شاهد نیز بوده الهی قدرت های امروزی مدعیان به ما باحث این کردن که نیست احدی حال این به ما شدبمی رابطه این در زی ادعاهای نیز توجیهی هلید خشدیدن شفا مشاهده به رابطه در من شخصی اظهارات هر شوند داده شرح مشخصاً "نقاص درمانهای" موارد به ترین دریا و خیلی مسائل این که به ود خواهد معترف که لیساهل این از صادقی عضو خود پناه و ستانده به من مواقع از به سبب در شوندمی دیده زیاد این دارای شما شاید که کنم به اور حاضر من: "امگفته ای نگونه نشان وضوح به هیشه خداوند ولی باشدیدانگیز شدگفت قدرت های به باشدمی آن فاقد کسبی چه و داراست راوی قدرت کسبی چه است داده به را قدرت تان که به خواهم شما از که نیست منطقی غیر بنابر این که را شما تعالی یم که شوم قانع به یشد تر شاید تا به دهید مایشن من نمایم به اور به دانم، مقدس کتب به منطبق تو اندم می حاضر در حال است نشده عرضه من به "روح و قدرت واضح نمایش" یک هوگ زاما

اول قرن به متعلق ارتدکس هلیدیهودی مخالف، و مقابل رفرم تاری در آسای معجزه روحی های ای دارای هلیدی مس شاید که امر این به نسبت آنها حتی حال این به با به و دزد ای به سته افکار دارای باشدند، خداوند یودنا) "کندمی به بسیار معجزات شخص این" که شوندمی معترف نیز نمی که ما کنیم؟ چه ایشان به: «پر سندنمی یکدیگر از آنان" و (11:47) آن از همه اور شدیم درنچو شویم؟، به بزرگ معجزه این منکر تو اندیم تکلم که آنها یی ترتیب هین به (4:16 ر سولان اعمال) "به اخبرند (2:6 ر سولان اعمال) "مانندمی متحیر و مات" شنیدند، می را حواری و ن شوندمی مواجهه عملی عکس چنین به امروزه به نگاه هلیدی و بی یاهوه می گرفتند قرار رنمد های به نگاه معرض در که مردمی که حقایقت این اندکار را آنان بین در واقع هلی معجزه وجود منطقی به طور تو اند یک خبر اگر به باشدمی به حث این در شاخص ای که قطعاً نمایند، فکر که نیست منطقی شد، می به خش المقدس بیت سراسر در معجزه پارک یاولندن ترافالگار میدان در واقع معجزه یک اگر کنیم امروزه این که از جهان سراسرافتد، اتفاق ناپروبی روی یاهرو خواهند صحبت دارد، قرار افرا در خداوند آسای معجزه های ای کرد؟

می ما خود روانی و روحی و ضعیفیت نیز توجیه به نگاه هلیدی خشدیدن شدفا موضوع، این به برخلاف اما خداوند روح مستقیم دخالت نه و باشد در که مردمی شفا یی به رای معجزه واقعی به از که به ود قادر به طرس معجزه (5:15 ر سولان اعمال). نمایم دست فاده به و دند، اف تاده خیابانها لستره شهر مشرک بین از به سبب یاری تو سط به رای که علاوه به ولس های

که دولت وزیر ریگ تو وسط (8:14-13 رسولان اعمال) بدود، شده مشاهده (12:13 رسولان اعمال) بدو و شده مشاهده هم نداشت باور را مسائل این انظار در آن انجام الهی، هدایای طبعیت و هدف لازم که هانطور (13) اینکه از غیر بداد، شدنی آن برای تو و ضدیحی هیچ بدود، عمومی معرض به بدنگ انش تو وسط خداوند قدرت اینجا در که شویم معترف ایدش مسیح درماتی معجزات از یکی اثر است شده گذاشته نمایش را خدا هم (دیدند در اصدنه آن که آنهایی) شدند متعجب هم: "که بدود این" «بدویم ندیده چیزی چنین بحالتا» میگویند و میگردند شکر (2:12 مرقس)

### زبانها

مأموریت این بدودند، ای ساده گبران ماهی آنها از برخی که رسولان موعظه را انجیل بدرونند یا سراسر به که داشتند را بزرگ که بدوده این آنها العمل عکس اولین شاید (16:15 مرقس). نمایند نمی دتی آنها "نمیدانم را دن یا هلی زبان تمام من ولی" بگویند آنها که چرا "بدو وضعیف زبانم درس مدرسه در من": که گفتند: که است شده نشد ته آنها هم در باره بدودند حرفه مدرسه هیچکدام دتی و (13:4 رسولان اعمال) "بدودند عامی انسانهایی بدو بسواد آنها" زبان محدودیت هم (پولس ماند) کرده تحصیل کنندگان مؤعظه برای دین یگ به گرویدن برای تبلیغ هنگامیکه میامد نظر به ترسناک غیاب در) تهذیب برای یکدیگر به اتکای به نیاز گرفت، می انجام یکدیگر زبان فهمیدن که بدو معنای دین (مکتوب جدید عهد بداشدمی بزرگ مشکل

خارجی زبانهای به کردن صحت هدیه اصل، براین غلبه برای این بین مشخصاً شد عطا آنها به خداوند سویی از فهم قدرت و (زبانها) بسیاری شده متولد دوباره "هلی مسیحی زبان و "زبانها" از دیدگاه بدیورند، در از خود درآمدن وجد به مهندگرافهمی غیرقابل صدا هلی که دادن نشان با اتوانمی را نظراختلاف این دارد وجود زیدی تضاد می "خارجی زبانهای" هان "زبانها" از مقدس کتاب تعریف این که، نمود برطرف باشد،

آسمان، به مسیح عروج بدواز درست هلی، یهودی پناه ضیافت در سخن به شروع بار اولین برای و دشمن پرالقدس روح از "حواریون آن... ندا شد تند آشنایی آنها با که کردند مخ تلف زبانهای به گفتن به سرزمینها تمام از عید مراسم برای دیدنار یهودیان روزها، وقتی (هدایا از عمومی نمایش یگ دوباره) بدودند آمده اور شدیم



و تماگ ویدند، می سخن این شان زبان به عیسی شاگ ردان شد پیدند این با است؟ ممکن چگونه این» بگفتند تعجب با آنان اما دندم بهوت تکلم ما مدلی زبانهای به ولی هس تند، جلیل اهل از اشخاص این که ما (می باشد 'languages' یونانی که لمه معادل رفته به کار که کمه) کندی به اشخاص این که شنوید مهمی هه هس تیم، ... و ماده و هلا اربت از که "بیدندم تدیر هه...! بگفتند می سخن خدا عجب ایب اعمال از ما خود زبان مردم تعجب روی مجدد تا کید لزوم نتیجه در (2:4-12 رسولان اعمال) به در ست باشند، شنیده نام فهمی الفاظ فقط آنها ای نکه علت به گفته سخنان درک از اطمینان و حیرت جای به امر این. مذمیر سد نظر دهنده نشان است، شده تجربه رسولان اعمال دوم اب در که شده باشد می تفاوتی پی و تمسخر

اعمال در "خارجی زبانهای" و "زبانها" بین واضح ترادف از جدا قسمتهای دیدگر در که شود می یافت مشهود طور به 4:2-11 رسولان است فاده "خارجی زبانهای" معنای هان به "زبانها" که کمه جدید عهد در مکاشف در بار پنج "زبانها و ملتها مردم"، هلی واژه است شده مکاشف (است شده برده به کار زمین افراد تمام از گفتن سخن نسخه در "زبانها" یونانی که کمه (7:9 ؛ 10:11 ؛ 11:9 ؛ 13:7 ؛ 17:15) به کار خارجی زبانهای معنای به (Septuagint واژه) عتیق عهد یونانی پیدایش ؛ 28:49 تا 1:4 دان یال به شود و عرج). است شده برده (10:5)

از است فاده با رابطه در فرمان چندی ن شامل قردن بیان اول 14 باب اشعیا آیه از قول نقل باب این 21 آیه باشد می زبانها هیده علییه شهادت برای هیده این از است فاده چگونه گی مورد در 28:11 را ای پیکانه قوم خدا که فرمایدمی آسمان ک تاب" بگفتند می هلی هودی "کند اعلام آنها به پیکانه زبان به را او پیغام تا فرستاد خواهد اسرائیل ک ننگ ازت صرف که گردد از می اصل این به 28:11 اشعیا ترادف می کردند صحت هلی هودی با دانستند می که زبانهای بی به زبان معنای به "زبانها" که میدهند شان "البها" و "زبانها" بین قردن بیان اول 14 باب در دیدگری به سیار هلی ن شانها است بده خارجی سوء مورد در پو لاس الهمام تحت ان تقاد به راجع قسمت این دارد وجود نیز گرفت می انجام بدوی ک لیساهلی در که الهی هدایای بی از است فاده الهی ای هلی طبیعت به نسد بت پیش تری اطلاعات ال به و باشد می مورد این در کوتاهی شرح ما ای نکم. نمایدمی اراده پیش گوئی زبان داد خواهیم

بناشد مي که لیدی آیه 37 آیه

را الا قدس روح عطایای سایه ری او نبوت عطای که که نیدمی ادعا اگر ر"  
گ ویم، می آنچه در بابید که باشد یک سی اول بین باید پس داری د،  
"است خداوند خود احکام

باید پس باشد، می معجزه الهی هدیه از برخوردار می مدعی که سی اگر  
قدرت این از است فاده نحوه مورد در فوق دستورات که که نند فبول  
اطاعت دستورات این از امروزه آند که است شده الا قاء خداوند توسط  
می زیر پرا را خداوند جانب از شده الهام فرامین وضع بطور که نند، نمی  
17: تا 11 هلی آیه بگ دارند

من بازبانه این از یکی به که سی اگر. آورم سردنمی آنها از من و"  
او بر رای هم من و است بیک گانه یک همچون من بر رای او بگوید، سخن

طالب هست ید، الا قدس روح عطایای مشد تاق حد این تا که حال پس  
شویید واقع مفرید که لیسات مامر شد بر رای تا باشد ید آنها به ترین

خدا تا که نند دعا بایددارد، را غیر زبانهایی به متکل عطای که سی اگر  
بدهند نیز از زبانهایی این ترجمه عطای او به

می دعا من روح واقع در فهم، نمی را آن که که نمدعا زبانی به اگر زیر  
خبر می گویم، می آنچه از خودم و کند

هم معمول زبانه به هم و که نمدعا غیر زبانهایی به هم باید که نم؟ چه پس  
بفهمند هتا عادی زبانه به هم و بخوانم سرود غیر زبانهایی به

می خودتان روح فقط که گوید شکر زبانی به را خدا شما اگر زیر  
آمین شما گزاری شکر دعای به بتوانند دید گران چگونه فهمد،  
گوید؟ می چه فهمند نمی حال یک در بگوید،

اما گوید، می شکر را خدا عالی بسیار شما که نیست شکی  
"بزدنمی بهره حاضرین"

گوید یی او است فایده بی فهمند، نمی حاضرین که زبانی به تکل  
انتهای در توان نمی که چرا است بیهوده نام فهم اصوات ای جاد و  
"آمین" یک بر استی شده تکل نام فهم سخنانی از که "دعای"  
"باشد نظوری" یعنی "آمین" که باشد ید داشته یاد به بگفت واقعی

دارم ق بول شده گ فته دعا در که را آنچه قطعاً من ای نکه معنای به  
را آنان فهمند، نمی ب رادران تان که زبانی به ت کلم گ وی دمی پ ولس  
ک نذمی ت قدیس

19: آی ه

کلمه پنج دهمی ت رجیح ک نم، می ع بادت را خدای گران باوقه تی اما"  
که این تا ک نند، س ت فاده و ب فهمنده که ب گویم سخن زبانی به  
"فهمند می ک سی که ک نم ت کلم غیر زبانهایی به کلمه هزاران

زبان به و مسیح مورد در کوه ماه جمله یک است ساده خیلی موضوع  
موعظه به ساعتها ای نکه تا دارد ب ی شد تری فایده من ب رای ان گ ل ی سی  
دهم ف راگوش ف هم غیر قابل زبان یا خارجی زبان به ف ردی

22: آی ه

ب رای خدا قدرت نشانه زبانهها، به گ فتن سخن که ب ی نذمی س پ"  
ن بوت، اما ای مان بی ب رای ای ست نشانه ب لکه ن ی ست، داران ای مان  
ب رای ب لکه ن سیت ای مانان بی ب رای خدا، جاذب از پ یغام آوردن ی معنی  
"ای مان داران

انجیل از هلی موعظه ب رای اساساً خارجی زبان از اس ت فاده ب ناب رای ن  
مورد در ادعاها اکثر امروزه حال این ب ما ب ی رف ت خارج به که ب ود  
شخصی هلی ت جربه و ت نهایی در مؤمنان میان در زبان هدیه ت صرف  
صحت قدرت ب ارا ب طه در اف راد این ب بین مآلهایی بی با شدمی آنان  
قدرت به ب س یار انجیل اشاعه ب رای خارجی زبان به آ سامعزه کردن  
اروپای در مسیح موعظه ب رای فر صت 1990 مده اوایل در شومدی دیده  
ب خاطر ب ای د انجیلی (اصطلاحاً) ک ل ی ساهی ولی شد، مه یا شرقی  
پخش ان گ ل ی سی زبان به را خود ادب یات زبانی، محدودی تهای  
آیا است، ب وده آنان ت صرف در زبان الهی هدیه اگر مسلماً ب ی کردند  
شد؟ می اس ت فاده آن از ای نجا در ن بای د

23 آی ه

شما جمع به ن دارد، را عطا یا این که ک سی یا ای مان بی ی ک گ را پ س"  
یقیناً ک نذمی ت کلم غیر زبانهایی به ه ه شما که ب شتود و شتود داخل  
"ای ددی وانده که کرد خواهد ت صور

به طور ديگر هلي مسيحي غير و مسلمانها. افتاد ات فاق هين دقيقاً ادعای غربی آری قاسر سردر که را آنا که عجب رفته تار مشابیه حدتی. انداده قرار تمسخر مورد داشتند، رازبان الهی هیه ت صرف قاعدتاً بزنده، پناهگاه ردهای بی یک به سری شعور با مسیحي یک اگر باشند می دی وانه حاضر اعضایی که کندی فر

27 آیه

تعدادشان بزنده، حرف غیر زبانهای به خواهند می کسائی اگر " نیز فریک نوبت به هم آن باشد، نفرسه یادواز بیش نباید "کند ترجمه رازبانها این باید

خارجی زبانهای به نفر 3 یا 2 که بوداد تیاج فقط مراسمی هر در تکلم زبان تنوع جمعی هر که است به عید کند صحت مراسمی هر که بود قرار اگر باشد زبان 3 از بیش حاضرین از مراسم هاهنگی شود، ترجمه بار 2 از ترپیش سخنران صحتبتهای مردم که لندن مرکز در گردهای بی یک در زبان هیه اگر بمیرفت بین هم آلمانی و فرانسیسی و ریست چندین و هس تندران انگلیسی سخنران احتمالاً بود، سخنران ت صرف تحت باشند، می حاضر می کرد آغاز اینگونه

(انگلیسی) Good evening: بپیشوا

(فرانسو) Bon soir: مترجم اولین

(آلمانی) Guten abend: مترجم دومین

هم صحت و کند صحت سرهم پشت ترپیب به باید آندان طبیعتاً طبعیت بخاطر حال این با. شومی جمع شدن گیب باعث آنها زمان صحت از دیده این، "خارجی زبانهای به کردن صحت" اساسی ام کرده مشاهده را این من آید می پیش افرازاب سبیری زمان هم کردن تا زیرتحت سرعت به به قیه کندی صحت نیز فریک هنگامیکه که دهند انجام را کارهان که گیزندی قرار

پایم تا شومی است فاده پیشگوی هراه به اغلب زبان، الهی هیه زبان یک طریق از پیشگوی هیه به واسطه خداوند طرف از شده الهام برای مثالی. شود ارائه سخنران برای (زبان هیه توسط) خارجی مشاهده 19:6 رسولان اعمال در توان می را مذکور هیه 2 از است فاده

هلي شدنونده داراي كه ل نندن، در گ ردهاي ي ي ك در اگ ر حال اين ب ا بدمود  
 صد بت فرانسه زبان به سخنران باشد، فرانسوي وان گلايسي  
 گ بزندمي را لازم ت عمل يمانت حاضر ي سي ان گل اف راد ك ند،  
 هه تا باشد داشته وجود ب ايد زبانهها ترجمه الهي هيه ب ناب راين  
 به فرانسوي از هلك فته ب ايد مائل در ي شوندد سخنان م توجه  
 اف راد ازي كي ت وسط اگ ر شكل هين به . شوندد ترجمه ان گلايسي  
 فرانسو الهي هيه سخنران ايد نكه باشد، مطرح سوالي فرانسوي  
 نمي كمك ب دون ولي كرده، ت صرف ناخوداگاه ب طور را كردن صد بت  
 الهي هيه كه ايد نجا ست در و ب شود شده مطرح سؤال م توجه ت واندد  
 است لازم ت ترجمه

زبان الهي هيه از است، ترجمه الهي هيه داراي كه فردي وجود ب دون  
 ك ندمت رج رازبانهها اين ب ايد نيز ن فر ي ك ...": شوندد نمي اسد ت فاده  
 و خود ب اسكوت در ب ايد ايشان ك ند، ترجمه كه ن باشد ك سي اگ ر اما  
 اين (14:27.28 قرن تيان اول) "گ وي ندد سخن غ ير زبانههاي به خدا ب ا  
 به جدي د عصر "زبان" اسد تعداد مدع ايان از ب س ياري كه حقيقت  
 از ونيس تندان فهم به قادر دي گران كه ك ندمي صد ب تي زباني  
 رادس تورات اين از ناف رمان ي حكم قطعاً ك ندد، مي ن اسد ت فاده هم م ترجم  
 دارد.

: 32.33 هلي آيه

ب ايد دارند، نبوت عطاي كه ك ساني كه باشد داشته ب ياد ب علاوه"  
 ذوبت م ن تظرو ب نشد ب نند ساكت كه باشد داشته هم را قدرت اين  
 و نظم و هاهنگي ب لكه ندارد، دوست را مرج و هج خدا باشدند خود  
 "را ت رت بيب"

انسان كه اي تجر به بان بايد ال قدس روح هادي ت صرف ناب راين ب  
 در روح ب پس شود، مرت بط سازد، مي خارج ط ب يعي واقعي ته اي از را  
 كه قدرت ي اخ تيار در نه ك ندمي اسد ت فاده آن از كه است ك سي اخ تيار  
 ادعا شد ت به ب طور اغلب . دهند ان جام غ ير ارادي عملي آنها شومدي ب اعث  
 شوندد نمي رسد تگار كه را آناني " شدياط بين روحيه اي اهي من كه شده  
 روح و، (شود رجوع 3-6 فصل به) دهندمي قرار خود ت صرف ت حت  
 اول آيه در كه روحي قدرت ولي ب ماي دمي ت صرف را مؤمنان نيز ال قدس  
 ت حت خاصي دل ايل ب راي شود، مي صد بت آن از 14:32 قرن تيان  
 اين كه ايد داده ن نشان هم قبلاً ب راين، علاوه ب ودم ت صرف ك نترل  
 تا شد مي اها حواري ون به خاص زمانهاي در ال قدس روح قدرت ته اي

قدرت این دأتم به طور ای نکه نه دهند، انجام را خاصی کارهایی به تواندند  
باشند دارا را

34 آیه

به گویند سخن نه بایه آنها باشند ساکت بایه دلست در زنان  
فرموده تورات که تاب که طورهان نماینده، اطاعت و کزندگان و ش به لکه  
است."

زنی که است مسلم شك به دون الهی، هدایای از است فاده مفهوم این در  
کونی به دیده اگر نمایه است فاده هدیه این از نه بایه دلست در  
شونده جمع به که هیجانی احساس به رحسب نام مفهوم صد به تهای  
به سه به باشه و ضیح قابل بایه میانه تقالیده بگره به سه فریدی از  
زنان، بگره قراره توجه مورد عمدتاً فرمان این که رودانه نظار به بایه  
تا تأثیرتحت تواندمی آماده فریدی با حاضر هر شخص ال به ته و هله چه  
خود از رانام فهمی صداهلی نه تیجه در و بگره قراره محرکی چنه  
شودت لقی زبان هدیه که به بیاورد در

زبان به کردن صدبت " هدایای از به خورداری در زنان به رتری  
آیه این که واضیحی دس تور به مدرن که لیساهلی در "نبوت" و "خارجی  
زنان از به ولس که مسخره و احمقانه نظریه این نه یست منط بق میدهد،  
که که نیدمی ادعا اگر": شودمی نه فی جلوله رایه چند در به وده، متذفر  
ولاینه بایه به سه دارید، رالقدسروح عطایای سایه ریاون بوت عطای  
اول) "است خداوند خود احکام گویم، میانه در بایه بید که باشد یک سی  
به ولس شخصی فرامین نه و، (14:37) قرن تیان

## هدایا است تردد 2-4

توسط مجدداً مسیح به ازگشت از به سه خداوند روح آسای معجزه هدایای  
است فاده مورد خداوند ملکوت به که کونی نه بایه تبدیل به رای مؤمنان  
بگرفت خواهند قرار

نامیده (6:4.5) ع بران بیان) "آیه نده عالم ن پروهلی" را هدایا این هین، ب رای بی نی توبه ب عداز الهی هدایای فراوانی 26:2-29 یونیل آیات و اند ب عداز هدایا که حقیقت این نمایدمی ت و صیف را اسرئیل تحت ای نك که ک ندمی ثابت شود، می داده مؤمنان به مسیح بازگشت و مقدس ک تب از که مسیحی هر به و باشندندمی دمهر ت صرف می نزدیک مسیح بازگشت که دهیمی نشان دارد آگاهی دنیای اتفاقات (شود رجوع 3 ضمیمه به) باشد.

قرن بین زمانی در که میدهند نشان و ضوح به اندیل هلیگ وی پیش مجدد ظهور و بودند، ت صرف تحت (قدرتها) هدایا هنگامیکه اول، :شوند می بازگیری یا هاد مسیح،

رسید خواهد آنها به روزی بخشد، می ما به خدا که عطایای هه" پرایان روزی اسرار، و علم دانستن و زبانها به گفتن سخن نبوتها، و علم عطایا، این تمام وجود با حاضر در حال پذیرفت خواهد شدیم، کامل جهت هر از که زمانی اما بنار ساست و جزئی مان نبوتها "رفت خواهند بین از هه و بودند خواهد عطایا این به نیازی دیگر می "موقت" هدایا که است مسلم نتیجه در (8:13-10 قرن تیان اول) باشند (G.N.B).

است کامل که آنچه هنگامیکه" بایده شده داده اول قرن در که الهی هدایای زمان به ت و اندندمی موضوع این. شدند می بازگیری "نمایده ظهور بایده هدایا از زمان آن در که چرا باشد، داشت اشاره مسیح بازگشت به شده ترجمه "کامل" که لمه به که یونانی که لمه. شوند اهدا دوباره که چیزی معنای به لزوماً و" باشد کامل و پر که است چیزی آن" معنای نیست باشد، می گناه از عاری

مسیح بیان که اقصین معرفت جایگزین، "کامل چیز این" واقع در داشت یاد به. شد خواهد بودند، دارا هلی پیشگویی بی خاطر اولیه، خداوند کلام الهام تحت کردن بیان قدرت هانگ وی، پیش که باشدید دهیمی ت شکیل را مقدس کتاب کلمات، هین مک توب پس است

اینک ما که را جدید عهد از کوچکی که سر معمولی مؤمنیک اول، قرن در از راه پیشگویی از برخی وی. شناخت می هس تبم، آگاهان از نمای او. شدیدی عملی مبحث چند به راجع و کلیسایش بزرگان نامه دویایک هلی نشدته شاید و دانست می را مسیح زندگی کلی هان که نبوت کلمات هنگامیکه ولی ببود شدند را پلاس منتشر پس و شده ت م توب بودند خداوند الهام تحت هلی پیشگویی

ا د ت ياجي دي گرنه تيجه درگ بريد، قرار هگان دس ترس در تاگ ريد د  
يا شداشته ته تصرف تحت ران بوت الهي هيه کسي که نه بود  
شده، الهي هاي اي و ا بزار جاي گزين و ب ود کامل که چيزي آن ب ناب راي ن  
ب ود جديد عهد هان:

اين از است ودهف رم الهام خدا را مقدس ک تاب ق سم تهاي تمام واقع در"  
مي ما به را راست کارهاي زي را با شده، مي م ف ي د ب س يار ما ب راي جهت  
ما و ک ندمي اصلاح و دهومي قرار سرزنش مورد راندر ست اعمال آموزد،  
ما کلامش ب و س يله خدا ب نماي دمي هاي ت خدا پ س نذانه زندگي ب سوي را  
دوم) "اي ي م ن م ن ي کي هه به تا سازدمي مجهز و آماده جهت هوز را  
(3:16.17) ت يموت ائوس

پس است "کامل مقدس ک تاب" دارد هراه به را ت کامل که چيزي آن  
آن" درآمد، مک توب ب صورت الهام، تحت "کامل مقدس ک تاب" هنگام يکه  
آسامعجزه الهي هاي اي و رس يده ما دست به "ب ود کامل که چيزي  
شدند ب ازگ بري

ب نماي دمي حل خودي به را المعم اين 8:4-14 اف سس يان آيات اک نون

... ب خشد يد هاي اي بي مردم به ... شد زنده مرگ از پس (عيسي) او وقتي  
هه سرانجام تا ب شوندمس يچ بدن پيشرفت باعث بدي نوسيله تا  
رشد به او در هه و (ايمان يک ي عني) ب اشديم داشته ي کسان ايمان ما  
دي گرت آن صور ... شويم پ ر کاملاً او از که ب طوري ب رسيم، کامل  
که دروغهاي و دي گران سخنان اثر در که ب و دن خواهيم اط فال مانند  
تغ يير ايمان به ن سبت لحظه هرگ وي ندمي ما گمراهي ب راي  
"ب دهيم عقيده"

در و شدمي اهدا ان سان ب لوغ يا کمال زمان تا ب اي د اول قرن الهي هاي ا  
اين و "است کامل خدا مرد" بکه است آمده 3:16.17 ت يموت ائوس دوم آيات  
در ب اشدمي مقدس ک تب ق سم تهاي تمام راهنمايي کردن ق بول ب دل يل  
مي بدست خداوند کلمات اجابت از ت کامل که آمده هم 1:28 کولا س يان آيه  
هيچ دي گر ب گ بريد، قرار دس ترس در مقدس ک تاب تمام هنگام يکه آيد  
توسط که اي چ ننگ لانه ت عاليم سبب به سردرگمي ب راي اي بهانه  
ندارد وجود شود، مي ارانه مخ تلف ي سا هک

و (17:17 يودنا) "است راست ت و کلام" و دارد وجود انج يل يک ف قط  
ايماني هان ب يابيم، را "ايمان احديت" ت و انيم مي آن مطالعه طريق از  
ب ناب راي ن است شده صحت آن از 13:4 اف سس يان آيه در که



به واسطه و اندیداف ته دست حدوا ایمان آن ت صرف به واقعی مسیح بیان  
ت کامل خداوند، کامل و مک توب کلام هان یا "است کامل که چه یزی آن"  
اندیداف ته

قرار داد شد تن قرار 4:14 اف سد بیان آیه چه گونه که باشد پیدا شد ته ت وجه  
ط فولایت به را اند سان دست در آسامعجزه های ای و اب زار داد شد تن  
به ناست چه گونه یگ وی پیش مورد در ای نکه و کرده ت شد به یه معنوی  
13:11 قرن ت بیان اول آیه در . شونددگ یری به از پس آسامعجزه های ای  
ت صرف سبب به فخر ف روشی است شده گ فته مطلب همین ن یز  
خواننده که پ یشرف تی به اشذنمی معنوی به لوغ ن شانه الهی های ای  
خداوند، مک توب کلام ت رع میق درک ی اب ده، دست به دان به ای دک لمات این  
و کلامش طریق از ما به خداوند مکاشفه کمال به خاطر به ردن لذت  
است ت واضع با ت و ام اطاعت طریق از آن به جواب گوی ی

## هپ ر سش: 2 ف صل

1- باشدند؟ می "روح" واژه معانی زیر ک لمات از کدام یک

قدرت (الف)

مقدس (ب)

دم (ج)

غ بار (د)

2- چیست؟ اله قدس روح

اند سان یک (الف)

قدرت (ب)

الهی قدرت (ج)

ل بیثت از به خشی (د)

3- شد؟ نوشته چه گونه مقدس کتاب

نوشته تندر را خودشان عقاید مردم (الف)

نوشته تندر خداوند معنای به راجع را عقایدشان مردم (ب)

نوشته مردم توسط الهی روح الهام طریق از (ج)

نوشته الهام بدون آن از بخشی و شد گرفت الهام آن از بخشی (د)

4- باشد؟ می آسمان معجزه هدایای دایه دلایل ذیل هیچمه له از کدام یک

انجیل مطالب شد فاهی هیچمعه تأیید بر رای (الف)

اولیه که لیساهی ای جاد بر رای (ب)

باشند صالحی افرا که مردم ساختن وادار بر رای (ج)

شخصی مشکلات از حواریون نجات بر رای (د)

5- بیاوریم؟ را خداوند حقیقت توانیم که از

خودمان فکری طریق از حدیث او قدس کتاب طریق از تاحدی (الف)

انجیل خواندن از جدا الهی قدس، روح مسدود تقیم هیچم فته طریق از (ب)

انجیل طریق از فکری (ج)

مذهبی پیشوایان و کشیشان طریق از (د)

## خدا های وعده: 3 فصل

## مقدمه: خدا هلي و عده 3-1

نحوه و خداوند از وسيعي درك با مطالعات مان از مرحله اين تا ما زمينه اين در ابهام موارد مسير اين طي در و ايم شده آشناوي عملكرد انجام با و ترم ثبت ديدي با خواهيم اي نك. اي مپ ردا شد ته ميان از را داده وعده خود دوس تداران به " خداوند كه چيزهلي به وي فرامين (14:15 ي ودنا). ك. نيم نگاه (2:5 و 1:12 ي عقوب)" است

مسيد بيان واقعي اميد كه است چيزهلي عتيق عهد رد خداوند هلي وعده آماده اي نكه و آينده اجر به راجع اش محاكمه در پ ولس. ك. يردب رمي در را اين ولي " مي كورد صحت بت به دست از آن به راي را چيزش هه كه است آن انجام ان نظار در من كه است علت اين به زدد، من به كه تهمت هه من در را آن... كه اميدي هين... است داده ما اجداد به خدا كه به اشمي اي وعده موعظه به را اش زندگي اك ثر او (26:6.7 ر سولان اعمال). ك. ندمي محكوم شما به را پيغام اين تا اي آمده اي نجا به هين به راي ما". ب. ودگ نرانده هان اين است كرده زنده را عيسي خدا كه به گوييم و برسانيم نيز كرده و ف آن به ما زمان در حالا و داد ما اجداد به خدا كه يست او وعده داشتن به اور كه دادمي تو وضوح پ ولس (13:32.33 ر سولان اعمال). است ملكوت و قضاوت، به راي مسيح دوم ظهور مردگ ان، ادبياي اميد هه، وعده آن (28:20.31 و 24:25 ر سولان اعمال). ك. ندمي زنده دلها در را خداوند ي

بدي تاريخ ف قطع عتيق عهد كه را اف سانه اين ف وق، به ارز مصاديق كند، ندمي صحت بتي ابدي زندگي به راجع و است اسرايل از هفي تصميم ناگهاني به طور پيش سال 2000 خداوند به ردمي بين از به لكه كند، عطا ابدي زندگي ما به مسيح طريقت از كه نكرفت :است دا شد ته اول از را ق صد اين خداوند

به ود، داده جهان آفرينش از پيش حتي خدا را جاويد زندگي يين وعده) زمان در اما ك. وي ندمي دروغ هوگ ز خدا كه است مسلم ما هه به راي و آشكار انجیل به خشنجات پيغام در را وعده اين خدا مناسب، (1:2.3 ت يطوس). ساخت

آشكار ما به ر را خود و آمد خدا جاذب از به خشديات كلمات اين " (1:2 ي ودنا اول). ف رمود

به ابدي زندگي اعطايي ق صد اب تدا از خداوند اي نكه به ته وجه با مردمانش با كه سالي 4000 طي در وي كه ندارد امكان دا شد ته، مردمانش

مورد این در است، رسیده ثبت به عتیق عهد در و داشت ته سروکار و هلگ ویدی پیش پراز عتیق عهد واقع در باشد کرده اختیار سکوت خداوند که را امید این از بید تری جزئیات هوکدام که است هلی و عده درک که است دلایل همین به میدهند نشان کرده، مدیاب ندگانش برایی حیاتی رسد تگاریمان برایی یهودی مان پرلهی به خداوند هلی و عده افسس آوردند گمان ایمان به پولس که است حدی تا این و می باشد مسیح از جدا کاملاً" بدانند را چیزهایی این یزکه از قبل که کردید باوری هلی و عده از هیچ یک و بدند خدا فرزندانشان و کردندی زندگی نامید و خدای و گمراه آنها شدند حالشان شامل خدا بخشامید که می کردند فکرها شک بدون حال این با (2:12) افسس بیان) "بدند آنها به را خدا و میداده امید آنها به هم انقبایش مسیحانه غیر باور هلی عهد در خداوند هلی و عده نشناختن اهیت ولی است می کرده معرفی بدون و امید نداشتن "معنی به واقع در و است جدی بسیار عتیق امید چگونه پولس که یادآوری به باشد می "ذیاد مازدن خداوند به خداوند که ای و عده آن": نمودت و صیف شکل این به را مسیحیت (26:6 ر سولان اعمال) "است داده (یهود قوم) ما اجداد

عتیق عهد قسمتهای این به کلی ساهاز کمی تعداد که واقعبیت این است غمناک بسیار باشد این عکس بایدرحاله یک کزند، می تأکید آن، از بدتر حرتی و جدی عهد بر اساس مذهب یک به مسیحیت مسیح است یافته تهنزل جدید، عهد آیات از کمی دادت بر اساس موسی سخنان به اگر": است کرده تا یک صدیح گرایش بر مشخصاً اگر حرتی، (دوشت وی که اول کتاب پنج) ندارند وجهی اندی و کردند خواهند توجه او سخنان به برود، ایشان نزد هم مردگان از کسی (16:31 الاوق) ". شدند خواهند هدایت راست راه به

رسد تاخیز به ایمان که برسد نتیجه این به است ممکن عادی فر عهد قوی درک بدون که است گفته مسیح ولی باشد، می کافی مسیح ندارد وجود کامل بصورت امر این اجرای امکان عتیق،

مسیح ساختن مصلوب به عداز حواریون باور سقوط مسیح عقیده به است بده عتیق هع به آنها کافی توجه عدم بخاطر

این قدر چرا! همدتید نادان شما چقدر: «فرمود ایشان به عیسی آنگاه "ایشان آیا بیاوردید؟ ایمان اندی سخنان به که است دشوار برایتان و عزت به آنکه از پیش مسیح که اندک کرده پیشگوی برودنی تمام سپس» بدیند؟ رازحمت این تمام بایستی برسد، خود جلال

سایر کتاب‌های و تورات در خودش در باره که را هلی‌ی‌گ و ی‌ی‌ش‌پ‌ی (24:25,27 لوقا) داد شرح آنان بر رای بد، آمده اند یا

عهدت مامی کردن صحت بر رن‌حوه چ‌گونه وی که باشد بداد شد ته ت وجه هرگز حواری‌ون که نه بوده این‌چنین که ندمی تا یکید خودش از ع‌ت‌یق هیچ‌گاه قاعدتاً ولی باشدند، نشدیده یا و خوانده را ع‌ت‌یق عهدت کلمات را آن واقعی بطور نتوانستند نتیجه در و نکرده درک عمیقاً را آنها آن خواندن ف‌قط‌نه و خداوند کلام صحت‌یح درک بر ناب‌راین نمایدند باور را بطه در هلی‌هودی باشد می‌ضروری واقعی ای‌مان یکید پیش‌بردد رای (15:21 رسولان اعمال) بدندم تعصب شدیداً ع‌ت‌یق عهد خواندن با کردند، نمی‌درک‌اند جیل و مسیح مسائل به آنرا ربط‌انجای یک‌ه از ولی بگفت آنها به مسیح بر ناب‌راین و نداشتند واقعی باور آن به

ای‌مان هم من به داشتید، اگر چون ندارید، ای‌مان موسی به حدتی شما" نوشد ته من در باره تورات کتاب در موسی که این بر رای آوردید، نمی‌ای‌مان نیز من به ندارید، قبول را او هلی‌ذو شد ته چون و است (5:46,47 یوحنا). آورد

کردند، می‌مطالعه بسیار خیلی را مقدس کتاب آنها ای‌نکه ر‌غم‌علی در حال یک‌ه دیدند، نمی‌بود مسیح به راجع که را آن واقعی پیغام ولی است شده ت‌ضمین رس‌ت‌گاری‌شان که ک‌زند ف‌کر داشتند دوست بگفت می‌آنها به ای‌دب مسیح

چون (17:11 رسولان اعمال) بخوانید، دقت با را آسمانی کتاب شما» همان که صورتی در دهمی جاوید زندگی شما به که دارید عقیده (5:39 یوحنا). نما بدمی معرفی شما به مرا و ک‌ندمی اشاره من به کتاب

آگاهی‌ارایی‌داف‌رادی که از بسیار با ری‌ب‌ار اب‌طه در ت‌واندمی امر این صدق نیز هس‌ت‌ند ع‌ت‌یق عهدت‌عالیم و وقایع از برخی از مختصر اند کرده دریافت‌اتفاقی بطور آنها که است معرفتی این نماید درک‌هنوز را خداوند ملکوت‌انجیل و مسیح‌انگیز اعجاب پیغام آنها معانی نمایدش با را شما که است این قسمت این در ماقصد اند کرده آوردیم بیرون موقعیت این از ع‌ت‌یق عهد اصلی هلی وعده واقعی

- بهشت باغ در

- نوح به

- اب راهیم به

- داود به

تا پیدایش) انجیل اول که تاب 5 در مباحث این بار اب طه در اطلاعات یافت شده، نوشته عتیق عهد پیمبران و موسی و سبط که (تذنیه نمود پیدای نجات وان می را مسیحیت انجیل عناصر تمام شود می آن غیراز چه یزهیچ انجیل به راجع او موعظه که میدادت و ضیح پ ولس ای نکه و باشد نمی اندگفته پیمبران و موسی که را چه یزهی می می تعلیم مردم به موسی و خدا پیغمبران که است هان من پیغام" که باشد کسی اول بین و بکشدرنج و درد بایستی که مسیح دادند، غیریهود و یهود زندگی به وسیله، این به تا شود زنده مرگ از پس آخرهم روزهی در حتی و (26:22,23 ر سولان اعمال)" بکشدروشناپی عیسی و خدا ملکوت در باره پ ولس" بدمانده باقی هانطور هاگفته ک تاب پنج از عصر تا صبح از او کرد صحت ای شان ب رای مسیح اعمال)" آورد می دل یل خود سخنان یی را پیمبران کتب و موسی (28:23 ر سولان

ما به که باشد امیدی هان بایدالشان، عظیم مسیح آن پ ولس، امید و نل انتهای در پر شکوه نور هان که چرا بخشد؛ می ان گیزه با باشد هینطور هم واقعی مسیحی هو ب رای باید و بد زندگی پیش". ب کاویم را آسمانی متون" ت و انیم می ای ننگ ما ان گیزه این

## ب ه شد تی های و عده 2-3

مار است شده بیان پیدایش 3 فصل در ان سان تا اذ ران گیزداس تان عدم در حوا و سوسه و خداوند کلمات اش ت باه بازگویی بی رای بزگ از اطاعت عدم ب رای زن و مرد شدن فرین خداوند از فرمان برداری مار به رازیر کلمات بخداون هنگامیکه ولی شدند مجازات الهی فرمان : شود می تاریکت صویر این وارد امید از ای اشعه گ ویدی می

گ دارم می خصومت زن، ذریه و ت و ذریه بین نیز وزن، و ت و بین "زد خواهی راوی باشد نه ت و و کوبید خواه رات و سرزن ذریه (3:15 پیدایش)

ایچیزه دقت به به ای دما و باشد می پر م فهم به سد یار آیه این معنای به "ذریه" نماییم مشخص هس تندذیل آن در که را مخ تل فی به که مردمی به تو اند می حال عین در ولی می باشد زادگان یا فرزند "ذریه" که دید خواهیم بعداً به رگ ردد باشد می مرید و ط خاص "ذریه" آن در "تعمید طریق از ما اگر ولی، (3:16 غلاطیان) به و دمسیح اب راهیم، "کلمه (29-3:27 غلاطیان) هس تیم هم آن ذریه پس هس تیم مسیح" (1:23 پطرس اول) به می گردد هم اسد پر م سئله به ضمن در "ذریه" به و خواهد دارا را پدرش هلی مشخصه واقعی ذریه یک به نابراین

شد باهت دارایی که به ازگ ردد چ یزهلی آن به به ای دمار ذریه اساس براین به باشد مار به خاندانگی

- خداوند کلمات تحریف
- گفتن دروغ
- گناه به دیدگران تشویق

را کارها این که نیست واقعی شخص یک که دید خواهیم فصل در ما دارد وجود ذیل اف راد ما درون بلکه کندی

- (6:6 رومیان) به و دگ ناه اسدیر که "ماق بلی بدن"
- (2:14 قرنتیان اول) "ایمان بی انسان"
- فریبنده شهوات بر اثر که آلودگ ناه و کهنه ط بیعت" (4:22 اف سدسیان) "شود می فاسد تر و فاسد"
- (3:9 کولسیان) "اعمالش با شما فاسد و کهنه ط بیعت"

ذریه که است مقدس کتاب "شیطان" همان ما درون گناهکار "مرد" این به باشد می مار

راوی باشد نه تو" میداشت خاصی اندحصاری حالت به ای دزن ذریه از راگ ناه همان یامار، ذریه به ای دفر داین (3:15 پیدایش) "زدواهیخ بامار، سر بر زدن" کوید خواهد رات و سرزن ذریه" - بر دمی بین

تو نهيا. است مرگ علامت باشده، مي مغزش حاوي مار سر ايه نكه به تو وجه  
است مسيح باشدن ذريه تو واند مي كه فردي

بنا بر اين و) بر ردي بين از (ب صلي ب و سيله) را مرگ مسيح عيسي  
به ورود راه ما به و" (6:23) روميان بر ردي بين از نيز را گناه قدرت  
اوست انجيل پيغام به آوردن ايمان هاناکه داد نشان را جاويد دزدگي  
(1:10) تيموثائوس دوم"

به ما اند ساني بدن ماند بذي در را مسيح عيسي خود فرزند خدا"  
سلطه تحت ما بدن مثل او بدن كه تفاوت اين با فرستاد، جهان اين  
(8:3) روميان) مار ذريه يعني "ن بود گناه

"سازد پاك را ماگ ناهلن بتواند تا شد ان سان مسيح كه دانيد مي اما"  
(3:5) يوحنا اول)

خود قوم او چون نهاد خواهي (دهنده نجات يعني) عيسي را اونا م تو و"  
(1:21) متي) "برهنگي خواهگ ناهلن شان از را

هان يعني (4:4 غلاطيان) "بود شده ساختن زن يك از" واقع در مسيح  
حالات اين در بنا بر اين بوي در خداوند حال اين با مريم، پسر  
بوجود ديگري مرد هيچ كه اي بگونه و خدات وسط بايه نكه وي نيز  
تاموق باي دزن ذريه اين باشده مي زن ذريه ولي شده آفريده نيامده،  
خواهي راوي باشده تو" شدمي مجروح مار ذريه هان يا گناه تو وسط  
مقايسه در بر زدن يش را ان سان پاي مار يك اگر (3:15) پيدايش) "زد  
از بس ياري شود مي محسوب موقت جرح يك سرما بر كوبيدن با  
سرت بر" بمثال براي مي باشندن مقدس ريشه داراي اصطلاحها  
قاعداً (چيزي يا امري كامل كردن متوقف اي معن به) "خواهكوبيد  
شده ريزي پايه كوبيده بر سرما كه مسيح رسالت اين بر اساس  
است.

مسيح شدن قريناني تو وسط اساساً مار، ذريه هان يا گناه، محكوميت  
بالا آيات در كه باشيد داشته تو وجه شد حاصل صليب روي بر  
صديت گذشت ته يدس تور زمان در بر رگ ناه مسيح پيروي از چگونه  
اشاره واقع در مسيح پاي موقت جرح از منظور بنا بر اين است شده  
دارد روز 3 مدت به وي مرگ به



ضرب تي با مقايه سه در وي جرح كه كه ندمي ثابت مسيح مجدد احيايي  
 سوابق در كه است جالب است ب وده موقت تي زده گ ناه بروي كه  
 كه شده مگفت باشد، ندمي مقدس ك تاب به مرده و ط كه تاريخي  
 پاپا شده طريق از و ميخ ت وسط شوندمي مصلوب كه هلي بي قريدي  
 مرگش طي در مسيح ب ناب راين بگ رنذدمي متصل صلاب به  
 كه شده داده شرح 53:4.5 اشعيا در "ب وده شده مجروح پاپا شپا شده"  
 گ شده ته مجروح صلاب روي مرگش طي در و خداوند ت وسط مسيح  
 كه دارد 3:15 پيدايش يي پيشگو به اشاره سادگي به اين است  
 را كارش خداوند نهايتاً آگرچه، شد خواهد مجروح مار نريه ت وسط مسيح  
 در ولي داد، ان جام ب وده شده روبرو آن با مسيح كه شيطاني طريق از  
 اشعيا). است شده ت و صيف داده ان جام را جرح كه كسي بعنوان اينجا  
 كه شيطاني نبروهلي كردن كنترل طريق از را كار اين وي (53:10)  
 از هچدين خداوند ب ناب راين و داد ان جام كردند مجروح راپ سرش  
 ك ندمي عمل هم فرزندانش از هوكدام شيطاني ت جارب طريق

امروزي تضاد

مسيح آگر "ب كه باشد آمده پيش ب رايتان سؤال اين است ممكن ولي  
 هم امروز حتمي اينها چرا پس برده بين از را (مار نريه) گ ناه و مرگ  
 صلاب روي ب مسيح كه است اين سؤال اين جواب "دارند؟ دوجو  
 بار اب طه در اساساً و پيش ب ردين از را در خودش گ ناه قدرت  
 را ماوي چون كه معناست بدان اين است گ ناه و مسيح ب بين تضاد  
 ت و انديمي هم مانهايتاً پس باشد يم سه يم اش پيروزي در كه كرده دعوت  
 پيروزي در شدن سه يم ب راي كه آنهايي م شوي غالب گ ناه و مرگ ب ر  
 كماكن ال به كه نند ندمي قبول راپيش نهاد اين يا و ن شدند دعوت  
 ايمان ت وسط گ ناه و مرگ اينكه با ب كرد خواهند ت جربه را مرگ و گ ناه  
 به تعميد طريق از زن نريه با پيوندشان ت وسط واقعي، آورندگان  
 از ت و ان ندمي آنهايي ول (27-3:29 غلاطيان) شوندمي ت جربه هم مسيح  
 نجات است گ ناه ت رجه كه مرگ از نهايت در و شوندمي پاك گ ناهلشان  
 بين از را مرگ" صلاب روي مسيح اي چن به از ب ناب راين يابند  
 ديگر مردم هنگامي فقط حال اين با ولي (1:10 تيموتاؤوس دوم) "ب ردي  
 با خداوند كار كه شوندمي ديده زمين در مرگ ديگر و ميرنذدمي  
 مرحله اولين در مسيح سلطنت زي را". شوندمي مام هزاره آخر در زمين  
 سازد ناب و در ا خود دشمنان هه كه ب وده خواهد زماني تا (خدا حكومت  
 اول)". شوندمي ناب و د مغلوب بايدهم آن كه است، مرگ او دشمن آخرين  
 15:25,26 قرن تيان

در که هلی یی وعده پس شویم می "تعمید مسیح درون" به ما آگ ر آمده، 3:15 پ یدایش در که هلی یی وعده ماندند شده، داده مسیح با راب طه ک تاب جالب پخشهای ف قطب دیگر آنها. شوندمی نیز ما به مرد و ط داده ما به مستقیماً که هستند هلی یی وعده بلکه شدند خواهند ت لقی مقدس بر ای راب ر خودمان گناه پ یروزی زن ذریه پ عنوان نیز ما است شده پ پاشدنه از مسیح ماندند نیز ما و نمود خواهیم ت جریه دتم کوتاه مازندگی زمان در خداوند آنکه مگر مرد، خواهیم و شد خواهیم مجروح خواهد موقت جرح، این پس هست تیم زن ذریه واقعاً اگر ما ولی بیازگردد به تعمید درست، بشکل آب بر شدن غرقه طریق از آنها یکه بیود بر خاستن نماد طریق از وی، ادیای و مرگ به را خود شوندمی مسیح (ک نیدرجوع 3:6-5 رومیان به) سازند می مرتبط آب از

3:15 پ یدایش کلمات زندگیمان پس هست تیم زن واقعی ذریه ما آگ ر غلط و صدیح بین تضاد دائمی احساس یگ و - کرد خواهد منعکس را تضاد یگ بزگ، حواری پولس، داشت خواهد وجود ما درون درونش که را واقعیش خویش تن و گناه بین و اراسک یزوف رنی (14:7-25 رومیان) می کرد ت و صدیف داشت طغیان

وجود در طبیعی بطور که گناه با تضاد این بر تعمید غسل بعدادز مازندگی روزهی تمام در افزایش این و شوندمی افزوده باشد می ما است زیادگناه رتقد که چرا است مشکل خیلی طرفی از بیاید ادامه مسیحی با همراه که بیتم می ما که چنانیست مشکل هم طرفی از ولی توجه است شده پ یروز تضاد این در و جنگیده قبلاً که هست تیم اند، شده ت و صدیف زن بصورت مؤمنان چگونه که باشد پیداشته اف سسسیان) هست تیم زن هان ب و دن، زن ذریه با ما ای نکه مثل درست (23:5-32)

خواهند می که است آنها یی و مسیح دهنده نشان زن ذریه که نظورها شد یطمان) گناه از حکایت مار ذریه باشند داشته را وی هلی مشخصه به را مار و گناه هلی مشخصه آزادانه دارد آنها یی و (مقدس ک تاب و گرفتند شده را خداوند کلام افراد ای نگونه بگزارند می نمایش از دوری و گناه ننگ آنها بر ای نهایتاً که نمایند، یم ت حریف را آن یا حوا و آدم بر ای که است اتفاقی هان این دارد، همراه به را خداوند را مسیح که ب و دزدی یهودیان این واقع در ای نکه به ت وجه با اف تاد که می رود انظار - ساختند مجروح پاناحیه از رازن ذریه - ک شدند تعمید دهنده حی تی و سطا مریان باشند مار ذریه اولیه مثالهای آنها است شده تأیید مسیح و

قوم رهبران و مظاهر روحان یون از زیادی عده که دیدید حیاتی اما "زادگان، افعی ای بگفت ای شان به گبرند، تعمد تا آید نمی او نزد" بگریزد؟ خدا آید نده غضب از تو اندیدی که گفتم شما به کسی چه (3:7 متی)

که شما مارها، ای... فرمود کرد، می درک را ای شان فرکر که عیسی "درست و نیکو سخنان تو اندیدی چگونه است، بدای نقر باطنان (12:25، 34 متی) "بیاورید؟ بزبان

می باشد مارگ و نه هلی مشخصه این دارای هم مذهبی دنیای حیاتی دنیای، پیوند در زن مزی با اند شده تعمد مسیح به آنها یک فقط نحوه باشد نمی مار ذریه مخلف هلی درجه در بقیه و هس تند باشد مال گوی باید و دند مار ذریه که مردمی با مسیح برخورد

- اما می کرد، موعظه آنان برای واقعی اهدیت و عشق روح باوی
- تحت راوی آنها عمل و فرکر نحوه که گداشت نمی حال این با و بگذارد، تأثیر
- نشان را خداوند مهربان شخصیت زندگی بیش نحوه طریق از میداد

برای او تلاش بد و دندم تن فرمسیح از آنها بین خاطر حال این با حیاتی اندیخت برمی را آنها حس خداوند از فرمان برداری (6:66 یوحنا) وی نزدیک دوستان و (3:21 مرقس و 7:5 یوحنا) خانواده دوری وی از حیاتی برخی و کردند ای جاد اصلهف مسیح و خود بین و سختی هنگام زمانی که سازیکه برای هنگامیکه هم پولس بگریزدند: کردت جربه را امره بین کرد می زاری بد و دند وی کنار در خوشحالی

16- غلاطیان) "دانید؟ می خود دشمن مرا چرا گویدم، می را حقایق اگر" (4:14)

با کردن زندگی و آن دانستن - باشد نمی هگانی هیچگاه واقعبیت هم گاهی و کندی ای جاد ما برای مشکل نوعی هیشه باید که آنطور آن: شود می شخص اذیت و آزار به منجر

آزار که نیز، پسراسماعیل، دست از وعده، پسراسحاق، که همچنان و "انانی دست از ای می، یافت و دند و از القدس روح از که نیز میدید، می

"بیدینیم می آزار کند، ترحم یل بر ما را یهود شریعت خواهند می که  
(1:23 پطرس اول - خداوند کلام واقعی شناخت با) (4:29 غلاطیان)

از ایگو و شه باید هدستیم یگانه مسیح با واقعی بطور ما اگر  
بزرگش اجر در بتوانیم تا که نیمی تجربیه که شده وی که راجر هلی می  
آورده رابطه این در هتابی مثال یک پولس بازم بیدینیم سهیم هم  
است:

بیدینیم زحمت اینها از بیش خدا بر گزیدگان راه در حاضر من اما  
اگر بیایند مسیح عیسی از را جلودانی جلال و نجات نیز ایشان تا  
زندگی آسمان در شوم، که شده او راه در و بیدینیم زحمت مسیح با خاطر  
می تسلی و تقویت رام واقعبیت این گرفت سرخواه از او با را  
بسیار او به کردن خدمت دنیا، این در که که نیمی می فر اگر بری خشد  
در که رسید خواه فرار روزی که آوریم بیداست خوب است، دشوار  
دوم) "بمود خواهیم سلطنت او با و نشدست خواهیم او که نار  
(2:10-12 تیموتاموس)

را شما دن یا مردم... کرد خواهند اذیت نیز را شما کردند، اذیت مرا اگر  
(15:20.21 یوحنا) "مذید آن از شما که این نرواز کرد، خواهند اذیت

رسولان اعمال) ایم شده ترحمید مسیح با نام ما که چرا: یعنی -  
(8:16 و 2:38)

انسان که است اندگیز و سوسه هلی می آیه چندین با شدن روبرو هذنگام  
یا مسیح، با دادش تن ارتباط اگر "بکه میگوید بیش را منطق این  
نداشد ته ارتباطی که میدهم ترحیح است مقوله این در زن، ذریه هان  
که دهیم انجام کاری که رود نمی انتظار ما از هیچگاه البته ولی "باشم  
برای حال عین در بیدینیم ندادش ته را آن ترحم قدرت منطقی نظر از  
و بیدینیم گزشتگی از خود به احد تیاج مسیح با کامل ات حاد  
ک نونی آزار هلی" که داراست را شکوه ندی اجر چنان وی بان پیوست  
و "بید خواهد ناچیز شد خواهد متجلی بر ما که شکوهی با مقایسه در  
از کردن دعا با که که نیمی کمک ما به وی گزشتگی خود از ای تک حتی  
و بنماییم قدرت احساس خداوند که نار در و بگذریم زندگی مصائب  
مقدس که تب از بیدینیم در که را کوهی ش با اطمینان تروانیم می  
بنماییم اضافه آن به شده تا که بید بر آن Carelinks

توانایی حد از بیش که گدازد نخواهد خدا که باشد پیداشد ته اطمینان  
در بتوانید تا بخشد خواهد قدرت شما به و شوید، و سوسه خود  
(10:13 قرنتیان اول) "بیاورید تا بتاب آن در برابر

با اندی این در باشد آسوده خیالتان تمامگفت را چه یزها این  
شجاع حال این باشد؛ خواهد بود روفراوان زحمات و مشکلات  
(16:33 یوحنا) "ام شده پیروز دنیا در من چون باشد،

با خدا اگر بگویم؟ چه عالی، چه یزهایی این تمام مقابل در پس  
(8:31 رومیان) "باشد؟ ما ضربه تاندمی که سی چه ما ست،

### روح به خدا هلی و عده 3-3

طور به انسان حوا و آدم از پس بشریت تاریخ پیشرفت با  
قدرتی تمدن و رسیدن ایمرحله به چه یزها بگشت شرور روزافزونی  
آن تمام گرفت تصمیم خداوند که بدو شده آشفته اخلاقی نظر از  
دستور نوح به بر بد بین از اش، خانواده و نوح از غیر به را نظام  
بگذارد آن روی حیوان هو از ای نماینده و بسازد ای که شدتی که شد داده  
بماند زنده آنها میروید بین از سیل و واسطه دنیا هنگامیکه تا  
کتب هلی گفته بر علاوه که دارد وجود زیادی علمی دلایل البته  
داشته توجه است افتاده اتفاقاً سیل این که میدهد نشان مقدس  
فقط و زرفت بین از کلی به (واقعی کره اینا) زمین که باشد پید  
زمین روی جانداران هه": رفت بین از زمین در برقرار شرور نظام  
هلاک آدمیان با پرندگان و خزندگان وحشی، و الهی حیوانات یعنی  
12- پطرس دوم) پطرس و (24:37 متی) مسیح (7:22 پیدایش) ". شدند  
هنگام که آنچه با مشابیه را نوح دنیا یی بر شده نازل داوریهود (3:6)  
زمان در انسان شرارت بنابر این دید داد خواهد رخ مسیح دوم ظهور  
بازگشت با است قرار که باشد می ما کنونی دنیا یی با مطابق نوح  
شود مجازات مسیح.

در که ویرانگری خود بر نامه و انسان آورشرمگناهکاری بخاطر  
است شده پدیداریدیان مس بین در حقیقتی باور این شده، شروع دنیا  
دهنده نشان واضح بطور عقیده این رفت خواهد بین از زمین این که  
فکر در دائماً خداوند که است مقدس کتاب پیام این به احترام عدم

ملکوت که گ ردمي ب از مسيح ب زودي و است کره اين ات فاقات شود هداد اجازه ان سان به اگ ر ب نمايد ب رپ ازمين اين روي را خداوندي کرد عملي ت وان زمي را ه و عده اين پ س ب برد ب ين از را کره اين که زمين ب ر خداوندي ملکوت که است امر اين م ب ين ت وجهي قابل شواهد ذيل هلي آيه فعلاً است شده ذکر 5 و 4-7 مطالعات در که شد خواهد ب رپ ا دارند ب ر در را شمسي منظومه و زمين ت خري ب عدم ب ر کافي سندنيت

جاودانه دن يا، پ اب رجاي و محکم کوههاي مان ندر را خود مقدس خانه آن جار د"  
(78:69 مزامير) "بمود ب رپ ا

هچان دن يا ولي روند، مي و آي ندمي دي گري از پ س ي كي هذريه "  
(1:4 جامعه) "است ب اقي

اب د ت ا راهه او ... آسمانها ... درخشان س تارگ ان ... ماه و آف تاب"  
هگ ز است نموده ت ا ب ت او آنچه و است دهند مو ت ا ب ت ب رجاي شان  
(6-148:3 مزامير) "کرد ن خواهد ت غ ي ر

زي را داشت، ن خواهد وجود خدا مقدس کوه در گ زندي و ب دي هيچ"  
پ ر خداوند شناخت از جهان هچنان است، پ ر آب از دري ا که هان گونه  
که چرا است، مشکل ب اور اين (14:21 اعداد و 11:9 اشعيا) ". شد خواهد  
ان جام وعده پ س نمايد و ويراني خود زمين که ب ده اجازه خداوند اگ ر  
است ن گ ر ف ت ه

جهان او است نموده اس توار را آنها و آف ري ده را زمين و آسمانها خداوند"  
ساخته را آن زندگي و سکونت ب راي ب لکه نياف ري ده، ب يهوده را  
که آف ري در زمين ف قط خدا اگ ر ن ت بجه در (45:18 اشعيا) ". است  
است ب وده ع بث وي کارهلي پ س ب ن گ ر در آن شدن ويران

شايد ب و داده وعده نوح ب په پ يدايش ک تاب در را اي نها ه خداوند ولي  
سيل ب را ت ر که جدي دي دن ياي در را مجدش زندگي هنگام يکه نوح  
هم دي گري ک لي ناب ودي يک که ت ر س يدمي کرد آغاز ب وده شده در ست  
ذهنش از ف کر اين گ ر ف ت ه مي باران که بار هر شايد ب ياشد پ يش در  
ات فاق اين که داد وعده سري يک خداوند ب عد و است گ ز شد ت ه مي  
داد ن خواهد رخ دوباره

ح يوانات، ت مام با ح تي و شما آي نده هلي ذريه ب او شما ب امن"  
زنده موجودات هگ ز اين ب عداز که ب ندم مي عهد خزندگان و پ رندگان  
جاي ب سيار ک نيد ت وجه "من" ک لمه هب) ن کنم هلاک طوفان ب و سيله را

نيز راز مين و (ادهمي قول پښيرف نانا سان به خدا كه است تعجب  
"من جاوداني عهد نشان است اين بنمايم خراب طوفان اثر بر رديگر  
(9:12-9:12 پيدايش)

: شدند تا ايديکمان رن گين به واسطه هلو وعده اين

شود، ديده کمان رن گين و بگس ترانم زمين بالا ي را ابره لوقه تي"  
و آورد خواهيم ياد به ام داده جانداران تمام و شما به كه را قول ي آن گاه  
شدن خواهند هلاك طوفان به وسيله زنده موجودات تمام هرگز رديگر  
روي زنده موجودات تمام به است من عهد نشان کمان رن گين آري،  
(13:9-17:9 پيدايش) "زمين

ابدي زمين جانوران و مردم نده، خدا و بين هلو وعده اين آنجا ي يکه از  
که به باشد داشته ديواناتي و انساها باید زمين که را امر اين هستند  
خود خودي به موضوع اين دارد دن بال به کزند زنگي آن روي ابدت  
نه و شد خواهيم بر زمين بر خداوند ملکوت براي نکه است اذباتي  
به هشت در

و است ملکوت انجيل اساس شده داده نوح به كه هلي وعده به ناب راين  
وي چگونه و شده متمرکز بر زمين چگونه خداوند توجه که میده نشان  
را رحم هم غضب در حتي خداوند دارد آن به نسا بت ابدي نيت يک  
حتي که است هچنين وي عشق و (2:3 عبران يان) کندنمي فراموش  
به و عرج 9:9 قرن تيان اول). باشد مي قائل اهيت هم ديوانات براي  
(11:4 يونس)

## اب راهيم به خدا هلي وعده 3-4

نظر از شدمي ابلاغ مردم به فرس نادگان و مسيح توسط که انجيلي  
نداشتت فلو تي بود کرده درک اب راهيم که چيزي آن بازي ريد ناي  
موعظه اب راهيم به انجيل از قبل "مقدس کتب طريق از خداوند  
پطرس که بود مهم دريقي به هلو وعده اين (8:3 غلاط يان) "میکرد  
مي تمام و شروع آنها به استناد به ارا انجيل عمومي هلي ابلاغيه  
اب راهيم به که را آنچه به توانيم ما اگر (25:13:3 رسولان اعمال) کرد  
انجيل از اي اوليه تصويرت وانيم مي بعداً نمايم درک شدت دريس  
ب يانگر که دارد وجودي گري هلي نشان ه. نمايم مجسم را مسيحيت

آغاز مسیح زمان از فقط که نبوده چ یزی انجیل که است اصل این  
ب: باشد شده

شما به را پیغام این تا ایم آمده ای نجابه هین برای برنابا و من"  
هان این است کرده زنده را عیسی خدا که بگویدیم و برسانیم نیز  
کرده و فآن به ما زمان در حالا و داد ما اجداد به خدا که است ای وعده  
(13:32،33 ر سولان اعمال) "است

مثال برای خود اند بیاء تو وسط دور زمانهای از را اش وعده که انجیلی  
(1:1،2 روم بیان) "ب و داده آسمانی کتاب در (7:20) پیدایش در اب راهیم

که کسان به به معنی مردگان به حتی انجیل پیغام جهت، هین به ه  
یعنی (4:6 پطرس اول) "شد علام اند مرده نوح طوفان هنگام به ه  
انجیل پیام اند، مرده و اند کرده زندگی اول قرن از قبل که مؤمنان  
ب و دند کرده دریافت را

سرزمین وعده اسرائیل قوم به موسی، زمان در خدا که هان گونه زیر  
می که است داده را خوش خبر این ما به نیز حاضر زمان در داد، را موعود  
در اسرائیل بنی یعنی - (2:4 ع بران بیان) "ب خشد نجات ار ما خواهد  
سینا صحرائی

ب: باشند می اساسی اصل 2 دارای شده داده اب راهیم به که هلی و وعده

1) (مخصوص زادگان) اب راهیم ذریه مورد در مسائل لی

2) ب و د شده داده وعده اب راهیم به که سرزمین لی مورد در مسائل لی

ما سبب است به توجه با و شده صحت پدجده عهد در ه وعده این مورد در  
دهت و ضیح را خودش که مقدس کتاب به دادن اجازه از عبارت است که  
تصویر ب تواند تا نماییم می ترک ب ه بار ا عهد دو هر درس  
ب یوریم ب دست شده داده اب راهیم به که هلی و وعده از کاملی

امروزی اقرا در روت مند شهری ب و د، اور به متعلق اب راهیم اصلیت  
مردم که ب و د تمدنی ب الای سطح دهنده نشان مدرن شناسی باستان  
شهر این در ب و د دریافت دست آن به اب راهیم زمان در شهر این  
داشته وجود مر و طه سازمانهای و اجتماعی خدمات بانکی، سیدست  
باشد داشته دیدگری زندگی از تصوری این که ب دون اب راهیم است  
ب و د ذیوی امور الهی دانیم ما که جای بی تا و ستم می شهر این در



کندمی حکم که میرسد و به خداوند ال‌عاده خارق‌زدایی است. آغاز موعود سرزمین به راه را سد فری و کند رها را متجدد زندگی این او این نهایتاً بدوند شده مشخص دقیقاً "چیز چه" و "کجا" که این نماید جای سرزمین این و شدت بدیل مایلی 1500 مسافرت یک سد فریه امروزی اسرانیل هان یا کنعان جز نبود.

وعده و شده ظاهر او مقابل در خداوند موقعی در اب راهیم حیات زمان در زیر بنای هوعده این است داده افزایش حی و کرده تکرار را هلیش راهیم اب رای که ندایی هان بنابر این و هس تند مسیحیت اندجیل گوید می که است صادق هم واقعی مسیحیان عنوان به ما براری آمده و بروید پیش باورتان با و کند رها را زندگی فانی مسائل که به ما نهد ارزش کلامش بر اساس زیستند با را خداوند هلی وعده به سرفش طی در چگونه اب راهیم که کنیم تصورت و انیم می رادتی خدا به که ایمانی خاطر به نیز اب راهیم" است اندید شده هوعده که (کنعان) سرزمین سوی به اوراز" و کرد اطاعت را او دعوت داشت، می کجا به بداند آن که بدون او اف تاد راه به بد، داده را اش وعده خدا (11:8 ع برانین) "گفتت را خود دیار و شهر رود،

کنیم، می مرور را خداوند ایه وعده بار اول بین براری ما حال یک در ملکوت که کنیم مجسم دقیق بطورت و انیم نمی که کنیم می احساس خداوند به ما باور ولی بد و خواهد چگونه شده داده وعده که خداوندی نماید بیم فرماند بری اشتیاق با که باشد دانگونه باید

نای کردن امتحان از به تری کار که نبود سرگردان کولی یک اب راهیم بنیادی نظر از که بدود فرهنگ به متعلق او باشد نداشت هوعده دهنده عذاب و مشکل هلی تصمیم است داشت ته مازمان بازیدادی تشابه که هس تندگی بریهایی تصمیم با مشابه بدورود رو آن باوی که ای شویم روود رو آن با خداوند هلی وعده به عمل و بول هذگام هم ما شاید... (شده مؤمن چه او) هلسایه مکارانه نگاهایی و هکاران بعجی نگاه اندگیزه حتماً است شده مواجه آنها با هم اب راهیم که هس تند چیزهلی قوی خدیلی ک شده، می باید که هلی سختی تمامت حمل براری اب راهیم به سرفش طولانی سالهایی تمام در که چیزیتنها که چرا است بدوده را کلمات این حتماً او است بدوده خدا هلی وعده بدخشید، می اندگیزه وی می کرداشت برایش که معنایی دربار هس هذگام و کرده حفظ است کرده.

مانندت و انیم می هم ما آن به کردن عمل و مشابه ایمانی داشتند با اشعیاً شویم شناخته خداوند دوست بنام و شویم مفرخ اب راهیم

امید به و (18:17 پیدایش) که نیم که سب را خداوند معرفت، (8:41) می تا که دیدی اگر بار یک بیایم دست ملکوت به اب دی زندگی پدیه اب راهیم به خداوند هلی وعده بر اساس مسیح انجیل که که نیم پدیه واقعه ای ایمان به توانیم ای نکه بر ای هم ما است شده گزاری داده اب راهیم به که راهی وعده باید بیاوریم، بدست را مسیحیت بنابر این بدو نخواهد واقعه ای ایمان ما ایمان آنها بدون بدستناسیم شده و خداوند بین شده انجام صد به تهایی مکرراً مشفق چشمانی باید ما بدخواهیم

## سرزمین

که سرزمینی به...کن رهرا خود خوی شاوندی و پدري خانه ولایت،" (1:12:1 پیدایش) بدرونمودهمخواهیت بدانجارا تو من

بدیت طرف به و شمال سویی به خود سفر به هراهنش و ابرام" (2:1:1 پیدایش) بدقت با بفرمود ابرام به خداوند...دادند ادامه (اسرائیل مرکز) ایل توبه ابدت ابدی، می که را سرزمین این تمام کن؟ نگاه خود اطراف شمار بی نزمی غبار ماندند رات و نسل بدخشم می تو نسل و می توبه را آن که سرزمین این سراسر در و بدرخیز...میگردانم (14، 3:13-17 پیدایش) بدگرد بدخشم

از را سرزمین این من بفرمود بدست عهد ابرام با خداوند آرزو" (3:15:15 پیدایش) بدخشم می تو نسل به فرات رود تا مصر مرز

به ابدت اهدستی، غریب نادر اکون که را که نعان سرزمین تمامی" (4:17:8 پیدایش) بدخواه ای شان خدای بدخشد خواهد تو نسل و تو (8:17)

"بدخشد ای شان به را جهان که داد وعده او نسل به و اب راهیم به خدا" (5:13:4 رومیان)

کرد مشاهده را اب راهیم به وحی نزول مراحل تو ان می ای نجاد:

1- بد روی آنجا به دارم دوست که هست سرزمینی

2- هیشه بر ای فرزندانت و تو برسدیدی منطقه آن به ای نکت و اب دی حیات وعده که باشد بداد شد ته توجه کرد خواهد زندگی ای نجا

شك به دون اند سان زوي سنده پك است شده ثبت شكوه و تاكيد به دون است خورده مي را جمله اين فریب

3- مي ذکر ترين بهيش مشخصات به شده داده وعده سرزمين منطقه -  
گردد

4- حیات این در راه وعده که داشت مي ان تظار نه باید راهيم  
به و دقرار اگر چه مانده مي غريب سرزمين در به اي دوي نماي در پافت  
به عدوميرد مي او که مفهوم این به به کند زندگی آنجا عمر ان تهاي تا  
نمای در پافت راه وعده به تواند تا شود مي ادياء

5- که راهي وعده وضوح به به ود، شده ملهم رحال پکهد به ولس،  
مشاهده زمين تمام از وي ارث صورت به به ود داده اب راهيم به خدانود  
نمود

وعده اجرائی اب راهيم که نماي ندي دادوري ما به اي نکه به راي مقدس کتب  
مي منحرف خود اصلي مسير از نکرد در پافت حیاتش زمان در راه  
شوند

هاخيمه در رهگذر پک ماندر سيد، موعود زمين سر به به وقتي حتي"  
پافت خدا از راه وعده هرین که نيز به عقيب و اسحاق کرد مي زندگی  
مي سپري را خود زندگی هاخيمه در او مانده به و دند،  
(11:9 ع بران يان)" کردند

هان به شايه کرد، زندگی سرزمين در غريب به پک صورت به وي  
کند مي حس سپاسي پناهنده پک که غريب بي و ناامني نهاني احساس  
وي" کرد مي زندگی سختي به به خودش سرزمين در و خودش نريه به او  
آنان به راي راه وعده که کسان ي هان) به عقيب و اسحاق زادگانش همراه  
هه به و دند کرده در پافت راه وعده در حال پک و ايمان در (شدت کرار  
اذعان آنها شدند شاد پافت نشاندميد به به ده، دور از آنها اما مردند،  
به لکه نیست، ایشان واقعي خانه زدند ياي این که داشتند مي  
ايات در (11:13 ع بران يان)" هس تند غريب و رهگذر دنيا، این در  
به باشد داشته توجه زير مرحله 4 به به فوق

- میدهيم انجام مطالعات این در ما که کاري هان - راه وعده شناخت

- ترغيب به ايست مي هم اب راهيم اگر - آنها به رندن ترغيب  
کشد؟ خواه طول چه قدر ما ترغيب پس شود

(27:3-29 غلاطيان) مسیح به ت عميد طريق از - آنها پ ذير رف تن -

خانه دن يا اين كه زندگ يمان نحوه طريق از دن يا به اع تراف -  
زندگي آمد خواه زمين به كه آي نده عصر اميد به ما و نديست ما واقعي  
ك. نيم مي.

مال گوي و قهرمان به ت بديل اب راهيم ك نيم تحسد بين را اي نها ما اگ ر  
مي صورت آي نده در هلو عده انجام اي نكه نهاي تي تشخيص . شومي  
ب باي د او . داد رخ ه سرش مرگ ه نك گام خسته و پير مرد اين ب راي گ يرد  
دفن آن در راه سرش تا خريدمي را شده داده وعده سرزمين از قسمتي  
(7:16 ر سولان اعمال). ي دنما

قول او به اما بن داد او به را زمين اين از وجب يك ح تتي روز آن در " خدا  
اعمال) ". شد خواه او نسل و او از آن سرزمين اين تمام سرانجام كه داد  
ب راي كه را زميني در حال يكه هم اب راهيم ك نوني ذيره (7:5 ر سولان  
ممکن ك نند مي اجاره يا خرندمي ب ود شده داده وعده آنها به اب دي زندگي  
نمايد نذنا سازگاري حس است.

تمام و اب راهيم كه ميايد روزي . ك ندمي عمل هليش وعده به خداوند ولي  
ايات گ . يرندمي را خود پ ادانش شده داده وعده آنها به كه ك ساني  
كه ميرسد اينجا به 11:13.39.40 ع بران يان

دريافت را خدا هلي وعده مامت آن كه ب دون مردند هه اي مان، مردان اين "  
ب ركات آن به ما هراه تا اب ماند ندمن تظر اي شان كه خواستمي خدا ك نند،  
ع بران يان) ". است گ رف ته در نظر ما ب راي او كه ب رسند ب ه تري  
(11:13)

شد، خواه داده پ ادانش هزمان ب طور واقعي مؤمنان تمام به ب نا پ راي ن  
م تي و 4:1.8 تا اوس تيمو دوم). آخر روز در وق ضاوت مركب در ي عني  
حيات ب باي دشندن قضاوت ب راي چون و (5:4 پ طرس اول و 34-25:31  
ب باي دميدانستند را هلو عده آن كه ك ساني تمام و اب راهيم پ س داشت  
راهلي شان وعده هنوز آنها اگ ر . شونذ اد ياء قضاوت روز از ق بل  
زمان وق ضاوت و اد ياء ب عداز ف قطوب اشندن كرده دريافت  
ق بول جزاي نكه نديست اي چاره ك نند، دريافت را آنها مسيح ب ازگ شت  
ظهور اند تظار در و اندخ فته حاضر در حال اب راهيم امثال كه ك نيم  
ك ل ي ساها در نكگي اي شيشه هلي موزائ يك حال اين ب با ب اشده، مي مسيح  
مي آسمان در اب راهيم كه ميبده ن شان كه نمادي ب عنوان اروپا سرا سر در  
ب از زندگي عمر يك ازاي به شده داده وعده شپ ادا تجربه در حال و ب اشده

از سال صدها طی در و ن فر هزاران است شده شناخته باشد، می ایمان  
قبول را نظریات این مذهبی نظر از و اندک گذشته عکسها این جالوی  
شده ریزی پایه شجاعت شما آیه است مطرح سؤال این حال اند کرده  
هست تید؟ دارا خودتان راه از شدن خارج برای را مقدس کتب بر اساس

ذریه

مسیح مورد در اولاً ذریه وعده شده ت و ضیح 3-2 به خش در که هاند طور  
ذریه به عنوان نتیجه در و اندی یوس ته مسیح با آنان که مورد در ثانیاً و  
کند می صدق شوند می محسوب اب راهیم

هه...دهم می برکت رات و بگردانم می بزگی امت پر رات و من"1)  
(3:2:12 پیدایش) "یافت خواهند برکت و از دن یا مردم

می ت و نسل و ت و به اب دتا بینی می که را سرزمین این ت مام"2)  
پیدایش) "می گردانم بیشمار زمین غبار ماند رات و نسل به خشم  
(16:15:13)

را آنها ت وانی می آبا ب بین و بزگر را آسمان سد تارگان"3)  
این من...ب و دخواه شمار بی چنین نیز ت و نسل...ب شمار بی؟  
"ب خشم می ت و نسل به فرات رود تا مصر مرز از را سرزمین  
(18:5:15 پیدایش)

به اب دتا هس تی، غریب آن در اک نون که را کنعان سرزمین ت مامی"4)  
پیدایش) "ب و دخواه ای شان خدای و بخشد خواهد ت و نسل و ت و  
(8:17)

شدهای و آسمان سد تارگان ماند ت و ل نس که ده برکت چنان رات و"5)  
برکت موجب شده، پیروز خود دشمنان بر آنها بگردند بیشمار دریا  
پیدایش) "ای کرده اطاعت مرا ت و زیر را گشت، خواهند جهان ق و مهایی هه  
(18:17:22)

یافت به سطای روزده جلوب طور "ذریه" از اب راهیم درک، به از هم

بی تعداد دارای وی ایگ ونه به که شدگفته وی به ف قطا اول 1-  
آموزیده زمین ت مام وی ذریه طریق از ای نک و شد خواهد فرزند شماری  
شد خواهد .

2- شامل که به ود خواهد ای ذریه دارایی که شدگفته و به به بعد  
که سرزمینی در ووی که نار در اف راد این به ود خواهد به سیاری مردمان  
(کنعان نها) داشت خواهند اب دی حیات شده آن وارد

3- خواهد آسمان سد تارگ ان اندازه به ووی ذریه که شدگفته ووی به به  
معنوی فرزندان دارایی ووی که به ود این معنای به ووی به رای این شد  
راستین فرزندان درک نار هم آن به ود خواهد زیادی (آسمان سد تارگ ان)  
("زمین به رغ بار" ماند)

4- که اف راد از یی به سیار ای نکه از اطمینان دادن باق بل هلی وعده  
داشت ته شخصی را به طه خداوند به ات واند نمی شوند می ذریه از قسمتی  
به وند شد شده تر مشخص باشدند

5- شد خواهد به بیروز دشمناناش مقابل در ذریه

مردم که به یاور در انعماتی به ای ذریه که باشد پیدا شد ته توجه  
آمزش ای ده مقدس که تاب در نمایند است فاده آن از به توانند سرزمین  
به زرگترین این به الاخره به باشدگ ناھن به خشش به ارا به طه در غلبا  
از چه یزھلی می ما سد پس بکرد خواهد آرزو خداپرست یک که است نعمتی  
خطاھیش و شده آموزیده گ ناھنش که کسی حال به خوشا" ق به یل  
قرن تیان اول) "به رکت به یاله" (32:1 مزامیر) "است شده به خشدیده  
از و است مسیح خون نمایان بگر که را شرابی جام که خواندیم (10:16)  
نمایدمی تو و صدیف باشد می پذیر امکان به خشایش آن طریق

عرضه دنیای به راگ ناھن به خشایش که اب راهیم نواده تنهال به ته و  
وعده به ارا به طه در جدید عهدت و ضیحات و باشد می مسیح است کرده  
به باشد می اصل به رای ن مس تحکمی سند اب راهیم به خداوند هلی

داد هلی و وعده او فرزند به و اب راهیم به نیز خداترتیب، همین به  
خواه او فرزندان به را هلو وعده این نه فرمود خدا که باشد پیدا شد ته توجه  
او فرزند به را هلو وعده که فرمود به لکه باشد؛ یهودیان منظور که داد،  
(3:16 غلاطیان) "است مسیح عیسی منظور که کرد، خواهد اعطا

روی مردم تمام که است داده وعده اجدادت ان ماندن نیز شما به خدا و...  
که است ای وعده همان این بدهد به رکت اب راهیم نسل به و سیدله رازمین  
شما، زده از اول را خود خدمت گزار خدا جهت این از داد اب راهیم به خدا  
به ازگ راند آودت انگ ناه راهایی از را شما تا فرستاد اسرائیل، به نی  
(26، 3:25 رسولان اعمال) "دهد به رکت شما به و سیدله این به و

و ت و ض یح را 22:18 پ یدایش چ گونه پ طرس که باشد پیداشده ت وجه  
ک ند می ت فسیر

مسیح = ذریه

گ ناهن ب خشایش = (آمزش) نعمت

کرد خواه غل به دشمناناش ت مام ب ر ذریه، هان یا مسیح، ای نکه وعده  
معنا ب یش تر شود مطالعه وی گ ناه ر پ یروزی ب ا ر ا طه در اگ ر  
در و خدا ب ندگان دشمن ب زرگ ترین گ ناه که چرا کرد خواه پ یدا  
می باشد مسیح ت یجه

ذریه به شدن ملحق

مسیحیت انجیل اساسی عناصر که باشد شده روشن ب اید ای نك  
به حیاتی هلی وعده این ولی است ب وده شده درک اب راهیم ت وسط  
حیاتی چی؟ ب قیه پس ب وده، شده اهد مسیح اش ذریه و اب راهیم  
خاص ذریه آن از قسمتی خودکار ب طور هم اب راهیم ف یزی کی ف رزندان  
صورت به ای گ ونه به ب اید ما (9:7 روم بیان و 8:39 ی ودنا). شدن خواهند  
شده داده ذریه به که هلی وعده در ت ادر آیم مسیح از محرم ب خش  
میسر مسیح در ت عمید طریق از که (6:3-5 روم بیان). شویم سهیم  
گ یردمی انجام وی نام در ت عمید که خوانیم می اکثرأ ما می باشد  
به رانکه ته این 29-3:27 غلاط بیان (5:19 و 10:48 و 8:16 و 2:38 روم بیان)  
میکنند ت و صیف نحو به ترین

را مسیح و ایم شده مسیح وجود از جزئی ایم، گ رف ته ت عمید که هه و"  
غیریهودی، یا باشد یم یهودی که ک ند می ف رقی دی گ ر ای چ و شیده  
در مسیحیان ماهه زی رازن، یا باشد یم مرد آزاد، یا باشد یم غلام  
ایم، شده مسیح آن از که اک نون و هس تیم، ی کی مسیح عیسی  
که راهلی ی وعده ت مام ت یجه در و باشد یم می اب راهیم واقعی ف رزندان  
(29-3:27 ط بیان غلا) "گ یردمی ت علق ن یز ما به داد، اب راهیم به خدا

"نعمت" دریافت طریق از زمین در اب دی حیاتی وعده -  
ما که است ذریه، هان یا، ت عمید طریق از مسیح طریق از ب خشایش  
که است ب دی نگونه و شویم می سهیم شده داده وی به که هلی وعده در  
خواندمی "مسیح ب امش ترك وارثان" را ما 8:17 روم بیان آیه

از زمین ذقاصت مام در و مردم ت مام به آمزش كه به اشد ید اشد ته یداد به از وسع گ روهی به ت بدیل ید ذریه وگ یردمی ت علق ذریه طریق دن بال به را این و آسمان سد تارگان و سواحل ماسه ماند شد، می مردم از قس می ید تواند نند تا ك نند دریافت را آمزش ید اید اول آنها كه دارد می نسل ید ك خداوند نظر از واحد ذریه ید ك نای ناب رای . شونذ ذریه 22:30) مردم، مزام یر ت مام معنای به ( ید اشد

ذماید یم مرور داد اب راهیم به خداوند كه را ای وعده نوع دو ت واند یم می ما

### (1) سرزمین

سرزمین ید ردارد در را آنها مسیح آناذ كه و مسیح اش، ذریه و اب راهیم تا وگ رفت خواهند را زمین ت مام ید عدد و ید رد خواهند اربت به را ك نعان دریافت زندگی ای این در را وعده این آنها بگرد خواهند زندگی آنجا ید آن به گ ردمی ید از مسیح هذ گام ید كه و آخر روز در ولای كردد خواهند ر سید خواهند

### (2) ذریه

ید بین از ب شر (دشمنان) گ ناهلن وی طریق از و ید وده مسیح اساساً ذریه ید گ یرند قرار جهان یدان ت مام دس ترس در خشایش ب نعمت تا م یروند . شویم می ذریه از قس می ما مسیح نام به ت عم ید طریق از

ذیست آورت عجب و شده مطرح هم جدید عهد هلی موعظه در موضوع دو این می را ت علمات این هذ گام ید كه مردم اغلب كه شده تبت ای نگونه كه این دریافت ید رای راهی ت عم ید كه چرا . شند می ت عم ید گرفتند، ید عنوان ید ولس كه ید فهمیم ت واند یم می حالا ما هست و ید وده هلو عده امید" ید عنوان را ام یدش چگونه ید وده شده روبرو مرگ ید كه ید یرمردی داش ت ت وجه (20:28 ر سلوان اعمال). كردد می ت و صیف " اسرائیل ید اشد می هلی هودی اول ید امید هان مسیح بیت واقعی امید كه ید اشد ید (22:4 ید و حنا)" ید اشد می هلی هودی از رس ت گاری " كه مسیح گ فته اس ت فاده ید رای روحانی هلی هودی به شدن ت بدیل لزوم به ید اید اوی هودی ید دران به كه مسیح طریق از رس ت گاری هلی وعده از ید ردن . شود داده نسد بت است، شده داده نوید

اند كرده موعظه زیر موارد در باره اول ید مسیح یدان كه خوان یم می ما

1- و خداوند ملكوت به مر بوط مسائل "



2- (8:12 ر سولان اعمال). "مسیح عیسی نام

داده ت و ضیح هم اب راهیم به مخ تلف نسبتاً ع ناوی نی تحت مطلب دو این  
است شده:

1- سرزمین هلی وعده

2- ذریه هلی وعده

و ملکوت با رابطه در (جمع) "مسائل" که کزید ت وجه با الا مطالب در  
آیه به رجوع 8:5 ر سولان اعمال) "ک زنده موعظه عیسی" به عنوان یسی ع  
دارد دوست را شما عیسی" به صورت آیه این اوقات اغلب است آمده (12)  
وی که داشتید باور که به گوید یک کاف یست فقط شود می تعبیر "  
ک زنده بیان وضوح به "مسیح" واژه ولی! شوی در هاتامرده شما برای  
به شارت باشد می ظهورش در حال ملکوت و وی ردمو در مواردی تدریس  
اولیه هلی موعظه در بود شده موعظه اب راهیم به که ملکوت این مورد در  
است کرده می ای فاء را بزرگی نقش اندجیل

باورفت می یهود ع باندت نگاه به ماه سه مدت به "پ ولس کوری نت، در  
در؛ (8:19 ر سولان اعمال) "کرد می اعلام را اندجیل پیغام شجاعت  
و کرد می موعظه (25:20 ر سولان اعمال) "خدا ملکوت" مورد در او اف سس  
در پ ولس": است ب وده گ و نه همین به هم در صد به تهاش آخرین  
پنج از... کرد صد بت ای شان برای مسیح عیسی و خدا ملکوت بهاره  
ای نکه (31، 23، 28 ر سولان اعمال) "پ یام بران ک تب و... موسی ک تاب  
که ده می نشان ب وده، آن مورد در کردن صد بت برای موضوع آن قدر  
که نبوده این فقط مسیح و ملکوت مورد در اندجیل اصلی پیغام  
و حی بی یورد زبان به را "باشید داشته به اور را مسیح" جمله ان سان  
وی به که هلی وعده و ب وده این تراز م فصل خیلی اب راهیم به خداوند  
می باشد واقعی مسیحیت اندجیل اساس شده داده

کند می ذریه از ق س م تیرا ما مسیح، نام به ت عمید که ای داده نشان ما  
(27:3-29 غلاطیان) باشد یم سهیم هلو عده در ت و ان یم می نت یجه در و  
شده، داده وعده رسد تگاری آوردن بدست برای ت نهایی به ت عمید ولی  
و ان یجت ت اب مان یم مسیحیت در و ذریه در ب ای د ما باشد نمی کاف ی  
ت عمید ب نابراین باشد یم سهیم شده داده ذریه به که هلی وعده در  
باید بدعده که شوی می ای مساب قه وارد ت عمید با ما است، راه آغاز فقط  
بودن اب راهیم ذریه فقط که نکزید فراموش ک نیم دودن به شروع  
هم هاسرائیلی است کرده قبول را ما خداوند که نیست معناب دین

می که نیست معنا بدان این ولی همد تند، اب راهیم ذریه یذحوبه  
 اب راهیم و مسیح راه در خود زندگی تسلیم و تعمید بدون توانند  
 بگفت هلیهودی به عیسی (4:13.14 و 9:7.8 رومیان) یاب ندرهلی  
 وجود، این با همد تید اب راهیم فرزندان شما که دانم می بلی،  
 بر ای جای شما دل در چون، بکشید مرا خواهید می شما از بعضی  
 "دهید انجام ای دآموخته خود پدر از هرچه... شود نمی اپید من پیام  
 ذریه مسیح، و خداوند به ایمان با اب ایست می که (8:37،39 یوحنا)  
 (6:29 یوحنا) می کرد زندگی شده، داده وعده

بخواهیم ما اگر باشد دارا پیدین یانش مشخصات بید "ذریه"  
 ایمان بلکه شویم تعمید بیدت نهاده باشد می اب راهیم اقی و ذریه  
 بر ای باشد ایم داشت هوی، خود ماند در دست خداوند، هلی وعده به واقعی  
 نجات و دارند ایمان خدا به که کسان پدر "نام به راه را که است هین  
 رومیان) "گذاشت تندوی ایمان راه در پاکه کسان... اندی بافته  
 نظر در که بر می می پی نکته این به ای نجاز" بندخوا می (4:11،12)  
 در (کردن باور دل ته از معنای به) است مطرح ما ایمان فقط خدا،  
 ایمان خدا به که همد تند آنها می اب راهیم واقعی فرزندان نتیجه،  
 (3:7 غلاطیان) "دارند حقیقی"

در شود داده نشان عمل نوعی طریق از باید واقعی ایمان  
 به ایمان ما (2:17 یعقوب) نیست ایمان خدا نظر از غیریان صورت  
 تعمید طریق از مرحله اول بین در کردیم مطالعه که راه وعده این  
 دهیم تعمیم خود شخص به را آنها بتوانیم که می دهیم نمایش  
 داریم؟ ایمان خداوند هلی وعده به واقعاً شما آیا پس (3:27-19 غلاطیان)  
 خود از زندگی ایمان طول تمام در مکرراً بید ما که است سؤالی این  
 بپرسیم

جدید و قدیم پیمان می ثاق

انجیل اب راهیم به خداوند هلی وعده که باشد مشخص الان تا بید  
 که است آنها می خداوند اساسی هلی وعده دیگر کند می بپان را مسیح  
 نظر از آنها به گردد، می ارائه موسیقی قوانین بصورت و یهودیان به  
 وعده هیچ (28 تذییه) شود می ارزانی لطف دیات این دریجسمان  
 وجود "پیمان" یا هلی وعده سری این در مسد تقیم بطور اب دی دیات  
 است شده داده وعده سری دو که بید می می ما پس است نداشت ته

1) در اب دئی حیات و ب خشایش وعده وی، نریه و اب راهیم به  
داود به و آسمان در وعده نای. مسیح مجدد ظهور ب عداذ خداوندی ملکوت  
ب ود شده داده ن بیز

2) زندگی در شادی و صلح وعده موسی زمان در یهودی مردم به  
موسی به خداوند که توانی از آنها فرمان بری صورت در ک نوزی  
ب ود داده

ب ود داده را ملکوت در اب دئی زندگی و آمرزش وعده اب راهیم به خداوند  
که خواندیم ما ب ود عملی مسیح شدن قربانی طریق از ف قط این ولی  
را اب راهیم به خداوند هلی وعده دل بیل همین به صلایب روی مسیح مرگ  
دوم و 9:27 دان یال و 15:8 رومیان و 3:17 غلاطیان) ک ند می ت ای بید  
(1:20) قرن ت بیان

انذ نام بیده (26:28 متی) "جدید عهد خون" را وی خون همین ب خاطر

مداوم ب طور که گفته ما به مسیح که شیم ادا شد بید به ب ای دما و  
هلی وعده این بید تا ب نو شیم است، وی خون نماد که را، شراب جام  
دهندن شان بیلا این" (ک نیدن گاه 11:25 قرن ت بیان اول به) ب اشیم  
این اگر (22:20 لوقا). "شودمی مهر من خون ب که خداست تاز به پیمان  
هیچ اعمالش و مسیح ادی به "انان شکستن" ن کنیم درک را مسائل  
ب دارد ای فاید

امکان را ملکوت در اب دئی زندگی و ب خشایش مسیح شدن قربانی  
" او شد مطمئن هلی وعده بابت از اب راهیم ب نابراین و ساخت ب ذیر  
آیه ب ود (7:22 عبرانیان) "ب ه تروپ پیمان عهد برای ت ضمینی  
اول این" مسیح که ک ند می صحت اصل این مورد در 10:9 عبرانیان  
نشان این "نمای دگ ذاری ب ای ه را ب تواند دومین ت اب رداشت را پیمان  
او کرد ت ای بید را اب راهیم به خداوند هلی وعده مسیح هذ گام ب که می دهد  
شده داده موسی طریق از که هلی وعده هان بید بگر پیمان سراغ به  
مسیح مرگ ب واسطه جدید پیمان یک ت ای بید باره هلی ه رفت ب ود  
وی که ب وده قدیمی پیمان یک که دهمی نشان این و کرد ند می حبتص  
(8:13 عبرانیان) است گ ذرانده را آن

تا ولی آمد، اول مسیح به مر بوط پیمان اگر چه که معناست ب دان این  
پیمان را آن همین برای ب ود ن شده اعمال کامل ب طور مرگش زمان  
شده اعمال موسی طریق زا که "قدیم" پیمان نیت انذ نام بیده "جدید د"  
وعده به ای مانده ایت ساختن نمایان و مسیح کار هلی دادن نشان ب ود

دیگر طرف از و (3:19.213 غلاط یان). است بدوده مسیح به مرید و طه‌ی تأیید شده داده موسی به که را قواندینی واقعیت مسیح به ایمان اجازه: کندیم جمع را اینها ماهواره به طور پ‌ولس (3:31 رومیان). میکند ال‌هی چون ال‌هی احکام: بهم شرح دی‌گری طور را مطلب این به دهید راه از را ما و بیاید مسیح که زمانی تا کرد می‌مراقبت ما از که بدود که است منظور این به (3:24 غلاط یان). "سازد خدا مقبول ایمان، می‌باشد سودمند ما بر این مطالعه و شده حفظ موسی قواندین

را مطالب تواندیم می‌ماند نیست آسان اول نگاه در مطالب این رکند: نماییم خلاصه ذیل به صورت

- داده ابراهیم به خداوند که مسیح با رابطة در طه‌ی وعده جدید پیمان

- به که قواندینی با که داده اسرائیل به خداوند که طه‌ی وعده قدیم پیمان - دارد پ‌یونداست شده داده موسی

- 17- کولس یان). است یاف‌ته خاتمه قدیم پیمان مسیح رگم است شده پ‌یاده جدید پیمان (2:14)

از و سبت مقررات اجرایی عشریه، قبیل از مسائل لی‌دل‌یل‌هین به به - ندارند الزامی دی‌گری و دند قدیم پیمان از جزئی که قبیل این کند پ‌ت و اسرائیل که هنگامی جدید پیمان. شود مراجعه 5-9 مطالعات رومیان و 31:31.32 ارمیا) خواهگرفت انجام نماید قبول را مسیح و را کار این که یهودی‌ها البته (26:37 و 62:16 حزقیال و 9:26.27 شود جدید پیمان وارد فوراً تواندمی شود تعمید مسیح نام به و بد کند - ندارد وجود مسیحی و ک‌لیمی غیر و یهودی بدین تفاوتی آن در که (29-3:27 لاط یانغ)

بدون حقیقی متوجه ما که شود می‌باعث مسائل این واقعی رعایت موعظه ای ناعادلانه به طور بدبین اف‌راد. شویم را خداوند طه‌ی وعده کرده متهم مثبت پ‌یامهای ابلاغ عدم به را اولیه مسیحی ک‌زندگان مرگ طریق از خداوند طه‌ی وعده تأیید به خاطر که گفت پ‌ولس بدود بد رانگیز شک مس‌ئله یک ک‌ند می‌صحتبت آن از آنها که امیدی مسیح بد پرسید است ممکن حال". است بدوده حتمی کاملاً امری بد لکن بوده از بدیاری هاند نیابد و دم‌دل‌دو آید. کردم عوض را خدا تصمم چرا که نه منظورشان بدلیگ‌ویدند می‌که وقتیکه ام شده دنیای این مردم اعتماد قابل و راست سخنانش که خدای این نیست چ‌نین نه، است؟

وقتی و با شد می اعتماد قابل نیز ما سخنان که است شاهد باشد، می عیسی خدا، فرزند زید را است بلی هان منظورمان بلی گوییم می باشد، نه منظورش بلی گوییم وقت که نیست کسی مسیح، ما موعظه و پیغام و دهد؛ می انجام را هان گوییم، می هرچه هواره بلی که بلی و دکسی چندین یک در باره تیموتاموس، و سلوانوس و منیعنی می عملی باشند، بلی ساری که هرچند را، خدا هلی وعده تمام که است هلیش وعده به نسبت چقدر او که ایم کرده اعلام جاهه نیز ما و سازد، (1:17-20 قرن تیان دوم) "یاب دجلال او تا است، وفادار و امین

این تمام در باید واقعیت مقداری قاعدتاً، خوب" ایده گفته این قطعاً کند؟ می خراب را "باشد داشته وجود

## داود به خدا هلی و عده 3-5

وعده کننده دریافت که افرا دیدی مگر از بلی ساری و ابراهیم ماند داود، یک فرزند کوچک ترین او بداشت آسانی زندگی بلی و دزد، خداوند هلی ظهور از قبل سال هزار اسرائیل در امر این و بلی و بزرگ مخانواد بلی رادران از گرفتار تن دستور و کردن چوبانی معنای به مسیح به زمان این طی در وی (15-17 سموئیل اول) بلی و دزورگ و بلی زورگ تر سطح این به کمی افرا تا اکنون که رسید خداوند به ایمان از ای درجه اندر رسیده ایمان از

طرف از بزرگی طلبی مبارزه با اسرائیل که رسید فرار روزی جنگجویان از یکی از روبرو شد فاسطین، پرخاشگرشان، همسایه و بلی جنگ فاسطین، قهرمان بزرگ، جالوت با که شد دعوت اسرائیل کمک با کرد می حکومت بازنده بر می شد، پیروز نبرد در که هرکس این و ساخت مغلوب را جالوت سنگ قلاب یک از اسد فاده با داود خدا بلی شد تر شاول پادشاهشان از حتی وی موبوبیت که شد باعث (6:8 سلیمان غزلهای غزل) "است ناب و دکنده مرگ ماندند حسادت". شود طریق از بلی عدی سال 20 طی در شاول توسط داود آزار با کلمات این شد ثابت اسرائیل جنوب در موش مثل وی کردن دنبال

در خود به نسبت خداوند عشق از قردانی و بلی رای شد اپادش داود نهایتاً معبد یک خداوند بلی که گرفتار تصمی اش، سرگردانی دوران طی بلی سازد را معبد سلیمان، داود، پسر که بود این خداوند جواب بلی سازد

13- سموئیل دوم) بی سازد ای خانه داود بی رای خواست می خداوند ای نکه و که را کلماتی نهانه که آمد خداوند رفظ از م فصل وعده یک بعد (7:4) هم را بی گری جزئیات بی لکه کرد، می تکرار بی ودگفته اب راهیم بی بی رداشت در

را بی سرانته از بی کی من شوی، ملحق اجدادته بی و بی میری ته و وقتی "هان او بی کنتم ت بی بیت را او حکومت و می سازم ته و تخت و تاج وارث بی ته تارا او سلطنت من و ساخت خواهد من بی رای ای خانه که است ک سی اگر اما بی ود، خواهد من بی سر او و او بی در من بی کرد خواهد بی دار اب د او از من مدبت ولی بی کرد خواهد مجازات سخت را او شود، گناه مرتکب که گریدی بی باعث و شد دور شادول از که آنطور شد، نخواهد دور بی باقی اب بی ته تات و خاندان که بی دان شود من ت قل ته و بی او سلطنت (16 الی 12 آیات)" بی کرد خواهد سلطنت من حضور در و ماند خواهد

بی باشد مسیح هان "ذریه" که بی رود ان تظار بی ایدمان ق بی ملی مطالعات از تأیید را این (7:14 سموئیل دوم) خداوند بی سر بی عنوان وی مشخصات نیز مقدس ک تاب دردی بی مطالب از بی ساری که هان گونه کند، می نمایدمی تأیید را این

- (22:16 مکاشفه) "هستتم داود بی سر... من" بی گفتم عیسی

- مسیح عیسی ما خداوند بی عنی خدا، فرزند درباره مؤذنه این " رومیان) " آمدن بی بی داوند سل از نوزادی بی صورت که باشد می (1:3)

- اسرائیل بی به را اش وعده خدا که ای دهنده نجات آن عیسی، و" (13:23 رسولان اعمال) "است پادشاه داود همین سل زاداد،

- و" بی گفتم عیسی بی سرش درباره بی اکره مریم بی به فرشته سلطنت... بی کرد خواهد واگزار او به را داود جدش سلطنت تخت خداوند آیه بی اشاره مطلب این (1:32، 33 لوقا) "بی افات نخواهد بی این هگز او... دارد مسیح بی عنی داود ذریه بی به شده داده هی وعده و 7:13 سموئیل دوم

نیز جزئیات از بی رخی شده مشخص مسیح بی عنوان قطعاً ذریه که حال شوند می مشخص

1- ذریه

را او حکومت و سازم می تو تخت و تاج وارث... را پسرانت از ی کی  
داود به تو و "بود خواه من پسر او و او پدر من... ک نم می ت ث بیت  
خواه او تاج و تخت وارث فرزندانش از ی کی هه پیش که فرمودی وعده  
(11، 10: 132 مزامیر و 14، 12: 7 سموئیل دوم) ". شد

این با اولی بود داود فیزیکی و واقعی زواده نریه، همان یامسیح،  
که هانطور باکره، زایمان طریق از ف قط این بود پدرش خداوند حال  
از مریم، حمسی مادر است؛ عملی شده، داده تو و ضیح جدید عهد در  
نداشت انسان بصورت پدری اولی (1: 32 لوقا) بود داود، نوادگان  
و کرد ای معجزه مسیح آوردن دنیا به به رای مریم با رابطه در خداوند  
خدا قدرت و شد خواه نازل تو و بر ال قدس روح" بگفتند فرشتگان  
خدا فرزند بود، مقدس زوادی، آن رو این از اف کند خواه سایه بر تو و  
شدمی که بود راهی تنها "بباکره زایمان" (1: 35 لوقا) ". شد خواه و اندوخ  
کرد پیاده کامل بود طور بود شده داده داود به که را ای وعده

## 2- خانه

را او سلطنت من و ساخت خواه من رای ای خانه که است ک سی هان او "  
میدهند نشان آیه این (7: 13 سموئیل دوم) ". کرد خواه پایدار ابده تا  
و ساخت خواه معنوی و واقعی معبدی خداوند رای مسیح که  
ملکوت پیدایش اول سال هزار) هزاره در چگونه که کندی تو و صیف  
المقدس بیت در معبدی (زمین به مسیح بازگشت به عداد خداوند  
کند زندگی است حاضر وی که است جای خدا "خانه" . شد خواه ساخت  
مقابل در که مردمانی قلب در که گوید می ام به 2، 1: 66 اشعیا آیات و  
مسیح پناهنده بگرد خواه زندگی آوردند فرود سفر رامینش  
سکنی آن در تا سازدمی خداوند رای واقعی مؤمنان از معنوی معبدی  
اول) خداوند معبد زیر بنای سنگ به عنوان مسیح مشخصات بگریزند  
(2: 5 پطرس اول) معبد سنگهای به عنوان مسیح بیان و (4: 2-8 پطرس  
کندی پیدامفهوم اینک

## 3- سلطنت تخت

تخت و (داود) او خانه... کرد خواه پایدار ابده تا را او سلطنت من و "  
رجوع 7: 13 سموئیل دوم) ". بود پایدار خواه هه پیشه رای... سلطنتش  
(7: 6.9 اشعیا به

بود خواه اسرانیل در داود ملکوت را اساس مسیح ملکوت پناهنده رای ن  
واقع در است، ظهور در حال که خداوند، ملکوت که معناست بدان این

بیشتر اطلاعات بر رای - بود خواه اسراء یل حکومت از نو ب ناڈی  
بر ب اید مسیح وعده این انجام بر رای بک نید مراجعه 5-3 مطالعات به  
و است ب وده المقدس بیت در واقع در که به نشد پند داود سلطنت تخت  
کامل اجرایی بر رای زمین روی ملکوت نایب لزوم بر است دیدگری دل یل  
هل وعده این

#### 4- (ملکوت)

من حضور در و ماند خواهند باقی ابد به تا تو و خاندان که ب دان"  
(7:16 سموئیل دوم) "کرد خواهند سلطنت

خواهد مسیح ابدی ملکوت بر پدایی شاهد داود که میدهد نشان آیه این  
بازگشت در وی که ب وده مسیح تقیم غیر وعده یک این ب نابراین بود  
و ملکوت جهانی بر پدایی خودش چشمان با تا شد خواهد اید مسیح  
نمایم مشاهده را المقدس بیت از مسیح حکومت

از داود بنمایم درک را شده داود به که هلی و وعده که است مهم بسیار  
و من پیمان... هیدگی پیمانی" ب صورت و شادی با مسائل این  
به مسائل این کرد می صحت (5:23 یل سموئیل دوم) "من آرزوی  
تمام ب اید آنها به ب ستن دل متقابلاً و شوند می مرید و طهم مار س تگاری  
این که شود می مطرح مسئله این دوباره ب نابراین باشد ما شد تیاق  
مسیحیت عالم در که است فاجعه یک این هس تند مهم تعالی  
می تضاد را عاده قف و واقعه یتهای این با که شود می داده تعالی  
باشدند:

اینکه به معنی داشته، حیات قبلاً فیزیکی نظر از مسیح اگر -  
که وعده این پس داشته، وجود انسان یک ب صورت تولدش از قبیل  
داشت نخواهد مفهوم بود خواه داود زاده یا و "نریه" مسیح

تواند نمی مسیح پس بود خواه آسمان در خداوند ملکوت اگر -  
تخت از تواند نمی و سازد ب نادوباره را داود، ملکوت اسراء یل،  
ب وده زمین روی واقعه ب طور چه یزها این کند حکمرانی داود سلطنت  
بگردد انجام جاها در ب اید مجددشان ب نایب نابراین اید،

سلب پیمان؟ در شدن آورده بر

بود شده داده داود به که را هلی و وعده از بخشی داود، حقیقی پس  
خداوند بر رای (5-8 پادشاهان اول) حقیقی معبد یک او نمودت کمیل



دنيا ته مدنهي ته مام به ودم ترقي به سياره لمرويك داراي و ساخت اول) فرستادن زمين ننگ اندي سلیمان به احد ترام ادای به رای وجود زيادي معنوي آموزش معبد، از اسد ت فاده به واسطه و (10) پادشاهان وعده از قسمتي اجابت دهنده نشان سلیمان حکومت به نابراین داشت . شد خواهد دیده مسیح ملکوت در و به وده شده داده داود به که است هلي ي

به طور به وده، شده داده داود به که هلي ي وعده که دارند ادعا فراد از به رخي ذيل به دلایل موضوع این ولی یافت، تحقیق سلیمان توسط کامل به نیست درست :

نه و به وده مسیح "ذریه" که میدهد نشان جدید عهد فر اوان شواهد سلیمان

به وده داده وي به خداوند که را هلي ي وعده داود که میاید نظر به به پیدایش = 17:27 ت واریخ اول) به وده ربه طاب راهیم هلي وعده به به (22:17.18)

ملکوت در صورتیکه باشد ابدي به وده نا "ذریه" ملکوت به بود ای تصور سلیمان

ابدي زندگی به ارا به طه در هوعده که به وده داده ت شخ یص داود . شدن می شامل را نزدی کش به ستگان به نسبت نوع هر که به وندد به یمانی من با خدا ولیکن نیست همراه خدا با من خانه چه اگر " (23:5 سموئیل دوم) "است به سته هیشگی

میگناهن از رهک زنده یا موعود مسیح هان داود ذریه ولی (7:42 یونس و 33:5.6.15 ارمیا و 22:22 و 9:6.7 اشعیا) باشد شریک اسرائیل امید در آنا که به ازدواج به خاطر به عدل سلیمان روی خداوند از (13:26 زحمیا و 11:1-13 پادشاهان اول) نه بودند، به رگ رداند

## هلی ر سش :3 فصل

راستی وگناه به بین دائم نزاع یک خداوند هلي وعده از کدام یک 1- کند؟ می به یني پیش را

۱. شد داده نوح به که هلی یی وعده – الف

۲. شد داده به شت در که هلی یی وعده – ب

۳. شد داده داود به که هلی یی وعده – ج

۴. شد داده اب راهیم به که هلی یی وعده – د

۲- داده به شت در که هلی یی وعده با رابطه در زیر جملات از کدام یک باشدند؟ می صدیح شده

دباش می شیطان مار ذریه – الف

هستند زن ذریه صالحان و مسیح – ب

شد مجروح موقت به طور مسیح توسط مار ذریه – ج

شد زخمی مسیح مرگ به واسطه زن ذریه – د

۳- داشت؟ خواهد اب دی زندگی کجا در اب راهیم ذریه

به شت در – الف

المقدس بیت در – ب

زمین در – ج

به شت در زمانی و زمین در زمانی – د

۴- بود؟ شده داده وعده داود به ذیل موارد از کدام یک

کرد خواهد حکومت هیشه به رای به زرگش نواده که – الف

داشت خواهد ملکوتی به شت در اش ذریه که – ب

بود خواهد خداوند پدر اش ذریه که – ج

زندگی بهشت در زمین در شدن زاده از ق بل مسیح، اش، ذریه که - د  
کرد خواهد.

## مرگ و خدا: 4 فصل

### از سان فطرت 1-4

تو فکر و اندیشه تنها صرف را کمی وقت از سانه‌ها که اثر می‌رسد نظر به است مرگ اصلی علت که خودش درونی ماهیت یا مرگ، پیرامون در و شود می‌ماند تهی خود شناسی عدم به خود نگری چنین عدم می‌کنند، آلاء اساسی و شوند می‌خارج حیات مسدود از سانه‌ها نتیجه به هر چند که امتناعی بگردد می‌تواند صمیمیت خود را با تاملات که واقعه‌ای است این پیرامون تو فکر به نرسد است، شده پنهان شدت مرگ زود خلی و باشد می‌کوتاه بسد پیر از سان حیات و زندگی پایش چه فرادانیدی چه شما" دارد وجود گردمی‌فرار اما همه حتمی تو انمی‌را آن‌ای لحظه که است صد بگاهی مه‌مانند شما عمر آمد؟ خواهد می‌میرد می‌ماه سرانجام". شود می‌ناید و محو به‌اید لحظه و دید تو انمی‌دی اگر ریخت که آب شود، می‌ریخت ته‌زمین بر آب مثل ما عمر شدک فدی و (جوانی) روی نمی‌صدیح که گاهی مانند". کرد جمع را آن 14:4 سموئل دوم و 4:14 یعقوب". شود می‌خشتک و پژمرده عصر و واقعه‌ای است این متفکر، معنی تمام به‌اندازی موسی، (6، 90:5 مزامیر و ما عصر بدانیم که به‌یاد ما به" که کردت قاضا خدا از و کرد درک را "که نیم‌زندگی خریدمندی با کوتاه عمر این در تا گزراست زود چه ما زندگی، ناپایداری و کوتاهی به‌نظر با ناپایان (90:12 مزامیر) دهیم قرار اول اولویت در را واقعی خرد سبک باید

از برخی باشد می‌تفاوت مرگ حقیقت به نرسد بتان سانه‌ها و انش زندگی از قسمتی به‌را و عزاداری مرگ اندک‌ده سعی فرهن گها .دهند کاهش را دل‌تنگی و فاحس طریق این از تا کند تبدیل رسد چندتی این به‌باشد می‌مسیحی که فرهن گها این بیدتر که باشد می‌خود در فناناپذیر جزئی یا اب‌دی روحی دارای ان سان که به‌توجه با میدهد ادامه خود حیات به‌پاداش و جزا مکان در مرگ به‌عزاز می‌انسان تجربه‌انگیزترین غم و مسئله‌ترین اصلی مرگ که این در راهی یافتن برای شرف کر مرگ، که رودمی‌انتظار باشد، رشت‌سرنده مشغول خود به‌خیلی آن‌ذهنی تأثیر کاهش جهت سرچشمه این‌نجان از سان ماهیت و مرگ با رابطه در کذب نظریات تمام محک‌ان‌جیل با بیدنی نظریات این موارد، دی‌گرمانند گردمی . شود آشکار حیات و مهم موضوع این در ناب حقیقت تا شوند زده شده ذکر ان‌جیل در که دروغی اول بین تدریس که شود یا‌داوری باید

خداوند صریح سخن بدرخلاف است بهشت بداغ در ابد لیس دروغ است، بدیدایش) "شودگ ناه مرت کب اگر مرد، خواهد مطمئناً ان سان": بفرمود که (3:14 پدیدایش) "مردن خواهد مطمئناً" که؛ کرد پداف شاری ابد لیس (2:17) گپردمی صورت مرگ کلبیت و قطعیت ان کار جهت در که تالاشی که است بدیهی است شده دروغ و کذب مذاهب تمام ویدژگی به تبدیل دروغی به منجر دروغ و کذب نظریه یک زمیننه، این در بد خصوص دیدگری مطلب صدق مطلب یک بدعکس و شودمی... ویدگر ویدگر نشان 17-15:13 قردن تیان اول آیات توسط بطوری که دارد، پی در را می دیدگری حقیقت به حقیقت یک از پدولس نجای در. شد داده ("...اگر...اگر...اگر" کزیدت وجه) رسد

انجیل که آنچه به باید ما خودمان، واقعی ماهیت درک و شناخت بدرای ساده زبان به موجود متون کزیم توجه گویدمی ان سان خلقت مورد در ماهیت دقیقاً این که مورد در را ما شک شود، معنی اللفظی تحت اگر به مرید و ط 18 معترضه جمله به) کزندی بدطرف چیدست ما وجودی (کزیدرجوع مقررات در پدیدایش سدفر اللفظی تحت معنی

بدازخواهی خاکی هان به سرانجام... سرشت را آدم زمین، خاک از خداوند" خاک به و شدی سرشت ته خاک از توزیرا شدی، گزرف ته ان از که گشت ای اشاره مطلقاً آیات این در (3:19 و 2:7 پدیدایش) "گشت بدخواهی هم او از جزئی حیات ادامه یا ان سان در ذاتی جاودانگی وجود به شودمی بدعازمرگ

از اساساً ان سان که کزندی تکید حقیقت بدراین آشکارا مقدس کتاب (64:8 اشعیا) "هستیم گل ما" است شده ساخت ته ناچیز خاک

سرشت" (15:47 قردن تیان اول) "شد آفریده زمین خاک از اول، آدم" "گرددمی بداز خاک به دوباره او و" (4:19 ایوب) "است خاک از ان سان" "خاکی و ناچیز" او که پذیرفت ابراهیم (15، 14:34 ایوب) دس تور از آدم نافرمانی از پس بدلاف اصله (18:27 پدیدایش) است میوه از اشتگدن باید... کرد بدیرون را او "خدا بهشت در خداوند اگر (22، 3:24 پدیدایش) "بماند زنده ابدت او بد خورد حیات درخت در پس باشد، ابدی و فناناپذیر جزئی دارای فطری طور به ان سان بد باشد می لازم و ضروری امر، این انجام صورت این

مشروط ابدیت و جاودانگی

تمسك پات واند مي ان سان كه است اين انجيل مكرر و مسد تمر پيام اين كنند پيدا جاودانگي و ابددي حيات سوي به راهي مسيح سديره به كند، مي صحت بت آن در باره انجيل كه است جاودانگي نوع تنها كتاب در مصداقي گون و نه هيچ بدون گناه تحمل و آگاهانه جاودانگي دستورات از اطاعت جاودانگي به رسيدن راه تنها ندارد وجود مقدس به باشنند مي خدا فرمان بردار و مطيع كاملاً كه افرازي و است خداوند رسند مي كمال حد در جاودانگي خود، پرهيزكاري و تقوي پاداش

هان باشد، مي جاودانگي مشروطيت بر كافي گواهي ذيل جملات نديستيم بر خوردار آن از فطرتاً ما كه جاودانگي

همدر را مرگ قدرت او ... مسيح عيسي ماندهنده نجات ظهور پام -  
ايمان هان كه داد نشان را جاويد زندگي به ورود راه ما به و شكست (1: يوحنا اول و 1:10 تيموتاؤوس دوم) "است انجيل پيغام به آوردن

نمي هوزن نو شيد، را او خون و نخوريد در مسيح بدن تام -  
را بدنم كه كسي ولي باشد پيدا شده جاويد زندگي خود در توانيد را اوقايمت روز در من و دارد جاويد زندگي بشود را خونم و بخورد شد شم بابت در شده آورده مطالب (54، 53:6 يوحنا) "كرد خواهم زنده و باشدمي "زندگي نان" عيسي كه دارد امر اين بر دلالت يوحنا اميد جاودانه زندگي به توانمي وي به صديح پاسخ واسطه به فقط (58، 57، 51، 50، 47:6 يوحنا) داشت

در حيات اين و کرده، عطا جاويد زندگي و حيات ما به خداوند -  
جاودانگي به اميد (11:5 يوحنا اول) "است مسيح عيسي او فرزند مسيحيت طريق از فقط باشد "مسيح يان غير" بر راي تواند نمي رسولان اعمال) "بخش حيات مرد" است او: است پذيرامكان جاودانگي "نمايند مي اطاعت او از كه سازد آذاني يبنص را ابددي نجات" (15:3 مسيح شروط به عمل از اند سازها جاودانگي ب ناپراين (9:5 عبران يان) شد مي حاصل

هيده او عمل اين پاداش و است جاودانگي جس تجوي در واقعي مع تقد نديبببي آن از بال فطره او كه چيزي باشد، مي ابددي زندگي و ابددي" ب ايد ما فاني جسم (28:10 يوحنا و 23:6 و 7:2 روميان). است مسيح بازگشت در ال به (53:15 قرن تيان اول) "شود جاودانه ما اختيار در الان كه است شده داده وعده امري جاودانگي ب ناپراين نديست

تیموتائوس اول) "میردزمی هوگ ز که است ک سی ت نه خدا" -  
(6:16)

## جان 4-2

یا جاودانه و اب دی جان یک وجود باید شد نکر بالا در که واقعه ی تی با  
جا این در باشد غیر ممکن از سان در ف نانا پ ذیر بالا فطره جزء هو  
ب ر طرف را جان ک لمه پیرامون موجود ابهامات که است این بر ما تلاش  
کنیم.

به اند شده ترجمه اندجیل در جان، ک لمه به که یونانی و عبری کلمات  
می ترجمه نیز ذیل صورتهای به (Nepshesh و Psuche) ترتیب  
شوند:

جسم      نفس

موجود      قلب

ذهن      شخص

خودش

جمله این یک ندمی اشاره خوی شد تن یا جسم، شخص، به جان بنابر این  
مرگ از را ما "معنی به روشنی به به ده، نجات را ما جانهای" که معروف  
تمام عصاره یا است، خصش هان جان بنابر این باشد می "بده نجات  
که است درک قابل پس دهند می تشکیل را شخص یک که چ یز هلی ی  
از ندرت به (N.I.V. مثال بر ای) اندجیل جدیدنسخ از بس یاری در چرا  
ترجمه "شخص" را ک لمه این در عوض میشود، اسد ت فاده "جان" لغت  
عنوان با اندجیل در است، کرده خلق خداوند که حیوانات ی از اندکرده  
برده نام (1:20، 21) پیدایش "زنده موجودات انواع ... چنده موجودات"  
nepshesh شده ترجمه "موجود" به اندجیل در که عبری لغت میشود  
است شده ترجمه هم "جان" معنای به که باشد می.

که است شده گفته 2:7 پیدایش آیه در مثال بر ای

جان يك ان سان ب ناب راين (2:7 پ يدايش) " شد زنده جان يك ان سان ... " و ان سان ب ين ت فاوت ت نها هس تند جان ح يونات كه هانطور است، ب رت ري صاحب ب رح يون ف كري لحاظ از ان سان كه است اين در ح يون ب ه 1:26 پ يدايش) م ب با شد خداوند جسم از ت صويري ان سان است؛ ت ا شوند مي ب رگ زنده ان سانها از ب عضوي و ،(ك نيد رجوع 1-2 ب خش گ شوده آنها ب رروي جاودان گي ب ه اميد دري چه وحی دريافت ب ا و ما اصلي ط بيعت و ماهيت ب ه ت وجه ب ا (1:10 ت يموت اذوس دوم). شود ندارد وجود ح يون و ان سان ب ين ت فاوت ي ما مرگ ماهيت

مي و دهند مي جان دو ه عاقبت است، ي كي ح يون و ان سان عاقبت " دهند شان كه شده آورده اقب بتع ك لمه دوبار كه ك نيد ت وجه) م بزند، ب ر ب رت ري هيچ ان سان پس ... (ب ا شدمي موضوع اين روي ت ا ك ييد خاك از ،(مرگ) روندمي جا يك (ح يونات و ان سانها) هه ... ندارد ح يون شده ملهم ك تاب (20، 19:3 جامعه) " گ رندمي ب از خاك ب ه و ان دامده ب وجود رادشوار ح ق يقت اين ت ا كن كمك ان سانها ب ه خداي ا كه كرد دعا Ecc " ب نيس تند ح يون از ب يش تر كه ب فهمند (ان سانها) ت ا " دريابدند، ب ه پ ي زيادي اف راد كه رود، مي ان تظار ب ناب راين (3:18 جامعه) مي ح ق يقت اين درك واقع در ب بزند ح ق يقت اين ق بول دشواري سان ب ه خود ط بيعت و ماهيت ب واسطه ما كه ب ا شد آور شرم ت و ان د مي زندگي جان ح فظ ب راي غرايز هان ب ا آنها مانند هس تيم ح يونات جدي دن سخته در دارد سازگاري مديط ب ا كه ماندمي ن سلي ما از و ك نيم درك ب ا را ان سان خداوند ب كه ب ي نيممي 3:18 جامعه آيه ت رجمه انجيل كه ك ساني ي عني كرد؛ امتحان نيس ت ب يش ح يوناني كه ح ق يقت اين ان سانهاي ب ا شدند ت سلايم و خاشع خداوند ب راب ر در ق دركافي ب ه اما ك نند، مي درك را اب ت لا اين ح ق يقت كه هس تند او واقعي شوند مي مردود آزمائش اين در ن با شدند ت سلايم و خاشع كه ان سانهاي ي مي والا ي اهيت و ارزش داراي ان سان ي عني گ را يي ان سان ف لسفه است ي اف ته گ س ترش كاملاً دن يا سرا سر در ب يس تم قرن در ب ا شد ك لمت ب ا شد مي مهمي وظ يفه جهان، در ف لسفه اين ت ا تير زودن دهندمي ياري را مازم ي نه اين در 39:5 مزامير آيه ساده

مزامير) " گ رددب رنمي و آيد ب رمي كه است ن فسسي همچون ان سان عمر " " ك نند ت ع يين را خود زندگي كه ندارد رات و اناي ي اين ان سان " (39:5 (10:23 ارميا)

كه است اين دان يمي ان سانها ما كه موضوعاتي ت رين ب ديهي از ي كي ك ش يده مرگ كام ب ه سرانجام زنده موجودات هه واقع در و ان سانها ت مام



از ما اند تظار خلاف در ست این و میرد، می هم "جان" بد ناب رای ن . شوندمی  
 از سوم یک تقریباً که نیست تعجب جای بد اشد می اب دی که است چ یزی  
 مرید و ط اند شده ترجمه "جان" بد اند چیل در که لغاتی است فاده موارد لک  
 "جان" کلمه از است فاده نحوه این بد اشد می جان ناب و دی و مرگ بد  
 بد اشد اب دی و ف نانا پذیر چ یزی ت و اند می "جان" که میدهند نشان

- (18:4 حزق یال) "مرد خواهد خودش ف قط بد کند گ ناه هر که"

- آیات دیدگر (10:28 متی) "کند هلاک را شما جان ت و اند می خدا"  
 و 22:27 حزق یال: از عبارت ند جان رفتن بدین از بار اب طه در موجود  
 23:30 لاویان و 6:32 امثال

- می کشد ته شمشیر بد و بند جازر شهر در که «جانهای» ت مام  
 (10:30-39 یوشع). شدند

- جوعر 16:3 مکاشفه). "شندد که شده زنده موجودات جانهای ت مام"  
 (78:50 مزامیر بد)

- بدعضی از که هجانی که کرد می امر موسی شریعت مکرراً  
 (15:27-31 اعداد مثال بد رای). شود که شده بداید که ند نافع زمانی قوانین

- که فهمید ف قط ت وان می جان شدن گرفت بد مرید و ط موارد از  
 (7:15 ایوب و 22:25 و 18:7 امثال) بد میرد ت و اند می جان

- (22:29 مزامیر) "دارد نگاه زنده را جانش اندت و نمی کس هیچ"

- ارمغان بد گ ناهن آموزش تا کرد قربانی را جانش" مسیح  
 (53:10.12 اشعیا) "آورد

"جان" آن که دهد می نشان بد اشد می "جان" کلمه آنها در که آیاتی اکثر  
 هلی نمونه. مادرون اب دی ب ارقه بد نه کند می اشاره بدین یا شخص بد  
 هس تند ای نهایی بد و مشخص

- (2:34 ارمیا) "جانها خون"

- مورد در ولی بد اشد داشت ته اطلاع جرمی وقوع از ک سی هوگ اه"  
 ای نشان نجاست ک سی هوگ اه... ندهد شهادت دادگ اه در شنیده یا کرده آنچه

را آن که به خوردن سم و بدهد قولی نسنجیده کسی اگر... که ندلمس را  
(5:14 لاویان) "آورد به جا

جان ای یکن سد تایش را خداوند... من وجودت مام ای... من جان ای" -  
مزامیر) "کندمی سیر خوب هایدعمت با مرا جان که کسی ای... من  
(103:1,2,5)

حاضر اندچیل، نجات بخش پیام به خاطر و من به خاطر هرکه"  
کندت لاش هرکه ولی داد، خواهد نجات را آن کند، فدارا جاننش باشد  
(8:35 مرقس) "داد خواهد دست از آن مایدن حفظ را جاننش

انسان درون روحی هجزء به "جان" که است کافی تا حدی دلایل این  
به فقط (psyche و نانی لغت) "جان" اینجا. شود نمی منسوب  
زیر آیه در که شکل همان به باشد می انسان سمایی حیات معنی  
است شده بیان:

"حیات" یک توانند می افرا از گروهي هك دهد می نشان 21:4 اعداد آیه  
جاودانگی بارقه به توانند می "جان" بنابر این باشد داشته  
کند اشاره ما از هیک فردی

## انسان روح 3-4

سردرگمی "روح" و "جان" بین انسانها از بسیاری ذهن درم تأسد فانه  
یاندگیس کلمات اندچیل هلی ترجمه و زبانها از بعضی در دارد وجود  
را موجود سردرگمی امر این که دارند معادل یک فقط "روح" و "جان"  
کند می اشاره شخص یک اجزاء که به اساساً "جان" کند می تشدید  
معمولاً هوحال، به شود داده نسبت نیز "روح" به توانند می گاهی که  
معنی در تفاوتی رفت به کار اندچیل در که گوندهان روح و جان بین  
"شده تقسیم نیمه دو" توانند می "روح" و "جان" ددار وجود  
(4:12 ع بران بیان) باشد

به (Pneuma و Ruach ترتیب به) "روح" عبری و یونانی کلمات  
اند شده ترجمه نیز زیر صورتهای

حیات روح

ذهن به اد

نفس

به دخداون دادیم قرار مطالعه مورد 2-1 به خش در را روح تصور ما می آنها کمال بد در را خود روح اند سان از جمله زنده موجودات ح فظ منظور می او در حیات نیروی نشانه به نابراین اند سان در خدای روح این دمدم آدم بی نی در خداوند" (2:26 ی عقوب) "است مرده روح بدون بدن" باشد ایش پید) "شد ای زنده موجود آدم، و بخشدید جان او به دمیده، حیات روح 27:3 ایوب) ک ند می صحت بت "من بی نی در خدا روح" در باره ایوب (2:7) به تولد بدو از زندگی / حیات روح رو، این از (2:22 اشعیا به رجوع ماند می باقی ما در است زنده ما خاکی جسم مادامیکه و شود، می داده ما می نابود فوراً چیز آن شود گرفت هر چه یزی از خدای روح زمانیکه کند اراده" خدا اگر است زندگی و حیات نیروی روح این چون شود، باقی او در زندگی اثری بگردد، اند سان از را خود نفس و روح که "کنگوش داری، فهم اگر حال بگردد می باز خاک به او و ماند می اند سان که ک ند می اشاره دیدگر بار آخر جمله (34: 14-16 ی عقوب) بسیار اشواقی ماهیت آشکار حضور این قبول که شود می متوجه باشد می دشوار

نه کند، می خارج ما کمال بد از مرگ هنگام در را خود روح خداوند وقت را ما هوشیاری و حواس تمام بلکه دهد، می خاتمه ما جسم حیات به فقط که کرد هدایت را او خدای روح این از داود در دانی و سپاس بگرد می آیات خودش مثل ضعیفی مخلوقات به نه که نداعتماد خداوند به تنها بر" باشد می گراین اند سان ادعاهای به سخت جواب ی 3:146-5 مزامیر به قادر و هس تند فانی هگی آنها نکند، توکل اندسانی رهبران تمام و گردند می باز خاک به میرند می آنها وقت بیستند دادن نجات خدای که کسی خوشاب حال اما! شود می برابنقشه هلی شاننقشه "باشد می او خدای پهوه، برامیدش و او ست مددکار ی عقوب

و برگردد شده سر شدته آن از که زمین خاک به بدن" مرگ هنگام در پیش (12:7 جامعه) "کند پروز کرده اعطای آن که خداوند بسوی روح است حاضر جا هر رد خود روح واسطه به خداوند که دادیم تو وضیح تر از" ما مرگ هنگام در (4:24 ی ودنا) "است روح خدا" که مفهوم این به می ترک را ما جسم خدا روح یعنی "شویم می خارج خود خاکی قالب دور تا دور در که خدا روح در است، کرده ترک را ما بدن که روحی کند

خدا طرف به روح " مرگ هذ گام به ناب راين شود؛ مي باشد جذب مي ما "گردد از مي

نيز مرگ فرآيند هر بين ده، مي تشكيل را خلقت تمام خدا روح چون روح يك داراي حيوانات و انسانها بافتمند مي اتفاق حيوانات براي و انسان عاقل بت باشد نمي شان در جسم حياتي نبيروي يك يا واحد هيچ انسان پس ميرند، مي و دهند مي جان دو هست، يكي حيوان مي ادامه مطلب اين بانوي سنده (3:19 جامعه) " ندارد حيوان بر رتريب و انسانها روح كه مكاني بين تشخيصي قابل تفاوت كه ده كه شرح اين (3:21 جامعه). ندارد وجود روند مي آنجا به حيوانات مي شيوه يك به و دارند يكساني روح حيوانات و انسانها آن به واسطه به آميزي كننده اشاره رسد مي نظر به (7:15 و 2:7 پيدايش) ميرند، سيل در يكسان مرگي با انسان و حيوانات هلاكت چگونگي شرح خزندگان و دشمن، و اهلي حيوانات يعني زمين روي جانداران هه" دارد به و دشمني در كه اين زنده موجود هر شدند هلاك آدميان با پرندگان و "کرد محور زمين روي از را دهن موجودات تمام خدا به دي نسان شدن ناب و 90:5 مزامير آيه چطور كه كنيد توجه پايان در (7: 21-23 پيدايش) به پيدايش 7 باب در موجود مدارك كنند مي تشكيل به سيل به را مرگ در موجودات تمام مانند انسان حياتي، در مواقع كه ده مي نشان روشني به اشدمي گروهان

مانند انسان در كه است دليل اين به " هزند هر جسم ... به دنهات تمام " دارد جريان واحد حيات روح يك حيوانات

## است خفتگي مرگ 4-4

ادامه بايديادگرفتم، "روح" و "جان" مورد در تاكنون كه آنچه از اگر چه مي باشد هوش بي و حس بي كاملاً شخص مرگ هذ گام در كه دهيم مانند خواهد خدا ياد به سهولت ندم خداوند به رابر در كه آذاني اعمال تمام اند جاي هيچ در اما، (6:10) ع بران بيان و 20:12 مكا شفه و 3:16 ملاكي) اظهارات رابطه اين در شود نمي تائيد مرگ هذ گام به شروشني ياري گدارند نمي باق سوالي و بوده واضح به سيار زيتر

نقشه تمام و گردد از مي خاك به ميرند مي آنها وقتي -  
(146:4 مزامير) ". شومدي به رآب نقش، هلي شاستا

هه احساسات شان، و ن فرت شان محب تشان، ... دان نذمي چيزي هلمرده"  
"ندارد وجود مردگان علام در ف هم بدن" (6،5:9 جامعه) "رودمي ب ين از  
ذيس تند هوشيار نتيجتاً ك نذ، نذمي ف كر مردگان - (10:9 جامعه)

اي وب) "است نداشت ته وجود كه از نكار" مرد، و ق تي كه گ ويدمي اي وب  
عدم و حواس و هوش ف قدان كامل، ف راموشي عنوان به را مرگ او (10:18)  
دارد تولد از ق بل ان سان كه و ضعيدي تي يعني شناخت، مي وجود مطلق

باشد بناگرو (18:3 جامعه) ميردمي ديوان مان نذ نيز ان سان -  
مورد در ب ايد و عموض هه بين روند، ب در سلام مرگ از ان سان حواس و هوش  
ب بيان از علم هم و مقدس ك تاب هم حال يكه در باشد صادق نيز ديوان  
اندورزيده امتناع احتمالي چنين

هچون و علف مان نذ ان سان عمر هس تيم خاك ما كه داندمي "خدا  
ب وده، كه مكاني آن در دي نگر و رودمي ب ين از ... باشدمي صحرا گل  
(103: 14-16 يرمزم) ". شودنمي ديده هرگز

اين و انذ، كرده تقاضا بيشتر عمر طول او از مكرراً خدا خدمت نكزاران  
كامل ف قدان نيز صالحين ب راي دي مرگ كه است اين نشان نگر خود  
حساب به حواس و هوش ف اقدرا مردگان انان كه چرا است، حواس و هوش  
نيایش و ستايش به قادر دي نگر مرگ از پس كه دانست نذمي و آورده  
6:4،5 مزامير) داود و (17:38-19 اشعيا) حرق يال ب و نذ خواهند پ رورنگار  
از باشنمي موارد چنين از خودي م ثلهاي (17:115 و 13:39 و 9:30 و  
عنوان به مكرراً ب نكار و صلاح ان سانهاي نوع دو هوب راي مرگ  
دان يال و 17،13،11:3 اي وب). است شده ياد اس تراحت و خفتگي  
12:13).

نظريه كه داريم اظهار صراحتاً تا داريم دست در كافي مداركي و ناك  
آسمان در پاداش و سعادت به صالحين دست يابي پ سندنذ وده  
ف طرت واقعييت بگيرنذمي نشأت انجيل از مرگ از پس بلاف اصله  
و دردهه آن از پس كنذمي هديه ان سان به زيادي آرامش مرگ، و ان سان  
دست كامل ف راموشي به ق بر در ن سان زندگي، طول در ب شري رنج  
ف راموشي اين انذ، نذ شناخت ته را خدا واجبات كه آناني ب راي يابدمي  
ب ارتأسف و ناكام طبعي زندگي اين خاطرات ب و نذ خواهد ابدي  
طبعي ذهن ب بيهوده اميد هلي و هلبيم شد؛ نخواه ب ازگ و هرگز دي نگر  
يافت نخواهند تحق هرگز ب شر

باید که دارد وجود واقعات است پس دستم یک مقدس، کتاب مطالعه در مقدس کتاب به توجه عدم دلیل به متأسفانه حال این باشد. شود که شفتلاشهای دارد وجود نیز انسان مذهبی تفکرات در خطا پس دستم یک که است شده باعث مرگ قطعیت نمودن شیرین برایی بشریت مصمم هنگامیکه است "ناپذیرف ناروان" یک دارایی که کند باور انسان گردد، واقع بقبول مورد انسان در ناپذیرفنا عنصرچنین وجود می ضروری رفت خواهد جای به مرگش به عذاب شرکته تفکر این مرگ زمان در حتماً که دارد دنبال به رات تفکر طرز این امر این گردد برایی داشت خواهد تفاوت پر رهیزکار فرد و شرور انسان سز و شت به مکانی حتماً شده گیری نتیجه اینگونه مسأله این و دن هم ساز جهنم نام به مکانی و "خوب ناپذیرف ناروانهای" برایی به شت نام وجود که دادیم نشان قبلاً ما دارد وجود "بذناپذیرف ناروانهای" برایی بار این نک است غیر ممکن مقدس کتب نظر از "ناپذیرف ناروان" بنماییمی تحلیل و تجزیه را اها شد تب عمومی عقاید دیدیگر

- 1- روان عزیزمت صورت به مرگ زمان در مان زندگی پاداش این که شود می داده خاص مکانی به ما "فنا ناپذیر
- 2- می صورت مرگ زمان در پر رهیزکار و شرور جدایی این که گ یرد
- 3- باشد می به شت به رف تن پر رهیزکار پاداش این که
- 4- به یا هه پس باشند "فنا ناپذیرانرو" دارایی هه اگر این که به شت به یا و میروند جهنم
- 5- جهنم نام به مکانی به مجازات برایی شرور روانهای این که میروند

نظر در با باشد نمی منافی بر خوردن قطعات تحلیل و تجزیه هدف از بسازی توانیم ما تمام بصورت نکات این گرفتار واقعیت تصویر از حیات بیخوش که را مقدس کتاب واقعه تهای که نیم بیان هستند، بشرط بیعت به مربوط

## رسد تاخیز 4-5

و ادیاء زمان در پرهیزکاری پاداش که شده تا اكد مقدس ك تاب در رسد تاخیز (4:16 تا سالوند يك بیان اول). شد خواهد داده مسیح بازگشت پاداش می مسیح اقدام اول بین (شود رجوع 4-8 به خش به) مس نول مردگان به مرگ زمان در جان اگر داشت خواهد دن بال به را قضاوت امر این که گفت پلاس به و دن خواهد ادیاء به اکتیاجی هیچ برود به هشت می به بیهوده خداوند از اطاعت پرای ما تملاش تمام نباشد، ادیاء اگر از وی پاداش که داشت باور او اگر مسلماً (15:32 قرن تیان اول) باشد نمی اسد تدلال این نگونه شد، خواهد داده به هشت به جانش رفتن طریق پاداش تنها بدن ادیاء که داشت باور وی که است این آن مفهوم کرد در مؤمنان زندگی پاداش که انتظار این طریق از مسیح پاداش می (14:14 و قلا). کرد می ت شویق را ما پاداش می "ادیاء" زمان

دیاتی و عن هیچ مقدس ك تاب که شود مطرح نکته این باید به از هم خداوند، مورد در موضوع این - ده نمی ت عملیم جسمانی دیات از غیر بازگشت هنگام در مسیح. کندی صدق به شرف و رشد تگان مسیح، پرجلال بدل شکل به و ساخت خواهد دگرگون را ما فانی بدنهایی این "دارای این نک وی آنجایی که از (21، 20:3 فی لید پیان) "آورد خواهد در خود می انرژی روح از خون جای به خالصانه که پاداش می حقیقی بدن یک قضاوت روز در به و خواهیم سهیم مشابهی پاداش در هم ما پس گبر، دوم) شویق می قضاوت جسمانی میان دیات چگونگی بابت ما شان فانی بدن به و دن بدن یوی دیات یک دارای آنان که (10:5 قرن تیان در حال یک گردد، تبدیل ارغب به تا شومی ت جزیه و ماندمی باقی و گشت جایگزین را روح دیات شان زمان در کردند سعی که آنان که خواهد در را جاودان دیات خدا روح از "بدن یک صورت به بدن خون (8:6 غلاطیان) کرد

داده جسمانی به صورت پرهیزکاران پاداش که دارد وجود راوانی شواهد دیاتی اه بیت گردد، واقع بقبول مورد نکته این هنگام یکه. شومی از مرگ زمان در را دیاتش ما کنونی بدن به و خواهد مشهور رسد تاخیز به راناپذیر فنانا و بدی زندگی فانی به توانیم ما اگر بدهد دست تا بیهوشی حالت نوعی باید مرگ پس نمایم، تجر به جسم حالت شود، دمیده در آن خداوند طبعیت به عدو شود خلق مجدداً ما بدن زمان یکه پاداش

صحت رسد تاخیز جزئیات تمام از قرن تیان اول کتاب 5 باب در می بخشد نتیجه بسیار دقت با آن خواندن هیش و است آمده بعمل ما چگونه که میدهد توضیح 15: 33-44 قرن تیان اول آیات باشد که شوید می بلند زمین از چگونه، شوید می افشاده ذریه به عنوان می بلند صورت همین به هم مردگان و کند اعطاء جسم ما هب خداوند از مسیح که هانطور بنمایند دریافت پاداش به عنوان را جسم تا شوند شد، تبدیل ناپذیر فنا جسم یک به اشفانی جسم و شدید لندق بر ما (3:21 فیلیپیان) بدو خواهد سهیم پاداش این در هم واقعی مؤمن هر باور این و بنده می پذیرد ادیاء، و مسیح مرگ با تعمید طریق از دریافت ادیاءش طریق از وی که پاداشی در هم ما که می دهیم نشان را وی عذابهای در اینک ما اگر (6: 3-5 رومیان) بدو خواهیم سهیم کرد که هانگونه" بدو خواهیم سهیم هم وی پاداش در پس باشدیم سهیم دوم) "داریم قرار مرگ خطر در واره نیز ما شد، روبرو مرگ با مسیح مرگ از پس را مسیح عیسی که خدای روح اگر و" (10:4 قرن تیان پس نیز را شفافانی بدنهایی خدا هان باشد، شما وجود در کرد، زنده "کرد خواهد زنده شماست، وجود در که روح همین به وسیله مرگ از جسمان شدن ناپذیر فنا طریق از هم ما آرزو این با (11:8 رومیان) بدو خواهیم (23:8 رومیان) "رنج و درد از شدن آزاد" مدنظر

روزهایی از خداوند بندگان توسط حقیقی جسم بر رای پاداش آرزوی هان به او که بدو شده داده وعده اب راهیم به بدو شده درک اولیه حکومت آن سراسر بر رفت، می راه کنعان سرزمین در که قطع می تیان به وی ایمان (3-4 بخش به شود رجوع 17:13 پیدایش) کرد خواهد به آینه در جشمش کند باور که داشت همراه به را این ضرورت هوعده هوعده پیوستن به وقوع امکان تا شد خواهد ناپذیر فنا ایگ ونه یابد حقیق

در بدنش این که با که را مطلب این درک چگونه و صوح به ایوب جسمانی درحالات را پاداشش ولی شود می خورده مهاکرت و سطح بر زنده امر هانده که دانمی من اما" است کرده بیان کرد، خواهد دریافت که این از بعد حتمی دانمی و ایستاد خواهد زمین بر سرانجام و است (27- ایوب) "اگر شکوهی امید چه ایند خواهم را خدا بپوسد، من بدن (19:25)

اندخفته زمین خاک در که کسان می" است بدو هین دقیقاً هاشع یا امید (19:26 اشعیا) "داد خواهند سر شادمانی سرود شده، بیدار



هم مسیح، دوس تان از یه کپی، ای لعازر مرگ به اراپ طه در مشابیهی کلمات و دهه ت سگین را مرد آن خواه ای نکه به جای مسیح است شده یافت می صحت ادیاء روز به راجع، رفته به هشت به روانش که به گوید خواه مرتاف وری العمل عکس". شد خواه زنده دوباره تو به رادر": کرد مورد اول یه مسیحیان تو وسط حد چه تا امر این که میدهند شان ای لعازر در برادر که دادم می ال به ته به لی، بگفت مرتا": است به وده تحسین درست وی (24، 23:11 حنا یو)". شد خواه زنده دی گران ماند قد یامت روز در پر سعادت زندگی به ای پروازه مرگ که نداشت قد بول ای وب ماند رجوع) به ود "آخر روز در" ادیاء دن بال به واقع در و باشد می به هشت صدای که کسان ی": که است داده وعده مسیح (ای وب "آخر روز" به که نید می من وی بس به یاموزند، او از را را س تی و به شنود را پ در خدای "آی ند"

(6:44.45) یه ودنا

## داوری 4-6

ترین اساسی از یه کپی قضاوت به اراپ طه در مقدس کتاب تعالیم شود درک کاملاً تعمیر از قد بل به ای دکه باشد می فرد ای مان اصول روز" از مکرراً مقدس کتاب در (2:6) عبران یان و (25:24 رسولان اعمال)، (6 یهودا و 3:7 و 2:9 پطرس دوم و 4:17 یه ودنا اول مثال به رای) "داوری را خود پاداش کردند پیدارا خداوند معرفت آنان که که زمانی به عنوان وقت ی از قد بل" به ای دای نهاتمام است شده صحت میدارند دریافت به رای ما (10:14 رومیان) "نشیدیندی داوری کرسی به مسیح که باشد حضور در به ای د": جسمانی به صورت زندگی انیمان غرامت دریافت (10:5 قرن تیان دوم)". شویم محاکمه تا به ای س تیم مسیح

این از یه کپی شامل مسیح مجدد به ازگشت به نسدبت دان یال دیدگاه (6:7 دان یال) به ود سلطنتی تخت صورت به داوری جای گگاهی سازندمی واضح را امر جزئیات مرده و طه، اخلاقی داسد تانهایی از وی پرسش و سرفرازه صاحب بخا به ازگشت مورد داسد تانهایی داسد تان (14:25-29 م تی) ماید تاج صرف چگونگی مورد در خدمت کاران تمامی که کندی ت شد به ماهیگری ت و ربه را اندجیل ندای دیدگری خوب از را به ماهی و نشیدیندی انسان س پس کندی جمع را اند سانهایی

په ايمان در" :است واضح مطالبه اين ته فسدير (47:13-49 م تي)كه ندمي جدا  
"كرد خواهند جدا حق ميان از را شر و آمد خواهند پيش فرشتگان دنيا

به عذاب كه كرد فرضت وانمي شده ديده تا كنون كه چيزي آن از  
به كه سناي كه تمام خاص مكاني و زمان در مسيح احياء و بازگشت  
را مسيح آنجا در و آي ندمي كه ردهم اند شده فرخوانده اند چيل طرف  
كرد خواهد مشخص مسيح و داد خواهند پس حساب آنان كه ندمي ملاقات  
خبر ياب و خواهند دارا ملكوت به ورود پاداش است تحققات آنها آيا كه  
در اينها تمام كه بيز ندمي را پاداششان پرهيزكاران فقط زمان اين در  
او، كه هنگاميكه" :است آمده كه ردهم به زه و گوسد فندان اخلاقي داس تان  
فرشتگان شت تمام به همراه و خود جلال و ه شكوه موعود، مسيح  
به بيت در داودت خت) بشدت خواهد خود بشكوه به رتخت آن گاه به يابيد،  
مي كه ردهم او مقابل در مردم تمام و (1:32.33 لوقا به رجوع المقدس  
هم از را اين شان او و" (28:19 م تي به رجوع دنيا مردم تمام به معني) آي ندم  
مي جدا به زه از را گوسد فندان پان، چوپيك كه هان طور كرد، خواهد جدا  
طرف در را به زه و دهمي قرار را ستنش طرف در را گوسد فندان كند،  
هستند او راست طرف در كه كه سناي به به پادشاه، عنوان به آن گاه چپيش  
به ركبات در را شما تا به يابيد ايدرم عزيزان اي به يابيد: گفتم خواهد  
به براي دنيا شافري ن آغار از كه به ركباتي گردانم، سهيم خدا ملكوت  
(25:31 - 34 م تي) "به و شده آماده شما

پرهيزكاران پاداش به راهيم، هلي وعده در شراكت و خدا ملكوت به ورود  
مسيح به بازگشت زمان در كه داوري به عذاب فقط اتفاق اين ولي است  
فنا به مربوط وعده دريافت به نابراين داد خواهد رخ بشد، مي  
به بشدمي غير ممكن مسيح به بازگشت از قبل به دنيا پذيرش شدن  
مؤمن احياء، تا مرگ زمان از كه كه نيم كه بيز ندمي به ايدما به نابراين  
به بشدمي غير ممكن جسم به دون حيات كه چرا ندارد آگاه حيات

شد خواهد داده آن از قبل نه و مسيح به بازگشت زمان در پاداش اين كه  
:است شده تكرار مقدس كتاب در كه است اصولي از يكي

په ايمان را شما آيد، مي (عيسي) عظيم شديان كه روزي در تا"  
به طرس اول) "سازد شريك خود پايان به بي شكوه و جلال در و كند عطا  
(1:13 به رجوع 5:4)

خواهد داوري را مرگ ان و گمان زنده روزي... مسيح عيسي"  
خود به بازگشت روز در عادل، داور آن مسيح، ما خداوند كه تا جاي... فرمود  
(4:1، 8) "تيموثاؤس دوم) "فرمود اهو اعطامن به

آنان از بسد یاری: "آخر روز هلی در مسیحا بازگشت هذ گام در -  
شد، خواهند زنده (3:19) پیدایش به رجوع) اندامیده زمین زیر در که  
خواری و شرمساری ب رای برخی و جاودانی زندگی ب رای برعضی  
(2:12 دان بال)" جاودانی

قبر از اند، مرده" آنا که کند می آغاز را داوری مسیح هذ گام یکه  
برسند جاوید زندگی به اند، کرده خوبی که کسازنی آید، می بیرون  
(5:25-29 یودنا) "گرددند محکوم اند، کرده بدی که کسازنی و

زودی به من باشدید، راه به چشم: فرمایدمی مسیح عیسی "  
اشد فهمک) "آورد خواه پداشی اعمالش مطابق هکس ب رای و آی می  
از را آن مسیح - روی می به هشت به پاداش دریافت ب رای ما (22:12)  
میآورد ما ب رای به هشت.

در ما پاداش که میدهندنشان میآورد خود با ما پاداش مسیح این که  
زمین به ما ب رای آنرا نوم ظهور در مسیح ولی است، شده تیه به هشت  
داده وعده ب راهیم به که سرزمینی "مال کیت" رابطه این در میآورد،  
و توکل خداوند به که آنجا از است، داشد تهنه آسمان در" است شده  
به سلامت به را شما خود، عظیم قدرت بانیز او اید، کرده اعتماد  
روز در ولی، بکند دریافت را ارث این تارسانید خواه آسمان  
(1:4.5 پطرس اول) "شد خواهید جاودان دیات وارث شما قیامت،

در تفاهم بر سوء بخش یک که میدهند قدرت ما به موضوع این درک  
(عیسی من) "بنمایم تفسیر صحیح طور به را 14:2.3 یودنا آیات  
به رجوع) شد آماده چیزه وقتیکه نمآمده شما ب رای را آنجا تارومی  
خواهم را شما وگشت بازخواهم، ("آسمان در شده حفظ مکان" پاداش  
مسیح (3، 2:14 یودنا) "باشدید نیز شما هستم من که جای تابدرد،  
را ما پاداش تا کرد خواه ظهور دوباره که گوید می هم دیگر درجای  
داده وی داوری زمان در پاداشها که ای مدیده ما و (22:12 مکاشفه) بده  
"هیش به رای" المقدس بیت در داود سلطنت اری که بر او شد خواهند  
و بد خواهند زمین روی ابد تا او (1:32.33 الوق) کرد خواه حکومت  
هانجام ما بر زمین، خداوند ملکوت در یعنی بدو خواه وی که آنجایی  
می توان را "خودش با ما بردن" بارابطه در وی وعده بدو خواهیم  
تلقی داوری روز در وی توسط ما هستی بول از تو و ضیحی بعنوان  
بارابطه در 1:20 متی آیه در "شخود با ما بردن" یودانی جمله نمود  
است آمده نیز سرش بعنوان بر خود مریم دریافت وی و سف  
مسیح طرف به جسمانی حرکت معنایی به ضرورتاً وازه این بنابر این  
باشد نمی

داده مسیح ب ازگشت هذگام در داوری زمان در ف قطب اداش که آنجایی از به مرگ ب عدازدو هر پ رهیزکار و شرور که شومدی نتیجه شد خواه قائل آنان مرگ در ت فاوتی هیچ و رفت خواهند ق بری یعنی مکان یک ک ندمی ت آید پدرا امر این ذیل مطالب . شد نخواه

- حال این باب و د ب د کردار شائول اما ب ود پ رهیزکار ی و ناداتان (1:23 سموئیل دوم) "ب شدند جدا هم از مرگ در"

- جای که به مرگ زمان رده گی سموئیل وی و ناداتان شائول، (29:19 سموئیل اول) رفتند

- هان یا "مردمانش به ه" مرگش زمان در پ رهیزکار اب راهیم (25:8 پیدایش و 24:2 یو شع) ب و دزد پ رستبت آنها پ یوست، اجدادش

- را مرگ نوع یک هودو هس تند احمق یا عاقل روحی نظر از آنکه (2:15.16 جامعه) ک ندمی ت جربه

تعالیم دارند زیادی تضاد مر سوم مسیحیت ادعایی با اینها تمام لزوم مرگ زمان در بهشت به پ رهیزکاران رفتن به ارباطه در آنها در مسائل این که ای مدیده ما ولی ب ردمی بین از راهیاء و داوری اندجیل پ یامهای در ب نابراین و رستگاری پ رای خداوند ب برنامه فردی که است این رسوم عقیده ب اش ندمی حیاتی و قیامت و گ یردمی را پ اداشش بهشت به رفتن طریق از و میردمی پ رهیزکار پ پیدا ادا هم مردم ب قیه به ارباطه در ب عد سال و ب عد ماه ب عد، روز این با پ رهیزکاران تمام که مقدس، ک تابتعالیم با مس ذله این ک ندمی ب اش دمی کامل تضاد در گرفت خواهند را خود پ اداش زمان یک در و هم

- شوندمی جدا ب زهازی کی پ کی گوسد فنند داوری، زمان در وی راست سمت که گوسد فنندلی ت تمام به مسیح داوری ات تمام ب عدازد بگ وی دمی اندگ ردا مده

خدا ملکوت ب رکات در را شما تا ب یاید ای درم عزیزان ای ب یاید "هم طور به گوسد فنندان تمام ب نابراین (25:34 متی) "بگ ردا تم سه یم (15:52 قرنتیان اول) . شد خواهند ملکوت ملاک زمان

- راه در آنان که تمام مسیح ب ازگشت و داوری "ب رداشت زمان" در متی به رجوع (4:35.36 یوحنا) . "میاید ندگ ردهم" اند کرده عمل اندجیل (13:39)

را مردگان که است آن وقت" :که میدهند نشان 11:18 مکاشفه آیه -  
هم با مؤمنان تمام یعنی - "ذمایی داوری

تمام از فهرست تی ع بران بیان کاتب 11 باب از ق سمتی در  
آمده این نظور 13 آیه در است شده ثبت ع تیق عهد پ رهیزکار اف راد  
دریافت را خدا هلی وعده تمام که این بدون مردند، هه ای مان مردان این "   
به ودور طریق از رسد تگاری با راب طه در اب راهیم به که "ک نند  
نتیجه ای نگونه و (8:11-12 ع بران بیان) بدو شده داده خداوند ملکوت  
دریافت برای به شت به پی کی پی کی مرگ زمان در اف راد این که شومی  
مؤمن، اند سانهایی این " :آمده 40 و 39 آیه در امر این دل یل نرف تند پ اد اش  
برکات هیچ یک اما شدند، واقع خدا مقبول ای مان شان بسبب که این با  
بماند منظر ای شان که خواستی خدا زی را بنیافتند را خدا موعود  
گرفت ته نظر در مابرای او که بررسند به تری برکات آن به ما همراه تا  
بخطربود شده داده وعده آنها به که پاداشی دریافت درتأخیر "است  
مه طور به و هم با ای د مؤمنان تمام خداوند هلی برنامط بق که بدو این  
رخ مسیح ب ازگشت یا داوری زمان در هم این و بررسند تکامل به زمان  
داد خواهد

## زمین؟ یا به شت پی اد اش مکان 4-7

مکان ک ندمی ف کر که هس تند ک سانی هنوز بالادلایل علیرغم اگر  
داده وعده پ اد اش هان منظور زمین، نه و بدو خواهد آسمان خداوند ملکوت  
ک نند توجه هم یل ذنکات به بای داست، شده

یعنی) ک ندمی را خداوند ملکوت آمدن آرزوی دعا هلیش در مسیح  
آن در خداوند هلی خواست ته آن موجب به که (مسیح ب ازگشت برای دعا  
تحقق زمین روی گ بر ندمی انجام آسمان در ای نک که آن گونه زمان،  
یرو خداوند ملکوت که ک ندمی دعا ما همین برای (10:6 متی) یابند  
هیچ بدون ف ردهاران که است آوردت سف خیلی بگردد بر زمین  
براین هنوز در حالیکه ک ندمی تکرار روز هر دعا هلی این ف کری  
زمین و شده بر آسمان در کامل بطور ای نک خداوند ملکوت که باورند  
شد خواهد نابود

"بگشت خواهند جهان ت مام ملاك ايد شان زي راف روت نان، حال به خوشا"  
 مزامير 37 باب به كه رومى آسمانها به روحشان كه اين نه و (5:5 م تي)  
 پرهيزكاران نهائى پاداش كه كندمى تاكيد كه امر كلى يادارد، اشاره  
 از شروران كه مكاني هان در پرهيزكاران. شد خواهد داده زمين روي  
 خواهند را ابدي زندگى پاداش بوند بده لذت موقت شان حكومت  
 آن از داشتند، تسلط تحت شروران زماني كه رازميني هان و گرفت  
 خدا بركات از فرودن اشخاص اما" (37:34،35 مزامير). نمود خواهند خود  
 به باشد آنها بر خداوند بركت كه كساني ... شد خواهند بر خوردار  
 تا بورد خواهند ارث به رادنيان يكان، كرد خواهند زندگى سلام تي  
 ابدي زندگى (29،22،11:37 مزامير) "نمود خواهد سكوت آن در ابدي به  
 زندگى كه معناست بدان شده داده وعده سرزمين هان يا زمين روي در  
 باشدمى غير ممكن آسمان در

...ماست ميان در جاهن هنوز نيزق برش و شددفن مرد، داود"  
 پطرس عوض، در (2:29،34 رسولان اعمال). "ذرفت آسمان به هرگز داود  
 مى مسيح بيازگشت زمان در مردگان اديان اميدش كه دادت و ضياع  
 (2:22 رسولان اعمال) باشد

باشدمى بشر بارابطه در خداوند عمليات ميدان زمين  
 "بخشيدانسان به رازميناو ولي باشدند، مى خداوند آن از آسمانها"  
 (115:16 مزامير)

در هنگامي كه پرهيزكاران كه كندمى بياين 5:9،10 مكاشفه آيه  
 براي را ايشان و "بگفت خواهند چه گيرندمى قرار داورى ميزجلوي  
 زمين براي نرواز رساندي، سلطنت به و ساختي كاهن ما خدائي  
 بركردن حكمراني تصوير (5:9،10 مكاشفه) "كرد خواهند سلطنت  
 در ماتنوع از ما كه مبهوم اين از كاملاً زمين روي خداوند ملكوت  
 است شده بر داشت به رخواهيم لذت آسمان در مكاني

را سياسي قدرتهاي در توالي يك دان يال 7 و 2 هلي باب  
 خداوند ملكوت مسيح بيازگشت زمان در نهايتا كه كندمى مشخص  
 بود خواهد "آسمان ت مام زي ر" ملكوت اين قلمرو. شد خواهد آن جاي گزيين  
 (44 آيه به رجوع 7:27 و 2:35 دان يال). كرد پخواه را "زمين ت مام" و  
 "شد خواهد واگذار متعادل خدائي برك زي دگان به" ابدي ملكوت اين  
 بر كه است بركوتى ابدي زندگى آنان پاداش پس (7:27 دان يال)  
 شد خواهد بر پآسمان زيرو زمين روي

## خدا ب رابر در اند سان مسؤل بیت 4-8

که است مجبور باشد، "ناپذیرف ناجانی" دارای بشر اگر طبیعتاً محل دریا و پاداش محل دریا باشد داشته باشد و شست یک درجایی در هس تند مسؤل خداوند ب رابر در هه که است این نتیجه مجازات ماند اند سان طبیعت که آموزدمی ما به اندیل که دادیم نشان مقابل تصویري اند سانها برخي به اما است ف ناپذیر ذاتاً یعنی حیوانات، هو است بدیهي است شده ارائه خداوند قلمرو در جاودانه زندگی از در شد نخواهد محشور کردهمی زندگی زمین روی بر زمانی که اندسانی خاک درون و میردمی و کرده زندگی حیوانات ماند هم اند سان حقیقت ورف تعقیرارگ داوری موردنیا آن در اند سانها چون اما شودمی تجزیه شوندمی داده پاداش جاودانه زندگی ب رابر رخی و شده محکوم بر رخی و داوری منظور به بشر اف راد از خاصی ط به که گ بریم می نتیجه میشود محشور پاداش

ب رابر در او مسؤل بیت به نه، یا شد خواهد محشور فریدی آیا این که به چطور که است بر این ما داوری اساس دارد بستگی داوری می مسیح ای مکرده عمل (خدا فرمان) خدا سخن ب رابر طه در معرفت مان بداند گذرفت نشد نیده مرا سخن و کرد رد مرا دعوت که کسی: «گ وید امگ فته من که سخنی: میگرد قرار داوری مورد سخنان این با که پودنا) گرفت خواهند قرار داوری مورد آن با آخرت روز در که است همان نکرده درک و ندانسته را مسیح سخنان که آندی ب نابراین (12:48) داوری حیث از و اندنداشته (خدا) اوردی اقبول بر ای فرصتی اند خدا قانون دانستند ب دون که آندی بداشت نخواهند مسؤل یتینیز و ب میزدند بیز قانون ب دون ب اید شدند، گ ناهکار (خدا شناخت ب دون) گ ناهکار دانسته شدند گ ناهکار خدا قانون دانستند ب اندانیکه رو این از (2:12 رومیان). شوند داوری نیز قانون ب اید (شدند حیوانات مرگ ب سان مرگ شان دانندمی را خداوند مقررات که ک سانی زیر پ را خداوند قوانین دانسته که ک سانی هذگام این در است آن با شدن روبرو بر ای و گ برندمی قرار داوری مورد اندگ داشته شوند می محشور داوری

به گ ناهی باشد، ندانسته وجود قانونی زمانیکه "خداوند دیدگاه از از سرپ یچی معصیت حقیقت در" "شود نمی داده نسبت اف راد" است گ ناه شناخت دانش قانون، در کنار پس خداست (امر) قانون قانون از هی آگ اب دون (3:20 رومیان و 3:4 یودنا اول و 5:13 رومیان) ندارند، آگاهی خدا هلی قانون از اف رادی که: «وی کلام طریق از خداوند

نگرفته قرار داورى مورد پس. «شودنمى داده نسد بت آنها ب رگ ناهى باقى مرده دان ندمى را خدا (سخن) كلام كه اى نان. شوندمى محشور و موقعيت اين درهم آدان زير راگ ياهن، و حيوانات ب سان مانده خواهند مى ديوان مانده سرانجام شكوهش، تمام وجود با ان سان آرى،" هس تند هلاكت سوي به كه هس تندگ و س فندانى آنها" (49:20 مزامير) "ميرد (49:14 مزامير) "روندمى پيش

اوب رابر در اعمالمان خاطر به را ما كه است خداوندقواندين فراگيرى كرسى ب رابر در ظهورمان و شدن، رمحشوب نابراين. سازدمى مسؤل كه پرهيزگاران، نهانه كه دانست بايد اى نجاز بگ ردمى لازم داورى ب رابر در خداوندقواندين از معرفتشان سبب به افرايى كه تمامى آياتى اينجا ر. شداوند محشور دن يا آن در هس تند، مسؤل خداوند است آمده انجبل از:

هراه به مسؤل يت كلام دانسد تن كه گويددمى 15:22 يوحنايه  
دمى تقصديرى گفتم، ندمى سخن مردم با و آمددمى من اگر ر" اوردمى ايد بهانه و عذرگ ناهنشان ب رايديگر ام، آمده كه حال اولي. داش تند علم كه داردمى ابراز 1:20-21 روميان آيات ترتيب هين به "ندارد ك ندمى سلب ان سانه از را بهانه آوردن خدا به

او از راسد تي و بشوندر ايدر خدايى صداي كه كسازي"  
(6:44، 45 يوحنا) "ميايند من سوي به ب ياموزد،

گمراه راهش از (ريابى) خالصانه كه را كسان يكه اعمال خداوند  
مى را (طريقه) راهش كسان يكه اعمال به اما بگيردمى ناديدده اند، شده رسولان اعمال) دارد پاسخان تظار فرداز و نگرديمى بدقت اند شناخته  
(17:30)

سختي به نكند، عمل بدان و بداند را خودوظيه كه خدمتكارى آن"  
كم ترده، انجام خلافى عمل ندانسد ته كسى اگر اما. شد خواه مجازات شود، سپرده وي به بزرگ ترمى مسؤل يت هوكه و. شد خواه مجازات امانت هوكه نزد آمد، خواه عمل به او از نيز بيشد ترمى بازخواست لوقا) "شد خواه نيز بيشد ترمى مطالعه شود، گداشته بيشد ترمى  
(12:47، 48)

روز ب راي) را خود اما داندمى را خداوند خواست ايكه بنده «  
با هاناك ندمى عمل او خواست بر طبق و سازدمى آماده (داورى



و دانندمی که آن کس اما . شودمی مجازات شلاق ب سد یار ضربات  
هدس تند شلاق ضربات خور در که شودمی اعمالی مرت کب ندانسد ته  
می باقی مرده مثال برایی . شودمی مجازات شلاق ضربه چند باتنها  
ب ازخواست او از ن یز ب یشد تر شده داده ب یشد تراوبه که هوکس .(ماند  
در حدقیقت .) ب یشد تر بر رفش ب یشد تر، ب امش هوکس) شودمی  
ب ازخواست آنها از ن یز خداوند اند شده زیادی اعمال تکبمر ان سانهای که  
خدا؟ ب یشد تر اندازه چه - (12:47،48 لوقا) . کرد خواهد ب یشد تری

- در ست کاری چه بداندید اگر که ن بریدید اذرا این پس،"  
(4:17 یعقوب) "ای دکرده گناه ندهید، انجام را آمان اما است،

- به پاسخ خدا، ابر بر در اسرئیل قوم ویژه مسؤل بیت  
(3:2 عاموس) . است ب وده خداوند سویی از بر آنها شده نازل الهمامات

از ب وده تر برایش "پذیری، مسؤل بیت اصول این وجود بدل  
شده سد پرده او به که مقدسی احکام به سد پس ب شناسد را مسیح ای نکه  
این در دیدگر مضامینی (2:21 پطرس دوم) "ب زند پاپ شت است،  
هوشع و 1:13 تیموتائوس اول و 3:19 و 9:41 یودنایات شامل رابطه  
ب اشدمی 1:39 تئذیه و 4:14

. سازدمی مسؤل داوری کرسی بر رابر را ما خدا دانش شناخت  
. شد ن خواهند مدشور ن دارند را (دانش) شناخت این که آذانی درن تیجه  
یم سد بب (شناخت عدم) دانش فقدان دارند شدن داوری به ن یاز چراکه  
آیات، در بین (20:49 مزامیر) .» ب میزند چهارپایان هاند «که شود  
زندگی زمین روی افرا دید که تمام ای نکه از است واضحی هلی ن شانه  
: شد ن خواهند مدشور اندکرده

- شد، ن خواهند مدشور مرگ ب عزاز بابل باسد تانی تمدن مردم  
(43:17 شعیا و 51:39 ارمیا) . اند ب وده غافل حدقیقی خدای از آنها زیر

،(اسرئیل) خداوندای: "می دهد دل گرمی خود به ای نگونه ن بی اشعی یا  
و فسط یز میان مثال برایی) اندکرده حکومت بر ما ب سد یاری اربابان  
باز (دوباره) دیدگر هگزورف تند بین از و مردند آنان... (بابل ایها  
و کردی ناب و دور ساندی اعمال شان سزای به را آنها تو بگرددندمی  
که ک نیدت وجه (14،13،26 اشعی) . ساختی محو خاطر ه از را انامش  
زنده دوباره ن باید . است شده تا کیدای نان شدن مدشور بر بار سه

در . شود ف راموش ب اید آذها خاطرہ ... شد ن خواہند ب ران گ یخ تہ ... شوند  
 را اف راد شدن مدشور از ت صویری اسرائیل دین مقابل ن قطہ  
 مردگان اما" . است دادہ حقیقی خدای از (شان دانش) شناختشان ب رحسب  
 (26:19 اشعیا) "خواست ب رخواہند خاک از شدہ، زندہ (اسرائیل) ت و قوم

مسیح ب ازگ شت روز در سرانجامشان و اسرائیل قوم دربارہ -  
 ب رخی و جاودانی زندگی ب رای ب معضی شد خواہند زندہ مردگان ت مام"  
 ب س یاری ب ناب رای ن (2:12 دان یال) "جاودانی خواری و شرمساری ب رای  
 عنوان ب ہ خداوند ب رای ر در مسؤل ب ی ت شان ب رحسب ی ہودی ان از (ہہ نہ)  
 حقیقی خدای از کاملاً آذانی . شد خواہند مدشور ب رگ زی دگ دانش  
 آذان کہ چرا بخ یزند ب رذمی ہرگ ز و اف تادہ خاک ب ہ" اذد ب وده غافل شان  
 (8:12.14 عاموس) "ذ یست نند خداوند سخنان (یافا تن) درک ب ہ قادر

ایم آموختہ ب حال تا کہ آذچہ

- 1- دہمی مسؤل بیت ان سان ب ہ خداوند کلام (شناخت) دانش
- 2- گ رفت خواہند قرار داوری مورد و مدشور مسؤل، اف راد ت نہا
- 3- مردہ حیوانات ب سان اذد شناختہ را حقیقی خدای اف رادی کہ  
 ماند خواہند باقی

امیال و احساسات گ رای بی، سانان نظریہ خلاف ب ر کاملاً چ یزی چنن  
 غایبی حقیقت ب راب ر در واقعی خضوع داشتن اما ما ست؛ ط بیعی  
 آمیختہ ما خود ب بیعت دربارہ عقیدہ فروتنی با اگر خداوند کلام  
 بی ن گاهی با ہمیشہ امر این صحت پذیرفتن ب ہ منجر شود،  
 می اذ بیل، راهنمای بی دون حتمی ان سان، تجربیات حقایق ب ہ تزویر  
 در شدہ ذکر گ روه آید نذہ زندگی ب رای امیدی کہ گ رفت ی جہزت ت وان  
 ذ یست بالآ

ای ت و" . است جسورانه شکل این ب ہ خداوند عملکرد علل از ما پ ر سش  
 کہ است صبح آید گیری؟ می ای راد خدا از کہ ک یست تی ان سان،  
 (9:20 رومیان) "ساختی؟ چنن مرا چرا ب گوید خود خالق ب ہ مخلوق  
 ہرگ ز اما ب پذیریم، (مسائل این در را) ان سان درک عدم ما است ممکن  
 این . سازی ہم متہم ب دخاوی و عدالتی بی ب ہ را خداوند ن باید  
 ت صویراست، خطاکار یا دشمن طریق ہوب ہ خداوند کہ اسد ت باط  
 کہ خالصی و پ در بی معنی . میدہد ب دست مقتدر خداوند از وحشتناکی  
 در ب کندی ارفقت ناعادلانہ و معقول غیر طور ب ہ مخلوقاتش با

مفید بسیار داد دست از را کودکش که پادشاه داود حکایت نقل اینجاست  
 داود چطور که کرده نقل 24:12-15 سموئیل دوم آیات است (آموزنده)  
 واقع چه اما می کرد دعای برای بود زنده هنوز کودکش هنگامیکه  
 کودکم هنگامیکه "پذیرفت را مرگش یعنی او سرزشت گرایانه  
 کسی چه گرفت می زی را کردم می گریه و گرفت ته روزه بود زنده وزنی  
 زنده من طفتا بود خواهد من خیرخواه خداوند آید که بگوید ت و اندمی  
 می آید بگیرم؟ روزه بای من جهت چه به است مرده او که حالا اما بماند؟  
 "شود بزرگ رانده من به نباید که او گردانم؟ باز دوباره را او تو نام  
 دیگری فرزند زودی به و داد داری را ه سرش داود اینچنین پس  
 شدند صدی بشان

اصول درک با افرا داد از بسیار که شود گفته بایده بالآخره  
 بیدتر دانش که سبب به ت مایلی خدا به نسبت پذیر می مسؤولیت  
 قرار داری مورد و شده مسؤول او برادر که چرا ندارند او در باره  
 خداوند به نسبت درجاتی با هم افرا این حدیثی است که رفت خواهند  
 این از را آنان خداوند کلام از ایشان آگاهی زی را هست تند مسؤول  
 باعث که دارد دخالت زدگی ایشان در خداوند که ساخت آگاه حقیقت  
 که داشت خاطر به بایده شود می خدا و آنها بین واقعی را بطله یک ای جاد  
 تنها و "نیست بندگان شدن ناف او خواست" "است عشق خداوند"  
 آورد ای مان او به که هر کس تا فرستاده (انسانها سویی به) را پسرش  
 یوحنا اول "پدر سر به جاودانه زندگانی با آن در و نشود فنا  
 ملاکوتش در ما که خواهیم خداوند (3:16 یوحنا و 3:9 پطرس دوم و 4:8  
 باشدیم

این اما آورد می سؤل یتیم ناگزیر به افرا تخاری چندین این  
 دشوار و سنگین ما برای که اندن شده وضع ای بیگانه به مسؤولیتها  
 که کرد خواهیم تصدیق باشدیم خداوند عاشق واقع به ما اگر باشندند  
 مشخصی کارهایی برای معین پاداشی او جاذب از رسیدگی اعطای  
 از به خشی به) اشپنده به محبت داشت تن خاطر به به لکه نیست  
 به تا دهمی انجام فرزندانش برای تو و اندمی که را آنچه هست وجود  
 جاودانه زندگانی آنها به اندگیزش اعجاب شخصیت از درک شان واسطه  
 نماید اعطاء

طریق از خداوند صدای شنیدن و اجابت به شروع آن که محض به  
 به هت وده میان در که هنگامی که داد خواهیم تشخیص کنیم، کلامش  
 به و دارد نظر در را ما مش تاقانه و قاطعانه خداوند میدهم امهات زندگی  
 نشانده مش تاقانه باشد، مسؤولیتیمان در ماقصور مذتظر آن که جای  
 دشمن هرگز بکنمی جس تجو عشقش به را ما پاسخ از هلی

ب رابرد در شدن تسلیم خاطر به ما و بگرداند ب رذمی ما از را مهری اندش  
 تواند یمذمی داریم خداوند به که مسؤولی بی تی بار از شدن فارغ و ن فس  
 شانده یا و ک نیم انکار یا ف راموش او به ن سبت را (مان آگاهی) مان دانش  
 نزدیک کی از بیاید و تو وانی می می ما عوض در ک نیم خالی آن زیر از  
 به که نیم توکل و باشد یم خشنود داریم خداوند به که به خصوص  
 او کم تر نه و بی شد تر شناخت طلب در چندان که عشقش ب زرگی  
 چه هر شد باهت امکان آنها دانستن و خداوند طریق به مان عشق باشد یم  
 کند غلبه تقدسش عظمت برباید او به بی شد تر

## جهنم 4-9

ب لافاصله (ب دکار) شریرو ارواح تنبیه جایگاه جهنم، رایج مفهومی  
 اند شده سراف کننده داور در که است آذابی عذاب محل یا مرگ از بعد

است گور همان جهنم که است این آموزته ما به آنرا اندجیل که ما عقیده  
 روند می آذجا به مرگ از بعد را ب شراف راد ت مامی جا بیکه

به و شده ترجمه جهنم به که به وده sheol عبری که لمه جهنم که لمه ری شه  
 sheol شده اند گلیسی صورت hell. شومی اطلاق سرپ و شیده محل  
 که لمه، این یا بی می در خواند می می را هنم ج که لمه ما که زمانی اما است  
 به لفظ صورت hell-met باشد شده ترجمه کاملاً که نیست ای کی که لمه  
 نظر از بیده را سر بر ای سرپ و شی معنای و است helmet که لمه لفظ  
 است گور همان hell یا سرپ و شیده مکان این اندجیل

ترجمه گور به sheol منشاء که لمه آنها در که دارد وجود زیادی مثالهای  
 hell که لمه از بندرت اندجیل جدید هلی نسخه در واقع در است شده  
 است تر در دست (grave) گور بصورت آن ترجمه و شده است فاده

است شده ترجمه گور به sheol که لمه آنها در که است زیادی مثالهای  
 ارواح بر ای عذاب و آتش مکان عنوان به hell رایج مفهومی اساس بر همین  
 است شده منسوخ، ب دکا

فروق برهلیه شان به خاموش و شونذ شرمنده بدکاران بدگذار" -  
کشدیند خواهند فریاد عذاب از آنها (31:17 مزامیر). روند

"رهلندید خواهد داده، نجات مردگان عالم از مران خداوند اما"  
hell یا قبری از که اوست بدن یا داود روح مقصود (49:15 مزامیر)  
(49:15 داود مزامیر). شومدی محشور

به است شریرارواح تذبیه جایگاه جهنم که است براین عقیده  
که حقیقت این با که یابند خلاصی آن از توانند می طوری که  
در شومدی خارج دوباره و رومدی جهنم درون به نیز پرهیزگار شخص  
او آیا: "کندمی تصدیق را امر این نیز 13:14 هوشع آیه است تضاد  
برای دیدگر من بدهم؟ نجاتش مرگ از آیا برهاندیم؟ گورچنگال از را  
نکردن نیز 15:5 قرن تیان اول آیه در امر این." کردن خواهم رحم قوم این  
هنگام در افرا شدن محشور صورت به گفته این و است شده  
محشور (منظره) روی ای در هینطور. شومدی عملی مسیح بازگشت  
وزمین و دریاب نابراین،" (کند رجوع 5-5 بخش به) دوم شدن  
مطابق تا دادند تحویل داشتند، خود در که راهلی می مرده قبری،  
که مرگ بین توازی به (20:13 مکاشفه). شونذ محاکمه اعمال شان  
رجوع نیز 6:5 مزامیر به). کند توجیه جهنم و است قبری هان منظور  
(شود).

می خداوند. است واضح بسیار 2:6 سموئیل اول آیه در حنا کلام  
"خیزاندمی بر و بر دمی فروگور به کند، می زنده و میراند

رومی از تظار که هانطور است، قبری هان جهنم که این به توجیه با  
آن از جاودانه زندگانی به رسیدن و شدن محشور با پرهیزگار  
از خروج سد پس و قبری hell به ورود امکان رواین از یابند می نجات  
حضرت مورد این در مثال به ترین دارد وجود کاملاً شدن محشور با آن  
نخواهد بدنش و ماندن خواهد باقی قبری در او جان که" است مسیح  
توازی به بود شده محشور او که زیر (2:31 رسولان اعمال). پس و سید  
قبری در بدنش که جمله این کند توجیه مسیح روح و جسم بین  
بوده قبری در مدتی برای نیز او که دارد این به اشاره ناماندی باقی  
یا hell به مسیح این که و بود قبری در بدنش روز 3 یعنی است  
که نیست مکانی آن که باشد این بر کافیی دلایل بدرفت قبری  
شونذ وارد آن به بدکار ارواح تها

براین بنا روند می قبری یعنی hell به بدچه و خوب چه از سانهها  
(53:9 اشعیا). شد داده قرار قبری در بدکار افراهان نیز مسیح

hell به نيز پ رهيزگار اف راد که راب طه اين در است دي گم ثالهاي ي  
نمي راي و سف غم مرگ م روز تا " بگ فت ي عقوب روندمي ق بري ا  
پ يدايش ) " گ ري ست مي ف رزندش غم از هچنان و بگ نم ف راموش ت وانم  
(37:35)

6:23 روم يان) است مرگ گ ناه، مجازات با ست خداوند اصول از ي كي اين  
حالات مرگ که داد ي يم نشان اين از ق بل (1:15 ي عقوب و 8:13 و  
ف رد ک لي ناب ودي سد بب معصيت در حقه ي قت است مط لق ناخودآگ اهي  
ي عقوب و 12:9 مرقس و 22:7 و 21:41 م تي) او ابي دي عذاب نه شودمي  
قوم و (17:27، 29 لوقا) رس يندد هلاکت به سيل بر ائ ر که مردمي (4:12  
مورد دو هو در (10:10 قرن تيان اول) مردند ب ياب ان در که اسرا ئيل  
م يرندمي شوند، مجازات جاودانه عذاب با آن که در عوض گ ناهکاران با لا  
جاودانه خودآگ اه عذاب با شري ر اف راد که است غ يرممکن ب ناب راي ن  
ب کشدن رنج و شده ت ن ب يه

غافل خداوند ق وان بين از ما اگ ر شد، گ ف ته ق بل در هان گون که  
محسوب ما پ رونده در آنرا و نداده ن سد بت ما به گ ناهي خداوند ب ا ش يم،  
گ يرندمي قرار د سد ته اين در که ک ساني (5:13 روم يان) کرد ن خواه  
زمان در شناسند، مي را خدا واج بات ک ساني که ما ند خواهند با ق ي مرده  
اگ ر . شوند مي زنده و گ يرندمي قرار و ري دا مورد مسيح دوي ا ره ظهور  
گ ناه مجازات اين زي را ب ود خواه مرگ آنها مجازات با شدند، گ ناهکار  
مي مجازات مسيح، داوري صند لي در ن شس تن ب عاز ب ناب راي ن است  
20:6 مکاشفه آيات در که است دوم مرگ اين م يرندمي دوي ا ره و شوند  
به ي عني م يرندمي ب اري ي ک دم راي ن است شده اشاره آن به 2:11 و  
دوي ا ره مسيح دوي ا ره ظهور در و روندمي ف رو کامل ناخودآگ اهي حالت  
مي مجازات دوم مرگ با و شوند مي زنده و گ يرندمي قرار داوري مورد  
ه ي شگي مرگ اين ب کامل ناخودآگ اهي در اول مرگ هان ندمي گ ي شوند،  
ب ود خواه

پ ا ي اني زي را شود، مي ت لقي " ي دار پ ا " گ ناه مجازات که روست اين از  
نمونه است پ ا ي دار مجازاتي ه ي شه ب راي مردن ب دار و وجود مرگ ب راي  
11:4 ت ن ذنيه آيه در است کرده اس ت فاده را ع بارت ه ي ن که انج يل  
ف رعون ارتش ب ا ره ي ک ناب ود ساري از است ت و ص ي في آيه اين است  
ب راي گ ردي سد پاه اين که جهت آن از سرخ، در ي ا ي در خدا ت و سط  
غرق را آنها سرخ در ي ا ي امواج با او " ب ياف ري د م شکل ي اسرا ئيل  
" کرد ناب ود اين در را آنها خدا ... کرد

روز در دویاره شدن زنده به مؤمنان اولیه، عتیق عهد دوران در حتی  
 اع تقادق بر، در ناپاك ان سان دویاره گ رف تن قرار از پس و آخر  
 معمولاً به دکار آدم" بگ ویدمی روشنی به 21:30.32 ایوب آیات. داشت تند  
 کس هیچ بیدمی در به سلام جان و است در امان مصدی بت و بلا روز در  
 اعمالش سزای به راوی ک سی و ک ند می متهم رو در رورا شرور مرد  
 و سد پاردمی خاک به احد ترام به ارا او مرگش به عذاب ح تی. رساند ند می  
 از ب کی (21:30،32 ایوب) "دهدمی قرار ن گه بان ق برش سر بر  
 در پ لید موجودی شدن ک شد ته داوری، و مسیح به ازگ شت داسد تانهایی  
 پ لید موجود که عقیده این به م س نله این (19:27 لوقا). او ست حضور  
 حال هو در. دارد منافات ک شد، می عذاب و ماندمی هو شد یاری در حالات ه یشه  
 سال 70 به خاطر اب دی عذاب - است منطقی غیر حدی تا مجازات این  
 نتیجه در ندارد؛ گ ناهکار اف راد مجازات به ت مایه لی خدا - ندگی یز  
 و (33:11 حزق یال). ب و دن خواهد ه یشگی مجازات که رودمی ان تظار  
 (3:9 پطرس دوم به رجوع 18:23.32)

این دانندمی مر بوط عذاب و آتش به را "جهنم" معمولاً مرتد مسدی بیان  
 آنها" دارد منافات (ق بر) جهنم مورد در اندجیل آموز شهای به کاملاً  
 آنها مرگ زیر را رودمی پیش هلاکت سویی به که هس تندگ و سفندانی  
 دور و میشوندن یکان مغلوب شروران صد بدگاهن، ک ند می ش بان ی را  
 (49:14 مزامیر) "پ و سد می مردگان عالم در اجسادشان خود، هلی خانه از  
 آنکه به اسد تثناء است آرام فراموشی محل ق بر که میدهند نشان آیه این  
 رسولان اعمال) نشد فاسد اما ماند جهنم در روز سه مسیح بدن و روح  
 30- حزق یال آیات. شدندی ممکن امر این به ود، آتش محل جهنم اگر. (2:31)  
 آرامی به که ده می ارئه ملل قدرتمند جگجویان از تصویری 32:26  
 و اندخفته آنچ در ت ویدال و ماشك به زرگان" اند، آرمیده ق بر هلی شان در  
 هه دل در زمانی که مردان این است ای شان گ رداگ رد مردمان شان ق بر هلی  
 ماند آنها. مردن در سواپی به حال کردند، می ای جاد و دشت و رعب  
 باشکوه خود، سد پرهلی و شمشیرها سلاحها، با که نامور سرداران  
 عادی اشخاص مثل بلکه نشندندن شوند، می سد پرده خاک به رف راوان  
 و رعب باعث خود حیات زمان در زیر ارف تند، مردگان بدن یایی و شده  
 مردگان دنیایی ق بر به ر سواپی و خجالات به حال... ب و دند و دشت  
 (30-32:26 حزق یال) "اندگ رف ته قرار گان شده ک شد ته درک نار و رف ته

سرشان دادن قرار و سلاحهای شان به اندججویان دفن سنت جمله این  
 است - ق بر - جهنم تو صدیف این ک ند می به ازگ و را شمشیر روی  
 آتشدین به اند آرمیده (ق بر هلی شان) جهنم در آرامش در مردان این ای نکه  
 به ن یز (شمشیر نظیر) ف یزی کی اشدیاء بدارد مطابق جهنم بدن  
 روحی عذابهای صدنه جهنم که ده می نشان این و رودمی جهنم همان

تو با تو و پول " بگفت گناهکار مرد به پطرس رو این از بدیست این بانیز یونیس سرگذشت (20:8 رسولان اعمال) ". شد خواهد دفن از" بدو، شده بدعیده بزگ ماهی یکتوسط که او دارد تضاد مسدوله سختی، هنگام به بگفت کرده دعا خدا خدای خداوند، نزد ماهی شکم قلب (2، 1:2 یونیس) "پراوردم فریاد مرگ عالم از... خواندم را خداوند معنی به که بدو بدو شده محل نهنگ شکم است نهنگ معده هان جهنم ن بود آتش محل آن که است روشن است جهنم آن شده ترجمه sheol که لهه خارج جهنم شکم از یونیس برگرداند، بیرون به را او نهنگ وقت و آیه به (قبر) است "جهنم" از مسیح دوباره شدن زنده هان این شد که نیداهنگ 12:40 متی

### مجازی آتش

تا است کرده است فاده اب دی آتشی ایده از مکرراً اندجیل حال این با کامل ناب و دی موجب که گناهی دهد نشان گناه به نسبت را خدا خشم 7 آیه) شد مجازات "اب دی آتش" با سدوم شود می قبردگ گناهکار شهرن امروز شد ناب و کاملاً مردمانش گناهکاری بخاطر و (یهودا است گرفتار به حرالمیت آبهای اعماق درواست ویرانه آتش باهینطور نیز اورشلیم ندارد وجود آن در آتشی هیچگونه هادروازه این آنگاه: شدتهدیداسرائیل گناهن بخاطر خدا خشم اب دی را آنها و کند سرایت کاخهای تان به که آتشی کشید، خواه آتش به را ارمیا) "کند خاموش را آن هلی شعله نتواند کس هیچ و برد بین از خواهد آید ملکوت پای تخت اورشلیم ای که به علم با خدا (17:27) مطلب این از ما که خواست نمی، (2:48 مزامیر و 2:2-4 اشعیا) شد دوم) سوختند آتش با اورشلیم بزگ هلیخانه که نیم لفظی برداشت بنماند روشن هیشه برای آتش اما، (9:25 پادشاهان

روز ادون" که کرد مجازات آتش با را ادون سرزمین خدا ترتیب بهمین نسل، اندر نسل خاست، برخواهد آن از دود ابدت او سوخت خواهد شب و... نمود خواهند اشغال را سرزمین آن کلاغها و جغد... ماند خواهد ویران که دیدیم (9:34-15 اشعیا) "خارخواه از پوشیده هلیش قله و قصرها پس دادند، ادامه زندگی به ادون هلی خرابه درگناهن و حیوانات اشاره مکان آن کامل ناب و دی و خداوند خشم به قطعاً اب دی آتش اصطلاح بگردد قرار توجه مورد آن لغوی معنای نباید و دارد

به دقیقاً شوند می ترجمه "هیشه برای" که یونانی و عبری عبارات به عبارت این هیشه، نه اما گاه، گاه هسندند "عهد این برای" نایم مع



حزق ۱۵، ۱۴: ۳۲) یال هلی آیه به ملکوت عهد مثل دارد، اشاره ظاهری نهایی تیدی و شد فاف مصر آبهای پس: "است امر این هلی نمونه از ی کی ۳۲: ۱۴: ۱۵) هس تم خداوند که من را این بدود، خواهند صاف زی تون روغن مثل روان ب بین از است آن در هوانچه و ک نم ویران را مصر ههنگام بک بگ وید می (۳۲: ۱۴، ۱۵) حزق (یال) "هس تم خداوند من که دانست خواهد او آنگاه ب برم، است "اب دی آت ش" در "اب دیت" درک راهی از ی کی این

به اسرئیل و اورشلیم گ ناهن از خداوند قهر و خشم ب اره و ب اره خواهیم ف رورا خود غضب و خشم آت ش من پس: "است شده ت شد بیه آت ش و ۷: ۲۰ ارم یا) "اکند خاموش را آن ت واندست نخواهد ک سی و... ریخت (۲۲: ۱۷) پاد شاهن دوم و ۴: ۱۱ ارم یا مرآتی شامل دی گرم ثالهای

بازگشت در مخصوصاً گ ناه، در ب اره خداوند داوری با هچنین آت ش ت نوری مثل داوری روز: "است شده داده پ بوندن یز مسیح، عیسی می گاه ماند را ب دکار مغرور اشخاص هه و میرسد ف راور له شع خواهند خاک ستر و سوخت خواهند ری شه تادریخت ماند آنها سوزاند به آت ش در سوختن از پس ان سان جسم ح تی یا و گاه (۴: ۱ ملاکی) "شد ان سان، جسم مخصوصاً عنصری، که است غیر ممکن بگ ردمی ب باز خاک ت واند می "اب دی آت ش" ع بارت ب ناب رای ن زدد سو ه ی شه ب رای واقعاً سوختن ب رای چیزی اگر ب باشد دا شه ت اشاره اب دی عذاب به حقیقتاً خاطر باید باشد دا شه ت دوام ه ی شه ب رای ت واند می آت ش ن باشد، (۲۰: ۱۴ مکاشفه) "است آت ش از ای دری اچه" هاند "جهنم" که کردن شان ب لکه نیست؛ "آت ش دری اچه" نها جهنم که معناست این به نک ت این هان به مکاشفه درک تاب است کامل ناب ویدی ب یاند گرتک ت این شد، خواهد ویران ت مامی به گ وره که است آمده نمادین شد یوه و سد بک ب وند نخواهد در کار مرگی دی گرت هزاره پ این در که چرا

جهنم (Gehenna)

شود می جمهتر "جهنم" به که هست ی و نادی یواژه دو جدید، عهد در اش در ب اره پ ی شد تر که است "sheol" ع بری یواژه معادل "Hades" که اورشلیم از خارج در ست ب وددان یزب الیه نام "جهنم" دادیم ت وضح در امروزه هلدان یزب الیه گ ونه این سوزاند می را شهر هلی زب الیه آنجا در از خارج در "دود کوه" مثل) دارد وجود ت و سعه در حال شهر هلی از ب س یاری (ف) یل ی پین پ ای تخت ماند یل، شهر

جاي به را واژه اين - واقعي مكاني نام ي معني - خاص اسم يك عنوان به يواژه كردن نمي ترجمه نبايد اصلاً ك نند ترجمه "جهنم" به كه آن است "Ge-ben-Hinnon" ع بري يواژه معادل آرامي زبان در "جهنم" در و، (15:8 ي و شع) ب و د واقع شد يماور نزيدي كي در "Ge-ben-Hinnon" هچ نين رفتني كار به شهر داني زب الة عنوان به مسيح ع يسي زمان انداخ تند، مي سوختني آن جادر ه يشه كه هلي ي آتش در را جان بدسد شدت بدليل كامل ناب ودي و طرد نماد به جهنم رو اين از

انداخ تندمي هآتش آن در را چه آن كه كرد خاطر نشان بايد باريدي نگر خاك ستر و خاك به اجساد واقع در - سوختني آن جادر ه يشه بري در (12:29 ع بران يان) "است سوزاننده آتشي ما، خدائي . شندني تجزيه راگ ناهكاران گ ناهن، به ن سبت او غضب و خشم آتش ق يامت، روز زنده تا ك ندر ه سوختن در حال را آنها كه آن نه كرد، خواه ناب و د خداوند پ يشدين هلي داوري كه ب ياوريم ب ياد را هنگامي آن ب ماندند جسد از جهنم ه، ب ناب لي پادشاهي زمان در اسرايل، ق ومش، به ن سبت (7:32، 33 ارميا) پ ر شد قوم گ ناهكاران

در كه را هلايده اين تمامي خود اي اسد تادانه اي شد يوه به مسيح ع يسي مي غالباً او آورد جمع "جهنم" يواژه يك هين در است آمده ع تيق عهد در " شوندي طرد خداوند داوري و داوري مسند پ اي از كه آنها فرمود و طرد هلي اي ده جهنم (9:43، 44 مرقس) " اف تندمي جهنم امان بي آتش ابدي آتش كه ديديم و كرد، مي زنده يهودي ان خاطر در را جسم ناب ودي ناب ودي و گ ناه به ن سبت خداوند غضب و خشم كه است ع بارت ي دهدي نشان را مرگ واسطه به گ ناهكاران جاودانه

ع بارت هين از بخشي آسكارا "ميردني آنها كرم كه آنجا" به اشاره اصلاً كه با شد هلي يكرم است غير ممكن - است كامل ناب ودي نمادين قوم اشرا و گ ناهكاران پ يشدين هلي مجازات مكان جهنم كه اين نذيرند در مسيح ع يسي نوق و مهارت ب يان نگر پ يش از بيش است دهد و است واژه اين از است فاده

## هلي رسش : 4 فصل

1- اف تندمي ات فاق ي چه مرگ از پس

رودمي آسمان به روح (الف)

به ريدممي به سر ناناگ اهي حالت در (ب)

شودمي نذيره جايي در قه يامت روز تا روح (ج)

رودمي آسمان هب نديکان روح و جهنم به اشرار روح (د)

2- چه يست؟ جان

ما وجود نام يراي به خش (الف)

"مخلوق شخص، جسم، معنای به است ايوازه (ب)

است روح هان دقيقاً (ج)

رودمي جهنم يا آسمان به مرگ از پس که چه يزي (د)

3- است؟ به يهوشي و ناناگ اهي از حال تي مرگ آيا

به له (الف)

خير (ب)

4- چه يست؟ جهنم

اشرار جاي نگاه (الف)

دن يا اين عذاب و رنج (ب)

گور (ج)

## خدا ملکوت: 5 فصل

### ملکوت تعریف 5-1

به دادن پاداش خداوند هدف که اند داده نشان که تاب این قبلی فصلهای که است مسیح به ازگشت هذگام به اب دی زندگی با خودش مؤمنان در خداوند مکرر هلی وعده شد خواهد سپری زمین روی اب دی زندگی این به شست به مؤمنان که اند کرده اشاره نکته این به گاه هیچ زمین نه این خداوند هلی وعده شکل به (4:23 متی) "خدا ملکوت مژده". رفت خواهند (3:8 غلاطیان) شد وحي اب راهیم به زمین روی اب دی زندگی در باره که است مسیح به ازگشت از پس زمان "خداوند ملکوت" بنا بر این، فرمانروای در نهایت خداوند آنکه با وجود یابندمی تحقق هلو عده این جهان بر داده اختیار به شر به است، حاضر حال در حقیقت کلی باشد داشته تسلط خواهد که شکلی هو به خودش زندگی باشدمی "بشر ملکوت" صورت به جهان حاضر در حال بنا بر این (4:17 دانایال).

اومسیح و ماوند خدا از آن جهان سلطنت "مسیح به ازگشت زمان در و اراده زمان آن در (11:15 مکاشفه) "است سلطان اب دتا او و میشود این نرو از شد خواهد اجرا زمین در آشکار و کامل به طور خدا هلی خواست به خواست بگرد به رقرارت و ملکوت": است عبادت ما به مسیح دستور (متی) "دشو اجرا نیز زمین بر اجراست، مورد آسمان در آنچه ناکه تو و ملکوت" با که است بارتی "خداوند ملکوت" دلایل، این به (6:10) توجه (4:11 مرقس به رجوع 13:11 متی) است معاوضه قابل "آسمان خواندیم؛ نمی را "آسمان در ملکوت" عبارت هرگز ما که باشد داشته به رروی او به ازگشت زمان در مسیح توسط که است آسمان ملکوت کامل به طور آسمان در خداوند اراده چون یافت و اهدا است تقرار زمین در بنا بر این (19:103-21 مزامیر) شود می اطاعت فرشتگان توسط خواهند پرهیزگاران تنها زمین ساکنان خداوند، آینه ملکوت زمان (20:36 لوقا) "برابر زنده فرشتگان با" که که سانی به ود،

نتیجه مسیح شست به ازگشت زمان در خداوند ملکوت به ورود بنا بر این درکی داشته تن دل به زمین نیست؛ این در ماتلاشهای تمام نهایی و 25:34 متی) است حیاتی به بسیار خداوند ملکوت مفهوم از صدیح آموزش به عنوان که مسیح مورد فریاد موعظه (14:22 رسولان اعمال "مسیح عیسی نام و خداوند ملکوت" به مربوط چیز هلی به دهند

ما به خود بخش هو در. (8:5:12 ر سولان اعمال). دشومي تو و صديف موعظه اصلي مد تواي "خداوند ملكوت" چطور كه ك نمي يادآوري به ناب راين. (28:23:31 و 20:25 و 19:8 ر سولان اعمال) است به وده پ ولس حياتي به خش اي نكه به بات وجه خداوند ملكوت اصول از ما كامل درك ما". است زيادي به سيار اهيت يدارا دهومي تشكيل را به شارت پ يام اعمال) "ب گذران يم را خداوند ملكوت به ورود سخت آزمايش به ايد دارد وجود دن يا اين ت وذل پ ايان در كه است نوري اين؛ (4:22 ر سولان زندگي در كه فداكاري هاي ي انجام به راي اي ستانگ يزه اي نرواز و دارد وجود مس يحي واقعي.

به) شود به اخ بر دن يا آينه از خواستيم به ايل، پ باد شاه ال نصر، به خت از شده ساخت به زرگ اي مجسمه او به ه. (ك نيد ن گاه دان يال دوم به باب ن شان به عنوان را آن سرطلايي دان يال. شد داده ن شان مخ تلف ف لزات به و دقرار او به عدا. (2:38 دان يال) كرد ت فسير به ايل پ باد شاه دهنده كه به ياد در ايل اس اطراف در به زرگ ام پراطوري هاي از جانشيني و پ اهلايدديد كه هانطور" آن در كه شود موقعي تي آن ن تيجه مي ن شان اين به و دگل از ق سمي و آهن از ق سمي مجسمه ان گش تهاي مثل آن ق سمي تهاي از به عضوي و شد خواه ت ق سيم سلطنت اين كه ده (2:42 دان يال) "به و د خواه ضعي ف گل مثل به عضوي و قوي آهن

به عضوي شود، مي نيم دو ملتها به بين جهان در حاضر در حال قدرت ت وازن به كه دي در ا كوچكي سنگ دان يال س پس. ضعي ف به عضوي و قوي كوه يك به ت بديل خود و كرد وي ران را آن كرد، به ر خورد مجسمه پ اي ن شان سنگ اين. (2:34:35 دان يال) پ ر كرد را دن يا ت مام كه شد به زرگ و 2:20 اف سديان و 4:11 ر سولان اعمال و 21:42 متي) به و د مسيح دهنده دهندن شان كرد خواه اي جاد زمين ت مام در او كه كوهي (4:2-8 پ طرس اول اين. شد خواه اي جاد وي دوم آمدن زمان در كه است خداوند جاويد ملكوت خواه زمين در كه است به ملكوتي گ واهي خود خودي به ه پ يشگويي آسمان در نه به و د

است تقرار كامل به طور مسيح به ازگ شت زمان در ت نها ملكوت آيا اي نكه داوري و مسيح از پ ولس است دي گر به خشهاي موضوع يافت، خواه مي سخن "مسيح عيسي و خدا پ يشگاه در "مردگان و زندگان به روي (4:1 ت يموتائوس دوم). گويد

كوه يك به صورت خداوند ملكوت مورد در را دان يال نظر 4:1 مي كاه آيه مشهورت رين خداوند خانه كوه آخر، روز هلي در اما و": كرد ت به بير عظيم به روي ملكوت اين اي نكه از ت و صدي فسي س پس شد؛ خواه جهان كوه

داود تخت مسیح به خداوند (1:4-4 م یگانه) آید می‌باید و خواهد چطور زمین او سلطنت... و خواهد بزرگ مردی او" : بخشد خواهد را اور شد لیم در کندی ای جاب نکته این (33، 1:32 لوقا) "ایافت نخواهد پایدان هوگرتخت بر حکومت به شروع عیسی آن در که باشد داشته وجود زمانی مسیح بازگشتت زمان این. شومدی آغاز اش فرمانروایی و کندی داود دان یال آیه به "ایافت نخواهد پایدان هوگرتخت او سلطنت" جمله بید خواهد واگزار او به را داود جدش سلطنتتخت و خداوند" : شومدی مر بوط 2:44 آیه "کند سلطنت اسرائیل قوم بر رهیشه براری تا کرد خواهد وضع بیت چگونگی تو صدیف در مشابیهی زبان از 11:15 مکاشفهاز آن جهان سلطنت" : کندی استتفاده بازگشتت زمان در مسیح (11:15 مکاشفه) "است سلطان ابدت او و شد او مسیح و ما خداوند ملکوت که باشد داشته وجود مشخصی زمان بید که تاس ذکر شایان بازگشتت هنگام زمان این و شود آغاز زمین روی مسیح حکومت و خدا بید خواهد وی.

## نویست ملکوت زمان ای نک 5-2

بطور اکنون خداوند ملکوت که دارد وجود و سیدی سطح درتصور این نظر در راگ بیدارد در را - "کلیسا" - مؤمنان و دارد وجود کامل و اندیافتتجات واقعی مؤمنان اصلی، ملکوت در که بیدگیریم شکتوانندی است، شده بخشدیده آنها به بالقه بصورت مکانهای تیوجه بیداشیم، ملکوت در کامل بطورتوانیمذمی اکنون ما که داشتتکند ای جادرا آن تا است بازنگشته هنوز مسیح ای نکته به

بدن" که شومدی مشخص ای مکرده برر سی نونتاک ما آنچه مجموع از ملکوت واردتوانندمی است، شده ساخته خون و گشت از که خاکی اول) "بیدتند جاوید زندگی خور در مافانی بدنهایی این و شود، خدا به خدا که ملکوتی هستیم، خدا ملکوت وارث" ما (50:15 قرن تیان ای نکته به توجه با، (5:2 یعقوب) "است داده وعده خود دوستداران شامل که هلی وعده - سازدمی ابراهیم هلی وعده وارث را ماتعمید، (27:3-8:29 غلاطیان و 23:4 متی) باشدندی ملکوت اولیه بشارت بازگشتت در زمان ملکوت وارثت هلی وعده که است طبعی بیدانراین تحق ابراهیم به شده داده هلی وعده که زمانی هم آن بید، تحق مسیح و 5:21 غلاطیان و 15:50 و 6:9:10 قرن تیان اول و 25:34 متی) بیدمی آید در وارثت بر حاکمی جملات از فراوان استتفاده (5:5 اف سدسیان

بديست مؤمنان به متعلق حاضر در حال مؤمنان ملاکوت که دهومي نشان کردند مي فر کر که گفت ک سازي راهنمايي براي تمثيلي مسيح چنين پس شد خواه آغاز موقع هان خدا ملاکوت که کردند يم تصور کرد مي زندگي ايزادهن جيب رم، ام پراطوري ايلات از يکي در فرمود به ام پراطور جاذب از تا کرد، پاي تخت به درازي و دور سد فر او روزي ضمن در "ببرگ ردد و سد پس شود مذسوب ايلات آن پادشاهي مقام به وقتي" گداشت جا به مشخص ولي تهامي مسي بار خدمت گزاراني ببا بپندت اخواند فرار خود سد تياران بازگشت، خود ايلات (11:19-27 لوقا) "انداورده بدست سود مقدار چه و اند کرده چه پو لاش

"دست دور ک شور" سوي به که است مسيح دهنده نشان منش بزگ مرد هبوط بعني داوري انزم در و رودمي خود ملاکوت گرفت تني براي آسمان خدمت گزاران که است غير ممکن ايز نرو از بگردن بازمي آن هراه مجدد شوند ملاکوت ملاک خود اخ تيار صاحب غيبت زمان در اک نون

دهومي ارائه مس ذله اين براي دي گري بر رهن زي ر موارد

متعلق من پادشاهي فرمود عيسي" گويدمي دردمندان مسيح - مي اوزمان آن در حتي ايتي نحال، با (18:36 يوحنا) "بديست ذلي ايتي به مي نشان اين، (18:37 يوحنا) "هستتم فرماند روايك من" بگويد، ت و اند اک نون که ملاکوتي معنای به مسيح ک نوزي فرماند روايي که دهد بعنوان اول قرن در مؤمنان حتي بديست پاشد يافت اس تقرار اند شده و صديف (15:43 مرقس) "خداوند ملاکوت ظهور" مذتظران

نو شد نخواهد شراب دوباره هوگ ز او که گفت حواري ونش به مسيح (26:29 متي) "ب نوشم پدم ملاکوت در شما با تاز را آن که روزي تا" شود برقرار آينده در است قرار ملاکوت که دهومي نشان و ضوح به اين (پيش از اعلام بعني) بشارتها "مسيح موعظه از مردم ت لقي هان که که کسي خوشاب حال" (8:1 لوقا) است "خداوند ملاکوت مورد در (14:15 لوقا) "اکند شرکت (آينده در) خدا ملاکوت در ضيافت

را ملاکوتي من" دهومي ادامه را موضوع اين 30، 22:29 لوقا آيات - خواهي من سرفره بر سر من ملاکوت در تو که ک نمي تعيبن تو براي "نو شد نخواهي و خورد

ببان دهنمي وي بازگشت از خبر که راهلي بيشانه مسيح - اين که بپندي مي وقتي" که کردگ بريذ تيج ايزگونه و کرد خواه آغاز خدا ملاکوت بزودي که بداند هس تند، وقوع حال در رويد دادها

از قریب ایل اک نون، ملکوت آگ راست معنی بی کاملاً که (21:31 لوقا) " شد  
باشد داشت ته وجود او ب ازگشت

- خدا ملکوت وارد سخت، تجر بیات از ب آگ ذشتن بیاد ما -  
مؤمن هر که ندارد ت عجب بی بیاد رای ن (14:22 رسولان اعمال) " شویم  
کند می عبادت ملکوت به رسیدن بی رای اشد تیاق بی ای که شد بده رنج

- (اول) " است فرخوانده خویش ملکوت به رات و " خداوند  
ورود راه جس تجوی در بیاد مقابل در ما اک نون و (2:12 تسالوند یک بیان  
که (6:33 متی) باشد می معنوی زندگی طریق از ملکوت به

### گذشته در خداوند ملکوت 3-5

ترتیب، این به بیود خواهد مؤمنان آید نده پاداش خداوند ملکوت  
از تقلید وقف که است زندگی نوعی داشتن بی رای آنها انگریز  
در مدت کوتاهی پذیرااحت و رنجهای که چیزی - شویمی مسیح الگویی  
میل بی آنها روزهای تمام که رودمی اند تظار ای نروان داشت بی خواهد  
بی گذرد آید نده دوران از شدگفته بیهای درک و تقدیر به ای فزاید نده  
که است خدای کامل قبول و آنها معنوی تلاشهای تمام نتیجه این  
باشند داشت ته دوس تش بی در بی عنوان تا اند شده آفریده

تمام که مشابیهی مقدس کتابهای از کمی بیس یارت عداد تنیاف بی رای  
باشد داشت ته بیود، خواهد چگونه ملکوت ای نکه مورد در راجز بیات  
اصول بیعضی درک بی رای راهها از بیکی کرد صرف را عمر تمام بیاد  
گذشته در خداوند ملکوت که است مسئله این درک آید نده ملکوت اولیه  
زمان در ملکوت این است داشت ته وجود اسرئیل ملت شکل به  
انجیل از ای عمده بیخش بیافت خواهد اسد تقرار دوباره مسیح بیازگشت  
مختصراً بی توانیم ما تادهمی ما به اسرئیل ملت مورد در اطلاعات بی  
شد خواهد سازمادهی چگونه خداوند آید نده ملکوت که کنیم درک

است شده تصدیق " اسرئیل فرمانروای " بی عنوان مکرراً خداوند  
و 89:18 و 48:2 مزامیر و 43:15 و 41:27 اشعیا بی رجوع 44:6 اشعیا  
آنها بی ونددوی ملکوت اسرئیل مردم که است آمده آن بی دنبال؛ (2:149)  
از او فرار بی عذاب کوتاهی مدت بی نا کوه در او بی پای بیادی بیس تن  
در آنها شدنت بی بدیل خداوند ملکوت به سرخ دریای میان از مصر  
و ... خدا ملکوت به تبدیل " خدا، بیمان حفظ به اشد تیاقشان مقابل  
مردم هنگامیکه " ای نچنین (6، 5:19 خروج) " شدند مقدس ملتی  
مکان بیهودا آمدند، بیرون بی یگانه سرزمین آن مصر، از اسرئیل



(2، 104:1 مزامیر) "او سلطنت محل اسرائیل و شد خداوند عبادت  
 سیدنا صحرائی از نایل اسراملت توافق، این به رسیدن به عدا  
 خداوند چون شدند ساکن کنعان موعود سرزمین در وگذاشتند  
 و جدعون یعنی "داوران" پادشاهان، جای به و بود آنها فرمانروای  
 بلکه نبودند پادشاه داوران این کردند حکومت آنها بر (سامسون  
 سرزمین، تمام بر حکومت جای به که بود الهی شده هدایت مدیران  
 بود و سیدله اغلب آنها را ندیدم حکم کشور از معینی به خشهایی بر  
 و بود به سوی اسرائیل قوم هدایت متل ویژه مقاصد بر رای خداوند  
 وقتی شدند داده پرورش دشمنان شان دست از آنها رها کردند  
 داد پاسخ او باشد آنها پادشاه که خواستند داورجدعون از اسرائیل بیان  
 (8:23 داوران) "شماست پادشاه خداوند... شوم نمی شما پادشاه من نه،"  
 خواستند معینی اسرائیل بیان وی زمان در بود سموئیل داور آخرین  
 خود اطراف ملتهای هاندند تا باشند داشته انسانی پادشاهی  
 حقیقی مردمان تاریخ، سرتاسر در (8:5،6 سموئیل اول) باشند  
 به اهیت کم داخ بار خود روابط نزدیک که اند شده و سوسه خداوند  
 به کنند خود اطراف دنیای باشد باهت داشت تنفیدی را آن آورد حساب  
 باست فعلی دنیای در مسئله حادثه رین حال زمان در هلو سوسه این  
 نمی دیدگر آنها کردند مرا آنها: کنعانی شکوه سموئیل نزد خداوند  
 خداوند این حال با (8:7 سموئیل اول) "باشم ای شان پادشاه من خواهند  
 داود او به عدا بود و دیگر شائل آنها اول بین که کرد عطا شاهانی آنها به  
 رسیدند حکومت به او به عدا شاهان از کامل ای سلسله و آمدن یکوکار  
 اسرائیل که بودند پی بودند روحانی ذهنی دارای که پادشاهانی  
 انده پذیرفت را فرمانروایی آنها اگر چه است خداوند ملکوت هنوز  
 خداوند سوی از بلکه خود ذات به نه که فهمیدند آنها بنابر این  
 اندکرده می حکمرانی بر اسرائیل

پس سلیمان، تو صدیف معنای که سازدمی قادر را ما اصل این درک  
 ایشان پادشاهی به رات و "جمله از کردمی حکمرانی بر آنجا که را داود،  
 (9:8 تو واریخ دوم) "اکنونی طنت سل آنان بر ان صاف و عدل به تاگ مارده  
 ملکوت به سلیمان بزرگ سعادت و آرامش با هراه حکومت کنیم درک  
 است دل به همین، (بود آن از ای نمونه یا) کردمی اشاره خداوند آینه  
 هانطور بود خداوند سوی از اسرائیل فرمانروایی او شومی تا یکید که  
 جلوس خداوند تخت بر اسرائیل فرمانروایی به عنوان نیز مسیح که  
 (12:13 و 1:49 یوحنا و 27:37،42 متی) کرد خواه

خداوند داور

تو قسم بد بخش دوبه اسرئیل سرزمین سلیمان، ارتدادند نتیجه در از نیمی و بنیامین یهودا، قبایل بر سلیمان پسر رحبعام، شد؛ دیدگر قبیله ده بر ریب عام در حالیکه کردمی حکومت منسه قبیله افرائیم یا اسرئیل قبیله، ده این سرزمین کردمی حکمرانی این مردم اکثر باشد تند نام یهودا دیدگر، قبیله دو و شدمی نامیده که کردندی ادعا آنها - کردندی پیروی سلیمان بدالگویی از قبایل اطراف ملل بدتهای حال درعین و دارند ادعای تقادحقیقی خدای به کردندی پرستش.

توبه تا پرخداخت آنها راهنمایی به پیامبران بدوسیله دخاوند از راندن بیرون بار آنها دلایل همین به بدداشت سودی اما کندن کار این کرد مجازات دشمنان شان سرزمین سوی به اسرئیل ملکوت بردن اسارت به و اسرئیل به باب لیان و آشوریان حمله طریق از توسط خود روح بدوسیله و کردی مدارای شان با سالها": شد انجام آنها باز پس نکردند توجه ای شان ولی دادی، هشدار ای شان به اندیاء (9:30 نحمیا)". شوند مسلطای شان بر دیدگر قومهای دادی اجازه

خوبی فرمانروایان وجه به هیچ اسرئیل ای قبیله ده سرزمین پادشاهان کتاب در هگی غیره و یهواخاز اخاب، پربعام، نام بدداشت آنها پادشاه آخرین حکومت زمان در است شده بت پرست بت بعنوان برده اسارت به قبیله ده و شد مغلوب آشورت و وسط اسرئیل هوشع، یازنگش تند هوگ زبعبه زمان آن از و (17 پادشاهان دوم) شدند

و حزقیایمانند) داشت خوب پادشاه تعدادی یهودا ای قبیله دو سرزمین مردم، مکرر گناهن دلایل به بدو بدد آنها اکثر اگر چه، (پوشد یا از رایهودا خداوند صدقیا، آنها، پادشاه آخرین سلطنت زمان در خداوند به باب لیان حمله اثر در مسدوله این کرد خارج خویش سرزمین مقام آنها. (25 پادشاهان دوم) بر دبابل به اسارت به را آنها که آمد بدوجود آنها سایه در آنها از بعضی آن بدعاز و ماند بدبابل در سال فتاده بدمدت برگشتند اسرئیل به نحمیا و عذر رهبری

سلطنت حت و نشدند خود آن از پادشاهی صاحب دوباره دیدگر آنها رومیان حکمرانی دوره در مسیح بدو در رومیان و یونانیان باب لیان، در رومیان رفتند، پذیرا مسیح دعوت اسرئیلیان چون شد زاده ساختند پراکنده جهان سراسر در آنها و تاخند آنها به 70 سال بازگشت و کردند بازگشت به شروع آنها گذشت سه سال صدرت آنها (کدید رجوع 3 ضمیمه به) دادند نوید را مسیح

ملت در که همانطور را خداوند ملکوت پدایان این 25:21-27 حزق یال آیات روز اسرائیل، پادشاهی تو و": کرد ب یمنی پیش شدیده اسرائیل بیدار سرت از راج و عماله است رسیده فرانی و نهایی مجازات یعنی). مانند خواهد باقی سابق ترتیب به چه یزی دیدگر پس این از ساقط، را سلطنتی سلسله این من... (پدود شده تمام صدق یا سلطنت که زمانی تا کردن خواهد ب لندرس دیدگر و نمود خواهد ساقط ساقط، "ب خشد خواهد وی به را چه یز هه آنگاه. شود ظاهر آن حقایقی وارث خداوند ملکوت پدایان ب رای پدایم بران ک تاب قطع به قطع واری ک ند می سوگ واری

حمله سه به 25:21-27 حزق یال آیات در سقوط کلمه به ااره سه تکرار دان شجوی. ک ند می اشاره ب ایل پادشاه ال نصر، بخت ت وسطه شده انجام ملکوت موازی رف تار چه گونگی از دیدگری نمونه هلایه در این دقیق شد ب رک نار خداوند ملکوت از صدق یا ب ی ند می را آن پادشاه و خداوند در که شکلی به خداوند ملکوت ب ناب رای ن. (ک ندین گاه 5:2 ب خش به) برسد پدایان به ب و د اسرائیل ملت دست

این است تقلال به شکست در هم را اسرائیل قدرت ب زودی خواهد می" زمانی تا ب و د نخواهد دیدگر آن" جمله (1:4 هوشع). "بدم پدایان قوم ب ر حق شخص" که زمانی ملکوت، که است مفهوم این متضمن "...که تخت" خداوند. شد خواهد ادیا "ک ندواگ دار او به را آن خداوند و ب یاید پدایان هرگز او سلطنت... کرد خواهد واگ دار او به را داود جدش سلطنت مسیح ب ازگشت هنگام در - (1:32، 33 لوقا) "یافت نخواهد خواهد حقیقت به ملکوت ادیا وعده که است زمانی این ب ناب رای ن، پدیوست

### اسرائیل حیات جدید

ملکوت ادیاء که دارد وجود تیق عهد سرت اسر در وسیع ای در و نمایه مریدان ک ند می پدیشگویی را مسیح ب ازگشت هنگام در خداوند به که دیدگر ب ار": ب و د آماده مس نله این ب رای ب خود بی مسیح که است زمان هین در آی خداوند،: پرسیدند او از شد، ظاهر ای شان یعنی "«کرد؟ خواهی ب رقرار ب از را اسرائیل رف تده دست از حکومت یافت؟ خواهد ققت ح اکنون هم 27:21 حزق یال آیه در شده داده وعده آی" نخواهند را وی دوباره آمدن دقیق زمان هرگز آنها که داد ب اسخ مسیح او که دادند اطمینان آنها به آن ب عدا ب لاف اصله ملائک اگر چه دانست (1:6-11 رسولان اعمال) گشت ب از خواهد ب زودی حقیقتاً

مسیح دوباره آمدن زمان در اسرائیل / خداوند ملکوت احیاء بنابر این در بایده مسیح" خداوند که کرد موعظه چنین این پطرس بدو خواهد اول حال به و شود پناگ ناه آلودگی از چیزه تا بماند آسمان". است گفته الهی این بپای تمام دهن از خدا را موضوع این که بازگردد را خداوند ملکوت دوباره است تقرار دوباره، آمدن (21، 20:3 رسولان اعمال) داشت خواهد در پی اسرائیل قدیم ملکوت حیات تجدید انعنوبه

به وده "الهی رسولان" تمام کلام حقیقت به خدا ملکوت دوباره است تقرار است.

هنگام) نشست خواهد پادشاهی تخت بر داوود نسل از کسی آنگاه" خواهد حکومت مردم بران صاف و عدل با و (33:1:32 لوقا) - ظهور دومین (5:16 اشعیا) "بدو خواهد است تواراستی و بر رحمت او حکومت کرد

دوباره است ویران اکنون راکه داود سلطنت زمان، آن در آنگاه" - عاموس) "گرداند خواهد باز ساقش عظمت به را آن و کرد خواهد بر پنا است رسد تاخیز زبان آشکارا، عبارت، آخرین (11:9)

انها و داندگ ر خواهد باز ای شان به را گزیده ته دوران کامیابی" - (20:30 ارمیا) "ساخت خواهد پادار و است توار

برکت را آن تاگزید بر خواهد را اورشلیم دیدگر بار خداوند خواهد خویش جهانی ملکوت پناخت را آن و (12:2 زکریا) "دهد (2:2-4 اشعیا و 2:48 مزامیر به رجوع). ساخت

اولش مثل رهدوبارا اورشلیم هلی کوچه و یهودا شهرهلی من" - صدای و شادمانی و سرور آواز دیدگر بار مکان هین در ... ساخت خواهد این دوباره من زیرا ... شد خواهد شنیده داماد و عروس شاد ... ساخت خواهد کامیاب و سعادت مند اولش مثل را (اورشلیم) سرزمین شمار و چرانید، خواهند را خود هلیگ له چوپانان باریدگر (7:33-13 ارمیا) "بیافت خواهد فزونی جاهه ردگ و سفندان شان

"اسرائیل امید" همان حقیقتاً ملکوت است تقرار بر ای مسیح بازگشت شت. شویم مرتب آن به تعمید و سیدله به بایده ما که است

## آی نده در خداوند ملکوت 4-5

ای نکه به مر بوط اطلاعات ن س بی مقدار به ف صل این 3 و 1 ب خشهای اب راهیم به ای مدیده ما است داده اراده ارا ب ود نخواه چگونه ملکوت این دن یا ق س م تهای ت مام مردم وی ذریه ب واسطه که است شده داده وعده معنی این به ر اف وق م موضوع 4:13 روم یان آیه . شد خواهند آمرزیده ت مام وارث مسیح مان ند هس تند اب راهیم ذریه که آنها ی که ده می ب س ط دان یال دوم ب اب در آمده اس تعاری ی پ یش گوی ب ود خواهند زمین زمین به کوچك سنگ شکل به مسیح چگونه که ده می ت و ضیح گ س ترده دن یا سرتا سردر تدریجاً ملکوت س پس و گ شت ب رخواه خلاف ب ر که معناست این به این (72:8 مزام بر به رجوع). شد خواه سرزمین یا اور شل یم در ت نها خداوند ملکوت ای، عده اع تقادات اصلی سرزمین مطمئناً مناطق این اگ رچه ب ود، نخواه واقع اسرئ یل ب ود خواه آن

وکاهن پادشاه" ک نند، پ یروی مسیح از دن یا این در که ک سانی بامکانها ت مام ب ر ما (5:10 مکاشفه) "ر ساندي سلطنت به و ساختی حکومت شهر ده ب ری کی . راند خواهیم حکم مخ تلف ت عداد و هاندازه حکمرانی در مسیح . (17: 19 لوقا) شهر پ نج ب ر دی گری و کرد اهخو دوم و 27:2 مکاشفه) شد خواه شریک ما ب اب رزمین خویش ب ر (عیسی) عادل پادشاهی که رسیده خواه زمانی" (2:12 تیموتائوس راملکت (مؤمنان) ان صاف ب اره برانی و نشست خواه سلطنت ت خت ر (45:16 مزایر و 32:1 اشعیا) "کرد خواهند اداره

داود شده ب ر پادوباره ت خت ب ر ه یشه ب رای مسیح که است مقرر که را داود ف رمانروایی مقام و جاوی یعنی، (33، 32:1 لوقا) ک ند حکومت حکم اور شل یم از مسیح چون داشت خواه اخ تیار در ب ود اور شل یم قهمنط این در ب ود خواه آی نده ملکوت پ ای تخت شهر این راند، خواه در مردم در حال یکه، (40-48 حزق یال) شد خواه ساخته مع بدی که است این . (1:11 ملاکی) پ رداخت خواهند خدا پ ر س تش به دن یا مخ تلف ن قاط اور شل یم به ه ساله" ملتها ب ود خواه جهان پ ر س تش مع بندگان و ج شنی و ب پ ر س تند را جهان پادشاه متعال، قادر خداوند تا آمد خواهند زکریا). نمای ند ب رگ زار اور شل یم مع بد اطراف در "ی شکرگ زار ب رای (14:16)

ب ینی پ یش 2:3 اشعیا آیات در ن یز اور شل یم سالانه زیارت این قرار آن ب ر خداوند خانه که کوهی آخر، روز هلی در" است شده

خواهد محسوب دند یا قله ب لندت رین (2:35.44 دان یال - ملکوت) دارد، ... (ب) و دخواه اند سان ملکوت از بالاتر روی معبدو خدا ملکوت یعنی) شد خواهند آنان بگردید خواهند روانه آنجا به مخ تلف سرزمینهای از مردم و دارد قرار آن بر اسرائیل خدای خانه که خداوند کوه به بپاید بگفت زیرا که نین اطاعت را آنها ما و دهد یاد ما به را خود قوانین او تا برویم صورت این "میکنند صادر اورشلیم در را خود دستورات خداوند حکومت علم مردم در حالیکه است، ملکوت اولیة روزهایی از تصویب ملکوت "کوه" بسوی و کرد خواهند منقلد دیگران به را مسیح در. شد خواهد گسرتده دند یا تمام در تدریجاً که رفت خواهند بالا خداوند داریم ذهبیم پرسد تش در واقعی شد تیاق از تصویب ما اینجا

بیشتر که اینست مازمان انسانی تراژدیهای بزرگترین از یکی و پدر بعنوان او واقعی درک بر اساس پرسیدن جای به را خدا مردم، می احساسی یا فرهنگی اجتماعی، سیاسی، دلایل به خالق، خداوند و شاهی پادگیری بر رای جهانی جذب ملکوت در پرسند شکلی به داد، خواهد مردم به زیاده انگریزه میل این بداشت خواهد وجود بسوی خدا از بیشتر شدن اختک سبب بر رای زمین نفاقت تمام از که کننمی سرفر اورشلیم.

عدالت اداری و حقوقی نظامهای از ناشی عدالتی و گمراهی جای به وجود - "خداوند کلمه و قانون،" - جهانی حقوقی رمزیک بشری، ملل تمام. شد خواهد صادر اورشلیم از مسیح سیله و که داشت خواهد شدن اخت یا فتن به آنها مشترك تامل و آوردنمی روی هلموخ ته این به هانطور داد، خواهد کاهش را ملتها بین طبعی بر خورد خدا، از واقعی می دند یا این در دانشی چنین که سبب وقف را خود که اف رادی بین که به شد به اورشلیم بسوی روان ملتهای تمام از تصویب این کنند با همراه یهودیان که آنجا است شده ارائه آیه این در که است تصویب می راهی هم با "اورشلیم در خدا پرسد تش بر رای (یهودیان غیر) امتهای مطابق ملکوت از 20:8-23 زکریا پیشگویی با کاملاً این". شوند دارد:

خواهند هجوم اورشلیم به زیارت بر رای نجهامالک از بسوی یاری مردمان خواهند دیگر شهر به شهر یک مردم کنند شرکت اعیاد این در تا آورد تا بپایید ما با هم شما روی می اورشلیم به ما:» گفت خواهند رفت متعال قادر خداوند از ("سال به سال" 16:14 زکریا به رجوع) برویم بزرگ ملتهای حتی و مردم، زا بسوی یاری آری،" ("کنیم برکت طلب از نموده بادت را او تا آمد خواهند متعال قادر خداوند نزد اورشلیم به به دست مخ تلف قومهای از نفرده روزها آن در... کنند برکت طلب او

چون به بر خود بدان یز را ما» گفت خواهند شده یهودی نه فریك دامن  
"«ت و ست با خدا دان یممی

و ت و به دل یل به که ده می نشان را و دیدان به از ت صویر ی این  
(28:13 ت 28:13) «ر هو» نه به باشند می ملل "ره بر" خود فرمان برداری  
ت قدیر مورد هه سوی از خداوند رسد ت گاری طرح یهودی اساس سد پس  
معاصر سد بحت میان در که مسدله این از ناگاهی گ رفت خواهد قرار  
به مردم زمان آن در بر سید و اهخ پ این به به دفعتا زمان آن در دارد وجود  
خواهند یهودیان به و کرد خواهند به حث مسائل این مورد در حرارت  
جای به مکالمات زمان آن در "ت و ست با خدا که ایم شدن یده ما" گ رفت  
مسائل پیرامون آن باشد ته، را امروز جهان ت فکر که ای بیهوده خیال  
کرد خواهد سد بر روحانی

که نه است آوردت عجب دید نداری، به سد بتن والاته عهد این زمان در  
به را خود شمشد یرهلی آنان و... کرد خواهد داوری ملل ب "بین" مسیح  
دنن یا قومهای کرد خواهند ت بدیل اره به را خویش هلی ن یزه و گ او آهن  
(2:4 اشعیا) "ب و دن خواهند ی کدی گر با چنگ فر کرد دید گر

باعث ثامت باح در وی اخ ت یار و ک لی عدالت و مسیح مطلق اخ ت یار  
الات ما شد بین به را خود اف زار هلی جنگ اش ت یاق به املتها که شد خواهد  
در "ک نندت رک را نظامی آموز شهای ت مام و ک نندت بدیل ک شاورزی  
ماه که وقت ت او شد خواهند کام یاب خدا شد ناس مردم او، حکومت زمان  
در - (72:7 مزامیر) "ب و د خواهد بر قرار سلامتی و صلح باشد، باقی  
خصوصیات که ک سانی ت مام و شد خواهد سد توده معنویت زمان آن  
قرار اح ترام مورد ک نندت معکس را غیره و عدالت رحمت، عشق، خدای  
غرور، از حاضر زمان سد تایش با را مطلب این گ رفت خواهند  
ک نید مقایسه خود خواهند طل بی جا و خودنمای ی،

یک از یی بخش "گ او آهن به شمشد یرها" مشد تا فانه کردن ت بدیل  
خواهد رخ زمین در که ب و د خواهد عظیم تر به سد یار ک شاورزی ت غدیر  
شدن فرین گرفتار او به خاطر زمین آدم، گ نانه ت بیجه در داد  
زیادی ت لاش امروزه که است این اش ت بیجه که (17:3-19 پ یدایش)  
و شود غله پراز او "ملکوت در است لازم آن از غذا آوردن به دست برای  
مزرعه همچون شهرها گ ردد حاصلخیز ل بنان کوهایی دمان کوهس تانها  
فراوانی" (72:16 مزامیر) "شود جمعیت از سرشار علف، پرهلی  
دروگ ران که کرد خواهد رشد سریع چنان غله و ب و د خواهد محصول  
کوهایی دامنه از ان گور، فراوانی از و داشت، نخواهند دروید دن فرصت  
این، (9:13 عاموس) "بچکی خواهد فرو شد یرین شراب اسرائیل

نفرین کاهش دست و پا و خواهر زمین یا فته به بود حاصلخیزی شد خواه صادر عدن از زمین

کرد خواه درگ بر را مردم از به ساری ک شاورزی، عظیم کار این و خودک فای به تاگ دارندمی تا بر مردم به ر ماکوت پ یام بران به رگ ردد ک شاورزی زندگی

چیزی زیر آورد، خواه زندگی امنیت و صلح در و دخ خانه در هوس "م تعال قادر خداوند را وعده این داشت خواه وجود شود ترس باعث که (4:4 م یکاه) "است داده

پول ازاء در کار شد تعالی نظام هر در که به رخلاف های خودک فای این برای کردن کار عمری زمان آن در ک ندمی غلبه است موروثی نقد به و خواه گ نشد به به مر و ط چیزی دیگران کردن تمدن رو

باغ هرکه و شد خواه ساکن آن در خود به سازد ای خانه هرکه روزها، آن در "باغ و هلاخانه دیگر زی را خورد، خواه آن میوه از خودک ند غرس اند گوری درختان، ماندند ای شان اف تاد خواه دشمن دست به من قوم اند گور های لذت و شد خواهند مندب پره خود دسترنج از و کرد خواهند طولانی عمر فرزندان شان و رفت خواه به به از زحمتهای شان دیگر به رد خواهند را فرزندان شان هم و را آنان هم زیر دید، خواه را مصد به بت رنگ (23-65:21 اشعیا) "داد خواه به رکت

رتغیبی چگونگی از هتایی پی پی پیشگویی 1:35-7 اشعیا آیات تقریباً شود می خوش بختی و شادی به منجر که دارد یزرع علم زمینهای زندگی ترو حانی و تر ساده روش علت به که ندمی تراوش زمین از صحرا آمد، خواه وجد به به یابان "ک ندمی کار زمین روی که که سانی در... کرد خواه پر را جا هه شادی و سرود... شد خواه گل از پر به رکه، به زار شوره. شد خواه جاری نهرط صحرا در و هچ شمه ن به یابا به رخورد تی "شد خواه تبدیل چشمه به ت شده و خشک زمین و خواهند به به ره و گ رگ" رفت خواه بین از حیوانات میان ط به یعی 8- و 65:25 اشعیا) ک ندن بازی هم با ت و اند ندمی به چه و مار و "چرید 11:6)

به سیر کاهش ط به یعی به خلقت شده داده قرار یز ن فر که هانطور یاب ندمی کاهش یز مردم به رگ رفت ته قرار نفرین یاب د، می زیادی و گناه) به دی از سم بول یک زبانی به 20:2-3 مکاشفه آیات این چنین شود می محدود یا "مقید" هزاره، طی در که ک ندمی صد بت (آن اثرات



به مبرد ساله گي صدر كسي اگر به طور ي كه شد خواهد زياد عمر طول كم تري رنج زاي مان هنگام زنان. (65:20 اشعيا) شومدي محسوب به چه گ و شهاي و به يناراكوران چشمهاي" (65:23 اشعيا). كرد خواهند احساس لال و كرد خواهد خيز و جست آه مان ندلنگ. ساخت خواهد شنواراكران كه است آميزي معجزه هاي اي اي نها (6، 35:5 اشعيا) "خواند خواهد سرود (6:5) ع بران يان به رجوع). شد خواهد داده روح به دوباره

به صورت ن بايد در خداوند ملكوت كه كرد تا كيد حد از زياده ت وان زمي نيكوكران لذت كه گرفت نظر در گ رمس بري جزيره يك در به شدي گ بزندي آف تاب حمام به بيعت شكوه ميان در كه است ك ساني هانند تا است، خداوند به راي جلال شدن قائل خداوند ملكوت ي اساس هدف مي را دريا آبها كه هانطور " شود وي جلال پ راز زمين كه زماني خداوند پ س": است خداوند غاي هف اين (2:14 ع بران يان) "پ و شانند خود حيات به ولي به چشمي اي كرده است دعا چنان كه را آنها من فرمود "ك نمي ياد سوگ نداشت پ ركرده راز زمين كه پ رجلام حضور به و راوي زمين ساكنان كه معناست اين به خداوند جلال (14:21 اعداد) از به ردارند؛ الگو وي نيكوي صفات از و كند پ رستش و تقدير اجازه نيز مادي زمين به خداوند به ود، خواه حالت اين در جهان كه آنجا به ركات از فرودن اشخاص" نين اينچ. كند منعكس را اين كه داد خواه بازندگ يشان و (شد خواهند ملكوت وارث) شد خواهند به رخوردار خود آن از به يشتر (37:11 مزامير) "به ود خواه ت وام (روحاني) صفا و صلح ت شدنگان و گرسنگان" كه به بزند، ك ساني لذت ساده زندگي از كه وت ملك در آن با (5:6 متي) " شد خواهند سبب زي را هس تند، عدالت

"انگيزه" به عنوان اغلب ملكوت در ادي زندگي داشت تناندي شه ت نها با كند ترغيب مسيحت به علاقه به نسد بت را مردم تا رومدي به كار لازم و واقعي دل برف رفوع زمان آن در آن به مادست يابي اي نحال زمان در است خداوند ت كريم هان كه - به ود خواه ملكوت در بدن به راي مداوم به طور به ايد مسئله اين از مادرك ت عميد، به عداز به باق يماند كمال لذت بازندگي سالده ت نها نكارنده، نظر از ياب دت وسعه اينكه ت نها دارد را زندگي اين رنجهاي تمام ارزش كامل، آگهي و مطلق تاوراي را ما و نوازدمي را ذهني يافت خواه ادامه اب دتا جلال حالت اين به ردمي پيش انانس درك حدود

به بدن به نگریم، مسئله اين به مادي تركمي شرايط در زمان يكه حتي دنويوي مزايامي ت حقير به راي ما به رانگيزه به ايد خداوند ملكوت در مسيح نزديك، آينده به مفرط اندي شه جاي به به اشدي راي مادي و ديگر هرچيز از به يش خدا به خود، زندگي در شما اگر " كه دهدي پند

خواهد برآورده را شما نیز یازدهی این همه او بدید، دل و دهید میناه  
(34:6-30 م تی). ساخت

که نیمی تلاش آن برای و که نیمی تصور بد تواند ایم اکنون ما که هر چه یزی  
نمیست قیاس قابل خداوند ملکوت در زیر ستن نهایی وقوع با

یعنی باشدیم،" (خداوند) پرهیزگاری" جس تجوی در که داریم نیز ما  
مایعنی این که به ورزیم عشق خداوند خصوصیت به که که نیمی سعی  
تکریم آنجا در پرهیزگاری زیر باشدیم، خداوند ملکوت در خواهیم  
نه باشدیم، کامل معنوی نظر از کاملاً که خواهیم مازیرا شد، خواه  
راحتی زندگی ابدت او بدگریزیم مرگ از خواهیم شخصاً ای که  
باشدیم داشته

را اندسان خودخواهی که شودمی ارائه روشی به خدا کلام در دامی اغلب  
خداوند ملکوت در بدن برای ما اندک یزه آشکار، بطور که نمی ارضا  
پیشنهاد اینجا در ما که آنچه که نمی تغیر زیری حدت امروز به روز  
دادن نشان و خدا کلام یادگیری ما اول اولویت است آرمان یک که نیمی  
اطاعت به عشق محرک یک از تعمید در آن به نسبت خود تسلیم  
مادقیق دلایل و دهمی ارائه خداوند که امیدی از ما درک باشدیم خداوند  
کرد خواهد شدت عمید به عذاب باشدیم، ملکوت در خواهیم ای که برای  
رسید خواهد به لغو به و

## هزاره 5-5

خواننده، ملکوت در زندگی مورد در ما بررسی از نقطه این در  
ملکوت از تصویر این تمام آیا پرسد، می خود از احتمالاً اندید شمند  
می دارد چه بازهم ملکوت در مردم رسد؟ نمی نظر به اندازی خداوند،  
بازهم مردم این (20:65 اشعیا). میرنمی حتی و. (23:65 اشعیا) شوند  
همه از و (4:2 اشعیا) نشاندمی فراموشی که داشت خواهند مشاجراتی  
کار این گره که زندکار زمین روی حیات ادامه برای که دارند نیز  
و عده از کم تر بسیار اینها - بدو خواهد حال زمان از آسان تر بسیار  
طبیعتی و ابدی زندگی به پرهیزگاران گویدمی که است هلیی  
یا ازدواج هرگز که فرشتگان بی با بر او خداوند طبیعت هاندند  
در پاسخ (36، 20:35 لوقا) یافت خواهند دست، که نننمی مثل تولید  
یک - سال 1000 خداوند ملکوت اول بخش که است نهفته حقیقت این

این طی در (ک نیدن گاه 2:20-7 مکاشفه به) که شدید خواهد طول - هزاره  
به و خواهند زمین روی بر مردم از گ روه دو هزاره

از دن بیان ای در ق بولی قابل به طور که ک سانی - قدی سان 1-  
داده داوری به رمسند اب دی زندگی ی آنها به که اندکرده پ یروی مسیح  
تمام به و است شده دعوت فر دم معنای به قدیس س بک نید توجه . شد خواه  
گ ردد بر می واقعی مؤمنان

خدا کلام مسیح به ازگ شت زمان در که فانی و عادی اف راد 2-  
ن یس تند داوری مسند دار عهده ی معنی - دان ندمی را (انجیل)

خواه اند تخاب ی کی به ود، خواهند میدان در گ روه دو آید می مسیح وقت ی  
که ک سانی (17:36 لوقا) . ماند خواه باقی دی گری و ، (داوری بر ای) شد  
دست یابی با قدی سان به و خواهند دوم گ روه این در "مانند می باقی ی"  
اهندن خود شدن دار به چه یامردن به قادر داوری، مسند در خدا ط بیعت به  
می تجرب به ملکوت در را چه یزها این که مردمی و صف به نابراین به و  
به ازگ شت زمان در که آنهایی ی - رود به کار دوم گ روه بر ای د ک نند  
"پ ره یزگاران پ ادش . دان ندمی را خداوند مقررات اما اند زنده مسیح  
"کرد خواهند سلطنت زمین بر رواین از و است شدن کاهن و پادشاه  
به ازگ شت زمان در آنان که جز ک سانی مردم این و (5:10 فمکاش)  
آنها بر تا مان ندمی زنده و ن یس تند اند، و ده جاهلی خدا کلام به ن سبت  
که - وی پ ادش در "مسیح با" به و دن طریق از ما . شود حکومت  
مشکلات بر که او" به و خواهیم شریک - است جهان فر مانروای ی  
قومها تمام بر تا به خشدید خواه قدرت او به ... شومدی پ یروز  
که هاند گونه نماید، حکومت بر آنان آهذین عصای با و ک ند، حکمرانی  
مکاشفه) "ک نم سلطنت بر آنان تا داد من به قدرت ی چنین یز پ درم  
(2:26،27)

و ف ادار خدمت گزاران - یاب دمی وقوع اک نون pounds از مسیح تمثیل  
می پ ادش ملکوت در آنها بر فر مانروای ی بر ای شهر پ نج یاده با  
فر راگ بر سریعاً خداوند روشهای شناخت . (19:12-19 لوقا) . گ بزند  
بر ای مردم شود؛ می اعلام فر مانروا اور شدیم در مسیح چون شدن خواه  
اشعریا) کرد خواهند سفر اور شدیم به خدا به به ی شد تر علم یاف تن  
به االدان آیات در شده ذکر کوهایی چگونه که به یاورید به یاد . (2:2.3)  
پ راک نده زمین تمام در تدریجاً (خداوند ملکوت دادن نشان با) 2:35،44  
در نتیجه و خدا معرفت که به و خواه قدی سان وظیفه این . شدند  
سازند پ راک نده را وی ملکوت

آموختن کاهنان وظیفه بود، خداوند ملکوت اسرائیل وقتیکه درگذشته شهره‌ی در آنها منظور این بود. (2:5-7 ملاکی) بود خداوند معرفت شدن استوار هنگامی که گرفتند قرار اسرائیل سرتاسر در مخ‌تلف خواهند عهده‌ی کاهنان نقش قدیم سان ملکوت، شکوه‌تر با و مجدد گرفت.

## ب: یاید امروز مسیح اگ ر

- 1- مس‌ئول زندگیان با همراه و شد خواهند زنده مس‌ئول مردگان  
نشدست خواهند داور یی بر مس‌ند
- 2- به و شد خواهند مرگ به محکوم‌ئول مس‌گ ناهکاران  
بر داور یی هیچ‌نین. شد خواهد اعطا اب‌دی زندگیانی بر رهیزگان  
شد خواهد انجام کردند، ایستادگی مسیح مقابل در که مل‌تهایی
- 3- اما هس‌تند زنده که بر رک‌سانی بر رهیزگان زمان آن در  
بر عنوان آنها بگرد خواهند حکومت ندارند خدا به نسبت مس‌ئول یی  
مآموخت خواهند آنها به را خدا کلام کاهن و انرواف م.
- 4- زمان این طی در که یافت خواهد ادامه سال 1000 مدت به این  
خدا به نسبت بنا بر این و شنوند می را خدا کلام فانی مردم تمام  
کرد خواهند زندگی شادتر و ب‌یشتر مردم این. شوندمی مس‌ئول
- 5- خواهد بر پا قدسین و مسیح بر رابر در شورش هزاره پایان در  
کوبید خواهد درهم را آن خدا که شد
- 6- اندمده مدت این در که ک‌سانی تمام سال، هزار این پایان در  
گرفت خواهند قرار قضاوت مورد و شده زنده دوباره
- 7- مابه‌نیکوکاران و رفت خواهند میان از آنها، میان گ‌ناهکاران  
یافت خواهند جاودانی حیات و پیوست خواهند

پراز زمین است شده انجام زمین مورد در خداوند تصمیم زمان این در  
که او یی‌عنی) "الوهیم یهوه" خدا نام بود خواهد نیکوکار و جاودان اف‌راد  
دیگر. شد خواهد تبع‌بیر (شد خواهد آشکار قادران از گ‌روهی در  
مک‌وعده این بافتاد نخواهد اتفاق زمین در مرگ نتیجه در و بار، گ‌ناه  
ت‌حقیق کاملاً زمان آن در شوندمی بنا بود آن سر بر کوبیدن با مار ذریه

تا" راند خواهد فرمان مسیح هزاره، طی در (3:15) پیدایش. یافا خواهد  
... است مرگ او دشمن آخرین. سازد ناب و در خود دشمنان همه که زمانی  
آنگاه یافا، پیروزی خود دشمنان تمام بر مسیح وقت سرانجام  
قرار خدا پدرش فرمان تحت را خود خداست، فرزند که نیز او خود  
علام کل بر بود، ساخت مسلط چیزه بر او که خدا تاباد خواهد  
(28-15:25) قرن تیان اول). "شود حاکم هستی

خود دشمنان تمام مسیح زمان، آن در رسید خواهد را آخرت آن، از پس  
"کرد خواهد واگزار پدر خدای به را سلطنت و ساخت خواهد ناب و در  
(15:24) قرن تیان اول)

مسلط چیزه "خدا که زمان این به عذاب که است نشده گفته ما به  
زندگی ما که اینست دانیم ما آنچه تمام آمد؛ خواهد پیش چه "شد  
کردن خشنود و تکریم بر رای و داشت خواهیم خدای بی باسرت جاوید  
تحقیق جای که است استنباطی این کرد خواهیم زندگی خداوند  
راف تاد خواهد اتفاق هزاره به عذاب آنچه به بریدن پی بر رای بیش تر  
دارد.

این خوانندگان تمام رسد نگاری بر رای "خداوند ملکوت کلام" درک  
و فصل این به از خوانی بر رای توانیم ما است حیاتی که لمات  
کنیم کمک شما به اندجیل شده ذکر به خشهای جس تجوی

بر رای خداوند خلقت طرح در باشدیم او ملکوت در ما که خواهیم خداوند  
نمایش صرفاً آنسان آفریدنش از هف و شده تعین واقعیت قشما  
ملکوت به مرطوطی وعده به را ما تعین است نبوده خدا توانایی  
سال چند به عذاب تعین، که کنیم باور است مشکل بدهی ارتباط  
و باشد کوه عصر به را ما توانیم خدا، لامک از متواضعانه پیروی  
محکم بایده خداوند عظیم عشق به ما ایمان اینحال باکند وارد بیدی  
بر رای موجهی دلیل هیچ ما مطمئناً مدت، کوتاه مشکلات به وجود باشد  
نداریم خدا کلام دعوت برادر در مقاومت

(8:31 میانرو) "باشند؟ ما ضربه توانیم که سی چه ماست، با خدا اگر"

در شویم، می تمهل حاضر زمان در که هلی بی سختی این، وجود ب"  
هیچ ساخت، خواهد نصیبمان خدا آینه در که شکوهی و جلال مقابل  
(8:18 روم بیان) "است

و آمد، خواهد سر به سرانجام نیز ما جزئی رنج‌هایی و مشکلات این "گردد، صدی بمانن عظیم جلالی با جاوید زندگی که شد خواهد باعث (4:17 قرن تیان دوم)". نیست مقایسه قابل زحمات آن با هرگز که

## هپ ر سش : 5 ف صل

1- است؟ خداوند ملکوت است تقرار زمان زیر جواب‌هایی از کدامیک

است یا فته است تقرار قبلاً (الف)

مسیح با ازگشت هذنگام (ب)

اول قرن در عیدگ لریزان روز در (ج)

تشان مکالمادر مؤمنان قبل‌بهای در (د)

2- چیست؟ هزاره

ما قبل‌بهای بر پسنده خصلتهای حکومت (الف)

آسمان در مؤمنان حکومت سال 1000 (ب)

زمین بر شیطان حکومت سال 1000 (ج)

زمین در خدا آینه ملکوت اول سال هزار (د)

3- کرد؟ خواهند چه هزاره در حال زمان مؤمنان

کندنمی حکمرانی فانی مردم بر (الف)

کندنمی حکمرانی ح آسمان در (ب)

دانیم‌می ما (ج)

کندنمی زندگی دی‌گر ای‌س‌یاره در (د)

4- است شده انجام خداوند ملکوت مورد در موعظه آيا

"جدید عهد" در ف قط (الف)

حواریون و مسیح بد وسیله ف قط (ب)

جدید عهد در هم و ع ت یق عهد در هم (ج)

ع ت یق عهد در ت نها (د)

# بدي و خدا: 6 فصل

## ديب و خدا 1-6

مع تقدذ ادیان، از بس یاری هاند ند مسیحتیت، هلیف رقه از بس یاری منشاء که دارد وجود شیطان یا ابلیس نام به هیولای بی یا موجود که مذکور موجود اع تقاد، این طبق ما ست زندگی و جهان مصائب تمام ما به صراحت به اندجیل. شوی همی مرتکب ما که است گناهنده می مسئول که خواندیم 4-1 بخش در است مطلق قدرت ند، خداو که گوید می مطالب این به راستی به و واقعاً اگر بکنند نمی گناه فرشتگان بر علیه طبعی ماورای هم موجود وجود آنگاه باشدیم، داشتند اع تقاد موجود این وجود به اگر اما بنماییم غیر ممکن جهان این در توانا خدای ایم پرده سئوال زیر را خدا بدین متعال شک بدون باشدیم، مع تقدذ در حیات نظریه یک عنوان به به باید شد شیطان و ابلیس صریح درک که است شده گفته ما به 2:14 ع بران بیان آیه در. شود گرفتار ته نظر شناخت بدون بنابر این کرد؛ ناب و درا شد شیطان خود مرگ با مسیح بریم پی مسیح فطرت یا اعمال به توانا می شد شیطان صریح

«مسیحیت جهان» اصطلاح به در خصوص به و دنیای در طورک لی، به از بدچیزه لی و خدا از زندگی خوب چیزه لی که دارد وجود عقیده این حقیقتی نیست جدیدی نظریه عقیده این بگردیم نشأت شد شیطان به مع تقدذ ابلیس مثال، بر این. شوی نمی محدود هم مرتد مسیحتیان به آنان تباری کی و بدي خدای و روشنی و یخوب خدای بد و ند خدا دو هست ند چنگ در یکنید مگر ناب و دی تا خدا دو این که داشتند اع تقاد همین به داشتند اع تقاد مسأله این به نیز ایران، بزرگ شاه کورش، ... نیست خدای بی من غیراز و هست تم خداوند من" بگفت او به خدا دلایل خوب روی داده ای آورنده پدید من هست تم، تباری کی و نور آفریننده من که من هست تم (باشدمی بلا بدی از منظور اندجیل جدیدنسخ طبق) بد (45:22 و 45:5 اشعیا) "آورمی وجود را چیزه لی ن ه ه هست تم خداوند خدا اینجاء در آوردمی پدید را بلا و بدي او خود کرده ای جاد آرمش خدا از سان اش تباها از ناشی گناه و بدي بین اما بدي خالق است؛ خالق خدا و است شده جهان واردان سان اش تباها باگناه دارد وجود تفاوت (5:12 رومیان) نیست آن باعث

"ندارد وجود من جز خدای بی هیچ" گوید می بابل مردم و کورش به خدا یا قدرت، "معنی به اصولاً است "خدا" آن، ترجمه که [عبری کلمه



از غیر به قدرت‌ی مذبح هیچ که گوید می‌خدا. شدیدی "قدرت مذبح  
شیاطین وجود راستین مومنین که است دل‌یل همین به ندارد وجود او  
بد پذیرد و اندمی را طبعی مافوق بدیهایی یا

بلا خالق: خدا

زندگی به را "بدی" خدا دهمی نشان که است مآلهای از پراندگی  
در بلائی اگر که گوید می‌3:6 عاموس آیه است آورده دنیا این مردم  
ده، روی ای لرزه زمین اگر مآل برای خداست آن باعث ده، رخ شهر  
بدبختی این و حکم فرماست شهر در آن شیطان که شود می‌گفته  
مسئول خدا که بداند بدی در است مومنین اما است حضور از ناشی  
بضد خداوند: "گوید می‌1:12 می‌کاه آیه این نرواز است وقایع این تمام  
در." است این نشان انتظار در مرارت و تلخی و برخاسته اور شدیم  
را اشداری کل صلاح، مرد آن ایوب، چطور که خواندیم ایوب کتاب  
در بدی تجربه که آموزد می‌ما به کتاب این داد دست از زندگی در  
زا سرپیچی یا و اطاعت میزان با متناسب مستقیماً شخص یک زندگی  
(1:21 ایوب) "گرفت خداوند و داد خداوند" که فهمید ایوب بدیست خدا  
گرفت خود هر سر به ایوب "گرفت شیطان و داد خدا" که گوید می‌او  
"نرسد؟ بدچیزهای و برسد ما به خدا از خوب چیزهای فقط آیا"  
تمام" سدب به را او ایوب دوستان کتاب، پایان در (2:10 ایوب)  
رجوع (42:11 ایوب). دهنمی تسکین "آورد بر سر او داوود که بلاهلی  
کند، می‌ایجاد را ما زندگی مشکلات که خدا بدی این، (8:4 و 19:21 به  
است خاص معنای این به "بدی" منشاء خود

دارد دوسنت که است علت این به کند، می‌تأدی برات و اگر خداوند  
صفت و پدگ زندگی آن نتیجه... کنی تحمل را تأدیبت و اگر...  
(6:11-12 بران یان). "شد خواهد ظاهر آن به عذاب مدت که است پس سندی  
مرتبه ارتقاء موجب در نهایت الهی آزمایشات که دهمی نشان آیات این  
را ما که است موجودی شیطان بدگویی می‌اینکه. شوندمی انسان معنوی  
رشد سدب لاتمشک ایجاد باحال در عین اما کند، می‌گناه به وادار  
آورد، می‌بار به بر این مان "نیکوکاری محصول" و شده ما معنوی  
دارد عمیق مشکلات بدی، از کلاس یک برداشت این دارد تناقض  
می‌داده تحویل شیطان به انسان که شود می‌گفته وقت خصوص به  
و بدگیزد عبرت درس شاید "یا و" ایاب دنجات اوروش شاید "تا شود  
(1:20) تیموتائوس اول و 5:5 قرن تیان اول" دن گویین که فردی گر  
منفی تأثیرات و کندگ ناه انسان که شود می‌موجب واقعاً شیطان اگر  
نوری عنوان به شیطان از آیات این چرا پس گزارد، می‌مردم روی  
یا شیطان یعنی دشمن، که است این پاسخ کند، می‌یاد مثبت

انسان زندگی در مذهب بتی معنوی تأثیرت و انذمی زندگی، مشکلات  
بگذارند جا به مؤمن

وکنیم دعا تو وانی میمانی آن گاه خداست، سوی از بدی که به پذیریم اگر  
از مشکلات یعنی کند، برطرف را ما مشکلات که به خواهیم خدا از  
در مشکلات این که فهم میمانی کرد، را کار این اگر آن گاه به برد بین  
معتقد اگر حال. اندهش فرستاده خدا جانب از ما معنوی دفع جهت  
برمی را ما مشکلات ابلیس یا شیطان نام به به بدی موجود که باشد  
انجام تو وانی میمانی مشکلات این رفیع براری کاری هیچ آن گاه از گریز،  
فقط نباید در بدی یا ناگهانی مرگ به بیماری، ناتوانی، دهیم  
گناهکار و قدرت مندایی فرشته شیطان اگر کردت لقی بدشانسی  
کشیدن رنج جز راهی ما بوده و بیرونندت را ما از او آن گاه شد، با  
"هه" خدا خواست به که مطمئنیم ما که است حالی در این داشت نخواهیم  
(8:28 رومیان). "رومی پیش مؤمنان صلاح به (زندگی) چیز  
ندارد وجود مؤمن زندگی در "شانس" نام به به چیزی بنابر این

گناه منشاء

که ما ست از تو قصدی و شودمی ناشی ما درون از آنگ که گفتم باید  
که گناهی به گوئی میمانی که است آن خوشایند اندال به ته کنیم گناه  
گناه آزادانه تو وانی میمانی آن گاه نیست ما تو قصدی شویم، میمرت کب  
سرزند شها و بود شیطان کار کار، که کنیم تو وجه را خود به عدوکنیم  
گناهکاری شخص وقت تواتر از به ساری در نماییم او متوجه را  
ادعا کرده به خشش طلب دهیم، میانجام را ناپسندی و شرمناهی عمل  
بنابر این است، بوده شیطان تو سخر در هنگام آن در که کنیم  
و درست اصولاً دلایلی چنین اما نیست داده انجام که کاری مسؤول  
گناهکار خواه شخص عهده بر گناه مسؤولیت و نیستند منطقی  
بود

که دست تمزیدی تنها کند، گناه هر که" که باشد میمانی که به یاد به باید  
اگر. انجمدی مرگ به گناه؛ (6:23 رومیان) "است مرگ یافت، خواه  
باید عادل خدای آن گاه باشد، شیطان گردن به ما گناه مسؤولیت  
بر اساس ما که حقیقت این اما کند مجازات ما جای به را شیطان  
مسؤول ما که دهیم نشان گیریم، میقرار وقت ضاموردگ ناهندان  
از خارج و حقیقی شخصی شیطان که به اور این بهس تیم خودگ ناهلان  
است خود از مسؤولیت برداشتن دوش از براری تلاش ما ست، وجود  
فطرت حقیقت پذیرش از انسان امتناع از دیدگری نمونه این که  
باشیمی آن، بودن پذیرگناه اساساً یعنی به شری،

آنچه ... که ندن جس را او ت و اندزمي خورد، مي ان سان که خوراکي هوگ ز"  
 یک ندمي ت راوش او وجود از که است اف کاري سازد، مي نجس را ان سان  
 چه يزهلي اين ت مام: حماقت و خودپسندي ... زناکاري که شي، آدم دزدی،  
 مي نجس را ان سان و گيرندمي سرچشمه ان سان قلب و وجود از آور شرم  
 (7:15-23 رقم). " سازد

و کرده رخنه ما درون به که دارد وجود ما بیرون چه یزی که به اور این  
 مسیح صریح آموزش با شود، می ما تو وسطگاه ناه ارت کاب موجب  
 به خیزد برمی ان سان قلب از و درون از به دیدها، تمام دارد ت ناقص  
 طرف به کودکی از دلش: "بگوید می خدا سبیل هنگام به دلیل همین  
 که دهمی شرح 1:14 یا یعقوب آیه (8:21) پیدایش) "است لم تمایگ ناه  
 روزد این) ان سان که این یعنی و سوسه": "شویم می و سوسه ما چطور  
 امیال و افکار مجنوب و فریفته (است یکسان ان سانها ت مام برای  
 می و سوسه خود بدت مایلات از و خود هو سهای از ما". شود خود ناپاک  
 دعوای و جنگ علت: "پرسد می عقوبی بیرونی عوامل از نه شویم،  
 شما وجود در که نیست ناپاک کی آرزوهای آنها، علت آیا چه نیست؟ شما  
 به منحصر و خاص هو سهای ما، از یک هر (4:1) یعقوب) "دارند؟ منزل  
 هس تند، ما خود شیطانی ت مایلات زایدیده هو سهای این داریم فری  
 خودمان ندشم بدترین ما که گفته این فرزند به منحصر زی را  
 دارد صحت هس تیم،

پروزی چه گونگی و آن منشاءگ ناه، در باره عمدتاً رومیان، کتاب  
 به کتاب این در که است این مهم بسیار مسأله دهمی شرح بر آن  
 گناه، منشاء مورد در: است شده اشاره ندرت به اهریمن و شیطانی  
 ترتیب این به است نزده حرفی اهریمن یا شیطانی از پس  
 موجودی اگر. شومی معرفی جدید عهد در که است تازه مفهوم لیساب  
 نامی عتیق عهد مطمئناً و اداری، گناه به را ما که داشت وجود بیرونی  
 است شده پر معنی و عمیق سکوتی مورد این در اما. شمی برده آن از  
 دهمی نشان صحرا در اسرائیل بنی سرگذشت و داوران عهد مک توبات  
 در مورد آنها به خدا اما کردند می گناه زیاد اسرائیل بنی زمان آن در که  
 آنها درون به به تواند که بیرونی و طبیعی مافوق بیرونی یا موجود  
 را آنها عوض در بداد هشدار و اداری، گناه به را آنها و کرده ن فوذ  
 مثال برای) نشوندگ همراه تا دهندگوش کلامش به که کرد ت شویق  
 (22:5) ی و شمع و 27:9.10 تئذیه آیات

که است شده ثابت من برای دیدی اگر اکون": بگوید می تا سف با پس  
 ... است فاسد پاتا سر از ن فساد می، طبیعت این به خاطر من وجود

گناه وادارم نه يکواعمال انجام به را خود ته واندنمي که نمي تلاش هرچه او. (18:7-21 روميان) "است داشته نه نگاه اسدیر خود چنگال در مراهنوز ذات او که نندمي ملامت را به بیروني موجودي خود، گناه خاطر به است من درون گناه منشأ": داندني گناه واقعي منشأ را خود شیطاني به که نمي گناه اخذت یاری بی اماندهم، انجام آلودی گناه کار که نمي سعی اخذت یاری بی دهم انجام نه یک کار خواهی هرگاه زندگی در که رسد می نظر رامعنویت ضدیت منشأ پو لیس بنابر این "زندني سرمن از بدکار خوداگاهی همین به معنوي و متفکر شخص هر داندني "من درون گناه" پو لیس، ماندن و الا بی مسیحي حتی که است ذکر قابل رسید خواهد عصمت به و نشد متفاوت طرقي صاحب مذهب تغییر به عدا چنين زوین انجیلی چنیش نیافت دست به ال فعل یا با القوه 21- رومیان هلی آیه در سخنش خاطر به را پو لیس نتیجتاً دارد ادعای نی تاقت ضاقتی هلیه این اندداده قرار "هنگ شده رسد تگار" رده در 7:15 مردان از دیدگری کی داود که نندمي ای جاد ادعاهلی بی چنين بی رای اساسی ته ولد به دو از من": که نندمي شماره خود نه فس گناهکاری به که است صلاح شد به سه ته مادر رحم در من نطفه که ای لحظه از بی لی، ام، به وده گناهکار (51:5 مزامیر) "ام، به وده گناه به آلوده

اگر که نندمي صحت صریح کاملاً انسان شیطاني ذات در باره انجیل، تصور به نیازی شویم، قابل ارزش انجیلی مطالب این بی رای انسان گناهان مسؤل که انسان ذات از بیرون و خیالی شخصی حدی تا انسان قلب که گوید می 9:17 ارم یا آیه به و دن خواهد باشد، را آن گناهکاری میزان ته واندنمي که است فرید بکار و شیطاني می به ذاتاً انسان فس، 11:7 متی آیه در نیز مسیح بی پذیریم بی شفافیت خصوصینا در (عبری متن) 3:9 جامعه آیه خواند آیه (3:9 جامعه) "است شرارت از آکنده انسانها قلب": دارد نظیر ذکر طور این را خدا از انسان ذات بیگانگی دلایل 18:4 اف سد بیان و اند، خواسته روی به را خود دل و فر آنها که این بی خاطر": که نندمي به هلی قلب خاطر به نیست به صدیر ما قلب زیرا "هست تندگمراه و کور فر طرز خاطر به و هستند، نادان و نابینا معنوي به عدد که ما این به را ساس 19:5 غلاط بیان آیه که برید می فاصله خدا از که ما ست جسم، این که گوید می سخن "جسم اعمال" به عنوان به ما گناهان از مطلب این از هیچکدام. شود می ما گناهان باعث که ما ست خود وجود ذات به را گناهکارانه تمایلات ما داند نندمي شیطان را گناه شاعمن مطالب اساسی جزئی خصوصیت، این و داریم ته ولد هنگام از بیعی طور است انسانی ساختار از

## اب لیس و شیطان 6-2

می‌قول نقل خود اصلی شکل به و نشده ترجمه انجیل کلمات گاهی آرامی زبان در ای‌نمونه چ‌ن‌ین، 6:24 م‌ت‌ی‌آیه در (Mammon). شوند که است ع‌بر‌ی‌ای‌ک‌لمه شده، نام‌یده ش‌یط‌ان‌که "satan" واژه (است که "devil" واژه و است "دشمن" آن معنای و مانده باقی‌ن‌شده ترجمه دروغ‌گو معنای به "diabolos" ی‌و‌ن‌ان‌ی‌ک‌لمه از شوم‌ی‌خ‌وان‌ده اب لیس باشد می‌م‌ت‌ق‌د‌ا‌گ‌ر‌ب‌گ‌ی‌ر‌د‌م‌ی‌ر‌ی‌ش‌ه "دروغ‌ب‌ه‌ز‌ن‌ت‌ه‌م‌ت" ی‌ا‌د‌ش‌م‌ن‌ی‌ا‌می‌گ‌ن‌ا‌ه‌ب‌ه‌و‌ا‌د‌ار‌ر‌ا‌م‌ا‌ک‌ه‌ب‌و‌د‌ه‌ب‌ر‌و‌ن‌ی‌م‌و‌ج‌و‌د‌ات‌ی‌اب لیس و ش‌یط‌ان‌که ب‌ه‌ر‌ا‌آ‌ن‌ه‌ا‌ب‌ا‌ی‌د‌ر‌س‌ب‌ی‌د‌یم‌ک‌لم‌ات‌ا‌ی‌ن‌ب‌ه‌ان‌ج‌ی‌ل‌در‌ه‌و‌ق‌ت‌ان‌گ‌اه‌ک‌ن‌د‌، انجیل در کلمات این از است فاده نحوه دهیم نسبت به دکار شخص آن ت‌و‌ان‌می‌ع‌اد‌ی‌ش‌خ‌ص‌ه‌و‌م‌ور‌د‌در‌که‌ع‌اد‌ی‌ص‌د‌ق‌ات‌ی‌ع‌ن‌و‌ان‌ب‌ه‌ر‌ا‌آ‌ن‌ه‌ا‌ک‌لم‌ات‌ن‌ت‌و‌ان‌که‌ش‌و‌م‌ی‌ب‌اع‌ث‌م‌و‌ض‌و‌ع‌ا‌ی‌ن‌ب‌م‌ا‌ی‌ان‌ن‌د‌یم‌ب‌ر‌د‌، ب‌کار و ب‌دکار شخص انجیل، در ر‌ف‌ت‌ه‌ب‌کار شکل به‌ر‌ا‌اب لیس و ش‌یط‌ان دانست ب‌ی‌رو‌ن‌ی‌م‌و‌ج‌و‌د‌ی‌ا‌

انجیل در ش‌یط‌ان‌ک‌لمه

ادومی شاهزادگان از که را حداد خداوند، "ب‌گ‌و‌ی‌د‌م‌ی‌11:14 ب‌ش‌ا‌ه‌ل‌ن‌اول‌آیه س‌ل‌ی‌م‌ان‌د‌ش‌م‌ن‌ان‌از‌د‌ی‌گ‌ر‌ی‌ک‌ی‌" "ب‌ر‌ان‌گ‌ی‌خ‌ت‌س‌ل‌ی‌م‌ان‌ب‌ر‌ض‌د‌ب‌و‌د‌از‌و‌دا‌ش‌ت‌ن‌ام‌ر‌ز‌و‌ن‌و‌ب‌ر‌ان‌گ‌ی‌خ‌ت‌س‌ل‌ی‌م‌ان‌ب‌ر‌ض‌د‌را‌و‌خ‌دا‌که گ‌ف‌ت‌ه‌ا‌ی‌ن‌(11:23،25 ب‌د‌ش‌ا‌ه‌ل‌ن‌اول)" "ب‌و‌د‌ا‌س‌ر‌ائ‌ی‌ل‌س‌ر‌س‌خ‌ت‌د‌ش‌م‌ن‌ان‌را‌ا‌ی‌ف‌ر‌ش‌ت‌ه‌ی‌ا‌ط‌ب‌ی‌ع‌ی‌م‌ا‌ف‌وق‌ش‌خ‌ص‌ی‌خ‌دا‌که‌ن‌ی‌س‌ت‌م‌ع‌ن‌اب‌دان‌را‌ع‌اد‌ی‌ان‌س‌ان‌ه‌ا‌ی‌و‌ب‌ا‌ش‌د‌س‌ل‌ی‌م‌ان‌د‌ش‌م‌ن‌ی‌ا‌و‌ش‌یط‌ان‌که‌ک‌رد‌خ‌ل‌ق‌ب‌ک‌ن‌د‌م‌ی‌م‌ط‌ر‌ح‌ر‌ا‌د‌ی‌گ‌ر‌ی‌ن‌م‌و‌ن‌ه‌16:22،23 م‌ت‌ی‌آیات بت‌اس‌آ‌ف‌ر‌ی‌ده‌ب‌ر‌م‌رد‌ن‌و‌ا‌ور‌ش‌د‌ل‌ی‌م‌ب‌ه‌ر‌ف‌تن‌از‌ر‌ا‌م‌س‌ی‌ح‌که‌ک‌ر‌د‌م‌ی‌س‌ع‌ی‌پ‌ط‌رس‌، از‌ش‌و‌د‌ور" "ب‌گ‌ف‌ت‌پ‌ط‌رس‌ب‌ه‌و‌گ‌ش‌ت‌ب‌ر‌م‌س‌ی‌ح‌ب‌ا‌ر‌د‌ب‌از‌ص‌ل‌ی‌ب‌ب‌ش‌ر‌ی‌ت‌و‌ف‌ک‌ر‌ب‌ا‌ش‌ی‌م‌ی‌م‌ن‌ب‌ر‌ای‌خ‌ط‌ر‌ن‌اک‌ی‌د‌ام‌ت‌و‌! ش‌یط‌ان‌ای‌م‌ن‌، ا‌ی‌ن‌. ش‌و‌د‌م‌ی‌خ‌وان‌ده‌ن‌ش‌یط‌ا‌پ‌ط‌رس‌ت‌ر‌ت‌ی‌ب‌، ا‌ی‌ن‌ب‌ه‌" "ا‌ل‌ه‌ی‌ن‌ه‌ا‌س‌ت‌، ه‌ی‌و‌ل‌ا‌ی‌ی‌ا‌ف‌ر‌ش‌ت‌ه‌ب‌ا‌م‌س‌ی‌ح‌که‌د‌ه‌م‌ی‌ن‌ش‌ان‌ر‌و‌ش‌ن‌ی‌ب‌ه‌م‌ط‌ل‌ب‌م‌ی‌ز‌د‌ح‌ر‌ف‌پ‌ط‌رس‌ب‌ا‌و‌ک‌ر‌ده‌ن‌م‌ی‌ص‌د‌ب‌ت‌

خود ح‌ت‌ی‌یا‌خ‌وب‌ش‌خ‌ص‌ا‌س‌ت‌، د‌ش‌م‌ن‌م‌ع‌ن‌ی‌ب‌ه‌ف‌ق‌ط‌ش‌یط‌ان‌ک‌لمه‌چ‌ون‌خ‌و‌د‌ی‌ب‌ه‌ک‌لمه‌، ا‌ی‌ن‌ن‌ف‌س‌در‌ن‌ام‌ی‌د‌(satan) ش‌یط‌ان‌ت‌و‌ان‌م‌ی‌ن‌ی‌ز‌را‌خ‌دا‌ب‌ه‌ح‌د‌ی‌ت‌ا‌ش‌یط‌ان‌ک‌لمه‌م‌ع‌ص‌د‌ی‌ت‌ی‌م‌ف‌ه‌وم‌ب‌د‌ارد‌و‌ج‌و‌د‌م‌ع‌ص‌د‌ی‌ت‌ی‌خ‌ود‌م‌ا‌د‌ش‌م‌ن‌ی‌ا‌ش‌یط‌ان‌ب‌ز‌ر‌گ‌ت‌ر‌ی‌ن‌م‌ا‌گ‌ن‌ا‌ه‌کار‌ذات‌که‌ا‌س‌ت‌خ‌اط‌ر‌ا‌ی‌ن‌ب‌ا‌م‌م‌ع‌و‌لاً‌ع‌م‌ل‌در‌ک‌لمه‌ا‌ی‌ن‌ک‌ار‌ب‌ر‌د‌ل‌ی‌ل‌، ه‌ر‌ی‌ن‌ب‌ه‌و‌ش‌و‌د‌م‌ی‌ت‌ل‌ق‌ی‌

و آوردی ما زندگی به را مشکلات نیز خدا خود است ب وده همراه گ ناه سد بر ایمان نادرست یریس در ما گرفتار قرار هنگام است ممکن یا کردت لقی شد یطانت وانمی را خدا مواردی چندین در و کند، ای جاد راهی می او که نیست معنی این به خواند شد یطانت وانمی را خدا ای نکه اما بداشدگ ناهکار ت واند

هین از مشابهی وقایع شرح ت واریخ، و سموئیل کتابهای چهار با عیسی حضرت یززدگ کتاب چهار که هانطور روی داد است، سموئیل دوم آیه ۶. کندمی بازگ و را مشابهی روی دادهی مذ تلف زبان شد، و ر شعله اسرائیل قوم بر خداوند خشم دیدگر بار: "بگ ویدمی 24:1 یهودا و اسرائیل تاداشت آن بر را داود ای شان ت نبیه بر رای او پس در شد یطانت: "بگ ویدمی 21:1 ت واریخ اول مشابیه آیه ۴. "کند سر شماری را سر شماری که "کردت حریک را داود و ای ستاد اسرائیل قوم بر ر شد یطانت دیدگر متنی در و است ک نده ت حریک خدا متن، یک در نماید "نقش در خدا که است این معقول نتیجه ت نهادهمی انجام را عمل این ای جاد با او است کرده عمل داود دشمن نقش در عبارت بی به یا "ش یطانت در ای وب که جای ت تا کرد را کار هین نیز ای وب زندگی در لات مشک می آرام قدرت ت مام با و ای شده رحمت بی من به ن سبت: "بگ فت خدا مورد بر شد یطانت یک ماندت و: «بگ فت ای وب واقع در (30:21 ای وب). "دهی «کنمی رفتار من ضد

انجیل در اب لیس ک لمه

تن 12 شما آی: "فتگ مسیح است هینطور نیز «اب لیس» ک لمه از او نیست؟ اب لیس شما از وی کی ای مذ کرده اند تخاب را (حواریون) بد و فدانی و عادی انسانی که "..." گ فت می سخن اسخریوطی یهودای گ فت می سخن "پ لیدروحي" از اصطلاح به یا شاخدار موجودی از او اول یه آ. شومی اطلاق بد کردار شخص به صرفاً ای نجا در اب لیس ک لمه پیران زنان کندمی مطرح را دیدگری نمونه 3:11 ت یموت اوس رفت به کار یونانی ک لمه اصل باشدند؛ "زن ت همت" ن باید ک لیس، ای نرواز است شده ترجمه اب لیس دیدگری در جای که است "diabolos" ت همت ن باید ک لیس پیران زنان که ده می هشدار ت یطوس به پ ولس گ فت ت یموت اوس به ن یز و (2:3 ت یطوس) باشند "اب لیس" یازن (اب لیس) زن ت همت ... مردم ... آخر روز هلی در" که (3:1.3 ت یموت اوس دوم) ت بدیل ان سان فوقف به ان سان که نیست معنای دان این ". شد خواهند مطالب این از شومی ناب کار ب یشت تر صرفاً ف قطب لکه شد، خواه به شد یطانت و اب لیس ک لمه که باشد شده مشخص بر رای تان باید

اطلاق ما وجود از خارج گناهکاری موجود یا او خورده شدکست فرشته  
شودنمی.

اب لیس و شیطان گناه،

وصف منظور به و نمادین شکلی به اب لیس و شیطان کلمات  
به شد، داده شرح 6-1 فصل در که ما درونی آمیز معصیت تمایلات  
به همد تند ما اصلی ندم یا شیطان همان تمایلات این روزنمی کار  
،"اب لیس" را آذان تو انمی نتیجه در و شده داده شخصیت صفات این  
است اب لیس خود ما طبعی ذات خواند ناروا تهمت منشاء و ما دشمن  
این در (مادرون گناه) ما شیطان تمایلات و اب لیس بین ارتباط  
انسان، (ما) خدا فرزدان این که آنجا از: "است شده آشکار سطر چند  
و گشت نیز (مسیح) او باشند، می خون و گشت دارایی و همد تند  
می شدن انسان با فطرز را درآمد، انسان شکل و به شد خون  
قدرت خود، مرگ با او ببرد، و کند ما راه در را جانش تو است  
"بود مرگ اختیار صاحب که شیطان سازد، ناب و در شیطان  
(2:14) ع بران یان).

گناه، مجازات" اما است، شده معرفی مرگ مسئول اینجا، در اب لیس،  
هم موازات به اب لیس و گناه بنابر این (23:6 رومیان) "ست مرگ  
را ما شیطان تمایلات که گویندمی نیز 1:14 یعقوب آیه همد تند  
آیه اما است؛ مرگ آن نتیجه که دارند، می واگناه به و کرده و سوسه  
گویندمی آیه هین آوردمی مرگ بلیس، که گویندمی 2:14 ع بران یان  
بخوردار بشرف طرت هین از اب لیس کردن ناب و در رای مسیح که  
خود، فرزند خدا،" که دارد می اظهار 3:8 رومیان آیه مقابل در اما بود؛  
این با فرستاد، جهان این به ما بدن ماند بدنی در را مسیح عیسی  
مطلب این. "بود گناه سلطه تحت ما بدن ماند او بدن که تفاوت  
طبعی طور به که آمیزی معصیت تمایلات و اب لیس که دهمی نشان  
مسیح که مطلب این درک باشدندمی یکسان عمل در انسانند، ذات در  
مفهوم صریح درک عدم است مهم بسیار میشود، و سوسه ما هاندند نیز  
مسیح های نك است مسیح عمل کرد و فطرط درک عدم معنی به اب لیس  
است دلیلی تنها داشت، (خود درون اب لیس عیسی یعنی) انسانی فطرط  
و 2:14-18 ع بران یان) باشدیم امیدوار رسد نگاری به تو و ایممی که  
همان یعنی خویش، فطری تمایلات بر آمدن فایق با مسیح (4:15)  
ع بران یان) بکشد بر صلیب را اب لیس تو و است انجیلی، اب لیس  
آیه داشت وجودی گر آن گاه و، ب شخص یک اب لیس اگر (2:14)  
تا کرد ما راه در را خود جان" مسیح گویندمی 9:26 ع بران یان  
که جمله این با 2:14 ع بران یان آیه. "سازد کن ری شه را گناه قدرت

راق بلېگفته برده، بېن از را درونش اېلېس خود، مرگ بامسېح را "گناه رمج" خوېش مرگ بامسېح است داده قرار تائيد مورد فطرت هانگناه جرم اين كه (6:6) روميان) برده بېن از بېل قوه بې شكل شومې نمايان مادر جسمي شكل در كه است ان سان .

شيطان فرزند كه دهمې نشان برده، مي بې سرگناه در كه كسي اما" بر ابر در آوردن سرفرودن تېجه گناه زيرا، (3:8) يوحنا اول) "است ان انجيل كه (1:14.15) يعقوب) است ما خود طريف و شيطانې تمايلات بابل را اېلېس اعمال تا آمد خدا فرزند. "نامدې" اېلېس" را تمايلات هان اېلېس كه بېگويېم درست اگري. (3:8) يوحنا اول) "سازد ماگ ناهن هان بدمت مايلات اين نتيجه آنگاه ماست، شيطانې و بدمسېح": شومې تائيد 3:5 يوحنا اول آيه در مطلب اين هس تند دهمې نشان گفته اين". سازد پاك را ماگ ناهن بې تواند تا شندان سان از دې گري مثال هس تند يكي "اېلېس اعمال" و "ماگ ناهن" كه است آمده 5:3 رسولان اعمال آيه در ماگ ناهن و اېلېس بېن ارتباط کرده پر معطاز را توقلب شيطان چرا": بگويدي حنانا يابه پطرس اېن بار خود قلب چرا": بگويدي پطرس، 4 آيه در سېس "است؟ در شيطان حضور هان قلبمان، درون در بدي وجود "كردې؟ آوده كارها معصيت نقشه يك مثلاً بگيرد، جاما دل در فكري اگري ماست قلب شوي، اېس تن زني اگري اېلېس پوروش ما درون در فكري اين آميز، ايات يېلېس پوروش او درون در بلكه ندارد، وجود او برون در كودك ماهو سهاي كه گويدي نمې نماده بېن از است فاده با 1:14.15 يعقوب مي مرگ بېه متعاقباً و آورنده، مي ارمغان بېه راگناه وگرفته شكل خواندې شيطان مترادف راگناهكار ان سان 109:6 مزامير آيه انجامند از يكي بېگذار و بېس پار ظالم داوري دست بېه را دشمن خدا اي" بې رجوع) در ايد او سلطه تحت يعني "بېلېس تداوك نار بېدخواستش (110:1) مزامير.

دادن شخصيت

نحوي بېه انجيل اما": بېسېد مس تدلا نه است ممكن وجود اين بېا درست كاملاً "است شخصيك اېلېس گويي كه كندې تعريف صاحب كه شيطانې" عنوان بېه شيطان از 2:14 ع بران بيان آيه است؛ مي مشخص انجيل مطالعه اندك باحتي بكندي ياد "است مرگ اختيار مي سخن واقعي اشخاصي چون مفاھيم از بېس ياري از انجيل كه شوي مي سخن "خرد" نام بېه زني از 9:1 امثال آيه نمونه بې عنوان بگويدي پرداخت مأمور بېه راگناه 6:23 روميان آيه و سازدې ايخانه كه گويدي



په ردازمي مرگ ته حقيق ب ارا عمر ق بوض كه ك ندمي ته ش بيه ق بوض  
 ا است شده داده قرار ب حث مورد ب يش تر 5 ان حراف در وي ژگي اين  
 ندمي اما دهمي ن شان را ما ب د ت ما ي لات اغلب diabolos ي عني ما اب ليس  
 ب د ت ما ي لات مچراك كرد ت صور م فهم يك عنوان به را اهي من ت وان  
 اب ليس م فهم به د ل يل هين به و ن دار ند وجود او از مس ت قل ان سان  
 داده اري اب شخصيت غالباً گ ناه به هان طور كه . شومدي داده شخصيت  
 به كه است درك قابل پس . (7:3؛ 17؛ 16:6؛ 21:5 روم يان مثلاً) شومدي  
 اشاره گ ناه به ن يز "اب ليس" زي را شود، داده شخصيت هم اب ليس  
 سخن ان سان هو در موجود دو وجود از ن يز پ و لس را س تا، هين در ردا  
 ان سان : (7:15-21 روم يان) ب اش ند ج سم يك در دو هو كه گ وي گ وي دمي  
 حال اين ب ا . است جدال در معنوي ان سان ب ا كه اب ليس ي عني مادي  
 هم ب ا ان سان يك درون لغوي معنوي به واقعي شخص دو كه است واضح  
 يك عنوان به ما ف طرت گ ناهكار عضو اين به اندن پرداخته جنگ به  
 مي داده شخصيت است، ان ج يلي اب ليس هان كه (6:13 م تي) "ب د واحد"  
 "ب د واحد" كه ي و ناني ع بارت هين ، 13:5 قرن ت يان اول آيه در . شود  
 كه دهمي ن شان و شده معني "ناب كار فر د" ب ا ر اين ب ود شده ترجمه  
 يا "ب د واحد" به او خود شومدي م ت س لي گ ناه ب ر ا در شخص وقتي  
 گ ردمي ته بديل اب ليس

سياسي م فاهيم در " شيطان" و "اب ليس"

گ ناهي از پ ر و ناب كار جهان ته و صيف ب راي شيطان و اب ليس ك ل مات  
 مراتب سلسله از . رومدي كار به ن يز ك نيممي زندگي ان در كه  
 نوان ع تحت ت وانمي ان سان، مذهبي ش به و سياسي اج تماعي، دروغ ين  
 قدرت به اغلب "جديد عهد" در شيطان و اب ليس . كر دي اد "اب ليس"  
 روي ان از . دار ند اشاره رومي وي هودي نظامي اج تماعي و سياسي  
 ان دازمي زندان به را مؤمنان اب ليس كه خواند يممي جديد عهد در وقتي  
 به را مؤمنان كه دارد اشاره رومي مقامات به اب ليس ، (2:10 مكا ش فه)  
 در ك ليسايي كه شده نو ش ته راب طه هين در . انداخ ت ندمي زندان  
 حكومت محل پ رغامه . است شيطان ت خت ي ا جاي گاه در واقع پ رغامه  
 واضح ي و ن دمس ت قر آن ج ا در ن يز مؤمنان از گ روهي كه به و د روم يها  
 در ب ا ش د، داش ته وجود اگ ر شيطان، خود ب گوي يم ت و ان يم ندي كه است  
 ب و د مس ت قر پ رغامه

از اما شون دمي ته عريف خدا قان و ن از ت خلف عنوان به دي فر گ ناهن  
 خدا ب ر ع ليه اج تماعي و سياسي ن يروي يك عنوان به جمعي گ ناهن  
 ن يروي اين از . ب اش ندي اف راد از ت ر قدرت مند ن يروي كه شده ب رده نام  
 كه است روي ان از . شومدي ب رده نام اب ليس شخصيت ب ا گ اهي جمعي

شديطان" را آمريکا متحدہ ايالات لامبياس ک شورھي ساير و ايران  
سدياسي و مذھبي عقايد جن به از ک شور اين زي را. اندنام يده "بزرگ  
در شديطان و ابليس ک لمانت بکارگيري. شومبي محسوب آندان دشمن  
است گرفتہ صورت منظورھي چنين بانيزانجيل

به است لازم مورد اين در کہ به گوييم باشد درست شايد نتيجہ در  
ظاهر به کہ آيه چند بر پايہ فقايد نکه نہ و ک نيم توجہ انجيل کل  
ک نيم بناک لي اصولي است، ابليس در بارہ عامي اع تقادات مؤيد  
انجيل دقيق و خالصانه خواني دوباره موجبات بخش اين و 6-1 بخش  
صديح درک راهت نها شده ياد اصل کہ است گفتني ک ندمي فراهم را  
باشدمي ابليس ياشديطان مورد در شده نو شد ته متون تمام منطقي و  
به موافقي در پارتہ به کار عادي صافات عنوان به مذکورھي واژه  
با کہ معروف ي متون از برخي ک ندمي اشاره بشري گناہ  
در روزدمي بکار عامي اع تقادات اين از حمايت در اشد تباہت فسد يري  
اندتہ گرفتہ قرار بر رسي مورد فاصلہ بين ضم يہ انحرافات بخش

دارند، ترديد ماگ بريھي تيجہ و اسد تدلال پذيرف تن در ک ساند يکہ  
به است؟ شده داده شخصيت گناہ به آيا 1- بي پرسند خود از بايد  
عنوان به صرفاً تواندمي شديطان واژه آيا 2- استھينطور روشني  
به گناہ، به اي نکه پذيرف تن در پس به له برود؟ کار به صفت يک  
دارد؟ وجود مشکلي چه شده، داده شخصيت ما، دشمن اي شديطان عنوان  
چه است شده داده شخصيت جهان به ي و دنا، هلي نامہ و انجيل در اغلب  
توانمي شخصيت اين بر اي "ابليس" و "شديطان" از به تر عنواني  
کرد؟ پيدا

## دي وھا 3-6

ابليس بون هيو لايا شخص به چرا کہ گفتيم قبلي فصلهاي در  
وجود موجوداتي چنين کہ به پذيريم اگر نذاري م اداع تق شديطان يا  
وجود تواندمي نيز هستند ابليس خدمت در کہ دي وھا آنگاه ندارند،  
چيزھي تمام خدا کہ ک ندمي تصور مردم از بسدياري باشندا شد ته  
بد چيزھي دي وھيش و ابليس در حال يکہ دھمي ما به رازندگي خوب  
به انجيل گيرندمي ما از را خدادادي خوب چيزھي و داده ما به را  
مسئول کہ او ست و نبروھا ست تمام منشاء خدا کہ گويدمي روشني  
وقت اين بنابر (45:7 اشعيا) ما ست زندگي بد و خوب مسائل

و اندامده خدا جانب از مشکلات که بدانیم باید دگرشیم، می‌سختی که شد متوجه ایوب. بگذاریم سرزنش را فرستیم و او را بپوشانیم. "باید متبارک خداوند نام گرفت (دید و هلاک و) خداوند داد خداوند" (1:21 ایوب).

خدایان به مردم اگر (45:5 و 44:8 اشعیا) نبرو هلاست تمام منشاء خدا بزرگی خدای تو و "بگویند واحد خدای به و باشند مع تقدیر گری تو کنار در نبردید گری خدایان به من اما قدرت مندی، تو هستی، حسادت واحد خدای،" نپسندت و توانایی به آنها اگر چه دارم، اعتراف ابلیس یادید و وجود به توانی می‌کند که است دلایل بهمین کرد خواهی بانی که بودا شد تباهی این باشدیم مع تقدیر استین خدای کنار در تو صدیف به عتیق عهد از اعظمی بخش شدند مرتکب اسرأیل کنار درید گری خدایان به اعتراف با ایل اسرئیل چگونه ای نکه با است یافا ته اختصاص شد، او ناراحتی موجب راستین خدای آنها به مردم امروزه که "دید و هلاک" که شویم می‌توجه اندایل به مراجعه اعتراف آنها به اسرأیل بانی که هستند خدایانی هاند مع تقدیر، داشتند.

هستند بت‌دید و هلا

ناید مسیحیان چرا که رامسئله این دلایل پولس قرن تیان، اول در زمان دردهمی تو ضیح باشند، پرستت و مع تقدیر مسائل این به آنها و پنداشد تندی کوچکی خدایان را دید و هلاک مردم اندایل، رویدادهایی دارند نگاه دور زندگی ایشان از رابلایات ایستند می (بت‌هان عبارتی به) بدوین ساخت دید و هلاک اشکالی بنباین را "بت" و "دید" و "پولس که است دلایل بهمین پرستند می را آنها هیچ به": است کرده است فاده هم با برابری شکل به اش و شد ته در می قربانی هلاکت این برایی که که سانی که است این منظورم اوجه به بلکه خدا، به نه شان قربانی با همراه را خود واقع در آورند خوردن با از شما، یک هیچ که خواه نمی‌من و کنند، می‌تقدیم شرایط شما به کسی اگر اما... شوند شریک دید و هلاک، قربانی این گشت کسی آن خاطر به صورت آن در ست، اقربانی گشت این که بگویند "...ذخوری دگ و شت آن از او، حساس وجدان خاطر به و است گفته که هستندی کی عمل در دید و هلاک آنها پس (28، 20:10 قرن تیان اول) "خدا بر این نه و دید و هلاک را" آنها که گویند می‌پولس که کنید توجه وجود خدای یک فقط که آنجایی از و بودند خدا دید و هلاک نند، می‌قربانی وجه هیچ به و نداشت ته قدرتی هیچ دید و هلاک شویم گریز نتیجه دارد: است روشن کاملاً 8:4 قرن تیان اول آیه در نکته این بپسندند خدا

که را گوشتی است صدیح آید. اگر دیدم در می مطالب اصل به حال" که میداندیم همه مورد، این در به خوریم؟ است، شده قربانی هلبت برای یک. "بوس و هست خدا یک فقط زی را نیست، خدا، (دیدم و مترادف) بت راستین قدرت ای خدا یک فقط ندارد موجودی تی هیچ دید و یک یابت (6 و 5 هلی آیه) گوید می ادامه در پلاس دارد وجود جهان در

زمین بر و آسمان در بسد یاری خدایان مردم، از بعضی عقیده به "دید و یک معتقدند، دیوها انواع وجود به مردم امروزه که همانطور). هستند گردد می سد ببدید گردید و شده شغل تان دادن دست از باعث که دانیم (واقعی مؤمنان) ما اما، (غیره و کندت رک را ماش همسرتان را چیزها تمام که ما، آسمانی پدری معنی دارد، وجود خدا یک فقط را بدیدیم و خودی هم کردیم، اشاره قبلاً که همانطور) است آفریده (آفریده).

ما فهمیم ترادف بردال بدیش تری مدارک "عتیق عهد" به برگ شدتن با از (Septuagint) عتیق عهدی و نانی نسخه در یابیمیم "دید و" و بت مزامیر و 32:17 تئذیه آیات در "بت" برای "daimonion" کلمه شده ترجمه "دید و" جدید عهد در کلمه این است شده است فاده 106:37 می سخن اسرئیل بنیاشد تهاهلت از 36:106-39 مزامیر آیات است: کندی تشد به دید و هلابه را کنعان به تهای و گوید

را خودکار، این با و نمودند پرسد تش را آنها هلیبت (اسرئیل بنی) "برای را خوددختران و پسران هلا، اسرئیل یلی کردند مرگ به محکوم هلیبت برای را خود به یگناه فرزندان خون کردند قربانی هلبت (36:106-39 مزامیر) "ریختند کنعان

جدید عهد دید و هلی

به جدید عهد در که متونی تمامت کلیف پس: "بگوید ستامکن اما "شود؟ می چه اند، کرده صدبت دید و هلاز روشنی

داشته وجودت و اندمی از جیل در تضاد: باشد روشن باید چیز یک که شده گفت به ما به اگر است متعال خدای کلام از جیل زی را باشد، است، قدرت گون و نه منشاء او و آورد می ما زندگی به را مشکلات خدا کوچک خدایان یعنی دید و هلا، که بگوید ادامه در ت و اندمی از جیل پس مسدئله این آورد می به وجود ما برای را مشکلات این خدا، با تضاد را پرسد تبت هواره و آمده عتیق عهد در بار 4 فقط "دید و هلا" کلمه که واژه این که است حالی در این و است مهم بسد یار است، کرده ت و صدیف

مسئله این که است این ما نظر است شده ذکر ب کرات مقدس ک تب در که به و دم تداول انجیل ک تابهای نو شد تن زمان در که است ب خاطر ب دین وجود واقعاً دید و هلاک ب دانند دید و هلاک ب قصد بر را نامشخصی مرض هر ب یشری مطالب آنوقت ب و دزد، ما مشکلات و ب بیماری مسؤل و داشتند چنان به دید و عتیق عهد در اما دیدیم می عتیق عهد در ره ادراین شود می مشاهده معنای ی

که است آن مثل کردند، خارج فریدی ب دن از را دید و هلاک نکه گفتن یافتند فایدا شد ناخسته جسمی یا ذهنی ب بیماری از او بگوید بیم خیالی موجوداتی به فهمیدند، نمی که را هر آنچه اول قرن مردم است حدی در زمان آن پزشکی دانش سطح دادند می نسبت "دید و هلاک" ب نام روانی ب بیماران به نتیجتاً سازد، ممکن را روان هلی ب بیماری درک که نبود به ناپاک و ب دروغ عتیق، عهد دوران در بگفتند می "زدهجن" سموئیل اول و (9:23 یهودا) شدمی اطلاق روانی نامناسب و وضعیت مبدلایان به گیزدجن و ب دروغ هلی واژه دید، ج عهد در (18:10 و 16:14) اینجا در بیماری دید و هلاک بین ارتباط شد اطلاق روانی ب بیماریهای آوردند، عیسی زدر را دید و انگان از زیادی عده شب هان: است مشخص تمام و کرد ب بیرون آنان وجود از ناپاک ارواح تمام خود کلام با او و نبی اشعیا پیشگویی و سدیله، این به بخشدید شد فارا ب بیماران دور ما از ما مرضهای و کرد ب رطرف را ما وضع فهای او بیافات تحقیق هان انسان وضع فهای و ب بیماریها ب ناپراین (17، 8:16 متی) ساخت یافتند، می شد فاقتی هس تند ب دروهای یا "گیدی وزدی اجن" مرقس و (8:35 لوقا) شد تند برمی "سلام روان" به که می شد گفته تو صدیف بر ای دید گری عبارت "زدگی جن" ب ناپراین (5:15) که شومدی گفته ب و د (نا سلام روانی داشت تن یعنی) روانی ب بیماری ؛ 12:22 ؛ 17:18 متی) یابند می "شفا" و شده "درمان" زدهجن افراد است ب بیماری تو صدیف منظور به عبارتی گیزدجن پس (4:24)

## هلی رسش: 6 فصل

مذتار و مسؤل ما مشکلات و هلسختی مورد درک سی چه نهایتاً 1- است؟

خدا (الف)

ت صادق (ب)

شديطان نام به گ ناهكاري موجود (ج)

ديوب نام گ ناهكاري موجودات (د)

مختار و مسؤل گ ناهكاري به ما شدن و سوسه مورد در ك سي چه 2- است؟

خودمان ان ساني فطرت (الف)

خدا (ب)

ب دكار روحهاي (ج)

شديطان نام به گ ناهكاري دموجو (د)

چيست؟ "اب ليس" لغوي معني 3-

گ ناه (الف)

ب زرگ مار (ب)

دروغ بين زن تهمت (ج)

اهوي من (د)

چيست؟ "شديطان" ك لمه معني 4-

گ ناهكار (الف)

د شمن (ب)

هيو لا (ج)

ديو هلا پاد شاه (د)

شوند؟ مي اطلاق چه به مجازاً اب ليس و شديطان ك لمت 5-

و سوسه و گ ناه (الف)

ف ضایعی ی طانی ش ن یروھلی (ب)

اژدها (ج)

دارند؟ اشاره چه به جدید عهد در دی وها -6

گ ناهکار فر شد تگان (الف)

هلب بیماری (ب)

ب وندد مع تقد مردم می شد، اطلاق ب بیماری به که زمان آن اصطلاح (ج)  
هسد تند ب بیماری مسد بب دی وها

روح نوع از موجودات (د)

## مسیح منشاء: 7 فصل

### درباره عتیق عهد پیدگوت بیهای 7-1

#### پنجمس

اصلي و سديله را مسیح عیسی خداوند که داد نشان 3 فصل داود و ابراهیم حوا، به که هئ یی وعده است داده قرار بد شر رس تگاری می آذان نوادگان از پکی عنوان به مسیح نام در برگ پرنده هه ده، می یافت عتیق عهد سراسر در مسیح ظهور پیدگوت بیهای ضمناً باشد بد نی قوم مسیح میلاد از قبل که موسی دوران احکام شوندمی اشاره مسیح به دائماً بدند، آنها از اطاعت به مجبور اسرائیل زمانی تا کردمی مراقبت ما از که بد و دای الله همچون الهی احکام: دارند پید سح عید ضیافت در ای نرواز (3:24 غلات یان) "بید یاد مسیح که نمایان گر این (3:12-6 روج) میشد قربانی بداید سلام کاملاً ای ره فرستاده خدا که است ای ره همان این" است مسیح گشتن قربانی (1:29 یوحنا) "شود قربانی دنیا مردم تمام گناهن آموزش برای تا قربانی حیوانات تمام برای که عید بی بی مرتبه (5:7 قرن تیان اول رجوع 12:5 خروج) است مسیح شخص پید کمال از تمثیلی بد، لازم را عتیق عهدان بیاء و مزامیرک تاب سراسر (1:19 پطرس اول به و اندگرفته فرامسیح و صف در شمارید پیدگوت بیهای قوم امتناع اندید رداخته وی مرگ چگونگی شرح به هه از پیدتر به آذان توجهی بی به تانمی فطررا مسیح مرگ پذیرش از یهود پیدگوت بیهای از نمونه چندان حالح دانست مرید و پیدگوت بیهای ندهیمی ارائه را:

مسیح در آنها ت حقیق عتیق عهد پیدگوت بیهای

و ای ای سده دور چرا ای؟ کرده ت رک مرا چرا من، خدای ای من، خدای ای " کلمات (22:1 مزامیر) " شد تا بی؟ نمی نجاتم به و شوندمی را امذاله متی) بد و کلمات همین دقیقاً شد، ک شیده صلایب به هه گام یک مسیح (27:46)

قوم نزد آورندمی حساب به انسان مرا ام، شده پست کرم مانند من اما خود سر آنها بکندمی مسخره بدیند، می مرا هوکه ام شده حقیق و خار خود



که است که سی هان این آیه ای: بگو وید ندمی طعنه با او دهندمی تکان را را او خدا گفتمی که ستا شخصی هان این داشت؟ آیه ات وکل بر خدا مزامیر) "ده؟ ندمی ز جاتش چرا پس دارد دوست را او خدا دارد؟ اگر دوست قرار است تمزأ و تمسخر مورد را عیسی اسرأیل، بی نی قوم (6:22-8 و (27:39 متی) دانددمی تکان را سرخود آنها (35:25 ، 53:8 لوقا) دادند (27:43 متی) گفتمی چنین بود صلایب بر روی مسیح هنگامیکه

تو. چسبیده کامم به زبانه و شده خشک گلی ظرف همچون گلویم" مردم اندگرفته مرادور سگ ماندند دشمنانم. ای که شانده گور لب به مرا "اندکرده سوراخ مرا پاهلی و هلدست. اندموده احاطه مرا شرور و بدکار بر روی مسیح تشدگی زمان پیشگوئی این (16، 15:22 مزامیر) به پاهل و دستها شدن سوراخ (28:19 یوحنا). یافات تحق صلایب دارد اشاره کشیدن صلایب به نحوه

انداخته قرعه منردای بر و اندکرده تفسیم خود میان در مرارخت" متی آیه در پیشگوئی این عینی تحق (18:22 مزامیر) "اند شودمی یافات 27:35.

آیه جملات 2:12 بران یانع آیه مطابق که باشدید داشت ته خاطر به دارد اشاره مسیح به صراحتاً 22:22 مزامیر

می مدسوب بیگانه خود خاواده در و هسد تم غریب خود برادران نزد" ملامت مورد جهت این از دارم، هیجان و شور ت و خانه در خدمت برای. شوم به پیشگوئی این (9، 8:69 مزامیر) "امگرفته قرار دشمنانیت نمایان یهودیش قوم و خاواده از را مسیح بیگانه گی احساس و ضوح 2:17 یوحنا آیه در موضوع این. (47:12-49 متی و 3:7-5 یوحنا) کندمی است آمده.

"ذو شاندد سرکه آب جای به و اندداده زهر من به خوراک جای به" مسیح که است مانی ز پیشگوئی این عینی تحق (21:69 مزامیر) (34:27 متی). بود صلایب بر روی

و مسیح مرگ پدیش گوئی به مرد و ط اشعیا 53 باب سراسر از نمونه دو خطا هوگ و نه از عاری است ایونو شد ته به وده رس تاخیز است شده آورده ذیل در شده گفته به خش

شکایت به زبانه و کردت حمل او اما کردند، رف تارحمی بی با او با "ا" گوس فندی همچون او و بدزدند؛ ک شد تارگه به به ره ماندر او بدگشود سخنی و ای سد تاد خاموش است، زبانه بی اش بدزده پشم نزد که نزد در قربانی به ره هان منزله به که مسیح (53:7 اشعیا) "نگفت (27:12، 14 م تی) بدود سکوت در محاکمه مدت مام در بدو، پ روردگار

مردی ق بر در را او که نندفن خطاکاران اهر را او خواستند هنگامیکه "حرف هیچ و بدو زده سر او از خطای بی هیچ اما گدا شد تند؛ ژ روت مند به مسیح (9:53 اشعیا) "بدو نیامده بیرون دهندش از نادرستی مزار در اما، (8:27 م تی) شد که شیده صلیب به شرورگ ناهکاران هراه (27:57-60 م تی). شدفن ت و انگری مرد

عهد "پ یام بران و ق و ان پین" که مبنی بر این جدید عهد وری های ادا رومیان) بدیست عجیب اصلاً هستند، مسیح از مادرک مبنی عتیق، خود نیز مسیح (22:26 و 23:28 رسولان اعمال و 2:1، 3 و 25:16، 26 نداشت "فرستادگان و موسی" از مناسبتی درک ما اگر راست مع تقد؛ 46:5-47 ی و دنا) داشت نخواهیم نیز او درک ت و انای بی باشدیم (16:31 لوقا)

سخن آینه زمان در مسیح از صحت در موسی ق و ان پین که نکته این خود ک نندمی پدیش گوئی را او آمدن پ یام بران که این و گ وید ندمی حیات تولدش از قبل مسیح که مدعا این بر اثبات است محکمی دلیل فیزیکی بوجود نیمنادرست عقیده این است نداشت ته دیگری نزدیک مسیح گوید می که خداست وعده ناقص وی تولد از پیش مسیح مسیح عقاید این روایت زمان در اگر است داود و ابراهیم حوا، فرزند به دهه را فرزند وی تولد قول مردم به ت و انست نمی خداوند داشت، وجود سوم و یمت اول هلی پ ناب در که مسیح نامه شجره شود نامیده مسیحا که که است مردمی هان زو ادگان از وی که دهمی نشان است، شده آورده لوقا بدو داده را هلو عده آن آنان، به خداوند

فیزیکی وجود دهد، می داود به مسیح در باره پ روردگار که ای وعده ت و وقت "سازدمی غیر ممکن زمانی نظر از راهنگام آن در مسیح

و تاج وارث را پسران از یکی من شوی، قلمح اجدادت به و بد میری  
 پسر او و او پدر من یک نهمی تژ بیت را او حکومت و سازمانی تو تخت  
 خواه مجازات سخت را او شود، گناه مرتکب اگر اما بد، خواه من  
 مذکور جمله زمان که باشد پدید داشته توجّه (7:12، 14:1) سموئیل دوم) "کرد  
 بد، خواه مسیح پدر خداوند که و دشمنی گفته در آن است آید نده زمان  
 فرزند این "جمله باشد نمی ممکن وعده زمان در خداوند پدر وجود پدر  
 داود مسلم و واقعی فرزند وی که ده می نشان "بد خواه شما درون از  
 فرزندانش از یکی هر یسه که فرمودی وعده داود به ت و "است بد وده  
 "کرد خواهی عمل اتو وعده به ت و و خواهند شد، او تاج و تخت وارث  
 (132:11 مزامیر)

حیات در وعده زمان در خود وی اما بد و وعده ت حقق اول نمونه سلیمان  
 (5:14 سموئیل دوم) بد و

پسر که شد خواه فرزند داری که داود به شده داده وعده پدر  
 (لوقا) باشد داشته مسیح تولد به اشاره باید بد و، خواه پدر رودگار  
 از را عادل شخص من که رسید خواه فرار روزی این نک " (1:31 – 33  
 شخص آن که (23:5 ارمیا) "نمود خواه منسوب پدر شاه به داود نسل  
 بداشمی مسیحان

آید نده زمان افعال از نیز مسیح به مرد و طدی گر پدر شد گوئی بیهایی در  
 ماند پدر یام بری (اسرائیل) آنها میان از من "شودمی است ت فاده  
 آیات در که (18:18 تژ ذیه) "فرستاد خواه این شان برای (موسی) تو  
 شودمی معرفی پدر یام بر عنوان به مسیح 3:22، 23 رسولان اعمال  
 را نامش آورد خواه بدنی پدر سری شده، حامله (مردم) ای پدر  
 وعده این ت حقق که است واضح (7:14 اشعیا) "گذاشت خواه امان وئیل  
 (1:23 متی) بداشمی مسیح تولد همان

## 2-7 مقدس باکره زایش

که نظریه این باوی تولد عنوان و مسیح به مرد و ط موجود اطلاعات  
 که مردم از عده آن ندارند تطابق است بد وده حیات در نیز قبلاً مسیح  
 در که است این باور شان معتقدند، گانگی سه و تژ لیت به غلط به  
 غالب در آنها از یکی پدرس اند بد وده به هشت در نفر سه زمان، یک  
 به هشت در پدرگر نفر دو ت نه و گردد از می مردم رحم به جذنی  
 – خدا وجود حقی – وجودی هر که ای مدیده مقدس کتب در اند از مانده  
 نتیجه "قبلی وجود" تژوری از باید پدرس است فریزی کی

رحم وارد و کرده نزول بهشت از نوعی به مسیح جسم که به گریه م  
است شده مریم

می مقدس که تابت عالیم از خارج کاملاً پیچیده مذهبی ایده این اما  
هیچوجه به مسیح پیدایش به مرید و ط شده گردآوری اطلاعات باشد  
مدارک وجود عدم که نذمی اشاره مریم بدن به او ورود و بهشت ت رک به  
گمشده حلقه منزله به ت ثابتت عالیم در زمینه، این در کافی  
بگشت ظاهر مریم بریامپ این با جبرئیل فرشته است بزگی  
عیسی را نامش آورد خواهی بدنیا پسر شده، باردار بزودی ت و"  
مریم ... شد خواه نامیده پسر خدا و بدو خواه بزگ مردی او نهاد خواهی  
هیچ دست دارد؟ امکان چیزی چنین چگونه اما پرسید فرشته از  
جواب فرشته (است باکره وی یعنی) است نرسیده بدن هرگز مردی  
خواهد سایه تو بر خدا قدرت و شد خواه نازل برت و اله قدس روح داد  
" شد خواه خوانده خدا فرزند بده، مقدس نوزاد آن رو این از باف کند  
(1:31-35 لوقا)

مسیح که است شده تکرار دوباره آیه این در که است ذکر به لازم  
که است بدیهی پس بدو خواه خداوند پسر شود، متولد وقت  
به باید بازم است نداشت پسر مسیح تولد از قبل خداوند  
کنیم اشاره آیه این به مثال عنوان به شود توجه آینه زمان غالب  
بر مریم جبرئیل فرشته زمانیکه در اگر "بدو خواه باشد کوه او"  
قید در نیز مسیح گردانید، نازل مریم به را پیام این و شد نازل  
مسیح باشد بده باشد کوه زمان همان با بدست می سپرد، می حیات  
نیز "genos" یونانی واژه (22:16 مکاشفه) بدو داود "نوادگان" از  
است بده مسیح "جد" داود که است این از حاکی

مسیح چنین پیدایش

بدون تو و است (خداوندت وان / نفس) اله قدس روح معجزه با مریم  
واقعی پدری و سف بر این بنا شود باردار جنسی رابطه داشته تن  
فصل به) نیست شخصیک اله قدس روح که کنید توجه بدو مسیح  
طریق از اله قدس روح پسر نه بود، خدا پسر مسیح (کنید رجوع 2  
خدا فرزند بده، مقدس نوزاد آن رو این از "مریم، در خدا روح دمیدن  
این در "بنا بر این" که لمه از است فاده (1:35 لوقا) " شد خواه خوانده  
یعنی مسیح مریم، رحم بر اله قدس روح اثر بدو که دهمی نشان جمله  
بدو حیات به قادر خداوند پسر

ب راث باتي خود (1:31 لوقا) مريم رحم در مسيح جنين "گيري شکل" ندا شده جسماني حيات مسيح زمان آن از قبل که است موضوع اين هم طوره بين و است آن پيدایش شروع هرچيزي گيري شکل است. اب تداردي گري انسان هومثل و يافت پيدایش مريم رحم در مسيح اين بيانگر انجيل آيه معروف ترين 3:16 يوحنا آيه بود جنين يك ميل يونها است بوده پورددگار متولد فرزندت نهاد مسيح که است آن معنای مورد در اينکه برون کند برمي از آيه اين نفر تولد اين باشد، "متولد" مسيح اگر نديکن درک و بياندي شدند اگر و گرفتار شده شکل مريم رحم در او جنين که است زماني به مريم و ط از مسيح پدر که است واضح باشد او پدر خدا و خداوند متولد مسيح (2:90 مزامير) ندا شده آغازی خداوند که آنجا واز دارد بيشتر تری سن وي بيشتر 8 فصل رد) باشد پورددگار خودش ت و اندمي مسيح پس (شودمي بحت مورد اين در

مانند که اين نه و است پورددگار متولد مسيح که است توجه قابل و نزيدي کي ميزان خود موضوع اين باشد شده آفریده آدم حضرت که است اين ما پيغام". دهدي نشان مسيح پرا خداوند پيوس تگي خواندند امي فرابا خود آشتي به را مردم و بود مسيح در خدا (5:19 قرن تيان دوم)". نمايد پاك را آن آثار و ببخشيد دراگ ناهن نشان اين و نشده آفریده گل از خدا توسط است، پورددگار متولد مسيح خداوند فرزند عنوان به مسيح ت و انانئ يهاي نشاندهنده خود موضوع است.

کندمي ت و صديف جهان نور را مسيح 49:5.6 اشعيا آيه پيشگوئي داد رحم در را من" که است شده معرفي خدايي نمايد نده او (8:12 حنايو) از و پورددگار توسط مسيح بنا بر اين "باشم او خدمت گزار تا نتيجه در است گرفتار شده شکل "مريم" رحم در اله قدس روح قدرت طريق است بوده مسيح جسمي اوليه گيري شکل محل مريم رحم

ب روي را مسيح افرکار يرمزام 22 باب که ديديم 7-1 بخش در مادرم رحم از مرا ت و "خداوند که گزردمي ذهن در کندمي بازگ و صليب مراقبت من از تو بودم، مادرم آغوش در هنوز که وقتي... آوردي بدنيا مزامير) "اي کرده حفظ مرا و ايده وده من خداي تو و مادرم شکم از نمودي (10،9:22)

يعني نگردد، مي اشگيري شکل زمان هب دوباره مرگش زمان در مسيح ت و صديف از کرد آغاز را زندگي خدا اراده به مريم رحم در که زماني زاده از قبل وي که فهميم "مسيح مادر" عنوان به انجيل در مريم

خانداده از و عادي ان ساني مريم است ن بوده حيات ق يد در مريم از شدن  
 دهنده ت عم يدي ح يي ف رزندش لك داشت اي عموزاده او ب و د معمولي اي  
 عادي ان سان يك مريم كه اندد عق يده ب راين كات و ل يكه ا. (1:36 لوقا). ب و د  
 خداوند ف رزند هم و ب شرف رزند هم ت و اندمي مسيح ن ت يجه در ن بود  
 هس تند جديد عهد در وي م تداول عناوين واژه دو اين در حال يكه باشد  
 ب شرف رزند ب و دان انس صدر صد كه مادرش دل يل به را او ت وانمي  
 ب ر ال قدس روح طري ق از پ رور دگار خواست ت ح قق ب دل يل و دانست،  
 است معني ب دان اين و (1:35 لوقا). دانست خداوند ف رزند را او مريم،  
 ب شرف نوع از معمولي زن يك مريم اگ ر اما ب اشدي وي پ در خداوند كه  
 ماندمي خنثي و ن ت يجه ي زي با، مراتب اين ن باشد،

آيد؟ ب بيرون پاك ي چ يز ك ثيف چ يز يك از داري ت ظاران چطور"  
 كه باشد خوب و پاك آن قدر ت و اندمي ان ساني كدام زمين ت مام ب رروي  
 كار در ست و پاك او ب راب ر در كه ك يست هس تي؟ كه ك نمي ادعا ت و  
 موضوع اين واقع در (25:4 و 15:14 و 14:4 اي وب) "ب ياي د؟ ب حساب  
 سازدمي مذ ت في مسيح و مريم مورد در راحت ت ن قص ب ي ت ولد امكان

ف طرت داراي قطعاً داشت، والدي ني و ب و د "زن يك زائ يده" خود كه مريم  
 از زن يك زائ يده كه مسيح به را خصلت اين و ب و دان ساني ناپاك  
 آمدن ب وجود ب ر اشاره. (4:4 غلاط يان) كرد مذ ت قل است ب شرف نوع  
 شده نهاده (مريم) او ب ردوش كه مأموري تي ب ناپ ر مريم ت و سط مسيح  
 ب دون ت و انسد تعنمي مسيح كه ب راين دال است مدركي خود است،  
 بگ وي دمي 4:4 غلاط يان آيه ب باشد داشته حيات مريم، ت و سط ت ولدش  
 "است گ ريد ده م تولد زن يك از او"

مجبور مسيح يك ندمي ت أك يد مريم ب و دن ب شري ب ر دائماً مقدس ك تاب  
 معنوي ادراك قوه داشت تن دل يل به مرت به سه حداقل را مريم ت تاب و د  
 هليگ ف ته ت مامي درك از او (2:49 لوقا و 2:4 ي و دنا) ك ند سرزندش  
 ب شريك از كه است چ يز ي هان دقيقاً اين (2:50 لوقا). ب و د عاجز مسيح  
 به نسد بت نتيجتاً و ب و ده خداوند پ شرف رزندش كه زني رود، مي ان تظار  
 خود رچه اگ است، ب ر خوردار ب الات ري معنوي ادراك قوه از خودش  
 پ س ي و سف ب اشدي دارا ب شرف خصوصيات نوعي به ن يز ف رزند  
 دل يل ي هيج و (1:25 م تي) است داشته مر او ده مريم ب مام مسيح ت ولد از  
 نداشت ته آميزش راب طه دي گري زوج هومان ن از پ س كه اين ب ر م بني  
 ن دارد وجود اند،

م ي توان (12:46.47 م تي آيات در مسيح "ب رادران و مادر" موضوع ذكر از  
 داشته ن يز دي گري ف رزندان مريم مسيح از پ س كه گ رفت ن ت يجه

که مع تقدذد کات و لیک مراجع بد و دوی فرزند اول بین مسیح ولی است، این که است کرده معراج به هشت به سه پس و مانده باقی باکره مریم فانی از سانهایی دیگر هاندند. شونمی تأیید اندجیل و توسط موضوع این، از جدای است گ ریده دچار بشری مرگ به و ه شد پذیرنیز مریم "رودمی آسمان به اندسانی هیچ" که خواندیم 3:13 یودنا آیه در ما رجوع) بد و بد رخوردار بشری طینتی از عیسی که واقعبیت این که است معنی این به (8:3 رومیان و 14:2-18 ع بران یان به ک نید چنن چراکه باشد اراد را خصوصیت این با عیسی می نیز مادرش باشد رسیده ارث به او به پدرش از توانستیم یقیناً خصوصیات ی

### 3-7 خداوند بر زمامه در مسیح نقش

اهدافش مورد در تصادفی و ناگهانی بطور خداوند که است واضح او هلی بر زمامه در بشری تاریخ گذشت با و گ یردمی تصمیم آفرینش آغاز از منظمی و ملکا طرح خداوند. شونمی حاصل تغیری وی اهداف در ابتدای سریک داشتند بنا براین (1:1 یودنا) دارد بر زمامه از متفاوتی اب عاده تیق، عهد سراسر در است داشته قرار می آشکار مسیح طریق از بشری در مبنی پروردگار گردد.

و ام بران پی پیشگوند بیهی، هوعد طریق از که شونمی دیده کرات به آفرینش پروردگار ع تیق، عهد و موسی فرامین چون مخ تل فی احکام خواهد پسری که این از آگاهی با خداوند. سازدمی آشکار را مسیح به توجه با خداوند، (1:2:1 ع بران یان) کرد خلق راهستی داشت متعاقباً و (پروانای) 2:1 ع بران یان) نهاد بنا را بشری تاریخ مسیح اشاره مسیح به کرات به ع تیق عهد سراسر در خداوند که بدینی می نزد وی اساسی و عظیم اهیت و مسیح برتری کامل درک بنامی می که داشت اذعان مید توان بنا براین است دشوار ما براری پروردگار ولی بدوده آغاز از پروردگار تدبیر و اندیشه در مسیح موجودیت ع بران یان آیات شد، آغاز مریم از تولد هنگام مسیح جسمی پیدایش این و ن بود فرشته یکه هرگز مسیح که دارد تا کید 13:14 و 7-14 ن سبت تری پان بین مقام در خود فانی زندگی در وی که در حال است به را خود که این از پس و (2:7 ع بران یان) داشت قرار فرشته یکه به از ری بهالات بسیار درجه به شناخت "م تولد فرزند نه" عنوان کتب بق که دادیم نشان قبلاً (3:16 یودنا) گردید نائل فرشته تگان از قبل مسیح بنا براین است جسمی وجود هان وجود نوع نه مقس اول آیه باشد داشته وجود روح یکه عنوان به توانستیم تولدش

از پیش را او خدا" که ک ندمی ب ندمی جمع خلاصه ب طور 1:20 پ طرس جهان به را او آخر زمانهای این در اما کرد، ع یینت جهان آف ری نش " فرستاد

می مورد این در که نحوی به به باشد، می مقدس ک تاب اصلی محور مسیح به را او انجیل مؤده تا است فرستاده و ب رگ زیده مرا" خدا: بگویند عیسی ما خداوندی یعنی خدا، فرزند در باره مؤده این ب رسانم هگان اما آمد؛ ب دنیا بی داود نسل از نوزادی رتبه صوکه باشد می مسیح و خدا نیرومند فرزند که کرد ثابت مرگ، از پس شدنش زنده با (1:4-1 رومیان). است الهی مقدس ذات دارای

است شکل این به مسیح تاریخ از ای خلاصه

- 1- خداوند در برنامه یعنی - عتیق عهد های وعده
- 2- داود زریه عنوان به مقدس، باکره زایش با جسمی آفرینش
- 3- زندگی در که (قداست روح) وی شخصیت کمال با مطابق است با او فانی
- 4- به مجدداً حواریون الهام تحت موعظت در و شده رس تاخیز او گ رید معرفتی پ سرخدا عنوان به هگان

خداوند آگاهی پیش

در که اتفاقاتی بر تمام خداوند که موضوع این به به بتوانیم اگر کنیم درک توانیم می تر راحت شویم، آگاه است واقف آفریننده اندازه تاچه نداشت، هم خارجی وجود مسیح حتمی هنگامیکه آغاز در که در بر رهچپ پیش از او است داشتته جای پروردگار ذهن و تدبیر در چیرهلی می مورد در ت و اندمی خداوند پس دارد آگاهی آید می پیش آید نه گوی که نماید اندیشه و صحتبت آن گونه ندارند، قیاس وجود که خدا است حکمال این در آید نه از خدا آگاهی سطح دارند خارجی وجود هستی به نیت از موجودات او، دستور به و ک ندمی زنده را هلمرده" (4:17 رومیان). آید ندمی

اظهار وی بداد خواهد رخ چه آید نه در بگوید شما به" ت و اندمی ب نابراین خواهد انجام به که نم اراده چه هر و شد خواهد واقع ب گویم که آنچه: «داردمی مرگ ان مورد در ت و اندمی خداوند دلایل این به (10:46 اشعریا)» رسیده



که گویید انذ شده متولد هنوز که اف رادي مورد در و زنده اف راد چون  
گ وید سخن دارند، وجود

مسیح بود کرده پیشگوئی را مسیح آغاز از خدا کلام یا "تدبیر"  
که بود مسلمان است داشت که جای خداوند هلی برنامه و اهداف در هیشه  
را بطه در که راهی حتماً خداوند یابد می جسمی تولد با اخره مسیح  
خداوند کلام قطعیت پیشدیدی تحقق بود، کرده عنوان مسیح با  
افعال از بر خریع بری پلانچ در کندی منعکس را او آگاهی پیش  
زمان در افعال این یعنی هستند، "کامل پیشگوئی زمان" دارای  
قاعده بر این کندی بیان آید نده در را خدا هلی وعده تحقق گذشت  
بنا خداوند خانه باید که است جایی همان این "گ وید می داود که است  
در تنها کورمز معبد زمان آن در که در حالی، (22:1) ت واریخ اول). شود  
که داشت خدا هلی وعده به ایمانی چنان داود داشت جای خداوند هلی وعده  
کتاب کرد می است فاده حال زمان افعال از آنان تحقق تو صیف برای  
خداوند دارد در بر پروردگار آگاهی پیش از فراوانی مثالهای مقدس  
خدا بتدانش ایمان هلیش وعده تحقق به ابراهیم که بود مطمئن قدری به  
نسل به فرات رود تا مصر مرز از را سرزمین این من": گفت او به  
هیچ ابراهیم که بود زمانی در این و (15:18) پیدایش). "بخشمی تو  
مسیح و اسحاق میلاد از پیش یعنی زمان همان در و داشت اولادی  
ساز می بسیار قومهای در رات و من": داد وعده ابراهیم به خداوند  
را موضوعات از بر خریچ چنان" خداوند که راستی به (17:5) پیش پیدای".  
افتاده اتفاق قبلاً راستی به آنها گویید که کرد بپیش قبیل از  
بودند"

قرار او اختیار در را چیهه" خدا که این از خلاف تنش دوران در مسیح  
ای نظور هنوز که در حالی گفت می سخن، (3:35) یوحنا). است داده  
ندیده به حال تا ما آوردی در (مسیح) او فرمانت تحت را چیهه". بود  
(2:8) ع بران بیان). باشد آمده در انسان فرمانت تحت چیهه که ایام

از چنان که گفت مسیح تو و سطرستگاریش تدبیر در باره خداوند  
(1:70 لوقا). داد می وعده خود مقدس انبیا زبانی از دور هلی گذشت  
که بود وند نزدیک خداوند اهداف و برنامه به حدی به افرا این  
مسلماً که در حالی انده داشت وجود آغاز از آنان که شومی است تباط  
از جزئی آغاز از پیامبران که گفت تو ان می در عوض نیست ای نظور  
او به خداوند است بارزی ای نمونه ارمیا اندوده پروردگار تدبیر  
ان تخاب رات و بگریل شك مادرت رحم در آن که از پیش": گفت  
و برگزیدم رات و، بگشایی جهان به چشم آن که از پیش کردم

(1:5 ارمیا) "ب‌اشی من آورید پیام جهان مردم میان در تا کردم تعین دانستمی ارمیا مورد در را چیزه خلقت از قبل ح‌تی خداوند پس نام به ی‌ایران پ‌ادشاهن از ی‌کی در پ‌اره خداوندید گری مشاب‌ه در مورد زمان آن در او گ‌وی‌ی‌که گ‌ویدمی سخن ح‌وی به ت‌ولدش از قبل کورش از دید گری مثال نیز 7:9، 10:7 ع‌بران‌یان آیات (1:45-5 اشعیا) دارد وجود شکلی به ن‌شده م‌تولد هنوز که شخصی مورد در که است نمونه این وجود دارد گ‌وی‌ی‌که ک‌ندمی ص‌دبت

پ‌روردگ‌ارت‌دب‌یر از ب‌خشی مک‌دی‌گر پ‌یام‌بران و ارمیا که ه‌ان‌طور مؤمن‌ین اند، شده واقع‌مخاطب‌نیز ت‌ولدشان از قبل ح‌تی ه‌ست‌ند، واضح‌اما گ‌یرند، می‌قرار خطاب‌مورد شکلی چ‌نین به ن‌یز واق‌عی ای‌م‌ده‌خدا‌ذهن‌در ف‌قط و ن‌دا‌شد ت‌ه‌ج‌سمی وجود زمان آن در ما که است

ب‌دل‌یل‌نه، ب‌رگ‌زید‌خود‌خدمت‌ب‌رای و داد‌نجات‌را ما" پ‌روردگ‌ار ف‌رموده‌اراده‌جهان‌آفرینش‌از پ‌یش‌این‌که س‌بب‌به‌ب‌ل‌که، م‌ال‌ی‌اقت‌(دوم) "ده‌ن‌شان‌ما‌به‌م‌سیح‌عی‌سی‌ب‌وس‌یل‌ه‌را خود‌مد‌بت‌و لطف‌ب‌ود آن‌که از پ‌یش‌ح‌تی، دور‌ب‌سیار‌زمان‌های‌از خدا" (1:9 ت‌یموت‌ا‌وس در م‌سیح‌که ف‌دا‌کاری‌آن‌ا‌ثر‌در‌ت‌اب‌رگ‌زید‌را ما، ب‌ی‌اف‌ری‌ندر جهان‌خدا‌که ب‌ود‌این‌ف‌قط ت‌ص‌م‌یم‌این‌علت‌گ‌ردیم‌و آن‌از، کرد‌ما‌راه (1:4، 5) اف‌س‌س‌یان) ای‌کن‌د‌ما‌حق‌در‌را لطف‌این‌که ب‌ود‌کرده‌اراده

ب‌رای‌آنان‌که‌این‌و ش‌ناخ‌ت‌می‌آغاز‌از‌را‌اف‌راد‌خداوند‌که‌اصل‌این‌از‌آنان‌که‌معنا‌ست‌ب‌دین‌ان‌دب‌وده‌خداوند‌خاص‌نظر‌مورد‌رس‌ت‌گاری‌ب‌ناب‌راین (9:23 و 8:27 رومیان) اند‌دا‌شد‌ت‌ه‌وجود‌پ‌روردگ‌ار‌ذهن‌در‌آغاز‌از‌شودمی‌خلاص‌ه‌او‌در‌خداوند‌اهداف‌که‌ک‌سی‌م‌سیح‌که‌نیست‌عج‌یب‌باشد، دا‌شد‌ت‌ه‌وجود‌خدا‌ذهن‌و ب‌رنامه‌در‌و ب‌گ‌یرد‌قرار‌ا‌شاره‌مورد‌آغاز‌آغاز‌از" او‌باشد‌دا‌شد‌ت‌ه‌ج‌سمی‌وجود‌ت‌وان‌ست‌می‌هنوز‌که‌در‌حالی‌4000 او‌ن‌مرد، زمان‌آن‌در‌م‌سیح‌اما (8:13 مک‌اش‌فه) "ب‌ود‌ب‌ره‌آفرینش (7:5 قرن‌ت‌یان‌اول‌و 1:29 ی‌ود‌نا) "خداوند‌ب‌ره" عنوان‌به‌ب‌عد‌سال‌ان‌تخاب‌آغاز‌ل‌حظه‌هان‌از‌م‌سیح‌که‌ه‌ان‌طور‌شد‌قرب‌ان‌ی‌صد‌ایب‌روی‌ب‌ود‌ند‌شده‌ان‌تخاب‌نیز‌مؤمن‌ین (20:1 پ‌طرس‌اول) باش‌شده‌معنای‌به‌ی‌ون‌ای‌ک‌لمه‌مان‌ه‌نیز‌آیات‌این‌در (4:1 اف‌س‌س‌یان) مطالب‌این‌درک (است‌گ‌رف‌ت‌ه‌قرار‌است‌فاده‌مورد‌"شده‌ان‌تخاب‌" ممکن‌چ‌طور‌که‌ک‌نیم‌ت‌صور‌ت‌وان‌یم‌زمی‌زید‌را‌است‌د‌شوار‌ما‌ب‌رای‌ب‌ینش‌ت‌وان‌هان‌"ای‌مان" ک‌ند‌عمل‌زمان‌چار‌چوب‌از‌خارج‌خداوند‌است‌است‌زمان‌ه‌لی‌محدودیت‌ب‌دون‌خداوند‌دی‌گ‌اه‌از‌جهان

## 3-1:1 یوحنا ، "بودن کلام آغاز در" 4-7

خدا نزد و داشت وجود کلمه ، آید دید چ یزیر آن که از پیش ، ازل در " او بود و سوله ، هست چه هر . خداست او خود بود و ده ، زنده هواره او . بود (3-1:1 یوحنا) "باشند یافیده را آن که نیست چ یزیر و شده آفریده

می قبیل بخشند تا بیج سطب و تا یید سد بب آیات این صدیح درک اعدتقاد در اشدت باه و سوءتفاهم بید شدترین آیات این لیکن و گردد درک . اند شده باعث را تولدش از قبیل بهشت در مسیح وجود به این متن در "کلام" واژه از ما برداشت به بسد تگی آیات این صدیح یک زیراکند ، نمی اشاره خاص فریدی که به مشخصاً کلمه این دارد آیات که "logos" یونانی کلمه باشد "خدا هم" و "بأخدا" هم تواند می فرین این ندارد همراه به خود بار مسیح است ، شده ترجمه "کلام" این نجا زیر هلیواژه به موارد بعضی در اما شود ، می ترجمه "کلام" معمولاً کلمه است شده ترجمه نیز

علت اهیت

تعلیم ارتباط

موعظه نیت

سخن دلایل

خبر

یونانی زبان در (logos) کلمه زیر را رود ، می بکار مذکر شکل به "کلام" معادل کند اشاره مسیح به که نیست بر این دلیل اما باشد می مذکر فرانسوی زبان در و خدنی جنسیتی نظر از آلمانی زبان در کلمه این ندارد اشاره مذکر شخصیک به ضرورتاً "کلام" پس باشد می مؤنث

"آغاز در"

دیگر و کلمات توسط که درونی افکار به را "logos" توان می و داشت کلامی خداوند آغاز در . ساخت معطوف شود می بیان ارتباطات روح که ای داده نشان بید کرده متمرکز مسیح در را خود واحد هدف این کلام و روح نتیجه در گداردمی اجرا به را او درونی افکار خداوند

ب شریعت بر را خود طرح پروردگار هزنگامیکه اندمرت بطب اهام خداوند نمود، نازل الهامت وسط آغاز همان از را مک توب کلام و بخشیدت حقق کلام مسیح کرد اظهار خویش اعمال و کلام در نیز را مسیح اندیشه تمام در را مسیح تدبیر پروردگار روح بنابر این بدود پروردگار تا چراگ ردمی مشخص ترتیب بدین نمودمی بیان پروردگار اعمال شوندمی مرد و ط مسیح بدو نوعی به هه عتبق عهد سخنان حد این به نه بوده، "کلام" مسیح شخص که نمود شمار بی تاکی داید هرچند "کلام" مسیح طریق از بشر رسد تگاری بر مبنی خداوند هف بلکه مورد در مقدس کتاب تهایی شار بر رای "کلام" واژه از است فاده اوست 3:16 کولس بیان) "مسیح کلام" مثل است متداول بسیار مسیح اول و 19:10 رسولان اعمال و 5:24 یوحنا و 13:19 متی به رجوع در باره "کلام" که باشد پیدا شده توجه (غیره و 1:8 تسالونیکیان "کلام" مسیح تولد هزنگام نیست مسیح خود شخص و بدو مسیح انسان خدا که "گرفت خود به اس تخوان و گشت شکل به مبدل کلام" بلکه نبود "کلام" شخصاً عیسی (1:14 یوحنا). شد به تبدیل مریم از شدن متولد از پس او بدو "اس تخوان و گشت آن از قبل نه و شد "کلام"

ولی بدو مشخص مسیح مورد در پروردگار تدبیر آغاز، زمان از همان کتاب در او به مرد و ط هلی موعظه و مسیح شخص در او تدبیر سرانجام طریق از را کلامش پروردگار ای نرو از برگردید دفاش اول سده در مقدس موضوع بر این بار و بار ه (1:2) ع بران بیان) رساندمی ما به مسیح و خداوند از نه و گفتمی را خداوند کلام مسیح که است شده تاکی بدو 7:16 و 3:34 و 2:22 یوحنا) کردمی معجزه ما بدو را او شناساندن بر رای 10:32.38 و 14:10.24).

راجع مقدس کتاب مطالب موعظه بر مبنی مسیح دست تورط بقی پولس: پرداخت مسیح بدین ترتیب به "جهان سرا سر مردم" بدین در او به که، غیری هودی ان شمانجات بر رای که خداست نه قش هان انجیل این در پیغام این اکنون بدو، اما مخفی رازی بصورت تهمگ دش زمانهای در ایمان مسیح به جهان سرا سر مردم تا... شومی اعلام جا هه اب دی زندگی (2:7 قرنتیان اول به رجوع 16:25.26 رومیان) بدی اورند خداوند (6:53 و 3:16 یوحنا) شد میسر مسیح توسط نه شر بر رای و فداکاری از و داشت شراب دی زندگی بر رای تدبیر آغاز از این خداوند رو هین از داشت اطلاع پیشاپیش مسیح شدن قربانی این وعده: "نمود آشکار مسیح مرگ و میلاد از پس تنهارا خود هف هه بر رای و بدو، داده جهان آفرینش از پیش حتمی خدا را جاوید زندگی

ای مدیده (1:2،3؛ 1:2،3) "بگ وید ندمی دروغ هرگز خدا که است مسلم ما می تعریف آنان از نحوی به خدا پ یام بران از گ فتن سخن هنگام که مورد "کلام" که چرا (1:70؛ لوقا) انددا شد ته وجود ه ی شه گ وید ی که گ ردد است داش ته وجود خداوند نزد آغاز از آنان ت کلم

او . سازدمی آشکارا موضوعات این از بسد یاری مسیح ت م ثیل حکایت و م ثل بامن" ک ندمی محقق را خود به راجع پ یشد گوئ یهای ی آفرید نش زمان از که نمود خواهم ب یان را اسراری و گ فت خواهم سخن است ترتیب بدین (13:35 م تی)". است مانده پ و ش دیده ب حال ت اذن یا به م بدل" مسیح ت ولد زمان در تا "ب ود خداوند ب ا کلام آغاز در" که . شود "اسد تخوان و گ وشت

"ب ود کلام پ روردگ ار"

ر س یممی "ب ود کلام پ روردگ ار" جمله م فهم ب رر سی مرحله به اک نون م ثال عنوان به که ای جمله . هس تیم خود هی اندید شه و اف کار واقع در ما را من هدف که است من پ یام ی ا کلام "رومی ل ندن به من" : شده آورده ورتد بی . است من هدف عیناً کلام این دید گ ر ع بارت ی به ب ک ندمی ب یان . کرد درک ت وانمی ترتیب هین به ن یز مسیح مورد در را خداوند هدف هان گونه او ک ندمی ف کر او در باره ق ل بش در (انسان) او که هان گونه " خداست اف کار هان ن یز خدا ب ناپ رای ن (23:7 ام ثال) "ب اشدمی خداست خداوند، اندید شه ی ا کلام که گ فت ت وانمی ب ناپ رای ن ب ین نزدیک ارت باطن یز دل یل هین به "ب ود مکلا پ روردگ ار،" می دید ده زیاد و اژه دو این ت رادف . است ب رقرار کلامش و پ روردگ ار صحرای و آوردمی در ل رزه به را د شد تھا" : 29:8 مزامیر آیه مانند شود ار میا) "ب دادید گ وش شما ولی" چون جملاتی "دهمی ت کان را قانش به شما" گ وید می خداوند در عمل . است م تداول رسولان آیه در (25:7) کلام داود "ای نداده ف را گ وش شده، ن قل پ یام بران از که من کلام ضمناً و (119:105 مزامیر) دهمی قرار خود راه ب خش روشنائی را خداوند روشنی به مراتب ی کی ت و ، هس تی من زورت و خداوند، ای " بگ وید می ت رانف نمایان گراین که (22:29 سموئیل دوم) " . کنی می ت بدیل کلام که است درک قابل کاملاً ب اشدمی وی کلام و پ روردگ ار سخن شخص یک عنوان به آن از ی عنی . دارد را او خود ن قش پ روردگ ار اصل" 5 انحراف به) ن یست شخص یک در حال یک ه شود می گ فته (ک نید مراجعه " سازی شخصیت

پس، (5:10 یوحنا اول و 8:26 و 3:33 یوحنا). است حق یقت خود خداوند درجائی. (17:17 یوحنا) نیست حق یقت جز چ یزنی یزوی کلام شناساندمی را خود کلامش کمک به خوبی به چنان مسیح یزیدیدگر که کسانیی تمام وی " دارد وارانسان موجودی تی وی " کلام" گوی که از من کلام به وسیله قیامت روز در، پذیرند نمی مرا سخنان و مرا سخن کلامش از چنان او (12:48 یوحنا) ". شد خواهد بازخواست ای شان وی کلام. است خودش یعنی حق یقتی شخص یک گوی که گویدمی است پیوسته او به زی را دارد، شخصی موجودیت

یاد شخص یک عنوان به 1:1-3 یوحنا آیات در ن یز پروردگار کلام از شده آفریده او به وسیله هست چه هو". (خداوند خود عنوان به). شومدی اش فرموده کلام طریق از را چ یزه خداوند ولیکن (1:3 یوحنا). " است شومدی یاد نوحی به خدا کلام از دل یل همین به (1:1 پیدایش). آفرید خدا کلام وجود به زمینه این در پرستش نکته و او ست خود گوی که گردد بازمی دشوایی با ما نزدیک سبب ماقبل در که

کلامش به وسیله خداوند که براین دال است مدرکی پیدایش اول باب به پروردگار کلام یعنی مسیح شخص به وسیله نه و است خلاق به (1:1-3 یوحنا) مسیح شخص نه و شومدی تصدیق خلاق عنوان ستارگان و خورشید و داد ستور او؛ آمد وجود آسمانها خداوند فرمان در و بداری در حرمت را خداوند، زمین روی مردم هه ای. دشمن آفریده آفریده دنیا و داد ستور او زی را! آورید فرودت عظیم سر او بر رایتی و (9، 6:33 مزامیر) " آمد وجود هستی عالم و فرمود امر او شد، خداوند". پذیراندمی خود وظائف به او کلام به کائنات نیز اکون هم بر ف او. شومدی عملی فوراً فرماید می چه هو و میدهد و ریس زمین به همچون را شد بنم و گستراندمی زمین سطح بر لحاف ماند را سنگ ماند را تگرگ هلی دانه خداوند. کندی پخش جا هه خاک ستر باشد؟ داشت ته آذرا سرمای ت حمل تاب که کیست و ریزدی فروریزه آبها و فرستدمی باد، شوندمی آب یخها و دهمی دستور س پس (15:147-18 مزامیر). " شوندمی جاری

برای قدرت این از خداوند. او ست آفریدنش قدرت پروردگار کلام پروردگار تدبیرهان کلام کرد است فاده مریم رحم در مسیح تولد همین و (1:35 لوقا). است یاف ته ت حقیق ال قدس روح طریق از که است در خود العمل با عکس مریم و است کرده متولد را مسیح خداوند کلام مریم" است کرده اعتراف حق یقت این به مسیح تولد خبر بر رابریل کمال با، خواهد او چه هو و هستم خداوند خدمت گذار من: گفت

آن گاه بی شود همان گفتی چه هر که خواهیم می خدا از . دهم می اندام  
(1:38 لوقا) " شد ناپ دید در شد ته

در نیز او هدف و اوست هدف بازتاب خداوند کلام / روح که ای مدیده  
ت رادف، 13:27 رسولان اعمال آیه است شده اذعان عتیق عهد سرا سر  
این صحت میزان مسیح، با عتیق عهد ان بیاء پیش گوئی بیهایی  
او که نبردند پی و نپذیرفتند را او ای شان": دهمی نشان را موضوع  
کرده پیش گوئی اش در باره ای نقدر پیغمبران که است کسی همان  
مسیح عیسی شخص در خداوند روح کلام تمام مسیح، ت ولد با " اند  
مسیح در خداوند هدف شدن نمایان از الهام تحت حواری یحیی . شد اظهار  
دیده شخصاً را مسیح حواری ون گفست سخن اب دی زندگی بر مبنی  
کلام داشت ته خود روی پیش آنچه که فهمید هنگام آن یحیی اما بدند  
اول) بدو مسیح طریق از رسنگاری بر مبنی او هدف یعنی خداوند،  
اما بنیم مشاهده چشم به راه مسیح ت و ان یزمی ما اگر چه (1:1-3 یوحنا  
هدف به کاملاً ت و ان ییمی وی از صد یحیی شناخت داشت ت با نیز ما  
اول) یماور ایمان اب دی زندگی به نتایج در و بدرد پی پروردگار  
می را مسیح اندازه ت آنچه که بد پرسیم خود از باید (1:8.9 پطرس  
زمانی که نیکوکار مردی فقط عنوان به مسیح شناخت شناسیم؟  
با شندمی کافی داشت، وجود

به راه مسیح سرعت به ت و ان ییمی دعا، با هراه اندیل مداوم مطالعه با  
بی پیوندیم او به ت عمید غسل طریق از و کرده درك خود ناجی عنوان

## پرسشها: 7 فصل

1- داشت؟ مادی حیات ت ولدش از پیش مسیح آیا

ب) له (الف

خیر (ب)

2- صورت قابل ت ولدش از قبل مسیح برای وجودی نوع چه  
است؟

ف) شد ته یك عنوان به (الف

ت. ژلا پټ از ب خشي عنوان به (ب)

روح پك عنوان به (ج)

خداوند ت د ب يرو ذهن در ت نها (د)

3- است؟ صادق مريم در باره زير هلي ف تهگ از كدام يك

ب و د معصوم و كامل زن پك او (الف)

ب و د معمولي زن پك او (ب)

ج صورت ال قدس روح ت و سطر او رحم در مسيح جنين گ بري شكل (ج)  
گ رفت

د ك ندمي مسيح ت قديم را ما دعا هلي او اك نون (د)

4- كرد؟ خلق را زمين مسيح آيا

ب له (الف)

خ ير (ب)

## مسيح ف طرت: 8 ف صل

### مقدمه: مسيح ف طرت 8-1

را س تاي در بر رگ ناهن غلا به سد بب به مسيح كه موضوع اين  
ن کرده، دريافت را مق تضي ت مجيد و سد تايش كمال، به د س ت يابي  
رايچ نظريه است مسيحيت تاريخ ف جايع بزرگ ترين از يكي  
نظر در با ك ندمي ق لمداد خدا را عيسي (پ نداري گانه سه) "ت. ژلا پټ"  
ر قرا اغوا و وسوسه مورد ت و اند ندمي و ن خدا كه نك ته اين گ رفتن



در صورت ب ناب رای ن کنده، نمی ن یز گ ناه و (1:13 ی ع قوب) گ یرد نداشت ته، گ ناه بام بارزه به لزومی عیسی ت ثلیت فر ضیه ق بول و ب شری ت جری یات و رای در ت ظاهر نوعی وی زمینی زندگی ی ای نرو از و ذویات مع ب ین ان تخاب هذ گام ان سانی جدالهای واقعی درک از عاری است ب وده مادیات

ی هوه شاهین و مورمون فرقه هچون اف راطی هلی ی فرقه مقابل در درک را خداست متولد پ سر ت نهامسیح که واق عیت این شگ ف تی واقعی فرزند ی اف رش ته ی ک ت وان س تخمی وی متعاقباً اندذ کرده در طول عیسی فرطت که ک نذمی ادعا ن یز گ روهی ب اشد ی و سف ب ه نزول از ق بل آدم حضرت فرطت ش ب یه زمین در وی زندگی نانی ت ای ید در انج یل در مناسب شواهد وجود عدم از جدای است ب وده زمین از آدم حضرت خلقت که ن ک ته این گ رف تن نظر در بام س ذله، این خواست بامری م حضرت رحم از عیسی ت ولد در حال یکه ب وده گل شودمی مشکل منظری این پ ذی رف تن است، گ رف ته صورت خداوندی رحم در ماهگی هان نداما نداشت، ب شر نوع از پ دری عیسی که هچ نذ ران ک ته این ت وان نذمی مردم از ب س یاری شدم تولد و کرده رشدمادر هین و باشد کمال دارای ب تواند جائ زال حظا ان سانی که ب پذیرد است مسیح ب ه حقیقی ای مان عمده موافع از ی کی

هلی و سوسه بر هواره ولی ب وده ماهان نذ عیسی که ق ضیه این ب اور ب یست ای ساده کار جسته، می دوری گ ناهن از و شدمی غالب مخ تلف کامل زندگی از مقدس ک تاب در شده ت بت مسائل ب ه ت وجه با ف قط ب ودن خدا که انج یل شواهد از ب س یاری گ رف تن نظر در با و وی ای مان و اس توار و ح یحص درک ی ک ت وان می ک نذ، می رد را عیسی ب وده خدا عیسی که ت صور این ب کرد پ یدامسیح ب ه واقعی دور ن یز باشد می گ ناه و خطا از فرغ و متکامل خود ب ناب رای ن ب شری ن فس و گ ناه بر عیسی غل به ارزش ن گرش، این است ذهنی از دهد می جلوه کوچک را

وی وجود در ن یز ب شری تمایلات تمام داشت ب شری فرطت او از مدجویی و خداوند بر ات کاء ب اولی، (4:15 ع بران یان) ب وده نهفته خدا" و داد یاری را او خویش اراده به خداوند آمد فایق آنها ت مامی ب روی گ ناهن شان ت اخواندمی فر خود ب آ شد تی ب ه را مردم ب ودمسیح در (5:19 قرن تیان دوم) "بمای د پ اگ را آن آ را و ب بخشاید را

## مسئله و خداوند تفاوت‌های 8-2

که آنها و ک‌نند می‌دلالت "مسیح در خداوند وجود" بر که شواهدی بین مناسب‌ت و از نی‌دهند، می‌قرار تا که یدمورد را عیسی‌انسانیت "خداوند خود" عیسی‌بودن خداوند جیل شواهد دوم سری است بر قرار می‌کن‌غیرمم‌کن‌ند، می‌عنوان‌غلط‌به‌ت‌ثلیث‌نظریه‌که‌آن‌گونه‌را می‌لادی 325 سال در بارن‌خست‌تین‌برای "خداوند خود" ع‌بارت). شمارد‌عنوان‌ت‌ثلیث‌نظریه‌ت‌رویج‌با‌هزمان و (Nicea) ن‌یسا‌شورای‌در که‌لمه‌(ب‌ودن‌ناشناخته‌ن‌خست‌تین‌مسیح‌دیان‌برای‌نظریه‌این‌شد، این‌نهم‌فصل‌در‌خوردن‌می‌چشم‌به‌ان‌جیل‌جایی‌هیچ‌در "ت‌ثلیث" مهم، این‌انجام‌در‌خداوندن‌قش‌و‌برگ‌ناه‌یح‌مس‌غلط‌به‌مورد‌در‌کتاب‌به‌ب‌ایست‌می‌م‌باحث‌این‌شروع‌از‌پیش‌شد‌خواهد‌ب‌حث‌ب‌یش‌تر واقعیت‌از‌صدیح‌فهم‌یک‌به‌رس‌ت‌گاری‌که‌باشد‌یم‌داشت‌ته‌خاطر (17:3 و 6:53 و 3:36 ی‌ودنا). ی‌اشد‌می‌متکی‌و‌واب‌ست‌ته‌مسیح‌عیسی‌مسیح‌یا‌ست‌ت‌یلا‌مورد‌در‌دقیق‌ادراک‌این‌به‌ب‌ایست‌می‌ن‌خست‌به‌رس‌یدن‌هدف‌بات‌وان‌یمی‌آن‌گاه‌فقط‌شویم، ناپیل‌مرگ‌و‌برگ‌ناه‌ی‌باب‌یم‌ت‌عمید‌مسیح‌وجود‌از‌رس‌ت‌گاری

2:5 ت‌یموتائوس‌اول‌آیه‌در‌زید‌بایی‌به‌عیسی‌و‌خداوند‌بین‌رابطه‌دارد‌وجود‌ان‌سانی‌مردم، و‌خدا‌میان‌و‌است، واحد‌خدا": است‌شده‌ب‌یان‌نتیجه‌این‌به‌راما‌فوق‌شده‌ص‌مشخ‌کلمات‌به‌توجه "مسیح‌نام‌به‌سازد‌می‌نزدیک‌ه‌گ‌یری

عیسی‌بودن‌خداوند‌صور‌خدا، یک‌ت‌نها‌وجود‌به‌بات‌وجه - شود، ق‌لمداد‌خداوند‌یز‌عیسی‌و‌باشد‌خدا‌پ‌در‌اگر‌است؛ غیرممکن‌خدا‌یک‌فقط‌که‌میدان‌یم‌ما‌اما". م‌یرسد‌دوب‌به‌خدا‌یان‌تعداد‌ب‌ناپ‌راین‌خدا‌ی" ب‌ناپ‌راین (8:6 قرن‌ت‌یان‌ولاً) "ما‌آسمانی‌پ‌در‌یعنی‌وجود‌دارد، عنوان‌ت‌حت‌دیگر‌خدا‌یک‌وجود‌ای‌نرواز‌است‌واحد‌خدا‌ی"، پ‌در‌در‌است‌غیرممکن‌شود، می‌رض‌ت‌ثلیث‌نظریه‌در‌که "پ‌سر‌خدا‌ی" است‌شده‌معرفی‌پ‌در‌و‌واحد‌خدا‌ی‌عنوان‌به‌"پ‌هوه" ن‌یز‌ع‌ت‌یق‌عهد‌وجود‌ن‌یز‌ای‌سطه‌واحد، خدا‌ی‌ب‌راین‌علاوه (63:16 و 64:8 اشع‌یا‌مثلاً) و... در "و" که‌لمه‌است‌مسیح‌عیسی‌آن‌و‌ب‌وده‌ب‌شروع‌از‌که‌دارد‌اشاره‌خدا‌از‌مسیح‌بودن‌م‌ت‌فاوت‌به‌و‌ب‌وده‌رب‌ط‌حرف "و...واسطه‌یک‌ک‌ندمی

نوعی‌وی‌که‌است‌معنی‌این‌به‌"واسطه" ب‌عنوان‌مسیح‌وجود - و‌جا‌زال‌خط‌ب‌ش‌ر‌ب‌ین‌ای‌واسطه‌شود‌می‌محسوب‌دهنده‌ارت‌باط

می باشد؛ گناه از مبرا خداوند یک خودت و اندنمی پاك خداوند  
ب شری گ ناهکار فطرت دارای ولی گ ناه از پاك ب شری ب ایست  
صحت". است مسیح عیسی ب شر آن و " جمله به دق یق ت وجه باشد  
ای نکه با پ ولس هلی ذو شد ته. ده می قرار ت ائید مورد را تفسیر این  
عیسی خداوند" از ولی ب وده، یسی ع عروج از پس زمان به مربوط  
است. نیاورده میان به صد ب تی " مسیح

هوشع) " باشدنمی ب شر نوح از خداوند" که شده نشان خاطر ما به بارها  
که هانگونه است، "ب شرف رزند" قطعاً مسیح ولی (19:23 اعداد؛ 9:11  
خداوند وجود. " مسیح عیسی نام به ب شری": شده عنوان جدید عهد در  
و کرده تا کید صفت این در او یگانگی بر "ترین رفیع" ب عنوان  
که ده می نشان (1:32 لوقا) "ترین رفیع بر سر" ب عنوان عیسی وجود  
پس رو پ در الفاظ اطلاق باشد خداوند شخصی به ت و اندنمی عیسی  
ی کی دو این که سازنمی مشهوران که ت این عیسی و خداوند به  
خود پ در به زیادی هلی شد باهت دت و ان می پسر یک که هرچند نیدستند  
مدسوب پ در یعی شخص، هان دقیقاً ت و اندنمی ولی باشد، داشد ته  
کند بر ریوی با قدمت و سال و سن نظر از پاگردد

دارد وجود عیسی و خداوند ب بین ت مایز وجه زیادی شمار زمینه این در  
ب باشدنمی خدا عیسی که دهندمی نشان ب وضوح که

عیسی خداوند

موارد ت مامی در " مسیح (1:13 یعقوب) " شونمی و سوسه خداوند"  
(4:15 ع بران یان) "گرفت قرار و سوسه مورد ما هانند

اول؛ 2:90 مزامیر). است ف نانا پ ذیر فطرتاً او میرد، نمی خداوند  
16:21 م تی) رفت دنی یا از روز سه بر ای مسیح (6:16 ت یموت ائوس  
(12:40 و

خروج و 6:16 ت یموت ائوس اول) ک ندرویت ار خداوند ت و اندنمی ب شر  
1:1 ی و حنا) کردند لمس را وی جسم و دیدند را عیسی مردم. (20:33  
(دارد تا کید ن که ت بر این

گناه بدين از تخاب به را مان بيروي در واقع شوي ممي و سوسه زمانه يکه عدم مان تخاب اغلب بک ندمي و ادار خداوند از فرمان برداري و را از تخاب شرايط هان نيز مسيح است؛ داوندخ از فرمان برداري وي ب ناپ راي ن بکرد اخ تيار را خداوند از فرمان برداري هواره اما داشت داده نشان ن شد آوده گناه به هيچ گاه که هرچند داشت، راگناه امکان نزيه هان قطعاً 7: 12-16 سموئيل دوم روايت بر اساس مسيح که ايم ايد نگونه مسيح بر راي گناه امکان وجود مورد رد 14 آيه است ب وده داود سخت را او شود، نام شروعي عمل مرتكب او اگر " بک ندمي عنوان "کرد خواه مجازات

### مسيح فطرت 3-8

دلالت داريم طبعي بصورت و ذاتاً ما که شرايطي به "فطرت" که لمه برده نام فطرت نوع 2 از انجيل که داديم نشان يك مطالعه در ميکنند مرگ، خداوندي، فطرت بر راي ب شري فطرت و خداوندي فطرت - تاس در مسيح که است واضح نيست تصور قابل آن نظير و سوسه ب ناپ راي ن است، نداشت ته خداوندي فطرت خويش زندگي دوران طول "فطرت" که لمه از مات تعريف به باتوجه است ب وده ب شري وي فطرت هزمان بصورت رارت فطرت نوع دو ت واند ندمي مسيح که است واضح است گرفتگرفتممي قرار و سوسه مورد ما هان ندمي مسيح لاجرم ب اشدها شد ته خود ن فساني هليو سوسه بر کامل غلبه باولي (4:15 ع بران بيان) هليو سوسه پايه که بيجايي اميال است داده هديه ما به مغفرت مرقس) است ب وده ما ذات از برخاسته ده، مي تشکيل را مان فساني (13:1-15 يعقوب) گيرندمي نشأت ما ب شري فطرت از و (7:15-23 اين ت واند ته اي نرو از و ب وده ب شرنوع از مسيح لزوماً ب ناپ راي ن ب شود چيره آنها بر و کرده تجربه را هلو سوسه

شده گنجانده که لمه چند در 14:2-18 ع بران بيان آيات در نکات اين تمام است:

طبعي (است تخوان و پست از اي مجموعه (ما) کو دکان که هان گونه " طريق از که است؛ صورت هين به نيز (مسيح) او هس تند، (ب شري طبعي ب واقع ب ناپ راي ن ... شود تخريب است ممکن مرگ ابراهيم نزيه از را وي خداوند اما شود؛ ندمي ما حال شامل فرشته تگان سلطان هم شده بيه موارد مامي در وي که است دل هين به باد قرار رفيع مقام بامقدس فرديک را وي ب توان شايد که ب وده، خويش ميگوشزد آنان به را مردم گناهن که ... کرد قلمداد مع تقد و مهربان

که به ود قادر منتها گرفت می قرار اغوا و وسوسه مورد نیزی کرد.  
"نماید غلبه و وسوسه این تمامی بر"

دارای عیسی که کز ندمی بدت اُک واقعیت بر این شدت به جملات این  
(2:14 ع بران بیان) "هچنین نیزی او خود": است به وده به شری فطرت

سه هو و ب وده معنی هم اندر فته به کار جمله این در که ای که لمه سه  
برای نکه است تا کیدی "هین" که لمه دارند واحد نکه ته یک بر تا کیدی  
نای به 2:14 ع بران بیان آیه در. است به شری فطرت دارای نیزی مسیح  
نمی فرشتگان فطرت نوع از مسیح فطرت که شده اشاره نکه ته  
رسد نگاری بر رای که کسی یعنی ب وده، اب راهیم نریه او چرا که باشد  
ب وده آمده پیوست، خواهند اب راهیم نریه به که مومذینی و پیروانش  
از" بایستی مسیح داشت به شری فطرت الزاماً مسیح دلایل این به  
خداوند تا (2:17 ع بران بیان) "گردد خلق برادرانش ماند نظر هو  
این پس دهه قرار ما به خشایش و سپله را او شدن قربانی به تواند  
نوعی به نه بوده، بر خوردار به شری فطرت از تماماً عیسی که نظریه  
شود می محسوب وی به شارت از غفلت

تواند می شود، مرتکب گناهی یافته تعمید مومنان از پی کی هوگه"  
خویش گناه به مسیح دادن قرار واسطه با آمده خداوند سوی به  
هانند دقیقاً مسیح که است آگاه خداوند. (1:9 یوحنا اول). "نماید ادعای تراف  
می سبب وی کمال اما است، گرفت می قرار و وسوسه مورد افرا به قیه  
به و کرده پیاداری گناهن این بر رابر در اند سانهایی بر خلاف شود  
ع فوراً "مسیح خاطر به خداوند" دلایل همین به به بیاید فایق آنها  
نیزی مسیح که موضوع این درک بر ناپراین. (4:32 اف سس بیان) کز ندمی  
ما به شری فطرت تنها ای نکه و گرفت می قرار و وسوسه مورد ما ماند  
است بر خوردار به سپاری اهیت از ساخت می ممکن او بر رای را و وسوسه  
از طبعی مسیح که است شده اشاره به وضوح 2:14 ع بران بیان آیه در  
او بر این نیزی گناه امکان بر ناپراین و داشت ته، "اسد تخوان و پیوست"  
او و (4:24 یوحنا) "است معنوی خداوند" طبعی است ب وده فرام  
فایده که گزرد می سبب او "معنویت" ولی است جسم دارای اگر چه  
پیوست از طبعی مسیح که نکه ته این بیاشد اسد تخوان و پیوست  
دوران طول در وجه هیچ به او که معناست بر این داشت ته "اسد تخوان و  
است نه بوده بر خوردار خداوندی فطرت از خود زندگی

بر مطلق غلبه و خداوند کلام بر کارگیری در بر شرف بلی کوششهای  
خدا" بر ناپراین ب وده شده روبرو شد کست با هواره ن فسادی امیال  
این به ما اند سانی بدن ماندند بی در را مسیح عیسی خود فرزند

سلطه تحت ما بدن مثل او بدن که تفاوت این با فرستاده جهان  
ماتا کرد، قربانی ماگ ناهن آموزش راه در را جانش و آمد او. بز بود گ ناه  
(8:3 رومیان). "شویم آزاد گ ناه سلطه از نیز

می اطلاق خطا امری انجام جهت بشرط بیعی میل به "گ ناه" ای نجادر  
و باشد می میسر نیز آن ادامه و است بز از گ ناه مانجا برای راه. شود  
کمک یک به به بشرمخصه این از رهلی برای. "است مرگ گ ناه تاوان"  
ط بیعت و نداشت که کمال خود خودی به ان سان دارد اد تیاج بیرونی  
بنا بر این ندارد، را مادیات بنداز شدن رهلی برای نهایی به به شری  
سوی به به و دب شری ط بیعت دارای ماهانند که را خویش پسر خداوند  
اما به و دب از ماهانند نیز او برای گ ناه به مبادرت راه و فرستاده ما  
بشرنوع سایر بر خلاف به و، جائز خطای نکه وجود به مسیح  
که شده داده و ضیح 8:3 رومیان آیه در. شد غالب هلو سوسه برت مامی  
آیه چند دب اش می جائز خطا و مادی جسمانی، مسیح بر شری فطرت  
مادی جسم که است کرده صحت مسئله این در باره پولس تر، پیش  
بافطرتاً مادی جسم این آیه نکه و نبوده خوبی چیز هیچ جایگاه بر شر  
را بطه این در (18:7-23 رومیان). است مخالف خداوند از فرمان برداری  
و مادی جسمی دارای 8:3 رومیان آیه ط بق مسیح که مطلب این مطالعه  
وی غالب به سبب به و دلیل این به است توجه غالب به و، زال خطاجای  
مادی بندهای از رهلی برای راهی نیز ما خویش، ن فسان می امیال بر  
آگاه خویش فطرت به و دن جائز خطا از حتم طور به به مسیح داریم  
دلالت عنوان این و شد، خطاب "پاک مولای" او که براریک است به و  
چرا "گفت پاسخ در به و، او براری امک و پاک فطرتی تصور بر  
مرقس) "نیکوست واقعاً که خداست فطرت گوی؟ می نیکو مرا  
معجزات از ای مجموعه به توجه به مردم دیگر موقعی تی در. (18، 17:10  
مسئله این از مسیح به و نداده قرار تمجید مورد را وی عظمت مسیح  
نبود لازم به و، گاه مردم قلب از او" ن بردای بهره خویش نفع به  
یوحنا) "دهند می عقیده تغیر زود چقدر مردم که بگوید او به کسی  
(پیوندانی متن 2:23-25)

می را چه یزه) بر شری فطرت به نسبت وی والای درک همین سبب به  
قرار ستایش مورد را او شخص مردم که خواست نمی مسیح، (دانست  
تا و اند می حد چه تا اش بر شری فطرت که دانست می او که چرا دهند،  
باشد پست.

## مسیح از ساز بیت 4-8

اراده عیسی به شری فطرت مورد در زیادی مآلهای مقدس کتاب م تون می زمین روی بایستی و بدود خسته وی که است آمده در جای بدهندمی ای لعازر مرگ هنگام عیسی . (4:6 یودنا) بنوشد آب چاه از تان شدست مسیح رنج آخرین بپشد ترهه از . (11:35 یودنا) "ریخت اشک" بای به و مرگ آغوش به وی زمانیکه نماید ثبات را او ب شری فطرت کرد عنوان چندین و دهذجاتش که خواست خداوند از رفت، صلیب دورتر کمی پس" او . (12:27 یودنا) "بیدنمی آزار من جان اکنون" جام اینت، اس ممکن اگر بدر، کرد دعا چندین و اف تاد بر زمین و رفت خواست به به لکه من خواهش به نه اما برادر، من مقابل از را عذاب و رنج موارد از ای پاره در که سازدمی روشن ع بارت این . (26:39 متی) "ت و است ب وده متفاوت خداوند خواست بامسیح میل یا اراده

در و خداوند خواست بر منطبق زندگی پیش دوران تمام در مسیح خواست و" : است ب وده صلیب بر نهایی آزمایش این ب برای آمادگی ای راست می مشورت پدرم بان نخست نمایم، محاکمه را کسی آنکه از پیش من اما جهت این از میدهم، انجام را همان دهد، دستور من به خدا هرچه کنم اراده و میل مطابق زی را است، عادلانه کاملاً کنم من که محاکماتی این (5:30 یودنا) "خودم میل مطابق نه فرستاده، مرا که است خدای کندی ثبات بوضوح خداوند خواست و مسیح خواست بین تفاوت نیست خدا عیسی که

از خود معرفت بر خویش زندگی دوران طول در که رودمی اند تظار ما از کنیم، می تجربه زندگی در که هلی آزمایش از و بیافزایم خداوند یاشدمی ما برای بارزی نمونه عیسی زمین، این در بدگ پیری درس از نبود خدادادی و نهایی شکلی به خداوند از وی شناخت و معرفت معنوی، بلوغ کرد می رشد قامت و حکمت در عیسی "کودکی، دوران لوقا) "ب ودمردم و خدا پسندمورد و ، (4:13 اف سدسیان به مراجعه ب وده حکمت از سرشار او شد بزرگ و دکرر شد عیسی آنجا، در" (2:52) ر شدت وازن آیه دو این (2:40 لوقا) "داشت قرار او بر خدای بیض و به عیسی در ر شد روند دهند؛ نشان را عیسی معنوی و فیزیکی نظریه بق اگر رفت صورت معنوی و طبیعی شکل دو خواهد ممکن چیزی چندین، "باشد خدا پس"، "تلاش به معتقدین دقیق زمان از که داشت اذعان مسیح زندگی، پایدان در حقیقتی و بدب مرقس) . دارد اطلاع آن از "پدر" که هرچند ندارد، اطلاع بازگشتش (13:32).

خویش زندگی دوران در ما که است چیزی خداوند از زمان برداری پسری همانند بایستی نیز مسیح بدگ پیریم فراتر باید

به ود، خدا فرزند عیسی که این بنا به یاموزد را خویش پدر از اطاعت را اطاعت معنی تجربه به تا که شدیدی عذاب و درد عملاً به ایستمی اما که به ود تجربه این گزندان از پس، (معنوی به لوغی معنی) به یاموزد آذانی نصیب را ابی نجات و انذمی و رسیده کمال حد به داد نشان فریاد پیمان آیه در. (5:8،9) بران بیان) "نمایندمی اطاعت او از که سازد معنوی شده بین نیز (27 انحراف در پیشترت و ضیحات) 2:7.8 است شده عنوان میرسد، اوج به وی شدن مصلوب لحظه در که عیسی و درآمد بنده یک شکل به و گزاشت کنار را خود جلال و قدرت" او تا اختسفر و تن را خود نیز این از بیش حتی و شدان سانهها شد به به "شود اعدام صلیب روی برت به کار یک مانده شد حاضر که جای عیسی که دهمی نشان روشنی به رفته کار به ای نجاد که ال فاضی به تدریج به و کرده طی را خویش معنوی تکامل راه خوداگاهی روی از گشته خداوند خواست "مطیع" نهایتاً ای نکه تا شده افزوده وی توضع پاسخ با وی بنابر این است نموده اختیار را صلیب بر مرگ و "یافت تکامل" خویش هیزنج و درد به در ست

پارسی به رسیدن برای عیسی که شومدی مشخص مطلب هین از خداوندت وسطوجه هیچ به وی کند؛ تلاش خوداگاه و شخصاً به ایستمی چیزی، به ود انطور اگر چرا که به ود، نشده روش این انتخاب به وادار بدین و داشت دوست را ما واقعاً عیسی شدندمی تاقی به از چه یک جز کرده وادار را وی خداوند اگر کردفدا صلیب بر را خویش جان علت عشق برت آید آنگاه نماید، انتخاب را صلیب بر مرگ تا به ود و 5:2.25 اف سد بیان) کردمی جلوه واهی ای مسئله ما به نسدبت مسیح می لاجرم پس به ود، خدا عیسی اگر. (2:20 غلاطیان و 1:5 مکاشفه دیگر از انتخاب و سپاردمی جان صلیب روی و بده کامل به ایست او عشق به که دهمی را امکان این ما به عیسی به ودن مختار. گذاشت پیداوی با شخصی رابطه نوعی و به نهیم ارج به شربنه نسدبت کنیم.

روی از و داوطلب بانه وی ملک به ود دلایل بدین عیسی از خداوند در ضایات دوست مرا پدرم قطعاً بنابر این: "نمودفدارا خویش جان رغبت و میل هیچ...دهمی قرار او اختیار در را خویش جان من که چرا داشت، خواهد می فدا آنرا خودم من ولی به سناندمن از را جانم ت و انذمی به شری یک قالب در او ندگیز و به ود خدا عیسی اگر. (10:17،18 یوحنا) "کنم به ود، جائزاً خطا به شربارت باطایجاد جهت نامیدن حرکتی انسان و 3:17 متی) نمودمی مشکل وی ارادی اطاعت از خداوند در ضایات درک او فرمان برداری از پدر در ضایات یعنی مسائل این (5:17 و 12:18



اما داشت، را سرپ بچی تو ان عیسی که است این بر دال کافی مدرک کرد اند تخاب را خدا از اطاعت راه آنگاه

رسد تگاری به مسیح ن یاز

بیماری، دچار ما هاند خویش بشی شری فطرت خاطر به عیسی عنوان تو ان می به حث این ادامه در بنابر این می شد غیره و خست تگی طریق قی به داده نمی دست از را خود جان صلایب بر روی اگر که کرد می عیسی بنابر این. (پیری لب دلی مثلاً) رفت می دنی از دیدی مگر این پذیرفتن با یابدنجات مرگ از خداوند به وسیله بایست خداوند درگاه به شدیداً و شد مشغول نیایش و دعا به "عیسی حقیقت، ای منی مرگ از را عیسی به و قادر (خدا) او که چرا ریخت می اشک یحسب تو و سل. (5:7 ع بران یان)" آورد نظر در را وی پارسی و بخشد این با ارتباط در بدی هیچ مرگ، از نجات براری خداوندی درگاه به رسد تاخیز از پس گدارد نمی باقی با شد، خدا خود مسیح که اتمال این از و، (6:9 رومیان) "نداشت او برتسلطی دیدی مگر" مرگ مسیح، موضوع این خلاف مسیح رسد تاخیز از قبل که شود می است نباط آیه است دهد و صادق او به راجع

است عیسی مورد در هلی گوی پی پیش مزامیر هلی و شد ته از بسدیاری عهد در مسیح مورد در مزامیر جملات از بعضی قول نقل به ته وجه با این دیدی مگر آیات از بسدیاری که که نیم فرضا است منطقی جدید، به مسیح ن یاز موارد از بسدیاری در با شد می وی مورد در نیک تاب است گ رفت ته قرار تاکید مورد و نخدات و سطر رسد تگاری:

قول نقل 4:6 متی آیه از عیسی مورد در 91:11، 12 مزامیر - را خداوندت و سطر مسیح رسد تگاری نحوه 91:16 مزامیر است کرده خواهم (جاودانی عمری یعنی) دراز عمر آنها به "است کرده گوی پی پیش شدن بمصلو واقعه به 69:21 مزامیر "داد خواهم نجات شان و بخشد تشریح به مزامیر که تاب کل؛ (27:34 متی) کندی اشاره عیسی مشکلات طوفان این از مرا خدایا" پردازدمی صلایب بر مسیح افکار ده نجات مرا خدایا... پدید پرداز را آزادیم بهایی و بیامن نزد... به نجات (29 و 18 و 1 آیات) "فرما سرافراز و

مورد در داود به خداوند دموع بر است تفسیری 89 مزامیر - مرا (خدا) او": کندی گوی پی پیش این گونه 89:26 مزامیر آیه مسیح "خواند خواه خویش نجات صخره و خدا و خود پ در

شد؛ پذیرفته‌رسد تگاری منظور به خداوندی درگاه به مسیح ادعیه  
 یک در وی جایگاه نه‌است، مسیح معنوی مرتبه پذیرش این دلیل  
 و خداوندتوسط عیسی‌رسد تاخیز (5:7) بران یان) "تثلیث"  
 ترین عمده از یک‌ی او، به جاودانگی اعطایی به واسطه عیسی از تجلیل  
 است جدید عهد در شده مطرح مسائل

را او ما اجداد خدای اما که شد تید، صلیب روی به را عیسی شما" -  
 نجات و پادشاه تا فرمود سرفراز را او خود، قدرت با او کرد، زنده  
 و کزندت و به که باشد نداشت ته فرصت اسرئیل قوم و باشد دهی  
 (5:30، 31 ر سولان اعمال). "شود به خشدیده گ ناهلن شان

با که ما ست اجداد خدای و یعقوب اسحاق، ابراهیم، خدای این " -  
 اعمال) "است کرده سرافراز را عیسی خود خدمت گزار معجزه، این  
 (3:13، 15 ر سولان

به شد، تجلیل خواهن خداوند از زمانیکه شخصه به عیسی -  
 (8:54؛ 13:32 - 17:5 یوحنا) بر دپی مسائل این

چرا که کرد، می جلوه مورد بی تأکید، هه این بود، خدا عیسی خود اگر  
 نداشت رسد تگاری به نیاز بود، خدا عیسی اگر بر میرد نمی خداوند  
 خدا برتری بیانگر ساخت، متعالی را عیسی مرتبه خداوند ای نکه  
 مسیح دارد خداوند از عیسی شخص بودن جدا برتاکید و بده او بر  
 مقاله 39 از مقاله اول بین مندرجات طبق توانست نمی عنوان هیچ به  
 و خداوندی... فطرت... نوع دو (با) ابدی خدای" از گس تان کلیسای  
 نوع یک توانست می فقط تعریف به نام موجودیک باشد "بشری  
 مورد را مسئله این فراگیر، شواهد به میاتوج باشد داشت ته فطرت  
 بده بشری فطرتی دارای ماهانند مسیح که دهیم می قرار پذیرش  
 است.

## مسیح با خدا را بپه 5-8

مورد در تفکر بسوی را ما خداوندتوسط عیسی رسد تگاری به توجه  
 فرضیه که هانگونه اگر بدهمی سوق عیسی و خداوند را بپه  
 باشدند، "ابدی هودو... مساوی دو هو" آنه کندی عنوان تثلیث  
 باشد تراز هم دورا بپه مانندنیز شان را بپه بایست می آنگاه  
 را بپه چنین بدهمی نشان که ای مکرده اراده به یاری مثالهای تان  
 شوهر و زن یک را بپه به شد به خداوند و مسیح را بپه ندارد وجود ای

مسیح از نریز شوهر و ک ن د اطاعت خود شوهر از ب ای د زن هر : است (11:3 قرن ت یان اول) "ک ن د می اطاعت خدا از هم مسیح که هاند طور مسیح رأس نریز خداوند ب اشند، می ه سران شان رأس مردان که هاند گونه یک که و ضعی هان ی عنی دارند، مشد ترك ا هاف ی آنان ای ذ که حال است، "است و ن د خدا به م تعلق مسیح" ب ناب رای ن ب اشند د شد ته ب ای د زوج دارد ت علق شوهرش به زن یک که هاند گونه (3:23 قرن ت یان اول)

ت ع ب یر . است شده معرف ی مسیح خدای ب عنوان اغلب پ در خدای پ طرس اول) "مسیح ع یسی ما پ یشوای پ در و پ روردگ ار" ب ه خداوند که ده می ن شان مسیح، عروج از پس ح تی (1:17 اف سد سیان و 1:3 زندگی طول در ع یسی که است ای راب طه هان هنوز آنها ب ین راب طه ای ن گونه ت ث ل یث نظریه طرف داران . داشت خداوند ب خویش دن یایی ب شریک هاند ن د زمین ب ر که هان گامی ت نها مسیح که ک ن د می اسد تلال که جدید عهد هلی نامه . شومدی ت لقی خداوند از ت مرمت به کم زی ست، می خداوند از کماکان د، شدن ن گارش به شت ب ه مسیح عروج از پس سالها پ در هنوز ع یسی واقع در ب ر ن د می نام مسیح خدای و پ در ب عنوان ک ن د می ت لقی خویش پ روردگ ار را خویش

و صعود از پس سال 30 حداقل که جدید عهد ک تاب آخرین مکاشفه، او خدای و پ در " عنوان ب ه خداوند از شده، ن و شد ته مسیح معراج ی اف ته عروج مسیح ک تاب، ای ن در . (1:6 مکاشفه) ب ر د می نام " (مسیح) من خدای نام ... من خدای خانه" مورد در وی . ده می پ یام پ یر وانش به و ث اب ت موضوع ای ن . ک ن د می صد بت (3:12 مکاشفه) "من خدای شهر ... ب ناب رای ن و کرده ت لقی خداوند را خویش پ در هنوز ع یسی که ک ن د می ن د یست خدا (ع یسی) او خود

ب ا م شابه ای راب طه نریز خویش فانی زندگی ان دور طول در ع یسی ب سویی و ت و؛ پ در و من پ در سویی به " عروج مورد در او . داشت خود پ در ب ر ع یسی . (20:17 ی و دنا) است کرده صد بت "ت و خدای و من خدای مرا چرا من، خدای من، خدای" : داد ن شان کاملاً را خویش ب شری ت ص ل یب ا ن د معنی ب ی خدا دهن از ال فاضی چ ن ین . (27:46 م تی) "ای؟ گ داش ته ت نها "ف راوان اشک و گ ری ه ب ا" خداوندی درگ ه به ع یسی که واق عیت ای ن و 5:7 ع بران یان) ک ن د می ت و ص یف خوبی ب ه را آنان راب طه کرد، می دعا ح تی . ک ن د می دعا خود درگ ه به خداوند که است و ا ضح . (6:12 لوقا و 8:26.27 روم یان) ک ن د می عاد خداوند درگ ه به ما ب رای مسیح نریز اک نون (3:18 قرن ت یان دوم به رجوع

با اساسي تفاوت ي خداوند با مسيح فعلي رابطه كه داديم نشان خداوند با مسيح ندارد مسيح دن يوي زندگي هنگامي كه آنان رابطه كرد؛ مي دعا او درگاه به و بده ارتباط در پروردگارش و پدر به عنوان هان به مسيح معراج و تاخيزرس از پس نيز اكنون وضعيت اين زمين، روي خويش زندگي طول در مسيح است مانده باقي شكل (11:53 و 1:42 اشعيا و 26، 13:3 رسولان اعمال) بود خداوند خدمت گزار باوجه هيچ به و كندي عمل خويش ارباب خواست به خدمت گزار يك توان كل كه بود کرده تا كيد مسيح (16:13 يوحنا) نيست برابراو ميل به من": نيست او خود آن از است خداوند جانب از اخت ياراتش و مي خود پدر از كه را كارهيي ف قطب لكه .دهم نمي انجام خودكاري (19، 30:5 يوحنا) "آورمي عمل به به ينم،

## هپ ر سش :8 ف صل

1- است؟ شده گ داشته صحه خداوند گانگي سه به انجيل در آيا

ب له (الف)

خ ير (ب)

2- بود؟ متفاوت ما بانظر چه از عيسي

ن كردگ ناه هگ ز (الف)

بود خدا شخص متولد پدر (ب)

ك ندگ ناه ت وان ست ندي هگ ز (ج)

ك ند پدر شه ت قوي كه كرد وادار را او خداوند (د)

3- داشت؟ شد باهت خداوند به نظر چه از عیسی

داشت خداوندی فطرت خویش ز مینوی زندگی در او (الف)

ب) و در کمال دارای داوندخ ماند او (ب)

ب) و در خداوند اندازه به او دانش (ج)

ب) و در برابر خداوند باکاملاً او (د)

4- داشت؟ شد باهت ما به نظر چه از عیسی

ب) و در امان فسانه‌ی هلی و سوسه و بشاری تجر بیات تمام (الف)

گ) دیدگانه مرتکب بود، جوان زمانیکه (ب)

ب) و در نیازمند رسد تگاری به (ج)

د) داشت بشاری فطرت (د)

5- است؟ درست زیر از جملات کدام یک

ب) و در کمال شخصیت و فطرت دارای عیسی (الف)

داشت کمال شخصیت و اما بود، جائزاً خطا فطرتی دارای عیسی (ب)

انسان بسیار بود و خدا بسیار هم عیسی (ج)

به وی ارتکاب از قبل آدم حضرت فطرت هاند عیسی فطرت (د)  
بود گناه

## مسیح سوي به ت عميد: 9 فصل

### ت عميد حياتي اھيت 9-1

کردیم؛ اشاره ت عميد اھيت و ضرورت به به ارھاگ نداشتہ فصول در ک تاب به شارتهاي از فرمان برداري جهت در گام نخستين ت عميد از يکي به عنوان ت عميد مورد در 6:2 ع بران بيان آيه در است مقدس به حث اين ما است شده صحت پايه و به نيادي هلي دک تزين مهم ترين از پس ف قط صديح ت عميد زي را داديم، قرار خود مباحث انتهاي در را اک نون . شوممي ميسر مقدس ک تاب به نيادي واقعايات دقيق فهم از به خواهيد اگر رايم؛ هر سانه پايان به را مقدس ک تاب مفاھيم به ررسي به ره ک ندمي ارائه مسيح عيسي طريق از انجيل که به شارتهاي ت عميد به رکات از بايد ت ردي دي کوچک ترين به دون به برید، شوي دمست فريض .

وعده چراکه (4:22 يوحنا) "ر سدمي دنيا اين به يهود به وسيله نجات" طريق از ف قط ما . شده داده وي ذريه و ابراهيم به ت نهار س تگاري گرفتہ ته قرار ابراهيم ذريه زمرة در ت وان يممي مسيح سوي به ت عميد (3:22-29 ان غلاطي) شوي م به خوردار موهبت اين از و

سفر دنيا ت مام به " است داده فرمان پيروان شان به صراحتاً عيسي - است آمده ابراهيم به شده داده هلي وعده در که) انجيل ت عميد و ک نيد اين مان که آنان زماني بدت بلوغ مخلوقات ت مامي به راي را (3:8 غلاطي بيان ان ايم که که ساني شد خواهند رس تگار اند، شده ت عميد و داشتہ (16:16 مرقس) "يا به ندمي نجات به گيرند، ت عميد غسل و به ياورند مقدس ک تاب ت عميد به ايمان که دهمي نشان "و" به طحرف به ت وجه صرفاً مسيحي ف رد به راي ت عميد نيست؛ کافي رس تگاري به راي اين است رس تگاري نياز پيش و واجب به لکه نه بوده مس تحب عملي شود، مي مار رس تگاري موجب هلي تين به ت عميد که نيست معني به دان جهت نيز زندگي طول ت مام در خداوند کلام از مس تمر اطاعت که است کرده ت اکيد مس نله به راي عيسي . است لازم رس تگاري نيابد ت ولد روح و آب از کسي تا است حقيقت عين گويد مي آنچه" (3:5 يوحنا) " . شود خداوند ملکوت وارد ت وان ندمي

مي به يرون سر ت عميد آب از که دارد شخصي به شماره "آب از" ت ولد رونديک اين . شود م تولد روح از مجدداً به ايد ف رد عمل اين از پس آورد؛

ب رای خدا زنده ه پشه پ یم از ... شدن م تولد دوباره": است مداوم کلام به مداوم پ اسخ طریق از ب نابراین (1:23 س پ طر اول) "انسان (ک نید مراجعه 2-2 ب خش به) شویم می م تولد روح از که است روح

و، (3:27 غلاطیان) "گر رید می می مسیح از جزئی و شویم می م عمید" ما داشته ت وجه. (28:19 م تی و 8:16 و 19:5 ر سولان اعمال) او نام سویی به و Carelinks ب سویی نه شویم می م عمید مسیح سویی به ما که با شدید مسیح حمایت تحت مات عمید ب دون دیگری ب شری مجموعه هیچ نه ما حال شامل ب شریست تگاری ب رای او از خودنگ ذشتگی و ب ودن خواهیم تمثیل واقعیت این مورد در پطرس. (4:12 ر سولان اعمال) شدن خواهد کشتی که هانطور است، نوح کشتی هانند: ده می اراده زیبایی جانتن شدن نازلگ ناهکاران سر بر که جزایی از راشخانواده و او نوح اب دی مرگ از را عیسی پیروان نیز مسیح سویی به عمید داد، به ما ورود به کشتی به نوح ورود. (3:21 پطرس اول) ب خشمی رهایی کسانیکه تمام است شده ت ش به عمید غسل راه از مسیح آغوش ک ناردر ایستادن سپردند؛ جان طوفان در ب و ذذک شتی بیرون راه تنها نشد ک سی رهایی و جانتن مایه نوح با دوس تی پاک شتی ب ود (مسیح آغوش) ک شتی در گرفتن جای رستگاری و نجات ت ش به نوح طوفان به که مسیح ب ازگشت که است روشن. (هست) آغوش به ورود دل یل هین به است نزدیک، (17:26، 27 لوقا) است شده از ب شری کلمات است فوری و واجب عمید راه از (کشتی) مسیح و اندیل ب بیان هس تند؛ عاجز و قاصر ضرورت این هیتا ب بیان ترمس تدل و تر قوی ب س یار نوح زمان در کشتی به ورود روایت است.

نقاط اقصی به نهاده، گران مسیح فرمان به نخستین مسیحیان به و کرده ت رویج و ت بلا یغ را مقدس ک تابتعالیم کرده، س فردنیامورد در ر سولان اعمال ک تاب در پرداخ تند؛ عمید غسل مراسم اجرای از ت عمید حیاتی اهیت است شده صحت فصلیل به مس نله این از پس بلاف اصله مردم ک تاب این ط بق که شومی آشکار آنجا ر سولان اعمال مثلاً) شند می م عمید مقدس، ک تابتعالیم پذیرش هب که شویم می م موضوع م توجه زمانی. (8:12، 39-36، 9:18، 10:47، 16:15) مقدس ک تاب از ماهی آمخته ت عمید ب دون که برسیم نتیجه این رستگاری راه در حیاتی گامی ت عمید است؛ فاید بوی و بیهوده که است شده ب بیان الهام تحت مک توب روایات از در بعضی است انداختن تعویق به ب رای ب شری دلایل از ب س یاری علیرغم چگونه اهیت آنجا تاعمل این آن، جرای راه بر سر ب س یار مشکلات و ت عمید،

خداوند، کمک با ال به ته آن، انجام برای ت لاشی هیچ از مردم که داشت کردند نمی دریغ.

خود زندگی در بحران بزگ ترین با روزیک فیلایی زندان بان هم از وفور ریخت راوی هلی زندان شدید زلزله یک شد، روبرو به آنان فرار حالیکه در کردند پیدافرار فرست زندان بان باشند مقدس کتابتعالیم به وی ایمان می شد تمام زندان بان جانقیمت... یافتتعمید شب از ساعت هان" که تاحدی شد، اسنوار آنگاه به برای راهانه به ترین قطعاً او. (16:33 رسولان اعمال) "بلافاصله 3000 دریونان زلزله بدترین داشتتعمید غسل انداختن تعویق و زندان از خطرناک زندانی به ی شماری تعداد فرار اذتعالی، سال عذروظیفه، انجام درانگاری سهل سبب به زندان بان اعدام امکان متعاقباً عنوان به تعمید غسل به اولی بود، تعمید غسل تعویق جهت وی بدو برده پی خود ابدی سرنوشته حتی و زندگی کل عمل مهم ترین هان یعنی اطرافش دنیا ای لحظه مشکلات بر تمام او بنابرین و کرده غلبه خود عصبی وضعیت و روزانه کاری فشارهلی، (زلزله در دلیلی به که که سانی از بسازی گرفت قرار تعمید غسل مورد این انجام بدگیرند الهام مرد آن از توانند می دارند، شك شدن تعمید است، مقدس کتابتعالی درک و اربسی ایمان نشاندگر او توسط عمل کلام شدنیدن از آنها محکمی و راستین ایمان چنین که دانیم می (17:11 رسولان اعمال - 10:17 رومیان) گبردمی نشأت خداوند

حکومتی مسئولین از یکی مورد در 26:8-40 رسولان اعمال آیات در غولمش ارابه یک با کوپرازگ ذر هنگام که شده صحبت ایوپیی کتابتعالیم که شد روبرو فیلیپ با او بود خود انجیل مطالعه از کرد اشاره تعمید ضرورت به و دادتوضیح او به مفصلاً را مقدس از اطاعت آبدی و خشک کوپران در که رسد می نظر به به شری دید بعضی که فرمانی خداوند ولی باشد محال امری شدن، تعمید فرمان یک به خود راه در آنها" بزمایند می صادر کنند، اطاعت نتوانند مردم از بود پذیر امکان آن دریافتن تعمید که ایواحه" رسیند آب برکه خاص یافتن تعمید که میبدهنشان مسئله این. (8:36 رسولان اعمال) هر پشه خداوند نیست دارند، کافی و زیاد آب به دست سیکه اما کنی فراهم خویش بندگان برای فرامینش از اطاعت جهت عملی راهی یک آورد می.

او و گرفت ته قرار مسیح از وحی تأیید تحت قویان بی پولس وجدان (9:18 رسولان اعمال) "یافتتعمید و برخواست" ممکن لحظه اول بین در به را خویش تعمید و گرفت ته قرار و سوسه مورد توانست می نیز او



داشت یهودیان به بین که شرایطی و او اجماعی موقت اندازد، تا آخر  
 اما دهده جلوه ناخوشایند برایش را مسیح سویی به تعمیدت و انستمی  
 ترین سریع و ترین صدیح یهودیت آسمان فروزان ستاره این  
 شایه علناً و پادتعمیدتاگرفت را خویش زندگی تصمیم  
 تصمیم مورد در بدها و نمایدن فی را خویش زندگی گزیده  
 هه اکنون اما: "دهمی تو صدیح اینگونه شدن تعمید بر مبنای خویش  
 دور بود، به ارزش به بسیار بر ایام روزگاری که را امتیازات این  
 چیز هه ولی، به بینم مسیح به را امیدم و ایمان به توانم تاربختم،  
 است ارزش پی، مسیح عیسی خداوند شدن ناخست نعت مقابل در  
 ندارند، ارزش پذیرش من ای بر چون گزاشتم، کنار راه به نابراین  
 هنوز من عزیز، به راداران ولی به اشم داشتم که راه به نابراین  
 می کار این صرف را خود بیرونی تمام اما نیستم، به اشم باید دان که  
 آنچه به امید و انتظار با و کنم فراموش را گزیده ای نکه آن و کنم،  
 اثر ردای نه هه و خوانده می فرادوزم، چشم است پیش در  
 فیلیپیان) "است داده انجام ما بر ای مسیح که فداکاری ست  
 3:7،8،13،14)

شدت به پایدان خط از شدن رد جهت که است ورز شکاری زبانی این  
 و ذهنی تلاش با پادتعمید از پس نیز ما زندگی به ندمی تلاش  
 تعمید که شود درک باید به باشد همراه آن نظیر متمرکز جسمی  
 تغیر نماید صرفاً تعمید است خداوند ملکوتی و سب به راهی ابتدای  
 زندگی یک به ورود معنی به حال عین در و نه بوده اع تقاد یا ف رقه  
 کلی اصل چندم بهم تفسیر اطاعت از که در سرب و راحت  
 و شدن مصلوب به را ما تعمید نیست شود، منجر مسیحیت  
 از شارس نظر هواز (3:5-6 رومیان) زده پیوند مسیح رسد تاخیز  
 به اشمی پیوایی لحظات

اینگونه والا معنوی مرتبه دارایی و خست به پیرمردی به عنوان پیولس  
 آسمانی رویایی آن از من حضرت ا، علی به نابراین، "به ندمی تعریف  
 پیولس بر ای هم که مطل بی (19:26 رسولان اعمال) "باز کرده سر پیچی  
 است این که ندمی صدق اند شده تعمید در ست که ساندیکه تمام بر ای هم و  
 طول تمام در شدن خواهد پذیرش شدن تعمید از هرگز کس هیچ به که  
 کم تر معمولاً این نموده صدیح اند تخابی که به ود خواهیم آگاه زندگی  
 به اشد مطمئن آن صحت از انسان که یافتت و ان می را به شری تصمیم  
 چرا: "که اینست شود داده پاسخ جدی به طور باید ستمی که سؤالی  
 "وم؟ نش تعمید

## ب شویم؟ ت عمید غسل چ گونه 9-2

در ب ویژه ت عمید، ک ندمی عنوان که دارد وجود فر اگ یر ن گرش یک صورت آنان پ یشانی روی آب پ اشیدن با ت واند می نوزادان، مورد ت لقی ضروری ت عمید مورد در اندیل که آنچه ب اروش این ب گ یرد دارد مغایرت ک ند، می

است، شده ت رجه " شدن ت عمید" پ لانج در که "baptizo" پ و نانی واژه شدس تشوی معنای به ب لکه ن یست؛ آب پ اشیدن یا ریخ تن معنی به ه ه رست به) است مایع یک درون در جسمی ساختن مس تغرق و کامل واژه این (نمایید رجوع اس ترانگ ج یمز و یانگ رابرت معنی - لغت آنه رف تن فر و و هک شتی شدن غرق مورد در قدیم پ و نانی زبان در یال باس ب ردن فر و مورد در هچ نین واژه این م یرود کار به آب در شود می اس ت فاده آن رنگ تغ یر منظور به مایع رنگ در ای پ ارچه کامل ب طور آنرا ب ای ستمی مسلماً باس، یا پ ارچه رنگ تغ یر پ رای اذ ر قطعاً آن روی ب ر رنگ پ اشیدن و کرد و ر غوطه مایع یک درون در فر و که دهند می نشان زیر هلی آیه داشت نخواهد ن بال د به را لازم است ت عمید صدیح روش آب در رف تن

اوپس ب و دن یاف تاده زندان به هنوز هنگام این در ی حیی - داد می ت عمید غسل را مردم ع ینون ب نام محلی در سالیم نزدیک ن یز که ده می نشان مسئله این (3:23 ی و دنا) "ب و د زیاد آب آنجا در چون ق طره چند پ اشیدن با اگ ر که چرا ب ود؛ لازم زیادی آب ت عمید ب رای ت عمید ران فر صدهم یشد سطل یک با آن گاه ب ود، م یر عمل این آب و شوند، ت عمید تا آمدن می اردن رود ساحل از ن قظه این به مردم داد رف ته آنها سراغ به آب ب طری یک با ب ت واند ی حیی که ن بود ای نظور دهه انجام را ای نکار و

از پ س: " شد ت عمید اردن رود در ی حیی ب و س یله ن یز ع یسی - ت عمید که است واضح (16-3:13 متی) "آمد ب یرون آب از ع یسی ت عمید آب از" و " شد ب لند" او که چرا ب وده آب در رف تن فر و ب صورت وی ال گوی ی ای جاد ع یسی یاف تن ت عمید دلایل از ی کی. " شد خارج ب دون ت واند می کس هیچ ب ناب رای ن ب ود، ش پ یروان ب رای مناسب ب اشد او از پ یری مدعی (مسیح از ت قلید) شدن ت عمید

ا ت یوپی حکومتی مسؤل آن و ف یل یپ مشابه، شکلی به - را او ف یل یپ و رف تند آب داخل دو ه داشت تند ن گاه را کالاسکه پ س"

وجهت (39، 38:8 ر سولان اعمال) "...آمدند ب یرون آب از ولی داد ت عمید درخو است کرد، مشاهده را آب واحه زمانیکه مرد آن که باشدیداشد ته ت عمید غسل حالاً دارد امکان آیا اب هم این بکن نگاه: بمود ت عمید مرد آن که ب و دمطمئن تقریباً ت وانمی (36:8 ر سولان اعمال) "ب گ یرم؟ زدنمی دست کویر در سد فر به (ب طری یک مثلاً) آب کمی حداقل ب دون مرد آن ب و د، میسر آب قطره چند باشدیدن با شدن ت عمید اگر پس کردنمی پ یدا واحه به ن یازی

پ و شش با پس، (2:12 کول سیدان) است ت دفین نوعی ت عمید -  
یاب دمی انجام کامل

اعمال) شودمی پادگ ناهن "شستن" عنوان به ت عمید از -  
2:22 طرسپ دوم و 3:5 تیطوس و 1:5 مکاشفه آیات در. (22:16 ر سولان  
"شستن" به حقیقی کیش تغیر غیره و 10:22 عبران یان و  
آب باشدیدن به که آن از بیش شستن از صحت است شده ت ش به به  
دارد ش باهت آب در رف تن فر و به باشد، ش به نزدیک

به مقبول راه دهندمی نشان که دارد وجود مخلفی شواهد ت یق عهد در  
است شستشوی ذوع خداوندی درگاه به ت قرب منظور

مراسم اجرای طریق از خدا به قربت از قبل بایست می هک شیش  
خروج؛ 6:8 لایوان) کردنمی شستشوی خاص "وان" یک در مذهبی،  
مثلاً) هذنا پاک بی برخی از خود ت طهر بر رای اسرائیل ب نی قوم. (32:40  
شستشوی را خود بایست می ب و د، آنان گ ناهن نماد که (11:23 ت نیه  
دادنمی

به شفا بر رای ب ر د، می رنج جذام ب بیماری از که ن عمان نام به مردی  
ب و دگ ناهکاری فر د نماد او جست ت و سل اسرائیل ب نی خداوند درگاه  
کردمی تجربهرامرگ دن یاهین در خویش گ ناهن سبب به که  
اب تدار او شد میسر اردن رود آب در رف تن فر و باوی به بودی  
و ک ند، بر طرف راوی مشکل ت و اندنمی ساده کار این که کردمی ت صور  
یادده، انجام خداوند بر رای عجب بی و دشوار کار باید حتماً کردمی ف کر  
به ن یز ما رود فر و ابانه همچون معروف و بزرگ رودی در آب حداقل  
نمی ای ساده کار چندین که که نیم ت صور است ممکن مشابه شکل  
ت صور که ای نست ما بر رای ت رجذاب ب شود ما رس ت گاری موجب ت و اند  
به و داده انجام بزرگی کار هلی بایدر رس ت گاری بر رای ک نیم  
نجات تاب پیوندیم (ابانه رود به ت ش به به) معروفی ک ل ی ساهنی  
می پ یمان هم اسرائیل ب نی بار اما که ساده عمل همین ولی یاب یم

ف رورفت اردن رود آب در ن عمان جسم ای نکه از پس است کافی سازد،  
 (دوم) " شدت ازه و ت ره نوزاد، یک بدن پوست مانند دندش و ستپ" و  
 (9:5-14) پاد شاهن.

که باشد مانده باقی ن باید دای شد بهه و شک جای هیچ بنابر این  
 درک از پس ال بدته شود، می اطلاق آب در کامل ف رورفتن بدنه "تعمید"  
 به ای اشاره هیچ تعمید از انجیل تعریف مقدس کتاب بنیادی پیام  
 آب در رفتن فروتعمید یک نذمی تعمید دهنده فر دمقام و جای گاه  
 دیدگاه از بنابر این است، مقدس کتاب تعالیم بدیه ای مان از پس  
 که آنجا اول یکن باشد می نیز خودتعمید به قادر شخصی هونظری  
 به تعمید زمان در تعمید شونده واقعی ای مان سبب به فقط تعمید  
 شومی تو صیه قطعاً است، ارزش دارایی مسیحیت راستین نظریات  
 به قادر چیزها از قبل که دیدگری راستین مومن توسط تعمید که  
 باشد، مقدس کتاب تعالیم از شونده تعمید آگاهی سطح ارزیابی  
 بدگیرد صورت.

با اشخاص تعمید از قبل که است رسم Carelinks بین سبب بدین  
 که چنان نظیر سوالات، سری یک بدپردازند فصلی بحث به آنان  
 راهی بد بحث چندین محور ت و انذمی آمده، کتاب این فصل هو پایدان در  
 شخصی به کمک جهت Carelinks که افتاده اتفاق بارها دهه شکیل  
 حتمی یابی دست اندپ بموده راه مایل هواران شود، تعمید خواهی که  
 به و است ارزشمند حد این تا اب دی زندگی به شارت به فر دیک فقط  
 ما ندارد چندان ای اهیت مابرای کیشان ازه تعداد که است سبب این  
 دهیم می اهیت کمیت از بیش کیفیت به برخورداران در

### تعمید معنای 3-9

که است شباهتی تعمید هنگام آب در کامل رفتن فرود لای از یکی  
 را ما عمل این دارد وجود قدر در انسان گرفتار و عمل این بین  
 آکنده قبل زندگی به "مرگ" نوعی با وزده پیوند مسیح مرگ با  
 رس تاخیز به را ما آب از شدن خارج دهیمی خاتمه ماگناه و جهل از  
 بازگشت هنگام که بخشدمی را مید این مابه وزده پیوند مسیح  
 در ک نیمی آغاز را ای جاودانه زندگی و کرده رس تاخیز نیز ماوی،  
 پیروزی سبب به و کرده شروع را جدیدی زندگی ما مرحله این

برترتوانیم بیافت، تحقق وی رسد تاخیز و مرگ توسط که مسیح  
کنیم پیدادست والای معنوی مرتبه به و کرده غلبه گناه

غسل و آوردیم ایمان مسیح به وقت که دانید نمی مگر! هوگ ز"  
طبیعت او، بامرگ و شدید او پاك وجود از جزئی گرفتیم، تعمید  
است، شده نابود مادر گناه قدرت که حال پس مرد؟ نیز مالوداگ ناه  
دهیم؟ ادامه خود سابق آلودگ ناه زندگی به بازتوانیم چه گونه  
داشت، می دوست را گناه که هم ما که نه طبیعت مرد، مسیح هذگام یک  
پرجلال قدرت با پدر خدای که زمانی و شد، دفن تعمید آب در او با  
و تازه زندگی آن در نیز ما با از گرداند، زندگی به راه مسیح خود،  
به ایم شده مسیح وجود از جزئی ما بنا براین. شدید شریک عالی  
نیز ما در واقع مرد، صلای روی بر مسیح که هذگامی دیگر، عبارت  
در نیز ما است، شده زنده مرگ از پس او که اکنون و مردیم، او با  
خواهیم زنده مرگ از سپ او ماند و هستیم شریک او تازه زندگی  
شد (6:3-5 رومیان)."

میسر مسیح رسد تاخیز و مرگ طریق از تنهار رسد تگاری که آنجا از  
این به را خود که است ضروری شدن رسد تگار جهت بنا براین است،  
طریق از که مسیح نمادین رسد تاخیز و مرگ بی زنی می یوندمور  
می است مهم این انجام بر ای ممکن راه تنهاگ برمی صورت تعمید  
رانمادین وجه این آب باشدیدن که سازیم خاطرنشان مجدداً ایست  
می مصلوب (زندگی روش) ما قبل زندگی" تعمید در ده نمی شکل  
خداوند (6:6 رومیان) شد که صلای به مسیح که هذگونه "شود  
بیاد (2:5 اف سسیان) "ساخت همراه مسیح با ما" تعمید بوسیدله  
می باقی بی شری ما فطرت هنوز نیز تعمید از پس که اشد بدبداشته  
روند تعمید از پس ماندمی باقی ما جسمانی امیال بنا بر او ماند  
عیسی بیاد می ادامه روند این ولی شود، می آغاز ما جسم شدن مصلوب  
بکشند خود دوش بر روز هورا صلای که است گفتی پروانش به  
و 23:9 لوقا) شوند مصلوب بنا است که گوی کنند پروی او از و  
به پیوستن ولی نیست، ساده مسیح همراه به شدن مصلوب (14:27)  
بدراد در او و صفی غیر قابل آرامش لذت مسیح رسد تاخیز

ارمغان به "بشریت بر ای را صلح صلای بر خودش دادن با" مسیح  
به قادر انسان فخر که آرامشی خداوند، آرامش" (1:20 کولسیان) آورد  
دهمی وعده مسیح را بظن در (7:4 فیلیپیان) "نست آن درک  
است دل و فخر آرامش هیه، این رومی و گدارمی شما نزد ای هیه من"  
زودگذر و دوام بی ذی یا های آرامش ماندند همی شما به من که آرامشی  
آرامش و صلح این معنوی لذت و ارزش (14:27 یوحنا) "نست

مسیح به په یوسد تن هلي سختي و مشکلات از ید شترت به س یار  
زحمت به ید شترت مسیح بر اي هوقدر که به داریدید قین": است مصلوب  
(دوم) "یافت خواهیم به ید شترت دل گرمي و تسلي او از به ید نیم،  
(1:5 قرن تیان)

به نابراین و مرده ما ط به یعی ن فس که مسدله این به به ردن پی  
کند، می هراهی را ما به وده ما ک نار در هلازمايش تمام در و هواره عیسی  
سالهای از پس نبی پولس دارد بدنبال بر ایمان آزادی احساس نوعی  
به رروی مسیح وقتي": بنمود عنوان چندین زیاده، تجارب و ماجرا به ر  
پس شدم مصلوب او به انیز من در حقیقت شد، مصلوب صلاب  
من در که است مسیح به لکه کنم، می زندگی که نه یست تم من دید مگر  
دارم، به دن این در ای نك که واقعی زندگی این و اکند می زندگی  
به رای را خود و نمود محبت مرا که خداست فرزند به من ایمان نتیجه  
به ساخت فدا مان (2:20 غلاطیان)".

مسیح، شدن زنده به وسیله که دهیم می نشان گ یرم، می تعمید وقتي"  
سوی به واقع دریافتن تعمید با... ای می افت ته نجات هلاکت و مرگ از  
پاک گ ناهلن از راهای مان که خواهیم می او از و گردید می به از خدا  
به سوی مسیح رسد تاخیز با ما پیوند زیا (3:21 پطرس اول)". سازد  
این در شدن سهیم با به خشمی جاودانگی نیز ما به به دی زندگی  
به ارا مطلب این عیسی. شویم می رسد تگار نهایتاً که است رسد تاخیز  
خواهید نیز شما زنده من چون": است کرده عنوان چندین ده ساکلماتی  
خود دشمنان هنگام یکه": بگفت نیز پولس (14:19 یوحنا)". زیست  
اکنون پس داد، آشتی خود به ارا ما فرزندش مرگ به وسیله او به دیدیم،  
کند، می زندگی ما قلب در هم مسیح عیسی و ایم شده خدا دوستان که  
رومیان احیاء)، "کرد خواه اعطاء ما به به پر شکوهی و عالی به رکات چه  
(5:10)

رنج و مرگ به پیوند و تعمید طریق از که است شده تا کید به ارها  
به پر شکوه رسد تاخیز در حتم طور به مان، زندگی نوحه متعاقباً و مسیح،  
به و خواهیم سهیم مسیح:

شویم، ک شد ته او راه در به ید نیم زحمت مسیح خاطر به اگر"  
مرا واقعیت این بگرفت خواهیم سراز او به ارا زندگی آسمان، در  
دنیا، این در که کنیم می فرکر اگر به خشمی تسلی و تقویت  
به یاد آوریم به به یایید خوب است، دشوار به س یار او به کردن خدمت  
او به اوندست خواهیم او در کنار که رسد خواه فرار روزی که  
(2:11، 12 تیموتائوس دوم) "بنمود خواهیم سلطنت

خطر در هواره نیز ما شد، روپ رو مرگ با مسیح که هان گونه" -  
 مرگ را پس را عیسی ما خداوند که خدا هان دانیم می... داریم قرار مرگ  
 هراه به تا کرد خواهد زنده مسیح، عیسی ماندن نیز را ما کرد، زنده  
 (14، 11، 10:4 قرن تیان دوم) "ب. برد او حضور به شما

با مردن و کشیدن رنج که که نم درک و اهرم می من" بگفت پولس -  
 در که که سانی ماندن بتوانم شده، که که قیامت می هوبه تا چه یعنی او  
 و تازگی در و بیا بیا جدیدی کاملاً زندگی شوند، می زنده قیامت روز  
 (6:14 غلاطیان به رجوع 11، 10:3 فیلپیان) "سربرم به آن خرمی

## رسد نگاری و تعمید 9-4

که است معنی بدین زندگی پیاورد مسیح مرگ به را ما تعمید ای نکه  
 دست گناهنان به خشنایش به توانیم می تعمید طریق از فقط  
 که نه طبعیت واقع در اید، گرفتار ته تعمید غسل که زمانی "اما بیا بیا  
 و شدید زنده مسیح با سپس شد، دفن و مردم مسیح با گناهارت ان و  
 کلام به که بود این رات در اینها تمام کردید آغاز انوین حیاتی  
 کرد زنده مرگ از پس را مسیح که خدای آوردید، ایمان تان انا خدای  
 به وجودت ان آلودگناه هوسهای و بودید مرده خودگناهنان در شما زمانی  
 هه زیر را گرداند، سهیم مسیح حیاتی در را شما خدا اما بود مسلط  
 شدست تشومسیح نام در" ما (13، 12:2 کولسیان) "آموزید را گناهنان  
 عیسی نام به تعمید یعنی، (11:6 قرن تیان اول) "شویم می داده  
 آیه در مسئله این از تمثیلی است ما گناهنان شدست تشوی راه مسیح  
 در مردندمی بایست می تطهر آب فاقدان که شده عنوان 19:13 اعداد  
 گناهنان شدن شدست به باعث تعمید چگونه که دادیم نشان 10-2 به خش  
 گناهنان شدن شدست به وصف بنابر این (16:22 رسولان مالاع) شودمی  
 اشاره شدن تعمید راه از گناهنان به خشنایش به مسیح خون با مومنین  
 به عنوان مسئله این از 3:5 تیطوس و 7:14 و 1:5 مکاشفه) کندی  
 هه گام که موضوع این به و کرده یاد "دوباره تولد شدست تشوی"  
 (3:5 یوحنا) ارده اشاره شویم می "آب از متولد" تعمید

به پطرس پاسخ که است درک قابل مسائل این تمامی به باتوجه  
 شما از هیک "جمله" بکنیم؟ بایچه (شدن رسد نگار باری) "سؤال  
 نام به و بازگردید خدا بسوی کشیده، دست گناهنان از بایده  
 به خدا آن گاه به بخشد را گناهنان خدا تا تعمید بگیرید عیسی،

رَسُولانِ اَعْمَالِ) "بمؤد خواهد اعطاء الہ قدس روح یہ عینی ہدیہ، این نہ یز شما است؛ گ ناهلن بخشش منظور بہ مسیح نام بہ ت عمید باشد (2:37،38) ت عمید کہ کسی ای نرو از ونہ بوده ممکن گ ناهلن بخشش آن بہ دون ک ندمی دریافت را - مرگ یہ عینی - خویش گ ناهلن جزای نہ یاف تہ اعمال) است ممکن مسیح نام بہ ت نہارس تگاری (6:23 رومیان) می مسیح نام بہ یاف تن ت عمید صورت در ف قطما و (4:12 رسولان معنی بہ دین واقعیت این بہ اشیم سہیم اورس تگاری در ت وانیم بہ ت وان ندمی وجہ ہیچ بہ مسیحیت غیر ادیان بہ مع تقدین کہ است ندمی انجیل بہ واقعیتی مع تقدین از یک ہیچ یاب ند دست رس تگاری ک لیسای و کاتولیک کہ این بہ پذیرند در اچیزی چندین ت وانند آنان بہ ارتساف بہ رداشت و بہ خورد در دارند، اع تقادی چندین آن جہادی دارد ریشہ مقدس ک تاب از

بروی غلبہ نہ شانہ اب دی زندگی سوی بہ مسیح رس تاخیز زندیم، می پیوندد پیروزی این بہ را خود مات عمید یاب و دگ ناهلن ش ما برگ ناه و کردہ رس تاخیز مسیح بہ اکہ گ فت نہ وامی بہ نابراین نہداشت سلطہ دیہر مسیح بہر کہ ہانطور داشت، نخواہ سلطہ پس، این از تا ای دشدہ آزادگ ناہ بہ رنگی از" ت عمید یاب نابراین نہ باشد، شما رباب دیہر گ ناہ پس بہ اشید صداقت و پاکیبہ رده اسدیرا شماگ ناہ تا ندیس تید شریعت قید در دیہر اگر اکون زیرا مادرگ ناہ امکان ہنوز ت عمید از پس ول یکن (6:18،14 رومیان) "کند روی صورت در تا است در کمین گ ناہ (9،8:1 یوحنا اول) دارد وجود حال در ما بہ نابراین بہ کشد بہ رنگی بہ را ما مسیح، از ما بہرگ رداندن در مات عمید و ہستیم شریک مسیح رنجہائی و مرگ در حاضر دہمی امید ما بہ ت عمید یہ عینی کند، می شریک نہ یز مسیح یزرس تاخ یباشیم شریک اورس تاخیز در مسیح بازگشت ہنگام کہ

ایمان کہ ک سازی" ہستیم امان درگ ناہ از بہ الہ قوہ صورت بہ ف قطما کہ (16:16 مرقس) "یاب ندمی نجات بہرگ یرند، ت عمید غسل و بیاورند زمان ہان از نہ نہائی یی رس تگار است مسیح بہازگشت ہنگام منظور قیامت روز در داوری و قضاوت سند بہر ردر بہ لکہ ت عمید، غسل در زمان رس تگاری اگر واقع بہ (3:15 قرنہ تیان اول) میشود حاصل در داوری و قضاوت بہ نہ یازی نہ دیہر میشود، حاصل ت عمید غسل (10:22 متی) مرگ بہ نہ یازی نہ و بہ ود، قیامت

مجبور (مسیحیان تمام و) پولس نہ یز ت عمید غسل از پس حتی 13- فیلیپی (یان) ک نند ت لاش رس تگاری بہ رسیدن بہ رای بہ و دند 1:2 تیطوس) جاوید زندگی انی بہ امید از او؛ (9:27 قرنہ تیان اول و 3:10



وارثان" ما که این و (8:24 روم بیان و 5:8 تا سالوند یک بیان اول و 3:7 و روز در است گفته سخن (1:14 ع بران بیان) هست تیم، "رسد تگاری (25:46 م تی) یافت خواهند دست جاوید زندگی از به نیکان قیامت، 13:11 روم بیان آیه سراسر در پد و لاس آسمانی و اندگیز شد گفت منطق دادیم می تعمید غسل از پس که که ند می اسد تدلال چندین او - درخ شدمی در ک نیم، می تحمل را مشقات و سد پری را زندگی از روز دو وقت می که این به و شویم، می نزدیک مسیح با زمان به روز یک واقع ترپیش چه آن از اکون" که که نیم ف کر چندین تو اندیم می تر ریب از هنوز با ناپراین. "شدم نزدیک رسد تگاری به کردیم می ف کر به است؛ مشروط رسد تگاری. ایم نشده مندبهره رسد تگاری نعمت که نیم ظحف را حقیقی ایمان که شویم می رسد تگاری شرطی ع بران بیان)

داشت ته خاطر به را مقدس کتاب اساسی و اصلي هي آموزه، (12:3-14 با اعمالمان و، (15:1.2 قرن بیان اول و 4:16 تا پموتائوس اول) باشدیم (1:10 پطرس دوم) باشد داشته تطابق رسد تگاری والای امید

در گاه گه شده ترجمه "شدن رسد تگار" که یونانی فعل آن با ناپراین این با یانگر موضوع این و رود، می کار به نیز اسد تماراری حال انزم اطاعت واسطه به که است مسد تمار ف رای ندی رسد تگاری که است به مؤمنان از رهین از. دهد می رخ مادر مقدس کتاب از ما مسد تمار در حال" عنوان به مقدس، کتاب پیام به نسد بت شان واک نشی واسطه از دیدگری مآلهای و (1:18 قرن بیان ل او) شود می یاد "شدن رسد تگار می یافت 2:15 قرن بیان دوم و 2:47 رسولان اعمال آیات در موضوع این زمان فعل شکل به ف قط "رسد تگار" معادل یونانی واژه. (شود عظیمی رسد تگاری هان آن از منظور و است شده اسد فاده گزیده شده هذگام ما ساخت، ممکن با ایمان خویش شدن مصدلوب با مسیح که است 1:9 تا پموتائوس دوم) شویم می نزدیک رسد تگاری آن به تعمید غسل و (3:5 تا پطوس)

رف تار مبنای که است اسرائیل بنی با خداوند رف تار امر این نمونه دنیای نماد که را مصر اسرائیل بنی قوم یهود قوم این مؤمنان خدا، پیش که یزدیای هان رود، می شمار به دروغین مذهب و جسمانی و مادی احمر دریای از آنها کردت رک ک نیم، می زندگی آن در تعمید غسل از سرزمین به و کردند ع بور سیدنا صحرائی میان از سد پس و گزیده شد نمودند مسد تقرر خداوند ملکوت در را خود آن جادر و رسد پند موعود قرن بیان اول) ما تعمید غسل تمثیل احمر دریای از آنها گزیده شد تن تمثیل کنعان و ما؛ ک نونی زندگی تمثیل صحرائی سفر؛ (10:1.2)

قوم از تعداد چه که دارد آن از حکایت یهودا 5 آیه است خداوند ملکوت که آن از پس خداوند شدند ت لف صحرا در س فرشان در اسرئ یل ب نی که را ک سانی ت مام ب خشد ی د، رهلی ی مصر سرزمین از را اسرئ یل قوم " ساخت هلاک کردند می سر ی یچی خدا از و بدند شده ای مان بی "ر س تگار" و یاف ته نجات مصر از اسرئ یل ب نی قوم ب ناب رای ن می "ر س تگار" و یاف ته نجات گ ناه از شدگ ان ت عم ید که هانطور شد، نجات آی ا" پ ر س یدند می اسرئ یل ب نی مردم از ی کی از اگ ر . شون د که ن یست معنا آن به این اما داد، می م ژ بت پ اسخ حتماً، "ای د؟ ی اف ته اند ر س یده مط ل ق ر س تگاری به آنها

اعمال) آوردند روی مصر به دوباره ب اطن در اسرئ یل ب نی که طورهان پ یش را دروغ بین آموزه و شهوانی زندگی ب یاردی گ ر و (7:39 ر سولان ممکن ن یز اند یاف ته نجات" گ ناه از ت عم ید غسل ب ا که آنها گ رف تند، ن یز ما که این امکان ک نند س قوط خود م بارک و والا جای گاه آن از است اول آیات در ب گ یریم پ یش را ب یابان در اسرئ یل ب نی قوی کردار شده ب ر ر سی 21-11:17 رومیان و 4:1،2 ع بران یان و 12-10:1 ق ر ن ت یان غسل ب ا که شده اشاره اف رادی از ف روانی هلی ذمونه به اند ج یل در است که کردند ت نزل جای گاهی هب بعداً اما، "یاف تند نجات" گ ناه از ت عم ید آیات م (ت ل) ب و د مس یح ب ازگ شت زمان در شان محکوم بیت معنای به حرارت و پ ر شور اعظان و آموزه (29-10:20 و 6-4:4 و 14-3:12 ع بران یان یاف ت، ب اردجات ی ک که آن" که این ب ر م ب نی "اند ج یلی" اصطلاح به "است ر س تگار ه یش به رای

اط فای جهت در کمال و ت مام ای س فسطه شوا ه و هذمونه ه بن مطاب ق ب رای ن یز ای نجا در امور، ت مامی در هچون است ن فسانی هلی خوا س ته است "ر س تگاری" ب اعث حد چه تا ت عم ید غسل شوی م مطم ن که این ف راهم ن باید در ات عم ید غسل داریم شوا ه منطقی ب ر ر سی به ن یز ت عم ید که ن یست ای نظور دانست ر س تگاری جهت ف ر ص ت ی آورنده اف زایش را ر س تگاری احد تمال و ب وده ت عم ید از به تر صرفاً یاف تن شوی م؛ می ر س تگار آی نده در، "مس یح آغوش در" ت عم ید غسل ب ا ده ت عم ید غسل هذ گام که هانطور دهیم، ادامه مس یح از پ یروی به اگ ر به ورود به ت وان یممی قطعاً ای م، کرده اطاعت او از واقع در یاف تن ب ای د ت عم ید، غسل از پس زمانی ه در ب ا ش یم مطم ن و نذ خدا ملکوت به ت وان یممی مس یح ب از آمدن هذ گام که ب ا ش یم داش ته ای مان خال صانه داش ته قطععی اطم ی نان ت وان یممی اما شوی م پ ذی رف ته خداوند ملکوت شوی م، منحرف راست راه از ب عد روزهان است ممکن چرا که ب ا ش یم، خوداگ اهی معنوی آی نده از ت وان یممی دن یا این در که است مشخص ب ا ش یم داش ته

هنگام که نیکویی وجدان همان تا بکنیم را خود تلاش مامی باید  
 تعمید غسل نماید. فطرا داشتیم خداوند به نسدبت تعمید غسل  
 تعمید؛ (ی‌زاد و؛ 3:21 پطرس اول) است "نیکو وجدان به ال‌تزام"  
 نگاه روشن و زلال خداوند قابل‌لم‌در را وجدانش که ده‌می قول شونده  
 دارد.

که عظیمی رس‌تگاری به ما بافتن دست در تعمید غسل اگر چه  
 باشد ایم‌داشته‌توجه‌باید‌اما‌دارد، اساسی نقشی کند، می‌ممکن‌مس‌یح  
 پیش‌تر. شوندمی‌مار‌س‌تگاری‌باعث‌تعمید‌غسل‌عمل‌صرفاً‌که  
 زم‌لا‌مس‌یح‌تصلیب‌مس‌تمرید‌آدوری‌زندگی‌در‌که‌ای‌مداده‌ن‌شان  
 می‌ن‌شان 1:23 پطرس اول آیه‌با آیه‌این‌مقایسه (3:5 ی‌ودنا) است،  
 توسط‌ما‌ت‌دری‌جی‌نوزایی‌به‌تعمید‌غسل‌از‌پس‌روح‌ت‌ولد‌که‌ده  
 تعمید‌غسل‌به‌منوطف‌قطر‌س‌تگاری‌دارد‌ا‌شاره‌کلام‌یا‌و‌روح  
 رومیان) ایمان، (2:8 اف‌س‌س‌یان) الهی‌فیض‌حاصل‌رس‌تگاری‌نیست  
 نظریه‌این‌گ‌امگه‌است‌دی‌گر‌عواملی‌و (8:24 رومیان) امید، (1:5)  
 بنابر این است، ایمان به‌منوطف‌قطر‌س‌تگاری‌که‌شودمی‌مطرح  
 آیات‌اما‌ندارد، رس‌تگاری‌به‌رب‌طی‌تعمید‌غسل‌ه‌چون‌"عم‌لی"  
 تمایزی‌بر‌م‌تکی‌اس‌تدلالی‌چ‌ن‌که‌ک‌ندمی‌روشن‌24-2:17 ی‌ع‌قوب  
 ک‌تاب‌به‌مثلاً‌قی‌د‌قی‌ای‌مان‌ب‌اشدمی‌منجر‌عمل‌و‌ای‌مان‌میان‌نا‌درست  
 شودمی‌نمایان (تعمید‌غسل‌مثلاً‌آن‌عم‌لی‌ن‌تایج‌با‌واقع‌در‌م‌قدس  
 نیز‌خود‌اعمال‌ب‌وس‌پله‌ای‌مان،‌بر‌علاوه‌ان‌سان‌که‌ب‌یندمی‌پس"  
 تعمید،‌غسل‌مورد‌در‌مثال‌چ‌ندر (2:24 ی‌ع‌قوب) "گ‌ردمی‌رس‌تگار  
 به‌پ‌اسخ؛" "ب‌کند" ب‌اید‌چه‌شدن‌رس‌تگار‌ب‌رای‌که‌پ‌رس‌می‌مؤمن  
 و 2:37 ر‌سولان‌اعمال) ب‌رداشته‌در‌را‌تعمید‌غسل‌هواره‌پ‌رسش‌این  
 لازم‌نشانی‌تعمید‌غسل‌"عمل‌ان‌جام" بنابر این (16:30 و 10:6 و 9:6  
 و‌خدا‌ت‌وسط‌ما‌شدن‌رس‌تگار‌عمل‌نهایتاً‌است‌رس‌تگاری‌به‌ما‌ای‌مان  
 و‌ت‌وبه‌جهت‌عم‌لی" هم‌ما‌که‌است‌لازم‌اما‌پ‌ذیرده‌می‌ان‌جام‌مس‌یح  
 به‌رجوع 26:20 ر‌سولان‌اعمال). ده‌م‌ان‌جام‌آن‌به‌ای‌مان‌و "اس‌ت‌غ‌فار  
 مرقس 16:15.16)

از ما ب‌خشش به "گ‌ناهن شدن شدت" اصطلاح که گ‌ف‌تیم پیش‌تر  
 متون، از ب‌رخی‌طبق‌بق‌دارد‌ا‌شاره‌ما‌تعمید‌غسل‌دل‌یل‌به‌خداوند‌طرف  
 اعمال) شودمی‌می‌سرت‌وبه‌و‌ای‌مان‌کمک‌به‌گ‌ناهن شدن شدت  
 در و؛ (1:16 اش‌عی‌یا و 4:14 ارم‌یا و 7:14 اش‌فهمک و 22:16 ر‌سولان  
 ماگ‌ناهن شدت‌تن‌به‌قادر‌ت‌نهایی‌به‌ی‌ک‌تا‌خداوند‌دی‌گر‌ف‌نونی  
 (6:11 قرن‌ت‌یان‌اول و 51:2.7 مزام‌یر و 16:9 حزق‌یال). گ‌ردمی‌معرفی  
 خود‌ن‌قش‌تعمید‌غسل‌با‌ما‌اگر‌که‌ده‌می‌ن‌شان‌خوبی‌به‌ن‌ک‌ته‌این  
 عمل‌بنابر این شدست‌خواهد‌را‌ماگ‌ناهن‌نیز‌خداوند‌کنیم، ای‌فارا

که (نامس تحقق به لطف) الهی موعود فی بیض به دست تریابی ت عمید غسل دارد حیاتی نقشی شده، پ یش نهاد ما به خدا کلام در

دوباره ت عمید غسل: انحراف

می "ت عمید غسل" نوعی که چه آن انجام از پس اف راد از برخی ک لیسایی در املک غسل یا کودکی هنگام در آب پاشیدن) دانستند، دهند نمی نشان چندان ت مایل مجدد ت عمید غسل به دیگر (دیگر انجیل به واقعی ایمان و توبه بایده ت عمید غسل از پیش و یکن فقط ت عمید غسل (16:15.16 مرقس و 2:38 رسولان اعمال) شود حاصل از پیش امور این که است حقیقتی و پذیرفتنی هنگامی متی آیات در. شود انجام صحیح رتیب ت به و آب در فرورفتن هلی آموزه تفسیر شدن با هر چه از پیش ت عمید غسل 28:19.20 انجیل درک یاتوبه به قادر کودک یک. شود می دانست مرتبط مسیح رود نمی شمار به ت عمید غسل اصلاً آب پاشیدن هرحال در نیست؛ ت عمید غسل نای اما رود، می فرو آب در شبرجه از پس شناگر یک هین است نداده پاسخ حقیقی انجیل به آگاهانه فرود که چنان نیست، دروغین ای آموزه به اما رود، می فرو آب در که اف رادی مورد در نکته ت عمید غسل اما اند، فرورفتن آب در آنها است؛ صادق نیز دارند ایمان اندنیافتن

که هلی آموزه از واحد ای مجموعه یعنی دارد، وجود "ایمان یک" تنها غسل نوع یک" ت نهان نتیجه در دهند، می تشکیل را حقیقی انجیل ایمان "آن که سبب از پس که ت عمیدی غسل همان دارد، وجود نیز "ت عمید یک یعنی) بدنی یک اعضا می، ما" پذیرد می صورت "واحد ایم، شده امید دعوت یک به رسیدن بر ای ماهه... (واقعی ک لیسایی یک فقط ما بر ای است دیده ت دارک ما بر ای خدا که جلالی آن به هی عن بر خلاف (4:4-6 اف سس بیان) "دارد وجود ت عمیدی یک و ایمان یک خداوند، در خدا پادشاه دریافت به اع تقادای نکه بر مبنی اف راد برخی عقیده مخ تلف راه دو است، یکسان عمل در و اهیت بی بهشت در یا وزمین مسیح پس دارد، وجود "خدا یک" فقط ندارد وجود رسد نگاری بر ای راستین هلی آموزه ت عمید غسل هنگام اگر نتیجه در نیست خدا درک را غیره، و مسیح، و خداوند ماهیت خداوند، ملکوت به مربوط است بوده با قداع تبار ما "ت عمید غسل" آن باشد می، نکرده

توبه خواست می آنها از کرد، می فرو آب در را مردم دهنده ت عمیدی حی لوقا و 1:4 مرقس) آموخت می مسیح یاره در مطالب بی آنها به و کزند، 5-19:1 رسولان اعمال آیات ن بود کافی این حال این با (1:77)

ب و د، داده ت عم يدي ح يي كه اف رادي از ب رخي كه است اين ب يان گز  
 ناقص را هآموزه از ب رخي كه چرا شدند، مي داده ت عم يدي دوباره ب ايد  
 غسل اول بين از پس است ممكن اف راد آن ماند نماز بيز ب وندد ف هم يده  
 را اي دوباره زندگي و كرده ت و به واقعاً كه ك نيم ت صور خود ت عم يدي  
 يك" به نياز عمل اين اما باشد، هم ينطور است ممكن. اي مكرده آغاز  
 ايمان" اجزاي ت مامي درك از پس ت نها كه را "(حقيقي) ت عم يدي غسل  
 ك نندمي رفع گ برده، مي صورت "حدوا

## هپ ر سش: 9 ف صل

1- شد؟ رس تگار ت وان مي ت عم يدي غسل ب دون آيا

ب له (الف)

خ ير (ب)

2- معناست؟ چه به ت عم يدي غسل" يواژه

ت عم يدي (الف)

آب پاشيدن (ب)

ايمان (ج)

آب در رفتن (د)

3- شوي م؟ ت عم يدي غسل ب ايد وقت چه

ت و به و انجيل آموختن از پس (الف)

نوزادي زمان (ب)

انجيل به شدن مند علاقه از پس (ج)

ك لپ سايي ف رقه يك به پ يوسدن هنگام (د)

4- پښو نډېم؟ مې که به ته عميد غسل با

دهمي غسل را ما که کله سپايي (الف)

خداوند کلام (ب)

مسديح (ج)

القدسروح (د)

5- افا ندمي اذ فاقبي چه ته عميد غسل از پس

شوي ممي ته بديل ابراهيم ذريه به (الف)

شدن خواهيم گناه مرتکب ديگر (ب)

رسد ممي مطلق رسد تگاري به مطمئناً (ج)

شودمي به خشوده مانگ ناهن (د)

6- شوي د؟ داده ته عميد غسل خواهيدمي آيا

به له (الف)

خير (ب)

# مسح آغوش در زندگی: 10 فصل

## انجیل مطالعه 10-1

زندگی هان یا "تقدس راه در رشد" صحبت با ایدمات عمید از بعد و 8:1 و 6:22 رومیان) به کشیم پیش را جسم جایی به روح تأثیر تحت راه در رشد ما که است خدا کلام به وفای طریق از (5:16.25 غلاطیان ما راهنمای روح که ایم دیده (15:7.8) یوحنا) به خشمیم تحت حق را تقدس از زندگی تمام در بایداست کلام در خداوند روح که معنا بدین است. به ماندیم نزدیک کلام به مقدس کتاب دائم مطالعه و پیروان طریق

و به فهمد را تعمید لزوم انسان که شود می باعث کلام دقیق بررسی را ما اعمال کلام، بگذاریم که فرآیند این بدهد انجام آن نتیجه در داشته ادامه باید به بخشد جهت را زندگی بمان و ده قرار تأثیر تحت می خداوند کلام از اطاعت راه در قدمین اول فقط تعمید ولی باشد در را خطر این انجیل اولیه تعالیم و مقدس کتاب با آشنایی باشد قرار تأثیر تحت را مادیه مگر کلام، شود باعث است ممکن که بر دارد ما روی عملی اثر این که بدون را کلام توانیم می حالات این در بدهد عاقلاً نه دلایل همین به (که نید مراجعه 2 ضمیمه به) بخوانیم بگذاریم، چشمانم": بخوانیم کوتاه دعایی مقدس کتاب مطالعه از قبل که است مزامیر) "به بدینم را و کلام انگیزش گفت حقیقت تا بگشارا (119:18)

و آن به اتکاء البته و باشد ما روزانه غذایی مانده باید خداوند کلام واقعی غذایی به مازیزی میل از احتیاج بایدان به ما طبعی باشد تیاق سرپیچی او فرامین از": یوداین ایوب احساس باشد بیشتر هم آرمیا (23:12 ایوب)". امزموه حفظ سینه در را او کلمات و امز کرده که توست کلام ده، می تحمل و تاب من به آنچه": داشت را احساس بین می خرم و دشامرا اندوهگین دل تو کلام است من گرسنه روح خوراک خواندن برای خاص زمانی تخصص باین (15:16 آرمیا)". سازد باشد می روزمره زندگی برنامه در حیاتی عوامل از یکی مقدس کتاب باعث صبح روز هر دقیقه 30 مدت به مقدس کتاب وقت فیه مطالعه عادت هاگ و نه این زمانیم شروع سلام روانی باراروزمان که شود می برابر ارزشی داور روز در شود، می ایمان گرفتار تن شکل باعث که داشت خواهند طلا

از قسمة تهايي ت نها خواندن در ما ط ب يعي ت مايل از ج لوگ بري ب راي اي ب رنامه christadelphians با شد، مي جالب ما ب راي كه مقدس ك تب ت ه يه قابل آن نا شران از ك تاب اين) "مقدس ك تاب ه راهي" نام ب ه ب خشهاي از مشخصي ت عداد ب رنامه اين در .اند كرده ت ه يه (است اين طي در جدي د عهد ن ت يجه در و شود مي خوانده روز طي در ان ج يل ما در حال يكه . شونذمي مرور سال در ب ار 1 ع تيق عهد و ب ار 2 خواندن هزاران اي نكه دانست ب امان رود يه خواند يم، مي را ب خشهاروز ب ه روز . شومدي ت قويت با شندمي ب خشها ه بين نذنخوا در حال هم دي مگر مؤمن ف وري ارت با طيك ك نيم مي ملاقات راي كني مگر موقع ه ب ناب راي ن ما مكالمات اساس ب ايد خواند يم اخيراً ما كه ب خشهاي ي .ك نيممي احساس دهند ت شك يل را

## دعا 10-2

مي كردن دعا شود گ رف ت ه پ يش ب ايد كه دي مگري ح ياتي ت مري ن دارد وجود ان ساتي مردم و خدا ميان" آيه ي ادوري طري ق از پ ولس با شد ب ه "كرد ب شريت ت مام ف داي را خود جان كه مسيح ع يسي ب نام خدا رسول ب عنوان من": ياب دمي دست مسيح اعمال درك عملي ن ت يجه اي شان ب ه و ب رسانم يهوديان ب غير را ح ق يقت ت ام شده ان تخاب (اول) "ب خشمي نجات ي مان راه از را ان سان خدا چ گونه كه دم ت علم يم نيست، ب يخر ما ضع فهاي از اعظم كاهن اين" (2:5-8 ت يموت ائوس در زانو ب ه هم ي ك بار ح تي اما . شد و سوسه امور ه بين در خود او زير را خدا پرف يض تخت حضور ب ه ب ياي يد پس ن كردگ ناه و ن يامد را ما خود، لطف ب ه و سازد ما حال شامل را خود رحمت او ت اب روي م (4:15، 16 ع بران يان)" ف رمايد ياري ن ياز ب ه ن گام

شخصي اعظم روحاني ي ك هان ند مسيح كه ب اور اين واقعي ت ح سد ين دعاي ان گ يزه ت و انذمي مير سانذ، خداوند ب ه را ما دعاهاي كه ما ست صرفاً ن بايد ما دعاهاي حال اين ب با .ك ندي جاد ما در را خال صانه و مس تمر غذا، از ق بل خدا شكر ب اشد خداوند از ما در خواست هاي از ف هرست ي ك را ما دعاهاي از مهمي ق سمت ب ايد غ يره و سلامت سد فر ب راي دعا دهند ت شك يل

ب ه ب ايد ن ما ي يم مطرح خداوند ب ا را مشكلات مان دعا طري ق از ما كه ه بين وجود در دن يا چ يزي هيچ) ك نيد دعا چ يزه ب راي": بدهد آرامش احساس ما



دارید لازم هرچه و (کرد دعا آن به رای نیتوان بدون كوچك به خاطر كه ندارد او از دعاها، جواب به رای كه نكندید فراموش و بگوئید خداوند به شد، خواهید مندب بهره خدا آرامش از كنید، چنین اگر بنمائید تشكر به الهی آرامش این نیست آن درك به قادر انسان فر که آرامشی آسایش و راحت تیاید، آورده ان ایام مسیح عیسی به كه شما دل و فر کرد (7،6:4 فیلپ بیان) "ببخشید خواه

خواهیم حاجت مان به حتماً باشد، خداوند اراده مطابق ما دعاها را اگر خداوند کلام به رر سی طریق از تیران می ما (14:5 یوحنا اول) رر سید به فهمیم را خداوند اراده سازد، می آشكار به مراما وی روان كه دعا چگونه كه دهته علم ما به به ای دمقدس كه تاب همطالع به ناپراین خواهی وی دعا مان نتیجه در و به خواهیم چه یزی چه دعاها مان در و كنیم هرچه كنید اطاعت من کلام از و به مانید من در اگر" به ناپراین به ود دعاها از زیادی مثالها (7:15 یوحنا) "شد خواه داده شما به به خواهی چند (10:6 دانایال و 164:119 مزامیر) است آمده سمقدك تب در عادی دعاها حداقل واقع در شب و صبح دعاها و شکرگزار کوه راه دعاها به باشد می لازم

### موعظه 10-3

ممکن واقعا خداوند شناخت اثر در كه ها و سوسه به بزرگترین از یكی رابطه از تیران می ما به باشد می روحی خودخواهی به بیاید، پیش است مطالعات در چنان و شویم خرسند قدری به خداوند به امان شخصی کردن سهیم از كه شویم غرق معنویات و مقدس كه تاب شخصی خودداری آن در اطراف مان، ذیای هم و مؤمنان دوستان هم دیگران، شود می یافت آن در كه واقعا انجیل های گفته و خداوند کلام بنماییم شده تیشد به كنند می نورافشانی تاریکی در كه پرتوی یا چراغ به كه كسی است شده متذکر عیسی (18:4 امثال و 105:119 مزامیر) است به را آن به لكه كند، نمی مخفی سطل زیر را آن دارد را نوری چنین چون "باشید می جهان نور شما" (15:5 متی) بگزارد می عموم دید معروض در و شده به ناهلته به بر كه هست تیشد شهری همچون شما" اید شده تیشد (14:5 متی) "ببینند می آن در هه و درخشند می شب

كنیم، زندگی ایام کرده درك كه ایواقعا انجیل طبق به واقعا ما را رساند خواهی بودا كنند می زندگی ما با كه به ررسانی ما تیشد مقدس

راهبانی از و ملکوت شوق به که را واقعیت این ت و اندست نخواهیم  
نماییم پنهان ایم شده جدا دنیوی

ت ماس در آن اند که با را واقعیت آنها معرفت صدیح روش با با ای دما  
معنوی، صدبتهای به مکالمات بر گرداندن نماییم تقسیم هس تیم  
رساله پخش دیدگر، کلیسای اعضای با تعالیم مورد در کردن بحث  
راهبانی تیمی محلی عمومی هلی رسانه در کوچک هلی آگهی دادن حتی و ه  
کنیم فکرنه باید دما به خدشیم پرت و رانورمان ت و اندیم می که هس تند  
هر ما به گذاریم مؤمنان دیدگر عهده به را شهادت وظیفه ت و اندیم می که  
هلی گ روه با مقایسه در باشد می شخصی مسؤل بیت یک دارایی یک  
دید ت دارک را بزرگ مقیاس در موعظه Carelinks از کمی تعداد دیدگر،  
آید برمی دستمان از که همکاری خودمان شخصی بیت با و هویک ما اند  
میدهیم انجام

در آن اند که و مان خان واده به با اورهلی مان ت و ضدیح طریق از موعظه  
باشد می روشها کاراترین از یک هس تند ما با مس تقیم ارتباط  
را با اورهلی شان واضح بطور باید ندارند ایمان دوستان شان که آن اند که  
دادن ادامه شد انجام عمل این وقت ت ال به ته دهند ت و ضدیح آنان براری  
خداوند باشد نمی ای عاقلانه کار شخص گ داشت تن فشار تحت و بحث  
که است این ما وظیفه با یورد ایمان فشار تحت کسی که نمی خواهد  
واقعیات بر بدهیم ال عمل عکس میزان به زیادی اهریت این که بدون  
داریم شهادت این انجام براری بزرگی مسؤل بیت ما دهیم شهادت  
نیز ن فر دو" با از گرد ما حیات زمان در مسیح اگر (17:3-21 حرقه یال)  
لوقا) "مانند خواهد دیدگری و شده، برده یک می کند، کار مزرعه در که  
با از گشت به راجع ما اگر و بیافته، اتفاق این اگر ال به ته (17:36)  
شدیم بان کرده صدبت هکارهلی مان و مان خان واده با سرورمان مجدد  
باشد می عجب

## کلیسا آغوش در زندگی 10-4

شخصی معنوی مسؤل بیتهای به راجع مطالعه این در تاکنون  
در که دیدگران با که داریم وظیفه حال این با ای مکرده صدبت  
موضوع این هم با از و باشد تیم داشت ملاقات هس تند سهیم ما میدهی  
ما باشد تیم داشت نه آن به طبعی باشد تیاق ما که باشد چیزی هان با ای د  
طرف به و بیابان در سفر واردت عمید به عدا که ایم داده نشان

هر اهنگمان با باشد ایم مایل که است طبعی امر این . شویم می ملکوت مسیح بازگشت از قبل آخر روز هلی در ما باشد ایم داشته ارتباط این در که ای پیچیده آزمای شهای بر غلبه بر رای که نیم می زندگی هان در که اف رادی با داریم احد تیاج شویم، می مواجه آن با دوران حضور از بر خی، مانند هچنین: "که نیم دوستی دارند قرار و وضعیت رای کدیگر ب لکه نشوید، غافل که لیسایی عبادت مجالس در نزدیک مسیح بازگشت که روزها این در بخصوص کنید، ت شویق مؤمنان با نابراین (3:16 ملاکی به رجوع 10:25 ع بران بیان) ". شود می و نامه طریق از ی کدیگر با تاگ یزند ب کار را خود ت لاش باید در هدیه گر کردن سهیم بر رای و ی کدیگر ملاقات بر رای مسافرت کردن، موعظه فعالیتهای و مذهبی مراسم اجرایی مقدس، کتاب مطالعات باشد ارتباط در

که لمه . شدید و اندهف راخ دن یا از ملکوت والای امید بر رای شخصاً یک هر ما به را آن ت وانمی و می باشد شده ف راخوانده ان سان معنای به "روحانی" در مطرح مؤمن چند به متعلق ف قط و داد نسبت واقعی مؤمنان تمام ترجمه که لیسای به مقدس کتاب در که ی و نانی که لمه باشد نمی گذشت گان ف راخوانده انجمن معنای به که باشد، می ecclesia ان گ لیسایی شده گ روه معنای به به ی شد ترک لیسای با نابراین . است مؤمنان هان یا می ملاقات رای کدیگر آن در که ساختمانی نه و باشد می مؤمنان و از این از است فاده در سوءت فاهم از جلوگیری بر رای نماید اند است ت فاده ecclesia که از که لیسای که لمه بجای که دارند ت مایل Carelinks نماید .

باشد، داشته وجود خاص مدله یا شهریک در مؤمن دیت عدا هرگ اه تعریفین ی کدیگر مس ترم ملاقات ی بر را مدلی که است منطقی شده اجاره سالن یک یا مؤمنان از ی کی منزل ت واندمی محل این نماید اند قبیل از اماکنی در دن یا سراسر در Carelinks هلی ecclesias باشد منازل یا مشخص هلی سالن ها، هتل که ن فرانس سال نهایی اجتماعی، مراکز که است این ecclesia یک هدف . که ندمی ملاقات رای کدیگر شخصی به جمعی شهادت و مقدس کتاب جمعی مطالعه طریق از را اعضایش آوری جمع موعظه، با واسطه نورشان پرتو و افشانی طریق از دن یا نماید .

ذیل شرح به باید Carelinks ی ecclesia یک بر رای معمول بر نامه یک باشد :

نان ت قسیم بر نامه صد بح 11 ی کشدن به

## عمومي موعظه فـ عالـ يـ تهـايـ عـ صـ 6

مقدس ک تاب مطالعه شب 8 چهار شد نه

عضو هو منسجم، جامعه هو در بـ اشد مي خدا خاد واده از بـ خشي ecclesia مثال مسيح خود بـ اشد فـ روتن و حساس ديـ گران به نه نسبت بـ ايد اشدكارش معنوي بـ و دن مافوق غمر علي بـ و در فـ تار اين از اشدكاري در هنگام يکه را حواريون پـ اهلي و کردمي رفـ تار عموم خدمت گزار ماندند مي مجادله است ايد شان به ترين ک سي چه ايد نکه بر سر خود شان بـ بين خود الـ گوي روش اين در را وي که خواهد ما از مسيح شدستي کردند (28-20:25 متي و 13:14:15 يوحنا) دهيم قرار

کلام پـ ايه بر اشدكارا بـ ايد شود مي داده ecclesia در که ميـ تعالي از واقع در ک زندمي سخنراني ecclesia در ک سان يکه بـ اشد خداوند اين از ک زندمي منعکس را خداوند وي، طرف از کردن صديت طريق بـ رادران فقط که شوممي بـ رداشت مي بـ اشد مذکر خداوند که مطلب اول آيه دهند انجام خداوند کلام طابقم را مردم هدايت بـ ايد مسيحي جلسات در زنان": است گـ فـ ته را اين سادگي به 14:34 قرن تيان اول آيات "بـ گويـ ند سخن بـ ايد آنها بـ اشدند ساکت بـ ايد نسبت به شت باغات فاقات به را اين دل 15-2:11 تيموتائوس به کفـ اين بـ ايد زنها پس آموخت، راگـ ناهکاري آدم، به حوا چون ميدهد آفريد حوا از قبل را آدم خداوند که اصل اين بـ دهند تعاليمي مرده قرن تيان اول) "کـ نـ اطاعت خود شوهر از بـ ايد دزن هو" که ميدهد نشان رهبري رازن بـ ايد مردروحي و معنوي نظر از بـ ناب راين و (11:13 يوحنا) بـ الـ عکس نه و نمايد

به کامل اعتنا بـ او سکوت در بـ ايد دزنان": مسائل اين تمام بـ خاطر مردان به زنان هم نمي اجازه بـ پردازند روحاني مسائل فراگيري کـ لـ يسا جلسات در بـ ايد دزنان شوند مسلط آنان بـ ريا و دهند ياد چيز بـ بعد و آفريد در آدم نخست خدا که است آن امر اين علت بـ اشدند ساکت فـ ريب حوا بـ لکه خورد، را شيطان فـ ريب که نه بود آدم اين و را حوا ساخت، دچار زاي مان درد به را زنان خدا جهت، اين از بـ کردگـ ناه و وردخ بـ يش در پـ اكي و محبت بـ او آرام زندگي و آورند ايمان او به اگر اما (15-2:11 تيموتائوس اول) "داد خواهد نجات را ايد شان روح گـ بـ رزد،

را جدايي و خاص نشهاي مقدس ک تاب که شوممي مشخص امر اين از زن به خاصي موارد در است کرده مشخص مرد و زن و منانم بـ را

اول). که نداری خانه و شود دارد چه کند، ازدواج که شده داده دست تور خانه آنها معنوی تلاش میده که میدهند نشان این (14:5) تیموتاوس باشد می مرد عهده به ecclesia عمومی کارهایی بنا بر این و باشد می زن یک آن طی که مرد، وزن برابر ری مورد در ب شری تئوریهای با این گرفتار خانواده بدوجه مدیریت از نظر، هر از تو اند می شاغل متعهد تضاد نماید، را شوهرش با برابر ری ادعای مردانه، لباس پوشیدن تا اسباب یک بصورت بد چه کردن متولد که آید می نظر به دارد زیادی از سطحی اهداری بنگ لزوم بصورت که است شده تبدیل زحمت می نگاه آن به خودخواه و مادی کاملاً بیای یک در اساسی بهداشت ولی کرد، خواهند اجتناب روزگار جنبه این از واقعی مؤمنان کند باشد می لازم توازن نوعی برقراری هیشمه مثل

داشتند دوست را و باید بد لکه باشد، هسرش سرورن باید شوهر ای شما و" (25:5) اف سدس بیان) داشت دوست را محمسی که هانطور باشد، اد ترام بات و ام و ملاحظه با باید ده سران تان بارف تارتان شوهران، فراموش ضمن در هس تند شما از ترضعیف ای شان چون باشد، "باشد می الهی برکات و روحانی زندگی شریک ای شان که نکند (3:7) پطرس اول)

نمای می مساوی رازن و مرد سبج نام به تعهد روحی، نظر از اصل این حال، این با (11:11) قرن تیان اول به رجوع (28:27:3) غلاط بیان) (3:11) قرن تیان اول) "کند اطاعت خود شوهر از باید دزن هو" که واضح نمی قرار تأثیر تحت، ecclesia و خانواده در روانی و عملی مسائل در برگیرد

هنگامیکه باید مؤنث مؤمن یک اصل این تشخیص دادن نشان بر ای این به پوشانند را موهبتش باشد می خداوند کلام تعالیم در حال بر اداری یا کلاه یک ecclesia جلسات تمام در باید دزن که معناست بدان عمل در از باید مرد و زن بدین نقش تفاوت باشد بر سرداشته روسری تا یک بد کند، می درست را موهبتش نشان مردان و زنان که ای نحوه طریق با ای، جلسه در زنی اگر هچنین" (15:14:11) قرن تیان اول). شود آید به توجه با شوهرش یعنی سرش به کند، نبوت دعای سرب رهنه را خود اطاعت سرخود، پوشاندن بازن زی را است، کرده اد ترامی بی (3) باید بد پوشاندن، را سرخود خواهد نمی زن اگر بدهد می نشان شوهرش از باید بد پس کشد، می خجالت عمل این از اگر و بد تراشد، رارش موی دهد تان شان بد پوشاندن را سرخود باید دزن پس بد پوشاندن را سرخود (10، 6، 5:11) قرن تیان اول) "باشد می شوهرش مطیع که

## ذنان شدک سد تن 10-5

یاد به شراب نوشیدن و ذنان تقسیم در مسیح دس توران از اطاعت می‌حیات می‌امری مقدس کتاب خواندن و کردن دعا کار در فداکاریش من به یاد آوردن به خاطر را عمل این: "است داده دس تور عیسی به باشد تا طرف دارانش که به و داین وی آرزوی (22:19 لوقا)". دهید انجام آنها به شراب و ذنان در تو اند می‌وی زمان یک و مسیح مجدد به ازگشت لوقا و 11:26 رن تیانق اول). دهند انجام مرتباً را کار این به باشد، سه می (18-22:16)

شراب و شدک شده صل‌یب به که است مسیح به دن دهنده نشان ذنان که می‌اید نظر به (27-11:23 قرن تیان اول) است وی خون دهنده نشان (2:42.46 ر سولان اعمال) دائم طور به را کارها این اول به آوردن ذنان ایمان ما اگر (20:7 ر سولان اعمال) می‌داند انجام به بار یک ای‌هفته قاعدتاً و ک‌نیمی اطاعت را وی دس تورات باشد می‌داده دوست واقعا را مسیح داشته وی به آراستی‌نی شخصی را به طه ما اگر (14-15:11 یوحنا) خودش که همان طور فداکاریش که به و خواهیم شد تا ق باشد می، به آرا به در را خودمان نتیجه در و باشد می‌داده به و خواسته به شوینق یافت، دست آن به که به زرگی رسد تگاری آوردن یاد به که شده صل‌یب روی وی که عذاب می‌مرور و سکوت ای‌حظه نمایم و ارزش بی‌ک‌شده وی که هلی‌سختی مقابل در را آزمایشات می‌دهد جلوه کم‌رنگ

ال‌عاده خارق‌اتفاق هیچ است یادآوری به رای عملی اساساً ذنان تقسیم ضد یافت همان ماند کار این داد نخواهد رخ عمل این انجام چندتی در ای این (5:7.8 قرن تیان اول و 22:15 لوقا) می‌باشد موسی دس تورات از خدا که مصر از اسرئیل به نی به زرگ رهائی یادآوری به رای ضد یافت مراسم به شد می‌فرستاد، نیرو سرخ در ای در و موسی طریق مسیح طریق از گناه از رهلی‌یمان به و گ‌ذشته به را ما ذنان تقسیم می‌مرد و آن به تعمید طریق از و شود می‌مکن صل‌یب روی که ما که باشد عملی به یاد امر این از اطاعت به نابراین به رد می‌شویم، دهیم انجام به خواهیم طبیعتاً

تمام ال‌به‌ته و مسیح عشق فیزیکی نظر از شراب و ذنان از اس‌ت‌فاده به نابراین به یوندمی واقعبیت به را ما رسد تگاری به مرد و ط‌مسائل

و ضعیفیت از ما که دهیمی نشان ی که بار ای هف ته صورت به زبان تقسیم  
 همراه کار این ت و اندنمی فردی اگر. هس تیم به رخوردار سالم روحی  
 که چرا دهه انجام ت نهایی در را عمل این به ای ددهه، انجام مؤمنش دوستان  
 اطاعت امر این از که به گ یرد ار ماجلوی تان یست ای بهانه هیچ  
 ه یشه مراسم این به رای که به کنیم را ت لاشمان ت مام به ای دما بنماییم  
 نداشتن حتی خاص شرایط در ال به ته به ایم داشت ته شراب و نان  
 مسیح به یاد به روش به ترین به ما که شود این مانع نه باید داینها  
 ما پس کرد، اسد ت فاده (22:18 لوقا) "میوه شراب" از مسیح به ایم  
 کنیم اسد ت فاده سرخ اندگور شراب از به یاد

به بزرگ ترین گنشد تگی خود از و مسیح عذابهای از عبرت گرفتار  
 از برندن بهره. شود مردی از نیک نصیب ت و اندمی که است اف تخاری  
 نهایت میدهند نمایش آنچه به نسبت نادرست ت وجهات طریق از آنها  
 نان این که هوبار ب، ترتی به دین": است ای نظورآمده و باشد می که فر  
 اعلام را حقیقت این واقع در نوشید، می پی یاله این از و خورید می را  
 ... است کرده دارا خود جان شما، نجات به رای مسیح که کنید می  
 از و خورد نان این از ناشایست رفتاری به کسی اگر به ناپراین،  
 بی مسیح عیسی خداوند مان خون و بدن به بنوشد، پی یاله این  
 اول) "است شده گناه مرتکب آنها به نسبت و کرده رامیاحت  
 و زمان در به یاد نان تقسیم عمل به ناپراین (27، 26:11 قرن تیان  
 منقطع و گسیخته نظر هیچ از اف راد اف کار که گ یرد انجام مکانی  
 اتاق در شب یازود صبح را عمل این به یاد کار این به رای بنگردد  
 که شده پی یشنهاد ما به و ددا انجام دی گری مناسب مکان یا خواب  
 تا کندام تحان را خود وقت به آئین، این در شرکت از پیش شخص"  
 اول) "نه یا دارد ران در شرکت به رای شاید س تگی آیا به بیدند  
 نگاه طریق از مثلاً راف کرمان به یاد ما به ناپراین (28:11 قرن تیان  
 از قبل اندیل، در شدن مصلوب مورد در شده تبت موارد به کردن  
 کار این انجام با نماییم متمرکز مسیح فداکاری به رکازها این انجام  
 آزمایش مورد را مسیح به نسبت خودمان وجدان مسلماً مسیح روش به  
 داد خواهیم قرار

می باشد ذیل شرح به زبان تقسیم انجام به رای مناسب ترتیب یک

ما ساختن متوجه جلسات، در خدا از آموزش ت قاضی - کردن دعا 1-  
 مؤمنان، دی گراحتیاجات آوردن به به وی، کلام درک به ارباطه در  
 به که ای علاقه خصوصاً ما، به اش علاقه سبب به وی ستایش  
 دی گرا خاص موضوع هو مورد در کردن دعا و داد، نشان مسیح فرستادن

2- ک تاب هراهي " در که آنطور روز طي در مقدس ک تاب خواندن  
است شده مقرر " مقدس

3- مطالعه - ن صحت يک خواندن يا آنها ع برت درس به مرکزت  
يا خدمت مان نيات طرف به را ما که به خشهاي ي با راب طه در مقدس ک تاب  
ک ند مي راهنماي ي مسيح، ي ا آوردن به هان

4- 29-11:23 قر ن تيان اول آيات خواندن

5- سکوت مدتي ي با خود آزماي ي

6- نان ي راي کردن دعا

7- آن از کوچکي ت که خوردن و نان ت قس يم

8- شراب ي راي دعا کردن

9- شراب نوشيدن

10- پايان ي دعاي

انجام يده خواهد طول به ساعت يک از به ي شد تر کمي کارهاي ن تمام

ازدواج 6-10

تعميد زمان در که اف رادي موقع بيت گ رفتن در نظر با راب خش اين  
از م تلاهاي ي شامل که م تعددي هلي ن و شد ته ک نيمي آغاز هس تند مجرد  
مجرد که را اف رادي که دارد وجود باشد، مي دي گران و پ و لس مسيح،  
م تعهد ي راي را مان دن مجرد مس ن له حداقل که ک نند مي ت شوي ق هس تند  
قر ن تيان اول) ي گ يرن دن نظر در سرور شان کارهلي به خود کامل کردن  
و 19:11.12.29 م تي و 2:4 ت يموت ائوس دوم به رجوع 38-7:32 و 9-7:7  
مرت کب گ ناهي ک نيد، ازدواج داريد ت ص يم شما گر الم" (9:9 جامعه  
اول) ي و دند م تأهلي حواري ون از به س ياري (7:28 قر ن تيان اول) "اي دن شده  
هلي سود آوري ي راي دارد نظر در خدا که آن گونه ازدواج و (9:5 قر ن تيان  
و عهد به و خود ازدواج به" است شده ري زي طرح روعي و ج سمان ي  
از راتان زنا شوي ي پ يوند و باشد يدا روف اي دب س ته که پ يمان ي  
انسان ... که ن يست شاپ سه" (13:4 ع بران يان) "داريد دن گاه آلودگي  
حالات از بالا اي مرحله به را خود به تواند که اين مگر" ي ماند ت نها



(18:24-2) پیدایش). نهاد بد نارا ازدواج خدا بد ناب رای ن بد رساندد، روحانی زن آن یابدمی نعتی کندیم پیداهسری مردی وقتی" بد ناب رای ن خداوند بد خشش عاقل زن... خداوند جاذب از است بد رک تی (14:19، 22:18 امثال) است.

بد یوزد از خارج جنسی تمایلات در افراط که است این هآیه این مفهوم جنسی روابط) زنا مقابل در تذکر. شودمی محسوب زنا زنا شوی، محسده زنا، (تیس تند زنا شوی پی یوزد دارای که اف رادی بد بین هو و اندکرده ازدواج دیگری فر د با که ن فر 2 بد بین جنسی روابط) است شده مشاهده زیادی میزان بد جدید عهد در غیر اخلاقی کار نوع این از بد رخی نیل هآیه بد شدمی تذکرات این حاوی هنامه تمام تقریباً اول و 1:29 رومیان و 15:20 رسولان اعمال: بد شدندی تذکرات و 5:19 غلاطیان و 12:21 قرن تیان دوم و 10:8 و 9:6-18 قرن تیان اول و یهودا هفتم آیه و 4:3 سالوند یک تیان اول و 3:5 اف سدسیان (21:2 مکاشفه و 4:3 پطرس)

. شودمی تذکر رابی هجنس گناه 2:24 پیدایش آیه اساسی اصل. شوند پی گانه هم با و ک نند ازدواج هم با زن و مرد که بد وده این خدا نیت. ک ندمک آدم بد که (کرد خلق را دیگر مردیک نه و) زن یک خداوند گرفت ته قرار نهی مورد مقدس ک تاب در مکرراً مرد ه بد بین جنسی روابط و 18 هلی بد اب پیدایش) رفت بد بین از گناه هین بد خاطر سدوم. است اعمال این بد ر اصرار که است گف ته واضح خیلی نبی پ ولس. (19) می ن صیب بدی خداوند ملکوت از فر د آن و دارد هراه بد ه را خدا غضب ماند.

(10:9:6) قرن تیان اول و 18:1-32 رومیان)

دیگر که ن یست معنای دان باشد بیم زده کار این بد دست زمانی ما اگر آنا که و است بد خشنده خدا. ماند خواهیم ن صیب بدی خداوند کمک از اح ترام خداوند بد ه ای دب نمای ندمی تجریه راوی بد خشایش هم زیادی تعداد دارای corinth در واقع ecclesia (4:130 مزامیر). بد گذارند گ نشد ته، در شما از بد عضی". بد و ندد کرده توبه که بد و بد از جنس شد س ته گ ناهن تان اک نون اما داشتید، آودی گ ناه زندگی چینی شده او پ سدند مورد و خدا وقف شما و، (تعمید بد و س یله) شده روح قدرت و عیسی ما خداوند کار اژ در این و، (تعمید بد و س یله) دای (9:6-11) قرن تیان اول). " شد میسر القدس

## مشارکت 7-10

و ضعیت اساساً شدند ت ترجمه "هدلی" و "رفاقت" به که یونانی کلمات  
نمایند می تو و صیف را مشد ترك ات حاد هان یا مشد ترك چ یزی داشت تن  
و دانستن طریق از است مرت بطردنك مكالمه ك لمه به مشد ترك ات حاد  
طریق از که دید گری اف راد ت مام و وی با ما خداوند ك لام به کردن عمل  
گرفتند نادیده هس ت بمر ف بقی میدهند ان جام را اعمال این "مسیدیت"  
آسان داریم دید گران با رفاقت با رابطه در ما که مسؤل یتهای ی  
غافل (اقترف یعنی) نیازمندان به كمك و نیکوکاری از: "است  
در رفاقت" به راجع 1:5 فیل ی پ بیان آیه (13:16 عبرانیان) "نشوید  
تعالیمی مرفاقتیهای زیرب نایب نابراین كند می صحتبت" انجیل  
که رفاقتی دل یل هین به دارند بر در را واقعی انجیل که هس تند  
كلیسای ی یا مؤسسه هر از ف راتر می برن د لذت آن از واقعی مؤمنان  
که كند می طی را زیادی مسافتهای رفاقت هین با خاطر باشد می  
باید ممکن جای هر در و كند ملاقات را ت نه مؤمنان دید گری و ی كدی گری  
در پولس ب نمایند نگاری نامه و ت ل فنی ت ماس از را است فاده نهایت  
هان یعنی (2:1 فیل ی پ بیان) كند می صحتبت "روح رفاقت" مورد  
در که هان طور خداوند روان و روح از ام اطاعت هان پایه به ر که رفاقتی  
باشد می است، شده مشخص ك لامش و روح

به نان ت قدسیم مراسم اجرای رفاقت هلی نشانده بزرگترین از ی کی  
و دادند می رسولان که تعالیمی در "اولیه مؤمنان است گروهي صورت  
کردند می شرکت مرتب داران ایمان سایر با دعا، و خداوند شام آن در  
با او شدند، می جمع خداوند شام برای هخانه در مرتب روز هر و  
اعمال) "خوردند می هم با داشت تند هر چه شکرگ زاری و خوشحالی  
کزیمر محور نمایان گری که هلی نشانده در شراکت (2:42، 46 رسولان  
پایله" میدهد پیوند هم به "قل بها ات حاد" در را ما باشند، می ما مید  
می ب رکت دعای آن برای و ذو شیم می آن از خداوند شام هنگام به که ای  
در نو شد، می آن از که هکس که نیست معنی این به ایاک نیم،  
می با هم کرده، قسمت که نانی و شود؟ می شریك مسیح خون ب ركات  
شریكیم؟ مسیح بدن ب ركات در هم با ما که دهند می نشان آیا خوریم،  
که دهیم می نشان و خوریم می نان هان زا هه باشند، که هم هو قدر ما ت عداد  
قرن تیان اول) "مسیح بدن یعنی باشد شیم، می بدن یك عضو هه  
با را مسیح فداکاری هلی نشانده که موظفیم ما ب نابراین (17، 10:16  
"نان قرص يك آن در" و برزند می سود وی اعمال از که اف رادی ت مام  
تعمید مسیح نام به آنان که فقط اما نماییم، ت قدسیم هس تند، سهیم

کردن سهيم و هس تند موقعيت اين در حقيقت دريافت با شدند،  
باشدمي عبت زحمت هان شانه اين در ديگر افراد

مشترك پذيرش به مؤمنان ديگر و مسيح و خداوند با ما رفاقت  
شودنمي محدود باشدمي "واحد ايمان" شامل كه تعالى واقعي تهامي  
شده بپايان آنها در كه باشداصولي اب مطابق بايد ما زندگي روش  
اگر پس بدارد وجود او در تاريكي ايذره است نور خدا" است  
و روحاني و تاريكي در اما داريم، نزديك ايراب طه خدا با كه بگويم  
مسيح مانده نيز ما اگر اما بگويم دروغ كنيم زميمي زندگي گناه در  
نزديك ايراب طه بگويي كه بگويي خدا حضور نور در  
اول) "سازدمي پاك گناه را ما خدا، فرزند عيسي، خون داريم  
(7-1:5) و وحنا

مؤمنيك كه ياددمي پايان هنگامي رفاقت كه است مشهود آيات اين از  
كه كند زندگي روشي به ياب و بكندمذ تلف عقايد بول به شروع  
لذتهاي دنبال به "باشدمي مقدس كتاب اشكار تعالى يم خلاف مشخصاً  
انها بر شما نور بگذاريد بلكه نرويد، تاريكي و گناه ارزش بي  
بايد (5:11) اف سديان) "شود اشكار همگان بر آنها شدت تاب تاب  
چوپان كه هانطور بگذارند پاراست راه به مردم تمام كه شود سعبي  
(7-15:1) و وقتا) بود خودگ شده گوسفندت نهادن بال به

دوم آيات در رفاقت با ايراب طه در هانوشده تيري نواضح از يكي  
و پيوند ايمانان بي با "شودمي يافت 14:6-18 قرن تيان  
پيوند گناه و پاكي بين تاندمي آيا بكنيد ايجاد بس تكي  
از... دارند؟ ارتباطي كديگر با تاريكي و نور آيا باشد؟  
از را خود! شويد خارج كارانگناه ميان از» فرمايديم خدا كه اينروست  
بپذيرم را شما تا نزنيد دست ناپاك چيزهلي به! سازيد جدا ايشان  
"«امن دختران و پسران شما بودخواهم شما پدر من آنگاه

هلايه اين باشدمي نور هان خداوند كلام چگونه كه ايم داده نشان ما  
اشد تباها ليمتع كه كليساهلي باند بايد ما چرا كه ميدهندت و ضريح  
نميدانند را واقعيبت آنان كه باند بايد چرا كنيم، رفاقت ميدهند  
هنگاميكه ورزيم اجتناب دنويوي روهي از بايد چرا و كنيم ازدواج  
دختران به شدن تبديل و حساب حدي اف تخار شويم مي جدا دنيا از  
را ايراب طه هين كه جهاني خانواده يك از قسم تي و خداوند، پسران و  
"جسميك" فقط. شومني نصد يمان خواهانمان، و برادران هراه، دارن  
ببراساس كه (1:23) اف سديان) دارد وجود واقعي كليساييك يعني  
باشند، مي ايمانيك و تعميديك خداوند، يك اميد، يك داراي كه آندان

در بر را ایمان یک که واحدت عالم ایم همان یعنی است شده گزاری پدیه  
 یک" این از قسمتی فردی که ندارد امکان (4:4-6) اف سدسین) دارد  
 ایمان دارای که مذهبی هلی انجمن دی گری باحال درعین و باشد "جسم  
 تارپی کی با نور آن جای یک از باشد داشته رف باقت نیدستند واقعی  
 کنیم، ان تخاب را تارپی کی با رف باقت ما اگر ندارد، رف باقتی هیچ  
 ایم مذموده بحدسو تارپی کی پیروان زمره در را خود پیس

که است مشهود ای نک باشد یک کرده دن بال دقت با را مطالعات این اگر  
 از یا ما بداشت نخواه وجود خداوند با را بطه در ناتمامی موقعبیت هیچ  
 با یا ما بنیدستیم یا وهستیم او هراه مسیح نام به تعمید طریق  
 ویم هست نور در آن از عملی اطاعت و درستت عالمیم به دادن فراگوش  
 داشته قرار وضعبت دوه در ت واند نمی فردی هیچ تارپی کی در یا  
 باشد

مسئولیت از مشخصی درجه ما به مسائل این به نسبت ما معرفت  
 خیابان در عادی انسان یک مانند ای نک ما یک ندیمی اها را خدا به نسبت  
 تدق با خداوند نماییم نمی دن بال را مانروزانه زندگی و روی نمی راه  
 می واقعی مؤمنان تمام و مسیح و خداوند یک ندیمی دن بال را ما اعمال  
 نمایم اتخاذا در دستت صمیم که سازند متقاعد را انسان ت واند  
 شما به تا که ندیمی را ت لاشمان هه خدا، اندازه همان به هم، ما و مسیح  
 پی سرشت نهانگ داشت که خداوند مانند حد این درحتی - کنیم کمک  
 در تاخذ تارپی تصمیم به شمارستگاری نهایتاً - ب میرد ما برای  
 بدستگی شده شمارا نه به ای نک که بزرگی امید بقول با را بطه  
 دن بال را روش این و شوید تعمید که بگریید تصمیم لطفاً پیس دارد  
 بنویسد نامه شده ذکر کتاب این اول در که آدرسی به اگر نمایید  
 نمایم فراموش راه برایتان را موقعبیت این که شد خواهیم خوشحال ما

## هلی ر سش: 10 فصل

1- معناست؟ چه به تقدس

مؤمنان غیر با ارتباط نداشته تن (الف)

خداوند مسائل با شدن مرتبط و گناه از جدا شدن (ب)

کلیسا به رفته تن (ج)

دیگران به کردن نیکي (د)

می صدیچ زنان تقسیم به ارابه طه در زیر جملات از کدام یک -2  
باشد؟

دهیم انجام را عمل این هفته هو باید ما (الف)

دهیم انجام را عمل این عید در یک بار سالی باید ما (ب)

شوند می مسیح حقیقی خون و بدن به تبدیل شراب و زنان (ج)

هستند می مسیح خون و بدن دهنده نشان شراب و زنان (د)

باشد؟ می صدیچ ازدواج به ارابه طه در زیر جملات از کدام یک -3

کنیم ازدواج واقعی مؤمنان با ای د ب ف قط ما (الف)

بگردد صورت مجوز با ای د مؤمنان با رای طلاق (ب)

باقی ه سرش با ای د نیست مؤمن ه سرش که متألی مؤمن یک (ج)  
بماند

است مؤمنان نمایان گر زن و مسیح نمایان گر مرد ازدواج در (د)